

توفان
و
کنفدراسیون جهانی

دفتر اسناد
ضمیمه فصل بیست و یکم
مندرج در دفتر دوم جلد سوم

توفان و کنفدراسیون جهانی

سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان
و کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی
(اتحادیه ملی)

یک بررسی تاریخی از دیدگاه‌ها و مبارزه سیاسی

در درون کنفدراسیون جهانی

۱ فروردین ۱۴۰۴ مطابق ۲۱ مارس ۲۰۲۵

حزب کار ایران (توفان)

سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان و کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی (اتحادیه ملی)

انتشارات: از انتشارات حزب کار ایران (توفان)

عنوان کتاب: توفان و کنفدراسیون جهانی

مندرجات: یک بررسی تاریخی از دیدگاه‌ها و مبارزه سیاسی در درون کنفدراسیون جهانی

ایمیل : toufan@toufan.org

تارنما: www.toufan.org و www.toufan.de

آدرس: Postfach 1138, 64526 moerfeld-waldorf



PLI (Toufan)

فهرست

- ۱----- دفتر اسناد ضمیمه فصل بیستم و یکم
- ۲----- سند شماره ۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم
- ۲----- کنگره فدراسیون آلمان و تعیین دبیران و مواضع ما
- ۴----- سند شماره ۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم
- ۴----- گزارش مسئول "نشریه توفان" به جلسه هیات مرکزی
- ۶----- سند شماره ۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم
- ۶----- گزارش مسئول "نشریه توفان" به جلسه هیات مرکزی
- ۶----- گزارش شعبه دانشجویی به هیئت مرکزی سازمان
- ۱۴----- سند شماره ۴ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم
- ۱۴----- اطلاعیه هیئت دبیران فدراسیون آلمان در باره اختلافات درون جنبش و ضرورت تشدید مبارزات دفاعی
- ۱۹----- سند شماره ۵ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم
- ۱۹----- بحث دستور جلسه: در مورد سازمان انقلابی
- ۲۱----- سند شماره ۶ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم
- ۲۱----- دستور جلسه: طرح برنامه تنظیم شده توسط کمیسیون دانشجویی
- ۲۴----- سند شماره ۷ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم
- ۲۴----- به خاطر تحقق خط مشی رزمنده در کنفدراسیون
- ۲۸----- سند شماره ۸ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم
- ۲۸----- کار مشخص تشکیلاتی
- ۳۰----- سند شماره ۹ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم
- ۳۰----- گزارش دانشجویی
- ۳۱----- سند شماره ۱۰ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم
- ۳۱----- هیئت مرکزی سازمان توفان برآنست که سازمان انقلابی قابل اعتماد نیست.
- ۳۲----- سند شماره ۱۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم
- ۳۲----- با مهدی تهرانی در روز ۱۷/۳/۱۹۷۵ تماس گرفته شد
- ۳۴----- سند شماره ۱۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم
- ۳۴----- در تاریخ ۲۵/۳/۷۵ جلسه مشترکی بین دو نفر از سران جبهه ملی و...
- ۳۹----- سند شماره ۱۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم
- ۳۹----- در تاریخ دوشنبه ۱۷/۳/۷۵ با سیاه تماس گرفته شد

- سند شماره ۱۴ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم ----- ۴۲
در تاریخ ۷۵/۴/۲۱ جلسه مشترکی با سه نفر از اعضای هیئت مرکزی سازمان انقلابی تشکیل گردید ----- ۴۲
- سند شماره ۱۵ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم ----- ۴۸
در تاریخ ۷۵/۴/۲۳ جلسه مشترکی بین مهدی تهرانی و... ----- ۴۸
- سند شماره ۱۶ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم ----- ۵۰
نقل از صورت جلسه صفحه ۸۵ تا ۸۶ برای تماس با گروه "کادر" ها ----- ۵۰
- سند شماره ۱۷ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم ----- ۵۳
در تاریخ ۷۵/۸/۲۳ جلسه مشترکی با رفقای هیات مرکزی سازمان انقلابی تشکیل شد ----- ۵۳
- سند شماره ۱۸ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم ----- ۵۵
صفحات ۱۰۶ و ۱۰۷ صورت جلسات ----- ۵۵
- سند شماره ۱۹ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم ----- ۵۸
صفحه ۸۹ صورت جلسه هیئت مرکزی ----- ۵۸
- سند شماره ۲۰ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم ----- ۶۰
گزارش شعبه دانشجویی ----- ۶۰
- سند شماره ۲۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم ----- ۸۲
نامه به جبهه ملی ایران ----- ۸۲
- سند شماره ۲۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم ----- ۸۴
دستور جلسه: بحث در مورد شورای عالی فدراسیون آلمان ----- ۸۴
- سند شماره ۲۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم ----- ۸۶
صفحه ۲۱۹ و ۲۲۰ صورت جلسات هیئت مرکزی ----- ۸۶
- سند شماره ۲۴ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم ----- ۸۹
چرا در کنفدراسیون انشعاب روی داد و متلاشی شد ----- ۸۹
- سند شماره ۲۵ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم ----- ۹۹
عمل یک ساله معیاری برای قضاوت ----- ۹۹
- سند شماره ۲۶ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم ----- ۱۱۰
آیا منافع گروهی در ماوراء منافع خلق ایران قرار دارد؟ ----- ۱۱۰
- سند شماره ۲۷ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم ----- ۱۱۵
انحراف انشعاب کارشکنی در مبارزات ضد رژیم - ضد امپریالیستی ----- ۱۱۵
- سند شماره ۲۸ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم ----- ۱۲۱
بخشنامه به کلیه واحدها برای قرائت در جلسه عمومی ----- ۱۲۱
- سند شماره ۲۹ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم ----- ۱۲۳

عقد اخوت شاه- ژیسکاردستن قربانی می طلبد----- ۱۲۳

سند شماره ۳۰ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم----- ۱۲۷

بخشنامه به کلیئ واحدها برای قرائت در جلسه عمومی دارمشتات ۷۶/۱۱/۱۱----- ۱۲۷

سند شماره ۳۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم----- ۱۲۹

اضهاریه هیات دبیران فدراسیون آلمان----- ۱۲۹

سند شماره ۳۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم----- ۱۳۳

اطلاعیه----- ۱۳۳

توفان و کنفدراسیون جهانی

دفتر اسناد ضمیمه فصل بیستم و یکم

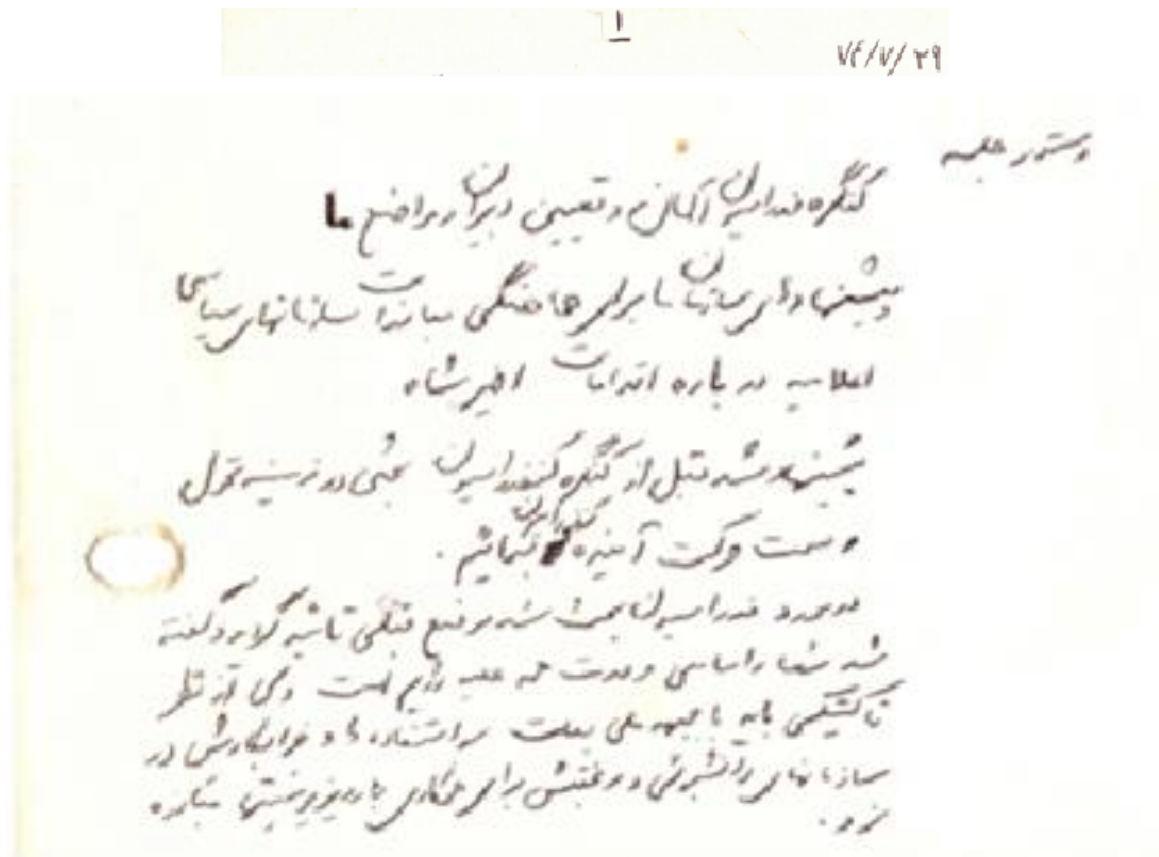
سند شماره ۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (تلاش‌های توفان برای جلوگیری از انشعاب در درون کنفدراسیون بر اساس صورت‌جلسات هیئت مرکزی و گزارشات دانشجویی و تماس‌های تشکیلاتی)

صورت‌جلسات هیئت مرکزی و گزارشات دانشجویی و تماس‌های تشکیلاتی

کنگره فدراسیون آلمان و تعیین دبیران و مواضع ما

صفحه ۱ صورت‌جلسات



سند شماره ۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (مبارزه توفان برای جلوگیری از انشعاب در درون کنفدراسیون بر اساس صورتجلسات هیئت مرکزی و گزارشات دانشجویی و تماس‌های تشکیلاتی)

صورتجلسات هیئت مرکزی و گزارشات دانشجویی و تماس‌های تشکیلاتی

کنگره فدراسیون آلمان و تعیین دبیران و مواضع ما

صفحه ۱ صورتجلسات

۱۹۷۴/۰۷/۲۹"

دستور جلسه

کنگره فدراسیون آلمان و تعیین دبیران و مواضع ما

پیشنهاد شد قبل از کنگره کنفدراسیون بحثی در زمینه تحول و سمت حرکت آینده کنفدراسیون بنمائیم.

در مورد فدراسیون بحث شد موضع قبلی تأیید گردید و گفته شد شعار اساسی وحدت همه علیه رژیم است ولی از نظر

تاکتیکی باید با جبهه ملی به علت سوءاستفاده‌ها و خرابکاریش در سازمان‌های دانشجویی و رغبتش برای همکاری با

روزیونیست‌ها مبارزه نمود..."

سند شماره ۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (تلاش‌های توفان برای جلوگیری از انشعاب در درون کنفدراسیون بر اساس صورت‌جلسات هیئت مرکزی و گزارشات دانشجویی و تماس‌های تشکیلاتی)

صورت‌جلسات هیئت مرکزی و گزارشات دانشجویی و تماس‌های تشکیلاتی)

گزارش مسئول "نشریه توفان" به جلسه هیات مرکزی

۵ - در اینصورت فاجعه که رخ داده است، از این جهت که در اینصورت فاجعه است.

۳۳ ۱۶۱

صورت‌جلسات هیئت مرکزی و گزارشات دانشجویی و تماس‌های تشکیلاتی

صورت‌جلسات هیئت مرکزی و گزارشات دانشجویی و تماس‌های تشکیلاتی

صورت‌جلسات هیئت مرکزی و گزارشات دانشجویی و تماس‌های تشکیلاتی

سند شماره ۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (مبارزه توفان برای جلوگیری از انشعاب در درون کنفدراسیون بر اساس صورتجلسات هیئت مرکزی و گزارشات دانشجویی و تماس‌های تشکیلاتی)

صورتجلسات هیئت مرکزی و گزارشات دانشجویی و تماس‌های تشکیلاتی)

گزارش مسئول "نشریه توفان" به جلسه هیات مرکزی

...

۵- در اوضاع خارج از کشور وضع دشواری پیش آمده است. دشواری‌ها به طور عمده بر اثر چرخشی است که در مواضع "جبهه ملی" صورت گرفته است. "جبهه ملی" از آنجا که دوران سیادت خود را در جمع نیروهای انقلابی و به طور مشخص در کنفدراسیون سپری می‌بیند در دنبال تکیه‌گاهی است که بتواند موقعیت خود را نگاه دارد. این تکیه‌گاه را مدتی است در رویزیونیست‌های ایرانی و سوسیال‌امپریالیسم شوروی یافته است. اکنون در مبارزه با "کمیته مرکزی" و سوسیال‌امپریالیسم شوروی به قهقراء بازگشته و در پی آنست که کنفدراسیون را به نزدیکی با آنها بکشاند شاید به کمک آنها سیادت خود را همچنان حفظ کند.

مع‌الوصف ارزیابی ما از "جبهه ملی" هنوز همان است که در قطعنامه و نوشته‌های سازمان ما آمده است. ما "جبهه ملی" را در این مرحله از انقلاب همچنان نیروی انقلابی می‌شماریم و تضادهای خود را با آن از زمره تضادهای درون خلق به حساب می‌آوریم و آنها را می‌کشیم از طریق اصل "وحدت- مبارزه- وحدت" حل کنیم. متأسفانه "جبهه ملی" به تدریج اختلافات خود را با سازمان ما تشدید می‌کند و می‌کوشد تضاد میان ما و خود را به تضادی آنتاگونیستی بدل نماید.

ماهیت مبارزه "جبهه ملی" با سازمان ما، به نظر من، در امر هژمونی در جنبش انقلابی است و ما باید مسلماً بکشیم "جبهه ملی" را از راهی که در پیش گرفته باز داریم و این کار را از طریق انتقاد از گام‌ها و اقدامات غلط آن انجام دهیم. در طول یکی دو سال گذشته تمام هجوم و حمله "جبهه ملی" و حتی دشنام‌ها و ناسزاهای آنرا نادیده انگاشته و به سکوت برگزار کرده‌ایم. اکنون وقت آنست که در برابر کج‌روی‌های آن بایستیم. ما به هیچوجه از این کار خشنود نیستیم ولی گناه آن از ما نیست. از خود "جبهه ملی" است.

مندرج در بخش: (تلاش‌های توفان برای جلوگیری از انشعاب در درون کنفدراسیون بر اساس صورت‌جلسات هیئت مرکزی و گزارشات دانشجوئی و تماس‌های تشکیلاتی)

گزارش مسئول "نشریه توفان" به جلسه هیات مرکزی

گزارش شعبه دانشجویی به هیئت مرکزی سازمان

صفحه ۳۵ تا ۳۹ صورت جلسات

9

۳۷

بطور جدی مرتبیت کمترین کفدراسیون را و ضمیمه است. در شکستگی عمومی و ماسا جبهه ملی
 یعنی اندک دادن پناهگاه سیاسی تهرانی و مادی را بسیار آسان را پس از تجمیع فراخ ضمیمه است، بسیار
 دیگر شکل و حتی غیر ممکن است (مجموعه ملی را) (مجموعه ملی از تهرانی اقدامات، اگر چه تهرانی و مردم در آن)
 از راهی هم بسیار آسان شده است. با آنکه ما این وظیفه را به عهده گرفتیم و به عهده داشتیم ~~را~~
 واقعیت نشان دادیم جبهه ملی برای بهر دو وضع خود حاضر است بهر راهی هم بهر توان می دهند را بهر کسی اگر
 این راه به ترکستان باشد.

ب - کفدراسیون گذشته از شرکت در این کار هم تعداد کمالات تشکیلاتی و روش
 بطور عمده از طریق ~~ترک~~ فعال شدن ما در کارهای آن و یکسان شدن ما، از طریق
 سیاست نسبتاً بر سران انقلاب و تا حدودی از طریق کار و فعالیت عملی انقلابیون
 کمیت مخفی و ماسا کمیت میسر د.

سیکس زمان انقلاب یعنی بر مبنای با ما و پس از فعالیت با فعالیت کرسی در این زمینه
 بدون تردید عاملی است جهت قوت کمالات کفدراسیون. تشکیلاتی و قوت به این سیکس،
 مراحض برخی از افراد آن در آنجا و به پیش نه تنها کفدراسیون و انقلابیون و این سیکس ایران
 به آن در امر بهر دو کار کفدراسیون و کمالات آن و بهر چه در امر بهر دو کار و در آن کس است
 و بعد مکتبش علیه هر طریقی از هر چه در این زمینه است و در تحلیل قابل ملاحظه می باشد
 انقلابیون کمیت تشکیلاتی و بهر چه در این زمینه است و در تحلیل قابل ملاحظه می باشد
 فعالیت عملی آن در حدی که در سطح آفرین و بهر چه در این زمینه است و در تحلیل قابل ملاحظه می باشد
 و در جهت قوت کفدراسیون بوده است. بنظر می رسد که با کار و ماسا و تا حدی از دیگران
 آنرا بهر چه بیشتر به جهت مثبت تر انداخته و آنرا را از تنش بلا می و علناً به هر کفدراسیون
 می انجامد بهر چه است.

بدین ترتیب ریش ~~کفدراسیون~~ کفدراسیون در هر حال حاضر از تکامل خود کار گرفته است
 شکلات آن بطور عمده عبارتند از: ۱ - حله تهرانی و سیکس. ۲ - حله ویرایش ویرایش
 ۳ - مکتب جبهه ملی با روشی نیست برای نیابت خودی حتی بهر کفدراسیون.
 ۴ - نقش تهرانی انقلابیون کمیت و در ~~کفدراسیون~~ کفدراسیون بهر چه در این زمینه است
 ۵ - نامرست بران ~~کفدراسیون~~ کفدراسیون و کفدراسیون سیکس (بهترین به این سیکس)
 از طرف تهرانی ~~کفدراسیون~~ کفدراسیون و کفدراسیون سیکس. ۶ - تهرانی و کفدراسیون سیکس
 بهر چه در این زمینه است و کفدراسیون سیکس و کفدراسیون سیکس و کفدراسیون سیکس
 این شکلات اساسی تهرانی و کفدراسیون سیکس و کفدراسیون سیکس و کفدراسیون سیکس
 در آن. کار خود را بهر چه کفدراسیون سیکس و کفدراسیون سیکس و کفدراسیون سیکس

سند شماره ۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (مبارزه توفان برای جلوگیری از انشعاب در درون کنفدراسیون بر اساس صورت‌جلسات هیئت مرکزی و گزارشات دانشجویی و تماس‌های تشکیلاتی)

صورت‌جلسات هیئت مرکزی و گزارشات دانشجویی و تماس‌های تشکیلاتی)

گزارش شعبه دانشجویی به هیئت مرکزی سازمان

صفحه ۳۵ تا ۳۹ صورت‌جلسات

گزارش شعبه دانشجویی به هیئت مرکزی سازمان

"رفقای گرامی هیئت مرکزی:

گزارش زیر در سه بخش مختلف و مرتبط ارائه داده می‌شود:

۱- گزارش عمومی و مختصر کار سازمان در کنفدراسیون در عرض سال گذشته

۲- وضعیت کنونی، مشکلات و دورنمای کنفدراسیون

۳- وضعیت کنونی و مشکلات شعبه دانشجویی

۱- گزارش عمومی و مختصر کار سازمان در کنفدراسیون

پس از آن که هیئت مرکزی و سازمان تصمیم گرفت که در سطح کنفدراسیون در جهت همکاری و توافق با سازمان انقلابی و گروه‌های دیگر چپ برود و به حق خود را مقید به همکاری و درواقع تبعیت از تنها یک نیرو و آنهم جبهه ملی نسازد، توانستیم در فدراسیون آلمان با توافق سازمان انقلابی رهبری را در دست خود بگیریم. این زمان مصادف بود با نزول جبهه ملی چه از نظر کمی و چه کیفی، مصادف بود با گرایش جبهه ملی به راست و ضدیت علنی با جمهوری توده‌ای چین و جناح کمونیست در کنفدراسیون. طبیعی بود که کنگره کنفدراسیون نیز ناچاراً چنین تقسیم‌بندی نیروها را در خود انعکاس خواهد داد. جبهه ملی و اپورتونیست‌های کادری در یک سو، چپ‌ها در سوی دیگر. مسئله انقلابیون کمونیست که در کدام سوی قرار خواهند گرفت برای ما نامعلوم بود. آنان به سوی جبهه ملی رفتند و عمدتاً تحت شعار سرنگونی رژیم فریب جناح راست و جبهه ملی را خوردند و در صفی قرار گرفتند که عملاً به ضدیت با کمونیسم، مارکسیسم-لنینیسم، جمهوری توده‌ای چین و معاشقه زیر پرده با رویزیونیست‌های شوروی و ایرانی مشغول بوده و هست.

بنظر می‌رسد که انقلابیون کمونیست آگاهانه به صف ما نیبوستند و مسائل بی‌شماری آنان را از همکاری با ما حداقل در سطح کنفدراسیون باز داشته است، لیکن یک انتقاد بر ما وارد است، انتقادی که در سطح عمومی آن بارها به رفقای سازمانی و به کار ما وارد بوده است. در هر مبارزه سیاسی باید کوشید که جناح مخالف را از هم شکافت، میانه‌ها را یا به سوی خود کشید و یا از الحاق آنان به صف مخالف جلو گرفت. برای انجام این عمل باید از لاک خود برون آمد با مخالفین، میانه‌روها و به خصوص میانه‌روها (یعنی آنان که هر لحظه امکان دارد به سوی خود کشیدشان) تماس گرفت، به میان آنان رفت.

رفقا! بپذیریم که ما در مجامع دانشجویی کوشش زیادی نکرده‌ایم که با نیروهای دیگر و در این حالت خاص با انقلابیون کمونیست نزدیکی بیش‌تر داشته باشیم، تا اولاً آنها ما را آنطور که هستیم بشناسند و نه از زبان دیگران و ثانیاً ما آنان را بهتر بشناسیم و شرایط نزدیکی آنان را به خود فراهم سازیم. خوشبختانه این امر در راه پهلودی است. در شرایطی که تناسب نیروها اجازه می‌دهد کارما با تاکتیک بیش‌تر، نرمش کافی و تفاهم آگاهانه‌تری است.

کنگره ۱۵ کنفدراسیون به بن‌بست انجامید. جبهه ملی که به ورشکستگی سیاسی نزدیک شده است تحت لوای قلابی طرح شعار سرنگونی رژیم در کنفدراسیون که از طرف کادرها مطرح شده بود نه تنها کادرها، بلکه انقلابیون کمونیست را نیز به زیر بال خویش کشیدند. ما و سازمان انقلابی در یک سو در اقلیت اصولی ماندیم. نتیجه روشن است: اقلیت طبیعتاً نمی‌تواند نماینده دهد و اکثریت نیز آنچنان ناهمگون است که رهبری را نمی‌تواند به دست گیرد.

از سوی دیگر سازش ریاکارانه جبهه ملی با رویزیونیست‌های حزب توده نه تنها برای کار کنفدراسیون و آینده آن خطری را به وجود آورده است بلکه تکیه‌گاه مطمئنی است برای همکاری ما با انقلابیون کمونیست، برای درهم شکستن اکثریت موجود و بالتجیه برای نابود کردن توطئه‌ها و نقشه‌های رویزیونیست‌ها در کنفدراسیون و حتی تا حدودی در جنبش کمونیستی. به منظور استفاده از این موقعیت و به دست آوردن این تکیه‌گاه ناچاریم که با انقلابیون کمونیست بر سر مسئله طرح سرنگونی رژیم در کنفدراسیون مسئله‌ای که به غلط ولی به هر حال برای آنان مسئله مهم و اساسی همکاری در کنفدراسیون است به توافق دست زنیم. این توافق باید آنچنان باشد که از یک طرف موافقت آنان را در برگرد و از طرف دیگر

مخالف سیاست اصولی ما در کنفدراسیون نباشد. شاید بتوان لغت "سرنگونی رژیم" را نه در بخش اهداف و خواست‌های کنفدراسیون نوشته شده در منشور کنونی کنفدراسیون، بلکه در بخش اول در جزء منافع خلق و توده دانشجو وارد کرد.

۲- وضعیت کنونی، مشکلات، دورنمای کنفدراسیون

با تحلیل بالا تا حدودی موقعیت کنونی و مشکلات و حتی دورنمای کنفدراسیون روشن می‌گردد.

الف: کنفدراسیون از دو سو مورد حمله است. اول از طرف رژیم و سازمان امنیت و دوم از سوی رویزیونیست‌های حزب توده و تازگی با مدد جبهه ملی.

حمله رژیم و سازمان امنیت به کنفدراسیون تا حدودی روشن است که از جوانب مختلف مانند ارباب، فشار، ایجاد تبلیغات دروغین و فرستادن عناصر سازمان امنیت به درون کنفدراسیون و ایجاد مراکز و منابع به ظاهر اصلاح طلب مانند "رستاخیز" ارگان جاسمی، صورت می‌پذیرد.

یورش رویزیونیست‌ها برای نفوذ و یا انحلال کنفدراسیون نیز مسئله تازه‌ای نیست. تازگی در یافتن همکار، مددیار و هم‌زیان، تازه‌ای است به نام جبهه ملی که تا حدودی در کنفدراسیون نفوذ داشته و صاحب رای و مقامی است. گرایش جبهه ملی به راست و به سوی همکاری با رویزیونیست‌ها به طور جدی موقعیت کنونی کنفدراسیون را وخیم ساخته است. ورشکستگی معنوی و مادی جبهه ملی یعنی از دست دادن پناهگاه سیاسی شرایط مادی رهسپاری آنان را به سوی ارتجاع فراهم ساخته است، به عبارت دیگر مشکل و حتی غیرممکن است که در شرایط کنونی جبهه ملی را (که به هرحال از نیروهای انقلاب اگرچه متزلزل و دورو است) از راهی که رهسپار آن شده است بازگرداند. سازمان ما این وظیفه را به عهده گرفت و به جبهه ملی هشدارباز داد. واقعیت نشان داد که جبهه ملی برای بهبود وضع خود حاضر است به هر راهی که به او نشان می‌دهند راهی شود حتی اگر این راه به ترکستان باشد.

ب- کنفدراسیون گذشته از شرکت توده‌های جوان که تعداد آنان متأسفانه آنقدر زیاد نیست، به طور عمده از طریق ترکیب فعال سازمان ما در کارهای آن و سیاست سازمان ما، از طریق سیاست نسبتاً مساعد سازمان انقلابی و تا حدودی از طریق کار و فعالیت عملی انقلابیون کمونیست به خصوص در آمریکا تقویت می‌شود.

سیاست سازمان انقلابی مبنی بر همکاری با ما و مبنی بر مخالفت با فعالیت‌های رویزیونیست‌ها بدون تردید عاملی است جهت تقویت کار کنفدراسیون. متأسفانه شهرت بد این سازمان، مواضع برخی از افراد آنان در اینجا و آنجا، و بدبینی عده بی‌شماری از انقلابیون و اپوزیسیون ایران به آنان در امر پیشبرد کار کنفدراسیون و دورنمای آن و به ویژه در امر به وجود آوردن یک صف واحد و مطمئن علیه توطئه‌های رژیم و رویزیونیست‌ها تردد و تعلیل قابل ملاحظه‌ای به وجود آورده است.

انقلابیون کمونیست متأسفانه چنانچه شرح داده شد به صف مخالف پیوسته‌اند. اگرچه فعالیت عملی آنان حداقل در سطح آمریکا و با وجود چپ‌روی‌ها و ناخوانا کاری آنان تا حدودی مثبت و در جهت تقویت کنفدراسیون بوده است، به نظر می‌رسد که با کار مداوم و تماس افزون‌تر بتوان آنها را هر چه بیش‌تر به جهت مثبت‌تر انداخت و آنان را از رفتن به راهی که عملاً به ضرر کنفدراسیون می‌انجامد بر حذر داشت.

بدین ترتیب روشن است که کنفدراسیون در مرحله حساسی از تکامل خود قرار گرفته است. مشکلات آن به طور عمده عبارتند از: ۱- حمله رژیم و سازمان امنیت. ۲- حمله و یورش رویزیونیست‌ها به آن. ۳- همکاری جبهه ملی با رویزیونیست‌ها برای نجات خویش حتی به ضرر کنفدراسیون. ۴- نقش متزلزل انقلابیون کمونیست و در دام جوانب کارافتادن و به اساس مطلب بی‌اعتنا بودن آنان. ۵- نا روشن بودن کار و چگونگی تشکیلات سازمان انقلابی، بدبینی به این سازمان از طرف تقریباً اکثر نیروهای سیاسی. ۶- تصورات و نظرات موهوم و انحرافی برخی از نیروهای درون کنفدراسیون نسبت به ماهیت، اهداف و خواست‌های کنفدراسیون که تحت شرایطی می‌تواند کنفدراسیون را به بیراهه و انحلال بکشاند. این مشکلات اساسی تنها زمانی می‌تواند برطرف شوند که سازمان ما، اولاً- کار خود را به ویژه کار توده‌ای خود را بی‌وقفه و با توسعه بیش‌تر ادامه دهد. ثانیاً- با جدیت و کوشش پیگیر در جهت تماس و تبادل نظر و نزدیکی با تمام سازمان‌های خلقی موجود در کنفدراسیون برآمده از اصطکاک برخورد بیش از حد این سازمان‌ها در درون کنفدراسیون بکاهد. ثالثاً- در شرایط کنونی هر چه بیش‌تر در جهت تقویت صف جناح ضد رویزیونیست در کنفدراسیون برآمده با سیاست صبورانه انقلابیون کمونیست را از حول محور جبهه ملی به کنار خویش بکشاند. رابعاً- از افشاء نظرات انحرافی سرباز نزند، تصورات موهومی را که سرانجام آن تعطیل کار کنفدراسیون است برای عموم توده‌های دانشجو روشن سازد و در جهت تربیت سیاسی توده‌ها گام بردارد.

۳- وضعیت کنونی و مشکلات شعبه دانشجویی

شعبه دانشجویی اکنون مدت قریب به دو سال است که در واقع با مشورت معمولی و عادی رفقای گوناگون و به ویژه رفقای هئیت مرکزی و بدون شرکت عضو ثابت و جلسات ثابت کار می‌کند. پیش از آن کار شعبه دانشجویی با مسئولیت من و شرکت دو و گاهی یک نفر از رفقا تشکیل

می‌گشت. بر اثر مسافرت این یا آن رفیق، تعویض مسئولیت‌ها و غیره و از سوی دیگر برخی مشکلات تکنیکی دیگر (منجمله اشتغال رفقا به کارهای دیگر) کار این شعبه به جای پیشرفت و تسریع کار در واقع به بن‌بست رسید. نتیجتاً شیوه کار آن به مشورت و نظریه‌ریزی از رفقا منحصر گشت. اکنون به خصوص پس از شرکت دو رفیق ما در رهبری فدراسیون آلمان و کنفدراسیون مقدار زیادی از تماس‌ها، اطلاعات و فعالیت‌های دانشجویی از طریق خود این رفقا و البته در چهارچوب رهنمودهای سازمان صورت می‌پذیرد. به عبارت دیگر شعبه دانشجویی آن نظارت و رهبری که سابق در امور داشت به علت تمرکز کارهای دانشجویی در شهرهای دیگر از دست داده است. از نظر عملی نیز به نظر نمی‌رسد که بتوان از این رفقا خواست که در هر کاری با شعبه دانشجویی مشورت کرده نظر بخواهند.

از سوی دیگر کارهای دانشجویی و گزارشات آن از طریق رفقا به ارگان‌های بالاتر با کارهای تشکیلاتی و گزارشات آن در واقع مخلوط بوده و همگی به دست مسئول تشکیلات می‌رسد. عملاً بسیاری از مسائل دانشجویی در چارچوب تشکیلاتی حل و فصل می‌شود. به عبارت ساده‌تر به خاطر مراتب موجود تشکیلاتی، برای شعبه دانشجویی تقریباً غیر ممکن است خود با این یا آن رفیق یا آن ارگان تماسی برقرار کرده اطلاعات لازم دریافت کند و به اسرع وقت رهنمود کافی برای انجام کارها بدهد. با چنین وضعی طبیعی است که برخی از کارهای دانشجویی از کنترل شعبه دانشجویی خارج گشته و به طور اتوماتیک توسط رفقا انجام می‌گردد. البته قابل توضیح است که این رفقا در اکثر موارد به جا و درست تصمیم گرفته و عمل می‌کنند، لیکن به هرحال ادامه این کار و وسعت آن شعبه دانشجویی را تبدیل به ارگانی می‌سازد که تنها برای مسائل مهم، مانند کنگره‌ها و یا سمینارها اعمال رهبری می‌کند.

برای بهبود کار شعبه و یافتن راه حل درست معضلات مشروح در بالا باید به تغییر شکل برخی از جوانب کار شعبه دست زد:

- ۱- شعبه دوباره با همکاری چندین رفیق شروع به کار کند. این رفقا از جمله آن رفقای باشند که در کار دانشجویی نقاط مختلف صاحب نظراند.
 - ۲- شعبه تشکیلات گاه به گاهی گزارش وضع دانشجویی، اطلاعات و اخبار مربوط را که به وی واصل می‌گردد به شعبه دانشجویی بدهد.
 - ۳- برای دستیابی سریع شعبه دانشجویی به ارگان‌های مختلف و پائین سازمان و به رفقای سازمانی باید شکل مناسب و تازه‌ای جستجو کرد.
- در خاتمه متذکر می‌شود که برای نفوذ بیش‌تر سازمان و تقویت کار کنفدراسیون ضروری است که هئیت مرکزی توجه لازم و کافی متوجه منطقه وسیع آمریکا که آینده خوبی برای کار در آنجا موجود است به نماید.

به امید موفقیت سازمان مزدک"

سند شماره ۴ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (تلاش‌های توفان برای جلوگیری از انشعاب در درون کنفدراسیون بر اساس صورت‌جلسات هیئت مرکزی و گزارشات دانشجویی و تماس‌های تشکیلاتی)

اطلاعیه هیئت دبیران فدراسیون آلمان در باره اختلافات درون جنبش و ضرورت تشدید مبارزات دفاعی

اطلاعیه هیئت دبیران فدراسیون آلمان در باره اختلافات
درون جنبش و ضرورت تشدید مبارزات دفاعی

جنبش دانشجویان شرقی ایران در حالی از کشور به رمبری تنها سازمان متشکلی یعنی کنفدراسیون جهانی، به دنبال زندگی مبارزاتی بر افتخارش همواره در موضع قاطع و بی‌گهر خلق قرار داشته و بی‌پروا علیه ما سیاست دخیل رژیم جنایتکار دربار پهلوی مبارزه کرده است.

کنفدراسیون جهانی بر اثر مبارزات به حسن علیه رژیم ضد خلقی و فاشیستی شاه، علیه امپریالیسم در ایران امپریالیسم آمریکا و همچنین علیه سیاست ضد خلقی شوروی از پشتیبانی گسترده نیروهای شرقی جهان و به ویژه خلق مبارز ایران برخوردار می‌باشد.

دفاع بیهوش کنفدراسیون جهانی از مبارزات خلق و زندانیان سیاسی، همبستگی با مبارزات خلق‌های جهان علیه امپریالیسم - شاخص اصلی تعیین کننده خصلت مبارزه جوانان کنفدراسیون می‌باشد. اما اعتبار و حیثیت کنونی کنفدراسیون در میان نیروهای شرقی و افکار عمومی جهان آسان بدست نیامده است. کلیه نیروهای ارتجاعی و در رأس آن رژیم محمد رضا شاه، همواره برای خاموش کردن این صدای رسای خلق زحمتکشان ایران به تلاشهای مذبوحانه خود افزوده‌اند. ولی ایمان لایزال به توده‌های وسیع مردم و هم‌سرنوشتی دانشجویان مبارز ایرانی با مبارزات خلق، سبب در هم شکستن توطئه‌های مرتجعین بوده و خواهد بود. ایمان به خلق تنها نیروی محرکه جنبش دانشجویی مبارز علیه دسیسه‌های مختلف ساواک با آنهمه امکانات عریض و طویلش - در مقابل عناصر زبون و خائنی چون نیکخواه - لاشائی - نولاری و سی مانده بی‌مایه آنها محمد جاسمی - در مقابل با دسیسه - ای مزورانه - در پوسته کمیته مرکزی، بوده‌است.

کنفدراسیون جهانی در جریان مبارزات خود - بدست آوردها و تجربه‌های گرانبهای دست‌یافته و به برندی مبارزات خود علیه دشمنان خلق افزوده‌است.

نماین رشد محتوی شرقی و مبارزه جوانان کنفدراسیون، وجود بحثهای خلاق و اصولی پیرامون مسائل مورد اختلاف و تضادهای درون جنبش میباشد. وجود اختلافات درون کنفدراسیون هرچند همگ شدیدی باشد، خود بیانگر زندگی پویا و پشیدن و چاره‌جویی کردن بخاطر پیشبرد بهتر مبارزه علیه رژیم سرسپرده محمد رضا شاه، امری کاملاً طبیعی و ضروری میباشد. کلیه عناصر و نیروهای متشکل در کنفدراسیون جهانی و عواداران جنبش دانشجویی، بنا بر نظریات و عملکردها، همگی در مبارزه علیه رژیم شاه، در مبارزه علیه دشمنان داخلی و خارجی زحمتکشان ایران - اشتراک نظر دارند و این خود اساس اتحاد همه اعضا و عواداران کنفدراسیون را تشکیل میدهد.

کلیه اختلافات و تضادهای درون جنبش برحسب محور اتحاد در مبارزه علیه دشمنان خلق و از راه مبارزه درونی طبق بحث و حل و فصل میرود.

اما رژیم ضد خلقی ایران همواره کوشیده‌است تا در کار حملات خلقی خود نسبت به کنفدراسیون، از اختلافات درون جنبش که خلعتی درون خلقی دارند، سر استفاده کرده و به اصطلاح به کارزار ایدئولوژیکی علیه جنبش دست‌زند.

بر اساس فتن سازمانهای مزد دانشجویی - انتشاراتی - پارهای - ساواک - تبلیغات - روغن - سیاست مستقل ملسی - " ضرورت شرکت در مسابقات دانشگاهی و یغن نظرات سازش‌کارانه از طرف مکتبی عناصر خود فروخته و تویح وسیع این نظرات از طرف مبارزان و عواداران ساواک - برای انباشتن " بحثها - یگزرد " و وارونه جلوه دادن اختلافات درون جنبش به هنگام برگزاری گردها و سمینارها، از جمله تشبیهات رژیم می‌باشد. کلیه این دسایر همواره با مقابله یک‌پارچه و متحد اعضا و

مواد ایران گفت راسیون رزورتنده و درنیم شکستماند .

در این میان دآورد ستمد خلقی کمیته مرکزی حزب توده نیز با پایای رژیم با شیوه‌های پلیسی به حملات خود علیه گفتد راسیون آفرود هاست، این خائنان پس از آنکه در اثربیت مبارزه اصولی و بی لبریز روز چهارم ضد خلقی و نیات خائنانده آنها در میان دانشجویان افشاء گردید ، واگریت قریب به اتفاق توده‌های دانشجویی به ماستفید ملی آنان پی بردند ، چاره‌های جزع‌بیشینی ظاهری نداشته و از ترس بی آبرویی و طرد کامل خود از جنبش ملی و دما میرالینستی ، با عواران خیل و تزویر در توجیه شکست خود در مقابل نهضت دانشجویی کوشیدند ، تلاشهای مزرانه "کمیته مرکزی حزب توده" در رساندن دانشجویان مبارز و پراکندن آنان از صفوف گفتد راسیون نیز با شکست کامل روبرو گردید . اعلان اینکه گویا "حفظ گفتد راسیون فقط در خدمت ارتجاع می‌باشد" باید علیه آن از داخل و خارج مبارزه نمود نیز گشتی از کار این مزدوران شوروی نشود و فقط ماعت ارتجاعی آنها را پیش از پیش بره‌لا ساخت .

چند یست که این مرتجمین به اقتضای تغییر سیاست شوروی نسبت به رژیم شاه بخاطر طاف آفرنده آنها در رهاوریانه ، رنگ عوض کرده و با درپیش گرفتن سیاست به اصطلاح استفاده از اختلافات درون جنبش در تگاپوی واقعی از بین بردن دست آورد های گفتد راسیون جهانی می‌باشند .

"کمیته مرکزی" در دوران سازش شوروی با شاه که طبیعتا سازش خود آنها نیز با شاه به همراه داشت ، به گفتد راسیون حمله نمود و امروز اختلاف شاه و شوروی مبنی سیاست دلسوزی ظاهر پس به جنبش دانشجویی است . شاید این خائنین با گذشت زمان فراموش کرده‌اند که گفتد راسیون جهانی مالهاست که خط قاطع خلق و ضد خلق را بین خود و آنها کشیده است و امروز نیز توده‌های دانشجویی قاطمانه از دست آورد های جنبش دفاع کرده و با درهم شکستن توطئه‌های جدید به مبارزات خود علیه رژیم خائن محمد رضا شاه خواهند افزود .

رفقای عزیز ! اختلافات درون گفتد راسیون باقی خود رسیده‌است . در جریان حل این اختلافات امکان مؤ استفاده رژیم و دشمنان جنبش برای تحریک زدن به گفتد راسیون موجود می باشد . باید عویشاری خود را بالا برده و یکن آن از مبارزه علیه رژیم شاه غافل نگردیم و حد فاصل بین حل اختلافات درونی جنبش و تضاد آشتی ناپذیر خود با رژیم را حفظ کنیم .

مستائند در بعضی موارد این اصل نادیده رفته میشود و باعث گندی مبارزات دفاعی میگردد . نفیعت دبیران گفتد راسیون معتقد است که طبیعتا نمیتوان شیوه اصولی حل اختلافات را با بخشنامه و اعلامیه بانشین شیوه‌های نادرست نمود .

دبیران گفتد راسیون بنابر مصوبه شورای عالی گفتد راسیون بخاطر اهمیت مبارزات دفاعی در راه نوامیر و دسامیر از یک طرف و حل مسائل مورد اختلاف از لری دیگر ، از همه رفقا دعوت میکند که محتوی این بخشنامه را به بحث گذاشته و با هر خودی مسئول و با در نظر گرفتن موازین دموکراتیک گفتد راسیون و بنا بر شرایط محلی و سطح اختلافات موجود در هر واحد ، چاره اندیشی کرده و نتایج حاصله را بوسیله بولتن گفتد راسیون آلمان در اختیار سایر واحدها قرار دهند .

هیئت دبیران گفتد راسیون پیشنهاد میکند که واحدها با تشکیل بیشتر جلسات دفاعی و برنامه ریزی آن بر اساس بخشنامه‌های دفاعی گفتد راسیون و گفتد راسیون روحیه مبارزاتی علیه رژیم را در توده‌های دانشجویی تقویت کنند و در این جلسات به بحث در مورد مسائل مورد اختلاف بپردازند . دعوای تابورزاری گفته‌شده در راسیون سمینارهای محلی با وقت‌گاشی تشکیل داده و بطور عمده مسائل مورد اختلاف را مطرح کرده و از بحثها جمع‌بندی نموده و بوسیله بولتن گفتد راسیون با اطلاع همه واحدهای گفتد راسیون برسانند .

علاوه بر این یک شماره بولتن گفتد راسیون اختصاصی به طرح نظرات و اختلافات موجود داده شده‌است . از همه رفقا و مواداران

کنند و همین دعوت میکنیم که نظریات خود را درباره مسائل موجود و راه حل پیشنهادی آنها را نوشته و جهت دمج در اولین کنفدراسیون ارسال دارند. تجربه نشان داده است که هنگام نوشتن بیشتر احساس مسئولیت میشود.

در این مورد نکات زیر را متذکر میشویم.

۱- اظهار نظرهما حتما نباید راجع به کلیه مسائل و بصورت رساله ای طولانی باشد. خیریه ای میتواند مثلا فقط راجع به یکی از مسائل اظهار نظر کند و یا حتی بیک نکته از کل یک مسئله برخورد نماید.

۲- مسئولین واحدها موظفند کلیه رفتارها بصورت دوستانه را که در جلسات عمومی گذر اظهار نظر میکنند به امر نوشتن نظرات خود تشویق کنند.

۳- اساسا بهتر است در مورد ۷ مسئله مطرح شده از طرف شوراهای کنفدراسیون بررسی و اظهار نظر شود، ولی در صورت تمایل هر دوستی میتواند موارد دیگری را که مورد علاقه اش میباشد، طرح کند.

۴- آدرس دبیرخانه دفاعی را در اختیار همه اعضاء و عواداران قرار دهید (مثلا بوسیله دعوت نامه های محلی) تا هر دوستی بتواند خود مستقلا نظرات انتقادی خود را ارسال دارد. ذکر نام انتقاد کننده ضروری نیست.

حیثت دبیران کنفدراسیون میگوید که فقط از نظر انشائی نظرات ارسالی را تصحیح کند و محتوی نوشته و ساقان را عینا منعکس نماید.

وفتای عزیز! بکوشیم که با شرکت خود در طی اصولی اختلافات درون جنبش و مشکلات موجود، موفقیت کثرت یافته خد کنفدراسیون آلمان را تضمین کرد و بر بوندی مبارزات کنفدراسیون جهانی علیه رژیم ضد خلقی محط رضاشاه بیش از پیش بیفزائیم.

با درود های فراوان

حیث دبیران کنفدراسیون آلمان

۱۴ اکتبر ۱۹۷۴

سند شماره ۴ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (مبارزه توفان برای جلوگیری از انشعاب در درون کنفدراسیون بر اساس صورت جلسات هیئت مرکزی و گزارشات دانشجویی و تماس‌های تشکیلاتی)

اطلاعیه هیئت دبیران فدراسیون آلمان در باره اختلافات درون جنبش و ضرورت تشدید مبارزات دفاعی

"اطلاعیه هیئت دبیران فدراسیون آلمان در باره اختلافات

درون جنبش و ضرورت تشدید مبارزات دفاعی

برای قرائت در جلسه عمومی

جنبش دانشجویان مترقی ایران در خارج از کشور به رهبری تنها سازمان متشکلش یعنی کنفدراسیون جهانی، به شهادت زندگی مبارزاتی پرافتخارش همواره در موضع قاطع و پیگیر خلق قرار داشته و بی‌پروا علیه ماهیت ضد خلقی رژیم جنایتکار دربار پهلوی مبارزه کرده است. کنفدراسیون جهانی بر اثر مبارزات به حقش علیه رژیم ضد خلقی و فاشیستی شاه، علیه امپریالیسم در راس آن امپریالیسم آمریکا و همچنین علیه سیاست ضد خلقی شوروی از پشتیبانی کلیه نیروهای مترقی جهان و به ویژه خلق مبارز ایران برخوردار می‌باشد. دفاع بی‌دریغ کنفدراسیون جهانی از مبارزات خلق و زندانیان سیاسی، همبستگی با مبارزات خلق‌های جهان علیه امپریالیسم - شاخص اصلی و تعیین کننده خصلت مبارزه‌جویانه کنفدراسیون می‌باشد. اما اعتبار و حیثیت کنونی کنفدراسیون در میان نیروهای مترقی و افکار عمومی جهان آسان به دست نیامده است. کلیه نیروهای ارتجاعی و در راس آن رژیم محمدرضا شاه، همواره برای خاموش کردن این صدای رسای خلق زحمتکش ایران به تلاش‌های مذبحخانه خود افزوده‌اند. ولی ایمان لایزال به توده‌های وسیع و هم سرنوشتی دانشجویان مبارز ایرانی با مبارزات خلق، سبب درهم شکستن توطئه‌های مرتجعین بوده و خواهد بود. ایمان به خلق تنها نیروی محرکه جنبش دانشجویی ما در مبارزه علیه دسیسه‌های مختلف ساواک با آن همه امکانات عریض و طولیش، در مقابله با عناصر زبون و خائنی چون نیکخواه - لاشائی - فولادی و پس مانده بی‌مایه آنها محمد جاسمی، در مقابله با دسیسه‌های مزورانه دارودسته کمیته مرکزی بوده است. کنفدراسیون جهانی در جریان مبارزات خود، به دست‌آوردها و تجربه‌های گران‌بهای دست یافته و به برندگی مبارزات خود علیه دشمنان خلق افزوده است.

ضامن رشد محتوی مترقی و مبارزه‌جویانه کنفدراسیون، وجود بحث‌های خلاق و اصولی پیرامون مسائل مورد اختلاف و تضادهای درون جنبش می‌باشد. وجود اختلافات درون کنفدراسیون هرچند هم که شدید باشد، خود بیانگر زنده بودن، اندیشیدن و چاره‌جویی کردن به خاطر پیشبرد بهتر مبارزه علیه رژیم سرسپرده محمدرضا شاه، امری کاملاً طبیعی و ضروری می‌باشد. کلیه عناصر و نیروهای متشکل در کنفدراسیون جهانی و هواداران جنبش دانشجویی، بنابر نظریات و عملکردهایشان همگی در مبارزه علیه رژیم شاه، در مبارزه علیه دشمنان داخلی و خارجی زحمتکشان ایران، اشتراک نظر دارند و این خود اساس اتحاد همه اعضا و هواداران کنفدراسیون را تشکیل می‌دهد. کلیه اختلافات و تضادهای درون جنبش بر حول محور اتحاد در مبارزه علیه دشمنان خلق و از راه مبارزه درونی طرح، بحث و حل و فصل می‌گردد.

اما رژیم ضد خلقی ایران همواره کوشیده است تا در کنار حملات علنی خود نسبت به کنفدراسیون، از اختلافات درون جنبش که خصلتی درون‌ خلقی دارند، سوءاستفاده کرده و به اصطلاح به کارزار ایدئولوژیکی علیه جنبش دست زند. برپا ساختن سازمان‌های زرد دانشجویی، انتشار ورق پاره‌های ساواک، تبلیغات دروغین "سیاست مستقل ملی"، "ضرورت شرکت در ساختمان جامعه" و پخش نظرات سازش‌کارانه از طرف مشت‌ی عناصر خود فروخته و توزیع وسیع این نظرات از طرف سفارت و مزدوران ساواک، به راه انداختن "بحث‌های میز گرد" و وارونه جلوه دادن اختلافات درون جنبش به هنگام برگزاری کنگره‌ها و سمینارها، از جمله تشبیهات رژیم می‌باشد. کلیه این دسائس همواره با مقابله یک پارچه و متحد اعضا و هواداران کنفدراسیون روبرو شده و درهم شکسته‌اند.

در این میان دارودسته ضد خلقی کمیته مرکزی حزب توده نیز پا به پای رژیم با شیوه‌های پلیسی به حملات خود علیه کنفدراسیون افزوده است. این خائنان پس از آن که در اثر یک مبارزه اصولی و بی‌گیر روز به روز چهره ضد خلقی و نیت خائنانه آنها در میان دانشجویان افشاء گردید و اکثریت قریب به اتفاق توده‌های دانشجویی به ماهیت ضد خلقی آنان پی‌بردند، چاره‌ای جز عقب‌نشینی ظاهری نداشته و از ترس بی‌آبرویی و طرد کامل خود از جنبش ملی و ضد امپریالیستی، با هزاران حيله و تزویر در توجیه شکست خود در مقابل نهضت دانشجویی کوشیدند. تلاش‌های مزورانه "کمیته مرکزی حزب توده" در ترساندن دانشجویان مبارزو پراکندن آنان از صفوف کنفدراسیون نیز با شکست کامل روبرو گردید. اعلان این که

گویا "حفظ کنفدراسیون فقط در خدمت ارتجاع می‌باشد" و باید علیه آن از داخل و خارج مبارزه نمود نیز گرهی از کار این مزدوران شوروی نگشود و فقط ماهیت ارتجاعی آنها را بیش از پیش برملا ساخت.

چندیست که این مرتجعین به اقتضای تغییر سیاست شوروی نسبت به رژیم شاه به خاطر منافع آزمندانه‌اش در خاورمیانه، رنگ عوض کرده و با در پیش گرفتن سیاست به اصطلاح استفاده از اختلافات درون جنبش در تکاپوی واهی از بین بردن دست‌آوردهای کنفدراسیون جهانی می‌باشند. "کمیته مرکزی" در دوران سازش شوروی با شاه که طبیعتاً سازش خود آنها را نیز با شاه به همراه داشت، به کنفدراسیون حمله نمود و امروز اختلاف شاه و شوروی مبنی سیاست دلسوزی ظاهریش به جنبش دانشجویی است شاید این خائنین با گذشت زمان فراموش کرده اند که کنفدراسیون جهانی سال‌هاست که خط قاطع خلق و ضدخلق را بین خود و آنها کشیده است و امروز نیز توده‌های دانشجویی قاطعانه از دست‌آوردهای جنبش دفاع کرده و با درهم شکستن توطئه‌های جدید به مبارزات خود علیه رژیم خائن محمدرضا شاه خواهند افزود.

رفقای عزیز! اختلافات درون کنفدراسیون به اوج خود رسیده است. در جریان حل این اختلافات امکان سوءاستفاده رژیم و دشمنان جنبش برای ضربه زدن به کنفدراسیون موجود می‌باشد. باید هوشیاری خود را بالا برده و یک آن از مبارزه علیه رژیم شاه غافل نگردیم و حد فاصل بین حل اختلافات درونی جنبش و تضاد آشتی ناپذیر خود با رژیم را حفظ کنیم. متأسفانه در بعضی موارد این اصل نادیده گرفته می‌شود و باعث کندی مبارزات دفاعی می‌گردد. هئیت دبیران فدراسیون معتقد است که طبیعتاً نمی‌توان شیوه اصولی حل اختلافات را با بخشنامه و اعلامیه جانشین شیوه‌های نادرست نمود.

دبیران فدراسیون بنابر مصوبه شورای عالی فدراسیون به خاطر اهمیت مبارزات دفاعی در ماه نوامبر و دسامبر از یک طرف و حل مسائل مورد اختلاف از طرف دیگر، از همه رفقا دعوت می‌کند که محتوی این بخشنامه را به بحث گذاشته و با برخوردی مسئول و با در نظر گرفتن موازین دموکراتیک کنفدراسیون و بنا بر شرایط محلی و سطح اختلافات موجود در هر واحد، چاره اندیشی کرده و نتایج حاصله را به وسیله بولتن فدراسیون آلمان در اختیار سایر واحدها قرار دهند.

هئیت دبیران فدراسیون پیشنهاد می‌کنند که واحدها با تشکیل بیش‌تر جلسات دفاعی و برنامه‌ریزی آن بر اساس بخشنامه‌های دفاعی کنفدراسیون و فدراسیون روحیه مبارزاتی علیه رژیم را در توده‌های دانشجویی تقویت کنند و در این جلسات به بحث در مورد مسائل مورد اختلاف نپردازند. در عوض تا برگزاری کنگره فدراسیون سمینارهای محلی با وقت کافی تشکیل داده و به طور عمده مسائل مورد اختلاف را طرح کرده و از بحث‌ها جمع‌بندی نموده و به وسیله بولتن فدراسیون به اطلاع همه واحدهای فدراسیون برسانند.

علاوه بر این یک شماره بولتن فدراسیون اختصاص به طرح نظرات و اختلافات موجود داده شده است. از همه رفقا و هواداران کنفدراسیون دعوت می‌کنیم که نظریات خود را در باره مسائل موجود و راه حل پیشنهادی آنها را نوشته و جهت درج در بولتن فدراسیون ارسال دارند. تجربه نشان داده است که هنگام نوشتن بیش‌تر احساس مسئولیت می‌شود.

در این مورد نکات زیر را متذکر می‌شویم:

۱- اظهار نظرها حتماً نباید راجع به کلیه مسائل و به صورت رساله‌ای طولانی باشد. هر رفیقی می‌تواند مثلاً فقط راجع به یکی از مسائل اظهار نظر کند و یا حتی به یک نکته از کل یک مسئله برخورد نماید.

۲- مسئولین واحدها موظفند کلیه رفقا را به خصوص دوستانی را که در جلسات عمومی کم‌تر اظهار نظر می‌کنند، به امر نوشتن نظرات خود تشویق کنند.

۳- اساساً بهتر است در مورد ۷ مسئله مطروحه از طرف شورای عالی فدراسیون بررسی و اظهار نظر شود، ولی در صورت تمایل هر دوستی می‌تواند موارد دیگری را که مورد علاقه‌اش می‌باشد، طرح کند.

۴- آدرس دبیرخانه دفاعی را در اختیار همه اعضاء و هواداران قرار دهید (مثلاً به وسیله دعوت‌نامه‌های محلی) تا هر دوستی بتواند خود مستقلاً نظرات خود را ارسال دارد. ذکر نام انتقاد کننده ضروری نیست.

هئیت دبیران فدراسیون می‌کوشد که فقط از نظر انشائی نظرات ارسالی را تصحیح کند و محتوی نوشته دوستان را عیناً منعکس نماید.

رفقای عزیز! بکوشیم که با شرکت خود در طرح اصولی اختلافات درون جنبش و مشکلات موجود، موفقیت کنگره آینده فدراسیون آلمان را تضمین کرده و بر برندگی مبارزات کنفدراسیون جهانی علیه رژیم ضدخلق محمدرضا شاه بیش از پیش بیفزائیم.

با درودهای فراوان

هئیت دبیران فدراسیون آلمان

۱۴ اکتبر ۱۹۷۴ "

سند شماره ۵ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (تلاش‌های توفان برای جلوگیری از انشعاب در درون کنفدراسیون بر اساس صورت‌جلسات هیئت مرکزی و گزارشات دانشجویی و تماس‌های تشکیلاتی)

بحث دستور جلسه: در مورد سازمان انقلابی

صفحه ۴۴ صورت‌جلسات ۱۹۷۴/۱۱/۲۴

۴۴
۷۴/۱۱/۲۴

بحث دستور : در مورد سازمان انقلابی
قرارداد در آینده نزدیک بحث در این مورد را ادامه
دهیم .

بحث در مورد کنفدراسیون و انقلابات اصلی درونی آن
انجام گرفت . قرارداد رفتار سازمانی با موضوعی تهاجمی از
مواضع سیاسی و اصلی خود دفاع نمایند . بنظر ما شرط ادامه
گذره و اساساً تشکیل آن پس گرفتن متعلق بودن
سازمان خویش و انتقاد حیات بر این کنفدراسیون
نسبت نمود است . بدین جهت قطعنامه را
در این زمینه در کنفدراسیون جهانی آن در
مورد سازمان خویش باید تصویب رسانند .

جلسه آینده روز ۷۴/۱۲/۵

سند شماره ۵ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (مبارزه توفان برای جلوگیری از انشعاب در درون کنفدراسیون بر اساس صورت‌جلسات هیئت مرکزی و گزارشات دانشجویی و تماس‌های تشکیلاتی)

صفحه ۴۴ صورت‌جلسات ۱۹۷۴/۱۱/۲۴

صفحه ۴۴ صورت‌جلسات

"۱۹۷۴/۱۱/۲۴"

...

بحث دستور: در مورد سازمان انقلابی قرار شد در آینده نزدیک بحث در این مورد را ادامه دهیم

بحث در مورد کنفدراسون و اختلافات اصولی درونی آن انجام گرفت قرار شد رفقای سازمانی با موضعی تهاجمی از مواضع سیاسی و اصولی خود دفاع نمایند. به نظر ما شرط ادامه کنگره و اساسا تشکیل آن پس گرفتن معلق بودن سازمان مونیخ و انتقاد هیات دبیران کنفدراسیون نسبت به خود است. بدین جهت قطع‌نامه‌ای را در این زمینه در شورای عالی فدراسیون آلمان در مورد سازمان مونیخ باید به تصویب رسانید.

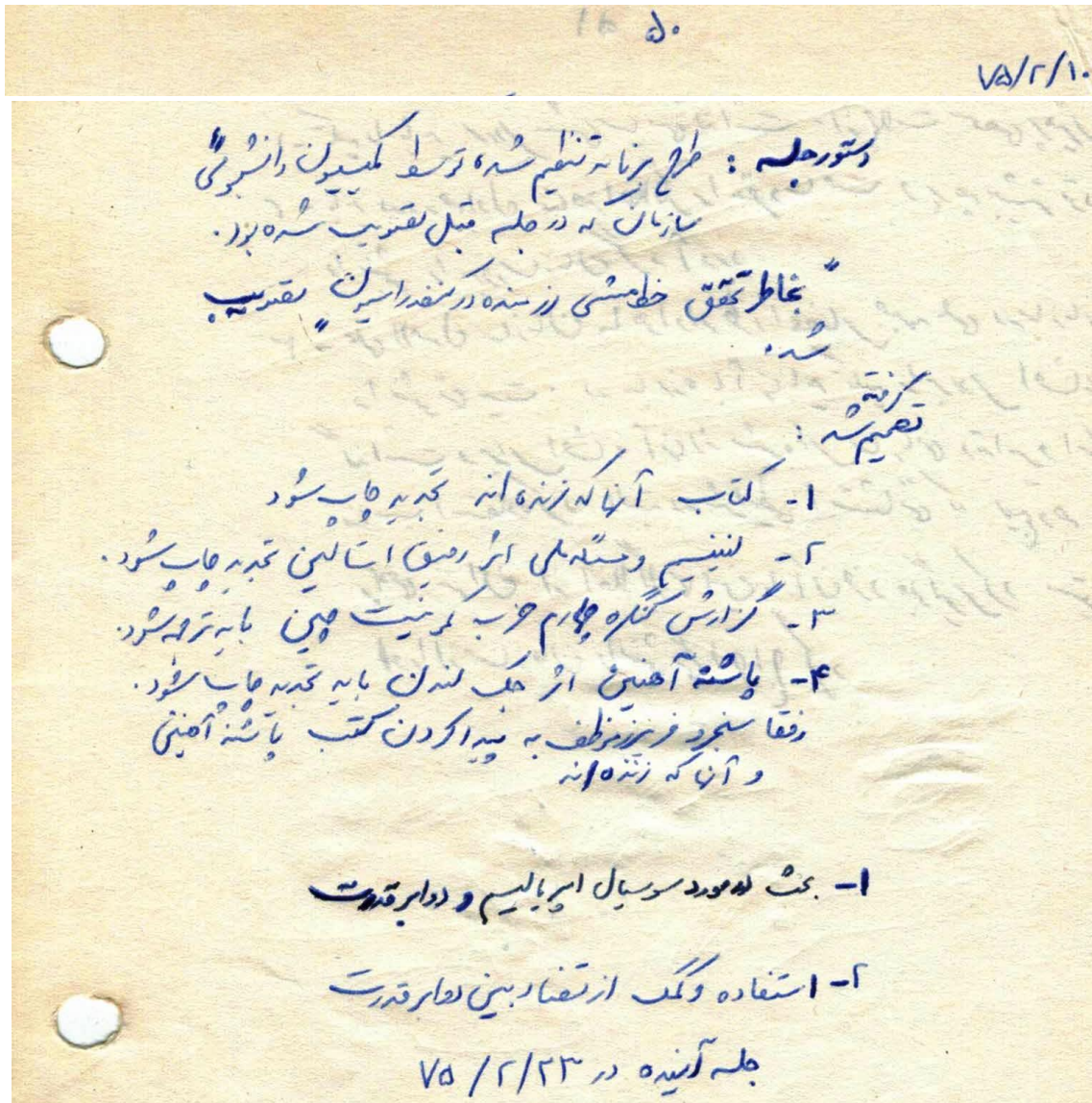
جلسه آینده روز ۱۹۷۴/۱۲/۰۵"

سند شماره ۶ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (تلاش‌های توفان برای جلوگیری از انشعاب در درون کنفدراسیون بر اساس صورت‌جلسات هیئت مرکزی و گزارشات دانشجویی و تماس‌های تشکیلاتی)

دستور جلسه: طرح برنامه تنظیم شده توسط کمیسیون دانشجویی

صفحات ۵۰ و ۵۱ صورت‌جلسات



۵۱

در رد اعضای جبهه ملی در سازمان دانشجویی باید به نکات زیر توجه داشت

۱- تکلیف را باید برادر سوسیالیست گذاشت. از حملات شخصی پرهیز کرد

۲- باید در درجه اول عناصر اخلاک را مقرب ساخت و هر چه بیشتر توده دانشجویان را به در سازمان گرد آورد

۳- ملی الاصل سازمان ما هوادار طرح اعضای جبهه ملی در سازمان دانشجویی نیست. در مبارزه با آنها باید تکلیف را برادر افشاء آنها گذاشت و برادر افشاء آنها از مسیر کسب سازمانی و توده ای و امکانات مناسب استفاده کرد. البته در شرایطی استثنائی که هیچ وجه جمع راضی تران از اخلاک این با آن فرد مدوگر کرد میتوان او را از سازمان دانشجویی اخراج کرد

سند شماره ۶ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (مبارزه توفان برای جلوگیری از انشعاب در درون کنفدراسیون بر اساس صورت‌جلسات هیئت مرکزی و گزارشات دانشجویی و تماس‌های تشکیلاتی)

صفحات ۵۰ و ۵۱ صورت‌جلسات

۱۹۷۵/۰۲/۱۰"

دستور جلسه: طرح برنامه تنظیم شده توسط کمیسیون دانشجویی سازمان که در جلسه قبل تصویب شده بود.

"به خاطر تحقق خط‌مشی رزمنده در کنفدراسیون" تصویب شد.

تصمیم گرفته شد:

۱- کتاب آنها که زنده‌اند تجدید چاپ شود.

۲- لنینیسم و مسئله ملی اثر رفیق استالین تجدید چاپ شود.

۳- گزارش کنگره چهارم حزب کمونیست چین باید ترجمه شود.

۴- پاشنه آهنین اثر چک لندن باید تجدید چاپ شود.

....

۱- بحث در مورد سوسیال‌امپریالیسم و دوا بر قدرت

۲- استفاده و کمک از تضاد بین دوا بر قدرت

جلسه آینده در ۱۹۷۵/۰۲/۲۳

در مورد اعضاء جبهه ملی در سازمان‌های دانشجویی باید به نکات زیر توجه داشت.

۱- تکیه را باید روی مشی سیاسی گذاشت، از حملات شخصی پرهیز کرد.

۲- باید در درجه اول عناصر اخلاک‌گر را منفرد ساخت و هر چه بیش‌تر توده دانشجو را به دور سازمان گردآورد.

۳- علی‌الاصول سازمان ما هوادار طرد اعضاء جبهه ملی در سازمان‌های دانشجویی نیست. در مبارزه با آنها باید تکیه را بر

روی افشاء آنها گذاشت و برای افشاء آنها از شیوه‌های سازمانی و تدابیر و امکانات مناسب استفاده کرد. البته در شرایطی استثنائی

که به هیچ‌وجه هیچ راهی نتوان از اخلاک‌گری این یا آن فرد جلوگیری کرد می‌توان او را از سازمان دانشجویی اخراج کرد."

سند شماره ۷ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (تلاش‌های توفان برای جلوگیری از انشعاب در درون کنفدراسیون بر اساس صورت‌جلسات هیئت مرکزی و گزارشات دانشجویی و تماس‌های تشکیلاتی)

به خاطر تحقق خط‌مشی رزمنده در کنفدراسیون

صفحات ۵۷ و ۵۹ صورت‌جلسات

۱
 ۵۷ ۲۶
 مناجات تحقق خط‌مشی رزمنده در کنفدراسیون
 برنامه سیاسی ما در کنفدراسیون لازم است که دربرگیرنده نکات زیرین باشد.
 ۱- فضای سیاست است که باید آن را تقویت و گسترش دهیم تا آنکه از مدتها قبل توسط بخشی در کنفدراسیون دنبال می‌شود.
 سیاستی که نتیجه‌اش این است که ضعف مبارزات ضد امپریالیستی و ضد انجمنی کنفدراسیون برده و عملاً
 کنفدراسیون را فاقد تحرک مبارزاتی نموده است.
 ۲- فضای عملی‌تر این است که سیاست خود را مبتنی بر جانبداری از دولت ضد خلقی شوروی
 و کمیته مرکزی نموده و با سیاست معادلت و کموت و در پیش گرفته اند. در این میان
 بایستی قبل از هر نیروی دیگر "جنبه ملی" را که با اشتاب بسوی خطای با کمیته مرکزی قوت
 و قصد دارد کنفدراسیون را زیر این پرچم کشد، افشا و نموده.
 ۳- مبارزه با فظرات انحرافی که کوشش مکتبه یا کنفدراسیون را تبدیل به ضمیمه این سازمان می‌کند
 چرخشی نموده و با در نظر دارد این سازمان توده‌ای و معنی را بصورت حزب سیاسی درآورد.
 ۴- برای دامن زدن بمبارانات وسیع و بیرون کشیدن کنفدراسیون از خود که حاضر لازم است
 تا آنکه کوشش در زمینه دفاع از جنبش خلق و دفاع از زندانیان سیاسی و کلیه مبارزین درون
 کشور برپا داشت. بخش اخیر را لازم است با وقت بسیار دامن زد تا تا از کوشش دفاع از
 مبارزین را حدت نخبه‌ده و از سرسری دیگر اسلحه تبلیغاتی و کاذب دفاع از کلیه مبارزین را از دست
 جنبه ملی و سایرین دور نگذارد و خود را تسویه با فتن مبارزین درون کشور جمعه دهیم. اگر قوت باقیم.
 ۵- برای بازگرداندن سیاست خود برای کلیه دانشجویان و بسیج آنرا جهت دفاع و اجرای سیاست مبارزاتی
 در کنفدراسیون بجا است که تعالاتی در این زمینه با در ارجاع این سازمان شود.

وظایف شعبه دانشجویی

۵۹

- ۱- شعبه دانشجویی موظف به اجرای خط مشی سازمان در جنبش دانشجویی که در خارج از کشور در کنفدراسیون، فدراسیون و واحدهای دانشجویی محیط عمل پیدا میکند، میباشد. این خط مشی توسط اعضاء و هواداران سازمان مادر سازمان و ارگانهای متعدد این جنبش به تحقیق درسیک بد.
 - ۲- شعبه دانشجویی برای اجرای خط مشی سازمان موظف است در مورد هر مسئله ای که پیش می آید، رهنمودهای روشنی و مشخصی به رفقا بدهد و با توضیحات کافی رفقای سازمانی را به گونه سیاست سازمان در جنبش دانشجویی آگاه سازد. این رهنمودها و توضیحات از طریق مجسمه، نوشتن مقاله در ارگان سازمان و یا نشریه داخلی در اختیار رفقا قرار بگیرد.
 - ۳- از آن جهت که شعبه دانشجویی میبایست دید وسیعی از تمام مسائلی که در جنبش دانشجویی شکل گرفته داشته باشد تا بتواند رهنمودهای لازم را به رفقا بدهد، لازم می آید تا این شعبه از کلیه واحدهای سازمانی ما، ارسال اخبار و اسناد جنبش دانشجویی محل خود را خواستار شود. بدینوسیله شعبه دانشجویی میتواند از وضع عمومی جنبش دانشجویی در خارج از کشور سیاست و برخورد نهضت های مختلف آگاهی یابد.
 - ۴- شعبه دانشجویی موظف است آشنایی از اسناد و مدارک جنبش دانشجویی تهیه نماید.
 - ۵- شعبه دانشجویی موظف است مجارب رفقایا کمیته های سازمان را در زمینه مسائل دانشجویی از محل، موفقیت ها، مشکلات و ترقی آنها را مورد تجل قرار دهد و پس نتیجه را برای آموزش و ارتقاء سطح آگاهی و بهبود کار طی مجسمه یا دیالکتیک با اطلاع رفقا برساند.
 - ۶- شعبه دانشجویی ملزم به سازمان دهی فعالیتهای سازمان در فعالیتهای کنفدراسیون است.
 - ۷- شعبه دانشجویی برای گسترش کنفدراسیون در کشورانی که دانشجویان ایرانی فعال به تحصیل دارند به گزینش و راحت و درجه اول خود را به کشورانی که موفقیت مناسبتر دارند صنددل خواهد داشت.
 - ۸- حسب دراختیاری متوجه دانشجویان خارج از کنفدراسیون که کنفدراسیون
 - ۹- شعبه دانشجویی میتواند از کلیه شعب و رفقای تحت مرکز برای پذیرفتن کار خود کمک بگیرد. در این رابطه لازم است رفقای از تحت مرکز که در کار دانشجویی فعالیت دارند گزارش کار خود را به مسئول این شعبه داده و او را در جریان کار خود گذارند.
 - ۱۰- شعبه دانشجویی به روش ماهیکه (از نیمه - در نیمه) گزارش فعالیت خود را به مسئول مرکز میدهد.
 - ۱۱- شعبه دانشجویی موظف است یکی از رفقا را بعنوان معاونت این شعبه تعیین کند و کار او را در کار دانشجویی شرکت دهد تا به یونسید بتواند برای مسئولیت این شعبه جانشینی در نظر گرفته باشد.
- این سند در تاریخ ۲۳ فوریه ۱۹۷۵ در قم تصویب شد.

سند شماره ۷ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (مبارزه توفان برای جلوگیری از انشعاب در درون کنفدراسیون بر اساس صورتجلسات هیئت مرکزی و گزارشات دانشجویی و تماس‌های تشکیلاتی)
صفحه ۵۹ و ۵۷ صورتجلسات

"به خاطر تحقق خطمشی رزمنده در کنفدراسیون"

برنامه سیاسی ما در کنفدراسیون لازم است که در برگیرنده نکات زیرین باشد:

۱- افشای سیاست انشعاب‌گرانه و تفرقه‌افکنانه‌ای که از مدت‌ها قبل توسط بخشی در کنفدراسیون دنبال می‌شود. سیاستی که نتیجه عینی آن تضعیف مبارزات ضدامپریالیستی و ضدارتجاعی کنفدراسیون بوده و عملاً کنفدراسیون را فاقد تحرک مبارزاتی نموده است.

۲- افشای همه جانبه نیروهائی که سیاست خود را مبتنی بر جانب‌داری از دولت ضدخلقی شوروی و کمیته مرکزی نموده و یا سیاست مماشات و سکوت را در پیش گرفته‌اند. در این میان بایستی قبل از هر نیروی دیگر "جبهه ملی" را که با شتاب به سوی همکاری با کمیته مرکزی رفته و قصد دارد کنفدراسیون را بزیار این پرچم کشد، افشاء نمود.

۳- مبارزه با نظرات انحرافی که کوشش می‌کند یا کنفدراسیون را تبدیل به ضمیمه‌ای از سازمان‌های چریکی نموده و یا در نظر دارد این سازمان توده‌ای و علنی را به صورت حزب سیاسی درآورد.

۴- برای دامن زدن به مبارزات وسیع و بیرون کشیدن کنفدراسیون از خمودگی حاضر لازم است تا آکسیون‌هائی در زمینه‌های دفاع از جنبش ظفار، دفاع از زندانیان سیاسی و کلیه مبارزین درون کشور بر پا داشت. بخش اخیر را لازم است با دقت بسیار دامن زد تا از سوئی دفاع از مبارزین را حدت بخشیده و از سوی دیگر اسلحه تبلیغاتی و کاذب دفاع از کلیه مبارزین را از دست "جبهه ملی" و سایرین که در نظر دارند خود را تنها مدافعین مبارزین درون کشور جلوه دهند، گرفته باشیم.

۵- برای بازگو کردن سیاست خود برای کلیه دانشجویان و بسیج آنها جهت دفاع و اجرای سیاست مبارزاتی در کنفدراسیون به جا است که مقالاتی در این زمینه در ارگان سازمان منتشر شود.

وظائف شعبه دانشجویی

۱- شعبه دانشجویی موظف به اجرای خطمشی سازمان در جنبش دانشجویی که در خارج از کشور در کنفدراسیون، فدراسیون‌ها و واحدهای دانشجویی محیط عمل پیدا می‌کند، می‌باشد. این خطمشی توسط اعضاء و هواداران سازمان ما در سازمان‌ها و ارگان‌های متعدد این جنبش به تحقق درمی‌آید.

۲- شعبه دانشجویی برای اجرای خطمشی سازمان موظف است در مورد هر مسئله‌ای که پیش می‌آید، رهنمودهای روشن و مشخصی به رفقا بدهد و با توضیحات کافی رفقای سازمانی را به کنه سیاست سازمان در جنبش دانشجویی آگاه سازد. این رهنمودها و توضیحات از طریق بخشنامه، نوشتن مقاله در ارگان سازمان و یا نشریه داخلی در اختیار رفقا قرار می‌گیرد.

۳- از آن جهت که شعبه دانشجویی می‌بایستی دید وسیعی از تمام مسائلی که در جنبش دانشجویی می‌گذرد داشته باشد تا بتواند رهنمودهای لازم را به رفقا بدهد، لازم می‌آید تا این شعبه از کلیه واحدهای سازمانی ما، ارسال اخبار و اسناد جنبش دانشجویی محل خود را خواستار شود. بدین وسیله شعبه دانشجویی می‌تواند از وضع عمومی جنبش دانشجویی در خارج از کشور و سیاست و برخورد نیروهای مختلف آگاهی یابد.

۴- شعبه دانشجویی موظف است آرشیوی از اسناد و مدارک جنبش دانشجویی تهیه نماید.

۵- شعبه دانشجویی موظف است تجارب رفقا یا کمیته‌های سازمان را در زمینه مسائل دانشجویی از هر محل، موفقیت‌ها، مشکلات و نواقص آنها را مورد تحلیل قرار دهد و سپس نتیجه را برای آموزش و ارتقاء سطح آگاهی و بهبود کار طی بخشنامه‌ها و یا مقالات به اطلاع رفقا برساند.

۶- شعبه دانشجویی ملزم به سازمان دهی فعالیت‌های سازمان در فعالیت‌های کنفدراسیون است.

۷- شعبه دانشجویی برای گسترش کنفدراسیون در کشورهائی که دانشجویان ایرانی اشتغال به تحصیل دارند، به کوشش پرداخته و توجه درجه اول خود را به کشورهائی که موقعیت مناسب‌تر دارند مبذول خواهد داشت.

۸- جلب و راهنمایی توده دانشجوی خارج از کنفدراسیون به کنفدراسیون.

۹- شعبه دانشجویی می‌تواند از کلیه شعب و رفقای هیئت مرکزی برای پیشرفت کار خود کمک بگیرد. در این رابطه لازم است رفقای از هیئت مرکزی که در کار دانشجویی فعالیت دارند گزارش کار خود را به مسئول این شعبه داده و او را در جریان کار خود گذارند.

۱۰- شعبه دانشجویی هر شش ماه یکبار (ژانویه- ژوئیه) گزارش فعالیت خود را به هیئت مرکزی می‌دهد.

۱۱- مسئول شعبه دانشجویی موظف است یکی از رفقا را به عنوان معاونت این شعبه در نظر بگیرد، وی را در کار دانشجویی شرکت دهد تا بدین وسیله بتواند برای مسئولیت این شعبه جانشینی در نظر گرفته باشد.

این بند در تاریخ ۲۳ فوریه ۱۹۷۵ در ه. م. تصویب شد"

سند شماره ۸ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (تلاش‌های توفان برای جلوگیری از انشعاب در درون کنفدراسیون بر اساس صورت‌جلسات هیئت مرکزی و گزارشات دانشجویی و تماس‌های تشکیلاتی)

کار مشخص تشکیلاتی

نقل از صورت‌جلسه صفحه ۵۵

کار مشخص تشکیلاتی

۱- ایجاد یک مرکز خبر در برلین. ارسال خبر به رفیق هرشتک در برلین و تقابل کتب اخبار دیگر که از طرف رفقا و یاران درستان در اختیار رفیق هرشتک گذاشته شده.

۲- در پی رابطه نفیسی یک فرد در هر واحد سیاسی تماس دائم با رفیق هرشتک.

۳- معرقت زبان‌های دانشجویی و از نظر کیفی و به از نظر کمی.

۴- برای مقصد اهداف مذکور تماس با کلیه نیروهای سیاسی.

۵- تسبیح و تهنیت کلیه رفقای سازمان و هزاران غنچه شیرین است سازمان از

۱- مسئله ظفار و دفاع از معانیات مردم ایران و زندانیان سیاسی.

۲- افشای سیاست‌های گوناگون تبلیغاتی رژیم در زمینه‌های عملی و فکری و خلع بی‌شعرت و غیره.

در رابطه با مسئله ظفار و زندانیان سیاسی لازم است روی شعارهای مشخصی مانند آئینه‌ها و پرچم‌ها درج شود.

خلق ایران مجبور رژیم شاه و به ظفار محکوم حکمیت!

بپروند باو میمند معانیات خلق و ایران علیه دشمنان متحرک!

سجاده رژیم شاه به ظفار مکل سیاست سر درواختان در ایران است!

بدرود به زندانیان سیاسی که زندان را سنگری از مبارزه کرده‌اند!

بمبارزه متحد علیه رژیم شاه به پیش یاریم در زندانیان سیاسی یارایان!

(در مورد معانیات مردم مخصوص دانشجویان شعارهای آه دره سرور از نظر علمی صحتیان اقدامات زیر را انجام داد)

۱- انتشار جزوه در مورد جنبش ظفار.

۲- انتشار جزوه در باره ایران (ای جزوه تقریباً به کلی آماده است)

۳- تماس با سازمان‌های خارجی برای برگزیدن یک کسب در مورد ظفار.

۴- برگزیدن سخنانی در مورد مسائل کنفدراسیون که احتمالاً می‌تواند در شهرهای کلن، برلین، هامبورگ و فرانکفورت برگزار گردد.

۵- انتشار جزوه‌ای در مورد مسائل کنفدراسیون که مقالات آن توسط واحد و یا رفقا تهیه می‌گردد.

در این رابطه لازم است همه رفقا و سخنان را تسویق به تفاهاتش متعلق کند.

این برنامه در تاریخ ۱۷/۱۱/۷۵ در جلسه هفت مرکز به تصویب رسید.

سند شماره ۸ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (مبارزه توفان برای جلوگیری از انشعاب در درون کنفدراسیون بر اساس صورتجلسات هیئت مرکزی و گزارشات دانشجویی و

تماس‌های تشکیلاتی)

کار مشخص تشکیلاتی

نقل از صورتجلسه صفحه ۵۵

"کار مشخص تشکیلاتی"

۱- ایجاد یک مرکز خبری در برلن، ارسال خبر به رفیق هوشنگ در برلن و متقابلاً کسب اخبار دیگر که از طرف رفقا و یا دوستان در اختیار رفیق هوشنگ گذاشته شده.

۲- در این رابطه تعیین یک فرد در هر واحد برای تماس دائم با رفیق هوشنگ

۳- تقویت سازمان‌های دانشجویی چه از نظر کیفی و چه از نظر کمی

۴- برای پیشبرد اهداف مذکور تماس با کلیه نیروهای سیاسی

۵- بسیج و تهیج کلیه رفقای سازمانی و هواداران به منظور پیشبرد سیاست سازمان

نامه و تم‌های مشخص

۱- مسئله ظفار و دفاع از مبارزات مردم ایران و زندانیان سیاسی

۲- افشای سیاست‌های گوناگون تبلیغاتی رژیم در زمینه‌هایی مثل نقش شاه در خلیج، مسئله نفت و غیره. در رابطه با مسئله ظفار و زندانیان سیاسی لازم است روی شعارهای مشخصی مانند آنچه در زیر آورده می‌شود کار شود:

خلق ایران تجاوز رژیم شاه را به ظفار محکوم می‌کند!

پیروز باد پیوند مبارزات خلق‌های ظفار و ایران علیه دشمنان مشترک!

تجاوز رژیم شاه به ظفار مکمل سیاست ترور و اختناق در ایران است!

دروغ به زندانیان سیاسی که زندان را سنگری از مبارزه کرده‌اند!

مبارزه متحد را علیه رژیم شاه به پیش ببریم و به زندانیان سیاسی یاری رسانیم!

در مورد مبارزات مردم به خصوص دانشجویان شعارهایی آورده شود

از نظر عملی می‌توان اقدامات زیر را انجام داد

۱- انتشار جزوهای در مورد جنبش ظفار

۲- انتشار جزوهای در باره ایران (این جزوه تقریباً آماده است)

۳- تماس با سازمان‌های خارجی برای برگزاری آکسیون مشترک در مورد ظفار

۴- برگزاری سمینارهایی در مورد مسائل کنفدراسیون که احتمالاً می‌تواند در شهرهای کلن، برلن، ماینس و فرایبورگ برگزار گردد.

۵- انتشار جزوهای در مورد مسائل کنفدراسیون که مقالات آن توسط واحدها و یا رفقا تهیه می‌گردد. در این رابطه لازم است همه رفقا و سمپات‌ها را تشویق به نگارش چنین مقالاتی نمود.

این برنامه در تاریخ ۱۱/۱/۷۵ در جلسه هیئت مرکزی به تصویب رسید."

این سند نیز موثد آن است که سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان تا به چه حد به مبارزات دانشجویان و تداوم کار آنها در شرایط تفرقه و خراب‌کاری اهمیت می‌داد و تلاش می‌کرد مانع آن شود که رژیم محمدرضا شاه و رویزیونیست‌های حزب توده از ضعف کنفدراسیون در مجموع سوء استفاده کنند.

سند شماره ۹ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (کمیسیون مشترک دانشجویی با "سازمان انقلابی" حزب توده ایران)

گزارش دانشجویی

نقل از صورت جلسه صفحه ۱۱۵

کمیسیون ۷۵ / ۱۰ / ۱۴
۱۱۵

دستورالعمل دانشجویی
بنابر این هیات مرکزی به نتایج زیر رسید:
۱- فدراسیون آلمان به کار خود ادامه می دهد.
۲- از آنجائی که تجربه رفقای وارد به کار نشان می دهد که همکاری با
سازمان انقلابی در کمیسیون که با این منظور در سطح دانشجویی در کتب از
نمایندگان سازمان با سازمان انقلابی برپا آمده امکان پذیر نیست
از این جهت این کمیسیون منحل خواهد شد و هیات مرکزی سازمان
بر طبق مواردی سازمانی بکار خود ادامه خواهد داد. رفقای ما خواهند شد
با دبیر سازمان انقلابی تفاهم پیدا کنند و همکاری را ادامه دهند ولی در
مراوده رفقای ما تشخیص می دهند که تفاهم امکان پذیر نیست و کوشش
در تفاهم بکار را به رکود می کشاند و نگاه بر طبق مواردی سازمانی یعنی از
لایق اکثریت منظور قاطع عمل خواهند کرد.

سند شماره ۹ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (کمیسیون مشترک دانشجویی با "سازمان انقلابی" حزب توده ایران)

گزارش دانشجویی

نقل از صورت جلسه صفحه ۱۱۵

۱- فدراسیون آلمان به کار خود ادامه می دهد.

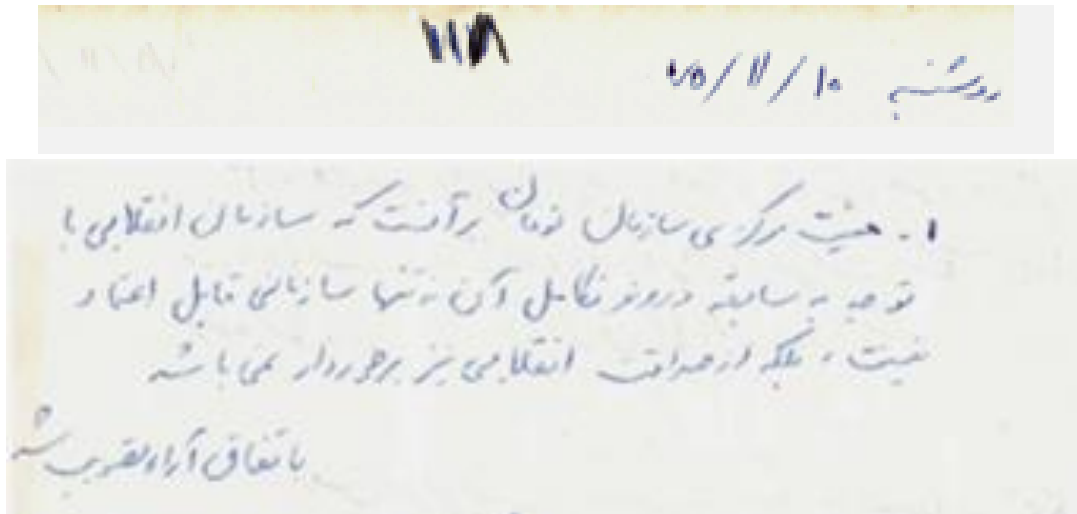
۲- از آنجائی که تجربه رفقای وارد به کار نشان می دهد که همکاری با نمایندگان سازمان انقلابی در کمیسیونی که به این
منظور در سطح دانشجویی و مرکب از نمایندگان سازمان و سازمان انقلابی به وجود آمده امکان پذیر نیست از این جهت این
کمیسیون منحل خواهد شد و هیات دبیران فدراسیون بر طبق موازین سازمانی به کار خود ادامه خواهد داد. رفقای ما خواهند
کوشید با دبیر سازمان انقلابی تفاهم پیدا کنند و همکاری را ادامه دهند ولی در مواردی که رفقای ما تشخیص می دهند که تفاهم
امکان پذیر نیست و کوشش در تفاهم کار را به رکود می کشاند آنگاه بر طبق موازین سازمانی یعنی از طریق اکثریت به طور
قاطع عمل خواهند کرد" (به اتفاق آراء تصویب شد).

سند شماره ۱۰ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (کمیسیون مشترک دانشجویی با "سازمان انقلابی" حزب توده ایران)

هیئت مرکزی سازمان توفان برآنست که سازمان انقلابی قابل اعتماد نیست.

نقل از صورت جلسه صفحه ۱۱۸



سند شماره ۱۰ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (کمیسیون مشترک دانشجویی با "سازمان انقلابی" حزب توده ایران)

هیئت مرکزی سازمان توفان برآنست که سازمان انقلابی قابل اعتماد نیست.

نقل از صورت جلسه صفحه ۱۱۸

"هیئت مرکزی سازمان توفان برآنست که سازمان انقلابی با توجه به سابقه و روند تکامل آن نه تنها سازمانی قابل اعتماد

نیست، بلکه از صداقت انقلابی نیز برخوردار نمی باشد." (به اتفاق آراء به تصویب رسید).

سند شماره ۱۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (اسناد تلاش‌های توفان برای پاسداری از وحدت کنفدراسیون جهانی)

با مهدی تهرانی در روز ۱۷/۳/۱۳۷۵ تماس گرفته شد

نقل از صورت جلسه صفحه ۷۳

۷۳

با مهدی تهرانی در روز دوشنبه ۱۷/۳/۷۵ تماس گرفته شد
 و درباره وحدت در کنفدراسیون بحث گردید. نظر او بر این بود که
 بر اساس دستاورد کار کنفدراسیون شد و وحدت عمل بوجود آورد
 و کمپرف این وحدت سازمان توفان است. ترجیح دارد که
 آنها جزوه را طبق سبک فرانکفورت منتشر و چاپ فرامند کرده
 نظریات آن را در مورد خط راست و گنگره کنفدراسیون و غیره
 آن فرامند نمود.

او پیشنهاد کرد که نشستی بین ما و جبهه ملی بوجود آید و مسائل
 خود را مطرح نموده بر سر دستاورد کار کنفدراسیون وحدت نظر بوجود
 آوریم ما با برگزیدگان چنین نشستی نه تنها با جبهه ملی بلکه با هر سازمان
 سیاسی این سیرال مترقی موافقت نمودم و اعلام کردم برای حفظ
 کنفدراسیون و ادامه سازد ذات مترقی در زمینه اش حاضریم هر قدر می‌تواند
 جتنی بر اصول پذیرفته شده از طرف ما باشد برداریم.

چنین بحثی در زمینه حکمت خود گرفت و نظریات مهدی معایر نظریات
 سازمان ما بود.

در مورد شورای نظریات که باید باین برخورد عمل کرد و در مورد
 عمل شخص اش قضاوت کردند در هر جایی که در مورد شورای قطعنامه
 که دارند و یا آنرا در اعلامیه خارج داد.

سند شماره ۱۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (اسناد تلاش‌های توفان برای پاسداری از وحدت کنفدراسیون جهانی)

با مهدی تهرانی در روز ۱۹۷۵/۰۳/۱۷ تماس گرفته شد

نقل از صورت جلسه صفحه ۷۳

"با مهدی تهرانی در روز ۱۹۷۵/۰۳/۱۷ تماس گرفته شد و در باره وحدت در کنفدراسیون بحث گردید. نظر او بر این بود که براساس دستاوردهای کنفدراسیون می‌شود وحدت عمل به وجود آورد و یک طرف این وحدت سازمان توفان است. توضیح داد که آنها جزوه از طریق سازمان فرانکفورت تکثیر و چاپ خواهند کرد که نظریاتشان را در مورد خط راست و کنگره کنفدراسیون و غیره در آن خواهند نوشت.

او پیشنهاد کرد که نشستی بین ما و جبهه ملی به وجود آید و مسائل خود را مطرح نموده بر سردستاوردهای کنفدراسیون وحدت نظر به وجود آوریم ما با برگزاری چنین نشستی نه تنها با جبهه ملی، بلکه با هر سازمان سیاسی اپوزیسیون مترقی موافقت نمودیم و اعلام کردیم برای حفظ کنفدراسیون و ادامه مبارزات مترقی و رزمنده‌اش حاضریم هر قدمی که مبتنی بر اصول پذیرفته شده از طرف ما باشد برداریم.

سپس بحثی در زمینه حکمت‌جو درگرفت و نظریات مهدی مغایر نظریات سازمان ما بود.

در مورد شوروی نظر داشت که باید به آن برخورد عملکردی نمود و در مورد هر عمل مشخص‌اش قضاوت کرد و نه در هرجا و بی‌جا در مورد شوروی قطعنامه‌ای گذراند و یا آن را در اعلامیه‌ها جای داد."

سند شماره ۱۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (اسناد تلاش‌های توفان برای پاسداری از وحدت کنفدراسیون جهانی)

در تاریخ ۷۵/۳/۲۵ جلسه مشترکی بین دو نفر از سران جبهه ملی و...

صفحات ۶۷ تا ۷۰ صورتجلسات

۹۷
 در تاریخ ۷۵/۳/۲۵ جلسه مشترکی بین دو نفر از سران جبهه ملی گابریل و
 فرامرز بیانی و دو نفر از سران کادر کوماندو توفان و جابر و دو نفر از اعضای
 هیئت مرکزی سازمان با رضایت بهرام در عقوبت کامران برگزار شد.
 در مورد دست‌درآوردن کنفدراسیون بحث شد.
 ۱- مشور کنفدراسیون، سازمان با تفریباتش را در این باره گفت و پرسید
 تا فک کرده که چرا جبهه ملی تفرش را در مورد تصور تغییر داده است. جبهه ملی
 مدعی شده بخاطر جلوگیری از سوءاستفاده و اغراض کنفدراسیون است همکاری
 با ابریم با این شعار موافقت کرده است و هر آن دیگر که تشخیص دهد اشعار
 سوءاستفاده باز است باز آنرا تشدید خواهد کرد.
 مامور افع خود را که کنفدراسیون سازمانی کرده است و معتقدانه فوآل
 سرگونی ابریم شاه باشد تو فوج دادیم و گفتیم که این شعار خرمی است که
 در این جهت کلام بر سر دارد. اگر تصور از آن تبلیغ علیه شاه است
 و تبلیغ سرگونی است آنگاه باید کلماتی را به یاد آوریم. تصور را بیان
 کند. چون ما فردا آن سرگونی را که کنفدراسیون می‌خواهد به قوم ما تبلیغ کند
 ابریم محمد رضا شاه را می‌کنیم نیست.
 ۲- در مورد سرودی بحث شد و نقطه نظر دو باره موسیال ابریم
 گفته شد. ولی کنفدراسیون بر سرانده سرودی بطور مشخص
 بر خود نشود توافق نظر بود. مامورین کردیم که سازمان با اقتدار
 بانیله موسیال ابریم هم ابریم است. برابر عامه فهم کردن این
 شعار برابر تفهیم موسیال ابریم برابر کرده که و نیز برفته شدن آن

۹۸

این اصطلاح

ساز، خواهد کرد و هرگز هدفش آن نیست که ~~از~~ امروز در مورد
کشفه را سرک قرار دهد. ما با آوردن آن مخالف بوده ایم اکنون هم نه
باعث تفاق در کنفدراسیون است مخالفیم ولی در آینده ای دور
باینزدیک مورد توافق بعضی ممکنه در کشفه را سرک باشد مخالفی
ما آوردن آن نداریم.

۳- در مورد جنبش فکله اعتقاد بر این بود که باید از این جنبش
دفاع نمود. شرط دفاع از آن نباید شد سوپا آل امپریالسم باشد
بلکه ما باید مصالح خلق فکار را در مبارزه علیه دشمنانش در نظر
گیریم. نه آنرا سرک از آنها برابر ما در درجه اول اهمیت است
در آنکه نیاز فکار البته که ما معتقدیم برابر ساز ما نیاز دیگر
تبعین تکلیف کنیم. اگر مبارزه نظایرات مشترک را با خود
جنبش فکار تدارک می بینیم باید در چهار چوب خواست خلق
فکار باشیم البته این به این معنی نیست که ساز ما نیاز دیگر
حق تبلیغ تقویات سیاسی خود را در مورد سرودی نداریم.
آنرا مستردانند ~~در~~ ^{اسناد} خود در این زمینه وضع گیر کنند.

۴- باید مبارزه ما مخصوص در شرایط فعلی علیه رژیم شاه باشد
نمود و نه اگر یک مبارزه مشترک علیه رژیم شاه بخاطر جنبش
فکار دیده شود.

۵- در مورد کشفه مرکزی صحبت شد آنها بر سر اینکه باید از
حکمت جو دفاع نمود اینها کسی میکردند و کسی در مورد فرزند خلق

۴۹

چیز را اگر گفتند نداشتند. تکیه آنها بر این بود که حتی رفقا را هم با دفاع
از حاکمیت خود موافق بوده اند و کسی بعد از دایم سازمان انقلابی افتاده اند
در حالی که خود سازمان انقلابی مسئله را پس گرفت و دیگر بر آن
تکیه نکرده. آنها معتقد بودند که در جنبش بعدی مسئله از روی حاکمیت خود
عصیت آورد و مسئله مرکزی و پس حمله به کمیته مرکزی کشیده شد و این آخرین
بردی که کنفدراسیون آلمان برابر اولین بار اظهار شده بود و رفقا و فعالان
در قبال آن سکوت کرده بودند. ما در همانجا هم اعلام کردیم که اگر انتقاد
ما در مورد عدم حمله به کمیته مرکزی وارد حاکمیت می پذیریم
چون می پس اعلام کرد که با کمیته مرکزی مبارزه خواهد کرد و خود برادران
بودن آنها مفهوم خلقی بودن آن نیست زیرا ما معتقد نیستیم که چه
خود برادران یا خلقی است. جنبشی از خود برادران نیز به ضد
خلق بر بسته است

۶- در مورد هر یک از تفویضات برای این بود که ما از مبارزه با خلق ایران
دفاع کنیم. این جنبش کنفدراسیون است و نه از شی آنها. ما از روی مبارزه
دفاع کرده ایم. از یک طرف از دفاع کرده ایم. یادداشتی از زن این ادین
را چاپ کرده ایم و غیره. این نشان داد که دفاع کنفدراسیون از همه نیروهاست
و می مبارزات خلق با امروز بیشتر در این قالب تبلور یافته و مله انگار
گرددن نیست. در مقابل سوال که اگر جنبش م-ل در ایران اوج
تبلور به مسئله گفته که اعلام می پس را چاپ خواهند کرد. ما پس طرح
کردیم که کنفدراسیون گوئی بر نه و شی خاصی نه دارد و در نتیجه حاکمیت

۷۰
 ایامی که در روز سماع ششی چو یکی و سی و هفتاد و دو - ۲ - است
 و این از سر درگسی کنفدراسیون حکایت است که در این زمین چون بحث
 به راز آگشیه قرار شد در دفعه دیگر آنرا بحث کنیم
 همین پیشه داشتیم که در دفعه آینده هر کس نظریات خود را کتباً
 میزید و طلب مشترکی دوباره برابر بحث بگذاریم
 در روز ۱۵ ماه آوایل دوباره ما آنرا قاس گرفته شد ما برنامه عملی
 خود را برابر هر آگشیه داریم و در مورد ایران موقت به علم اظهار
 نظر می‌نماییم. چیه می‌نماید اظهار نظر خود و قرار شد ملاقات دیگر در
 ۲۴ آوایل صورت گیرد

سند شماره ۱۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (اسناد تلاش‌های توفان برای پاسداری از وحدت کنفدراسیون جهانی)

در تاریخ ۷۵/۳/۲۵ جلسه مشترکی بین دو نفر از سران جبهه ملی و...

صفحات ۶۷ تا ۷۰ صورتجلسات

"در تاریخ ۷۵/۳/۲۵ جلسه مشترکی بین دو نفر از سران جبهه ملی کامبیز روستا، فرامرز بیانی و دو نفر از سران کادرها مهدی تهرانی و جابر و دو نفر از اعضای هیات مرکزی سازمان ما رفیق بهرام و رفیق کامران برگزار شد.

در مورد دستاوردهای کنفدراسیون بحث شد.

۱- منشور کنفدراسیون. سازمان ما نظریاتش را در این باره گفت و اظهار تاسف کرد که چرا جبهه ملی نظریاتش را در مورد منشور تغییر داده است. جبهه ملی مدعی شد به خاطر جلوگیری از سوءاستفاده و انحراف کنفدراسیون به سمت همکاری با رژیم با این شعار موافقت کرده است و هر آن دیگر هم که تشخیص دهد امکان سوءاستفاده باز است آنرا تشدید خواهد کرد.

ما مواضع خود را که کنفدراسیون سازمانی توده‌ای است و نمی‌تواند خواهان سرنگونی رژیم شاه باشد توضیح دادیم و گفتیم که این شعار حزبی است که در این جهت گام برمی‌دارد. اگر منظور از آن تبلیغ علیه شاه است و تبلیغ سرنگونی است آنگاه باید کلماتی را پیدا نمود که منظور را بیان کند. چون ما خواهان سرنگونی رژیم محمد رضاشاه هستیم به مفهوم ما تبلیغ سرنگونی رژیم محمد رضاشاه را می‌کنیم نیست.

۲- در مورد شوروی بحث شد و نقطه نظرها در باره سوسیال‌امپریالیسم گفته شد. ولی در کنفدراسیون بر سر این که به شوروی به طور مشخص برخورد شود توافق نظر بود. ما روشن کردیم که سازمان ما با اعتقاد به اینکه سوسیال‌امپریالیسم هم امپریالیسم است برای عامه فهم کردن این شعار برای تفهیم سوسیال‌امپریالیسم برای توده‌ها و پذیرفته شدن آن مبارزه خواهد کرد ولی هرگز هدفش آن نیست که این اصطلاح را امروز در منشور کنفدراسیون قرار دهد. ما با آوردن آن مخالف بوده‌ایم اکنون هم که باعث نفاق در کنفدراسیون است مخالفت می‌کنیم ولی در آینده‌ای دور یا نزدیک که مورد توافق جمعی شکننده در کنفدراسیون باشد مخالفتی با آوردن آن نداریم.

۳- در مورد جنبش ظفار اعتقاد بر این بود که باید از این جنبش دفاع نمود. شرط دفاع از آن نباید مسئله سوسیال‌امپریالیسم باشد، بلکه ما باید مصالح خلق ظفار را در مبارزه علیه دشمنانش در نظر بگیریم. لذا پرسش از آنها برای ما در درجه اول اهمیت است. در آکسیون‌های ظفار البته که ما نمی‌توانیم برای سازمان‌های دیگر تعیین تکلیف کنیم. اگر مبارزه و تظاهرات مشترکی را با خود جنبش ظفار تدارک می‌بینیم باید در چارچوب خواست خلق ظفار بمانیم، البته این بدان معنی نیست که سازمان‌های دیگر حق تبلیغ نظریات سیاسی خود را در مورد شوروی ندارند. آنها می‌توانند در اسناد خود در این زمینه موضع‌گیری کنند.

۴- باید مبارزه ما به خصوص در شرایط فعلی علیه رژیم شاه تشدید شود و تدارک یک مبارزه مشترک علیه رژیم شاه به خاطر جنبش ظفار دیده شود.

۵- در مورد کمیته مرکزی صحبت شد. آنها بر سر این که باید از حکمت‌جو دفاع نمود ایستادگی می‌کردند ولی در مورد فرزند خلق چیزی برای گفتن نداشتند. تکیه آنها بر این بود که حتی رفقای ما هم با دفاع از حکمت‌جو موافق بوده‌اند ولی بعداً در دام سازمان انقلابی افتاده‌اند در حالی که خود سازمان انقلابی مسئله هلمز را پس گرفت و دیگر بر آن تکیه نمی‌کند. آنها معتقد بودند که در بحث‌های بعدی مسئله از روی حکمت‌جو به عضویت او در کمیته مرکزی و سپس حمله به کمیته مرکزی کشیده شد و این آن چیزی نبود که در سمینار فدراسیون آلمان برای اولین بار اظهار شده بود و رفقای توفان در قبال آن سکوت کرده بودند. ما در همانجا اعلام کردیم که اگر انتقادی به ما در مورد عدم حمله به کمیته مرکزی وارد هست می‌پذیریم.

جبهه ملی سپس اعلام کرد که با کمیته مرکزی مبارزه خواهد کرد و خرده‌بورژوازی بودن آنها به مفهوم خلقی بودنشان نیست زیرا ما معتقد نیستیم که همه خرده‌بورژوازی خلقی است. بخشی از خرده‌بورژوازی نیز به ضد خلق پیوسته است.

۶- در مورد چریک‌ها نظرشان بر این بود که ما از مبارزات خلق ایران دفاع می‌کنیم. این مشی کنفدراسیون است و نه از مشی آنها. ما از روحانیون دفاع کرده‌ایم. از پاکت‌زد دفاع کرده‌ایم، یادداشت‌های زندان اوین را چاپ کرده‌ایم و غیره. این نشانه دفاع کنفدراسیون از همه نیروهاست ولی مبارزات خلق ما امروز بیش‌تر در این قالب تبلور یافته و لذا گناهی به گردن ما نیست. در مقابل سؤال ما که اگر جنبش م. ل. در ایران اوج بگیرد چه می‌کنید؟ گفتند که اعلامیه‌هایش را چاپ خواهند کرد. ما سپس مطرح کردیم که کنفدراسیون گوئی برنامه و مشی خاصی ندارد، روزی مدافع حکومت اسلامی، دگر روز مدافع مشی چریکی و سپس طرفدار م. ل. است. و این از سردرگمی کنفدراسیون حکایت می‌کند. در این زمینه چون بحث به درازا کشید قرار شد در دفعه دیگری آنرا بحث کنیم.

سپس پیشنهاد شد که در دفعه آینده هر کس نظریات خود را کتبا بنویسد و جلسه مشترکی دوباره برای بحث بگذاریم.

در روز ۷ ماه آوریل دوباره با آنها تماس گرفته شد. ما برنامه عملی خود را برای رهبری آکسیون‌ها دادیم و در مورد "دبیران موقت" هم اظهار

نظر نمودیم. جبهه ملی نیز اظهار نظر نمود و قرار شد ملاقات دیگری در ۲۳ آوریل صورت گیرد."

سند شماره ۱۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (اسناد تلاش‌های توفان برای پاسداری از وحدت کنفدراسیون جهانی)

در تاریخ دوشنبه ۷۵/۳/۱۷ با سیاه تماس گرفته شد

نقل از صورت جلسه صفحه ۷۱ تا ۷۲

۷۱
 سیاه
 در تاریخ دوشنبه ۷۵/۳/۱۷ با سیاه تماس گرفته شد و در مورد کنفدراسیون بحث شد. توفان بر این بود که اساس اختلافات بین ما و صبیح علی است و ما باید آنها را حل کنیم. منظور ما این بود که کنفدراسیون قلمبه نمورد و بر سر آن وقت بگذرد. اما توفان به ما این را نپذیرفت و پرسش او بود:

در مورد از اینها دست برخی افراد برادر بحث شد. منظور من صبیح علی که نسبتاً از ایران بر علیه جمعیت اکثر و هوادار صریح و برخی مشرب است و اگر کسی به ما حقیقت درم ایران را از برعلات سؤال قرار داده اند و صغیر را نمود. او حقیقت بود که هوادار و روسای سازمانها تقویات اخراجی در جنبش م - لام هستند. این سازمانها برخی از این جنبش اند و نه تمام آن نه این جهت تمام غرب بر خود نهاده اند و بر خود ما به آنها بر خود به جنبش م - لای است که در آن اخراج اساسی بر خود آمده است. گفته غرب که نسبت به این آنها را بر جمعیت میانه برابر با هم نیست ما آنها را بر جمعیت نمی شناسیم. سازمان توفان هم در زمانیکه سازمان انقلابی را قبول نه است در همین اینکه سازمان انقلابی از خوف و فقر و دینی بر جمعیت شفافه شده بآن جمله کرد. لذا نمیشود در زمانیکه جنبش مرکز و واحد گزینشی در سطح جهانی نیست بلکه محاذات صبیح و جمعیتها بر آنکه م - لای هستند و ما هم با آنرا میکنیم و این صفحه در آن کوفتی جنبش م - لای است در مقابل این سازمانها سکوت اختیار کرد.

در مقابل سؤال ما که تفاوت موضع هوادار صریح یا جمهوریخواه اروپایی

۷۳

صمیمت عنقه برد که چینی در سطح یک کدو عمل می‌کنند و کما اگر روزی
 همسر بر توده از چینی هرگز کمر بستار ایران تعیین تکلیف
 کرد که مثلاً ثابت و همکار کند یا مثلاً کار را بنامش یا علیه چینی
 موضع بگیریم همانگونه که توفان در مورد سفر اشرف گرفت
 در مورد توفان آنها در باره سنده سازان که تقدم سازان انقلابیون
 شمر گرفته شده بود صحت کردم و در پییم همه ضایع است بآن پاسخ
 تلفه اند. اظهار کردند که بعلت گرفتار بارس داخلی قادر نیستند
 که فعلاً به آن پاسخ دهند

سند شماره ۱۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (اسناد تلاش‌های توفان برای پاسداری از وحدت کنفدراسیون جهانی)

در تاریخ دوشنبه ۷۵/۳/۱۷ با سیاه تماس گرفته شد

نقل از صورت‌جلسه صفحه ۷۱ تا ۷۲

"در تاریخ دوشنبه ۷۵/۳/۱۷ با سیاه تماس گرفته شد و در مورد کنفدراسیون بحث شد. نظر او بر این بود که اساس اختلافات بین ما و جبهه ملی است و ما باید آنها را حل نمائیم. به نظر او باید بر دستاوردهای کنفدراسیون تکیه نمود و بر سر آن وحدت به وجود آورد. لذا نظریه سازمان ما نیز مورد پذیرش او بود.

در مورد ارزیابی نادرست برخی احزاب برادر بحث شد. به نظر برخی می‌باید کمونیست‌های ایران بر علیه جمعیت اکتبر، هومانیته سرخ و برخی نشریات دیگری که ماهیت رژیم ایران را زیر علامت سؤال قرار داده‌اند موضع‌گیری نمود. او معتقد بود که هومانیته‌روژ و سایر سازمان‌ها نظریات انحرافی در جنبش م. ل. هستند. این سازمان‌ها برخی از این جنبش‌اند و نه تمام آن. لذا بی‌جهت نام حزب بر خود نهاده‌اند و برخورد ما به آنها برخورد به جنبش م. ل. می‌است که در آن انحرافات اساسی به وجود آمده است. این که حزب کمونیست چین آنها را به رسمیت می‌شناسد برای ما مهم نیست ما آنها را به رسمیت نمی‌شناسیم. سازمان توفان هم در زمانی که سازمان انقلابی را قبول نداشت در عین این که سازمان انقلابی از طرف رفقای حزبی چینی به رسمیت شناخته می‌شد به آن حمله کرد. لذا نمی‌شود در زمانی که جنبش متمرکز و واحد کمونیستی در سطح جهانی نیست، بلکه سازمان‌ها، جنبش‌ها و جمعیت‌های پراکنده م. ل. هستند و با هم مبارزه می‌کنند و این مشخصه دوران کنونی جنبش م. ل. می‌است در مقابل این سازمان‌ها سکوت اختیار کرد.

در مقابل سؤال ما که تفاوت موضع هومانیته سرخ با جمهوری توده‌ای چین چه هست؟ معتقد بود: که چین در سطح یک کشور عمل می‌کند ولی اگر روزی جمهوری توده‌ای چین برای کمونیست‌های ایران تعیین تکلیف کرد که مثلاً با شاه همکاری کنید یا فلان کار را بنمائید ما علیه چین موضع می‌گیریم همان‌گونه که توفان در مورد اشرف گرفت.

در مورد نظر آنها در باره سند سازمان که تقدیم سازمان انقلابیون کمونیست شده بود صحبت کردیم و پرسیدیم به چه مناسبت به آن پاسخ نگفته‌اند. اظهار کردند که به علت گرفتاری‌های داخلی قادر نیستند که فعلاً بدان پاسخ دهند."

سند شماره ۱۴ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (اسناد تلاش‌های توفان برای پاسداری از وحدت کنفدراسیون جهانی)

در تاریخ ۷۵/۴/۲۱ جلسه مشترکی با سه نفر از اعضاء هیئت مرکزی سازمان انقلابی تشکیل گردید

نقل از صورت‌جلسات هیات مرکزی توفان صفحات ۷۶ تا ۷۹

۷۶

در تاریخ ۷۵/۴/۲۱ جلسه مشترکی با سه نفر از اعضاء هیئت مرکزی سازمان
انقلابی تشکیل گردید. طبق برنامه کارگران از سازمان حاضر داشتند
دستور جلسه در مورد موضوعات زیرین بود:

- ۱- کنفدراسیون
- ۲- وضعیت م- ل د
- ۳- چرکی
- ۴- حزب رستاخیز دمسند براسس تحصیلی
- ۵- تبادل نظر در مورد مسائل تنوع
- ۶- حضور مجدد وضعیت جنبش جهانی کورسی

در باره کنفدراسیون و گوناگونی اداه مبارزه در صورت پیروزی مشی نادرست
در آن دو نقطه نظر بکلی متفاوت موجود بود. با اعتقاد داشتیم در صورت غلبه
مشی نادرست مبارزه ما در آن چهارچوب امکان پذیر نیست، آنها مدعی بودند
که مبارزه ما مبارزه اس طولانی است و باید به غلبه خرده کجاست و غیره.
در مقابل استدلالات ما با چار شده نه این بحث را این خود بخود را تکرار شده
و نتیجه قطعی را با اطلاع دهند. در رابطه با کار اعضاء در آن در آمریکا که
چار چکار با سازمان ما در این کشور کشیدن عکس حرکت خود هستند با (س-ا-ک)
(ک) شده اند از خود استقلال نموده اند؟

و مطالب زیر را در مورد سیاستان فرموده کردند

- ۱- تمرکز نیرو در ایران دشمن اصلی (که جنبه ملی آید و تلاش در مقابل
مؤثر در کسبه تکراری می باشد)

۳

۷۷

۳- بازه طالع برای تعیین تفاوت و ملل گام بقام تفاد
 ۴- سیاست مایه افشا از احاطه بار بوده باشد
 ۵- از تفاوت کتبی طرح عدم قبولیت "برگشت" مصلحت
 نیست. مایه جنبی بود و آدم که اکثر ناخوش برار مل
 شده باشد.

۶- مسئله تعیین دست است ولی مایه بدستی مناسبش را
 حل کرد.

۷- در مورد مریخ که اکثر نژادش سکونت گاه اردن شده است
 در مورد مسئله تعیین قرارش بر آمدن و شش است که همه در مری
 نگیه شود تنها در زمان خلوت تفرقه و بن بست گنگره به عدم حضور
 یکی از طرفین رضایت داده شد در صورتیکه باز تعیین لازم
 وجود داشته باشد.

در مورد سایل بنی الملک ساعه بنی اطلاع بوده از اعتقادنا و نیز غنی است
 تفاد ساس بنی فلقا اسیرایسم سیرگردگی اسیرایسم اسیرایسم و سیرایسم

۷۸ ۷۹

ایرانیان را غیبت انداخته و بیشتر در حق مرفوع غلط تصور را با دوا بر قدرت
گواه برداشته از ترس دنیا دفاع می کردند و از جویان عظیمی که موجود
است بی خبر بودند و در شان اقرار کرده که مطالب اقرار
برادر را میخواستند حتی یکی از آنها سلفیت این مسائل با مربوط
نیست ما باید کار خودمان را بکنیم.

در این زمینه ما تویات نداشتیم آنها را متذکر شدیم در اختلافات
افراد برادر تنها بزرگ استدلالات موجود و موقوفه اکتفا کردیم و خواست
آنها را از وجود اختلافات که بطور ما بر سر مطلق کنیم چون ممکن است
جنبه خوبی نداشته باشد.

در مورد سایر مسائل نیز بزرگ استدلالات اکتفا می کردند و اظهار نظر مشخص
را به مطالعه بیشتر و جمع آوری کفالتها داشتند و در طولانی و غیره توکل
می کردند این روش آنها بیشتر از عدم اطلاع از عدم توانایی برابر با سطح
مسائل شخص بود مطالب موجود از جانب سایر آنها حتی
تازگی داشت و لذا این جنبه طلب از برابر آفرینش آنها بود
قرار شد در مورد استیسی تبادل اطلاعات شود تجربه از علم با
آموخته.

از صحبت با آنها بر میآید که بار فکار چینی در تماس آنها و در آفرین
تماس آن که باید در همین اواخر بوده باشد در مورد ایران صحبت کرده اند
و ظاهراً رفتار چینی آنها را قانع نموده اند که سیاستشان درست است
و شاه علیه دوا بر قدرت مبارزه میکند از صحبت با آنها بر میآید که

۷۸ ۷۹

رفتار چینی مقصد دعوت شاه را دارند

قرار شد در مورد گنجینه فرقه قوده تبادل اسناد شود و آن
 سند در مورد اطلاعات ارضی را که ۳۰ صفحه است برابر مطالعه با
 به صند
 پیشنهاد شد در جلسه آینده در مورد صورت ۲-۱ ل را بحث و تبادل
 نظر گردد.
 طرح مشترک در بعد از ظهر ۲۲/۴/۷۵ به پایان رسید.

سند شماره ۱۴ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (اسناد تلاش‌های توفان برای پاسداری از وحدت کنفدراسیون جهانی)

در تاریخ ۷۵/۴/۲۱ جلسه مشترکی با سه نفر از اعضاء هیئت مرکزی سازمان انقلابی تشکیل گردید

نقل از صورت‌جلسات هیات مرکزی توفان صفحات ۷۶ تا ۷۹

"در تاریخ ۷۵/۴/۲۱ جلسه مشترکی با سه نفر^۱ از اعضاء هیئت مرکزی سازمان انقلابی تشکیل گردید. رفقا بهرام و کامران از سازمان ما در آن حضور داشتند. دستور جلسه در مورد موضوع‌های زیرین بود.

۱- کنفدراسیون

۲- وحدت م. ل‌ها

۳- چریک‌ها

۴- حزب رستاخیز و مسئله بورس تحصیلی

۵- تبادل نظر در مورد مسائل متفرقه

۶- بحث در مورد وضعیت جنبش جهانی کمونیستی

در باره کنفدراسیون و چگونگی ادامه مبارزه در صورت پیروزی مشی نادرست در آن، دو نقطه نظر بکلی متفاوت موجود بود. ما اعتقاد داشتیم در صورت غلبه مشی نادرست، مبارزه ما در آن چارچوب امکان پذیر نیست، آنها مدعی بودند که مبارزه ما مبارزه‌ای طولانی است، باید به جلب توده‌ها برخاست و غیره. در مقابل استدلال‌ات ما ناچار شدند این بحث را بین خود مجدداً تکرار کنند و نتیجه قطعی را به ما اطلاع دهند. در رابطه با کار اعضاء‌شان در آمریکا که برای همکاری با سازمان ما در پائین کشیدن عکس حکمت‌جو همصدا با (س-ا-ک) شده‌اند از خود انتقاد نمودند! و مطالب زیر را در مورد سیاست‌شان فرموله کردند.

۱- تمرکز نیرو برای زدن دشمن اصلی (که جبهه ملی است و تزلزلش در مقابل شوروی و کمیته مرکزی می‌باشد).

۲- مبارزه طولانی برای تصحیح نظریات نادرست و حل گام به گام تضادها.

۳- سیاست ما باید افشاء انشعاب برای توده‌ها باشد.

۴- از نظر تاکتیکی طرح عدم قبولیت "مرکزیت" فعلی درست نیست. ما باید جنبشی به وجود آوریم که آلترناتیوی برای حل مسئله باشد.

۵- مسئله تضمین درست است ولی باید به درستی مناسباتش را حل کرد.

۶- در مورد مونیخ حداکثر نرمش مسکوت گذاردن مسئله است.

در مورد مسئله تضمین قرار شد بر آمدن و شرکت همه در رهبری تکیه شود تنها در زمان خطر تفرقه و بن بست کنگره به عدم حضور یکی از طرفین رضایت داده شود در صورتی که باز تضمین لازمه وجود داشته باشد.

در مورد مسائل بین‌المللی کاملاً بی‌اطلاع بودند. از اختلافات چیزی نمی‌دانستند. تضاد اساسی بین خلق‌ها، امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و سوسیال‌امپریالیسم را نمی‌دانستند. و بیش‌تر در همان موضع غلط تضاد اساسی با دوایر قدرت گمراه بودند. از تز سه دنیا دفاع می‌کردند و از جریان عظیمی که موجود است بی‌خبر بودند. خودشان اقرار کردند که مطالب احزاب برادر را نمی‌خوانند. حتی یکی از آنها می‌گفت این مسائل به ما مربوط نیست^۲ ما باید کار خودمان را بکنیم.

در این زمینه ما نظریات نادرست آنها را متذکر شدیم در مورد اختلافات احزاب برادر تنها به ذکر سؤالات موجود و مطروحه اکتفا کردیم وخواستیم آنها را از وجود اختلافاتی که به نظر ما می‌رسید مطلع کنیم چون ممکن است جنبه حزبی داشته باشد.^۳

در مورد سایر مسائل نیز به ذکر کلیات اکتفاء می‌کردند. اظهار نظر مشخص را به مطالعه بیش‌تر، جمع‌آوری فاکت‌ها، داشتن دید طولانی و غیره موکول می‌کردند. این روش آنها بیش‌تر از عدم اطلاع از عدم توانایی برای پاسخ به مسائل مشخص بود. مطالب مطروحه از جانب ما برای آنها

^۱ - این سه نفر عبارت بودند از هوشنگ امیرپور، علی صادقی و محسن رضوانی

^۲ - منظور علی صادقی است.

^۳ - منظور این است که ملاقاتی که میان دو تشکل برقرار شده بود صرفاً جنبه همکاری در عرصه نجات کنفدراسیون از خطر انشعاب یعنی صرفاً هم‌آهنگی نظریات دانشجویی داشت و نه حزبی.

همگی تازگی داشت. و لذا این جلسه، جلسه‌ای برای آموزش آنها بود. قرار شد در مورد مسائل امنیتی تبادل اطلاعات شود. تجربه‌ای هم به ما آموختند.

از صحبت‌های آنها برمی‌آمد که با رفقای چینی در تماس‌اند و در آخرین تماسشان که باید در همین اواخر بوده باشد در مورد ایران صحبت کرده‌اند و ظاهراً رفقای چینی آنها را قانع نموده‌اند که سیاستشان درست و شاه علیه دوا بر قدرت مبارزه می‌کند. از صحبت‌های آنها برمی‌آمد که رفقای چینی قصد دعوت شاه را دارند.

قرار شد در مورد گذشته حزب توده تبادل اسناد شود و آنها سندی در مورد اصلاحات ارضی را که ۲۰۰ صفحه است برای مطالعه به ما بدهند.

پیشنهاد شد در جلسه آینده در مورد وحدت م. ل‌ها بحث و تبادل نظر گردد.

جلسه مشترک در بعد از ظهر ۷۵/۴/۲۲ به پایان رسید."

سند شماره ۱۵ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (اسناد تلاش‌های توفان برای پاسداری از وحدت کنفدراسیون جهانی)

در تاریخ ۷۵/۴/۲۳ جلسه مشترکی بین مهدی تهرانی و...

نقل از صورت جلسه صفحه ۸۰

۸۰

در تاریخ ۷۵/۴/۲۳ جلسه مشترکی بین مهدی تهرانی، کامران اردکانی
 سعید صدر، رفقا بهرام و کاران تشکیل شد. ماسدی را که حاوی
 نظریاتمان بود به نمایندگان هیئت علمی تقدیم کردیم و در مورد حرکت
 و شوروی بار دیگر بحث پرداختیم و قرار شد هیئت علمی در مورد سند ما
 اظهار نظر کند و آنرا کتبی با اطلاع دهد. در تاریخ ۷۵/۴/۲۵ بان
 مراجعه شد سند هنوز حاضر نبود. قرار شد آنرا با بیت سریع برابر
 ما فرستند.

در مورد اشغال کنندگان صحبت شد. نظریاتمان برای برداشت اندام
 و توانمندسازی سیاسی (گروه زن) با گرفتن سفارت مخالفت می‌داریم
 شرطی که همراه با نظریات دانشجویان باشد. برابر اینکار آلمان را

بهر از حال دیگر دانستیم.

سند شماره ۱۵ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (اسناد تلاش‌های توفان برای پاسداری از وحدت کنفدراسیون جهانی)

در تاریخ ۷۵/۴/۲۳ جلسه مشترکی بین مهدی تهرانی و...

نقل از صورت‌جلسه صفحه ۸۰

"در تاریخ ۷۵/۴/۲۳ جلسه مشترکی بین مهدی تهرانی، کامبیز روستا، سعید صدر^۱، رفقا بهرام و کامران تشکیل شد. ما سندی را که حاوی نظریاتمان بود به نمایندگان جبهه ملی تقدیم کردیم و در مورد حکمت‌جو و شوروی بار دیگر به بحث پرداختیم، قرار شد جبهه ملی در مورد سند ما اظهار نظر کند و آنرا کتبا به ما اطلاع دهد. در تاریخ ۷۵/۴/۲۵ به آنها مراجعه شد سند هنوز حاضر نبود. قرار شد آنرا با پست سریع برای ما بفرستند. در مورد اشغال کنسولگری صحبت شد. نظر ما بر این بود به علت اعدام ۹ نفر از زندانیان سیاسی (گروه جزنی) با گرفتن سفارت مخالفتی نداریم به شرطی که همراه با تظاهرات دانشجویان باشد. برای این کار آلمان را بهتر از جاهای دیگر دانستیم."

^۱ - آقای سعید صدر بعد از انقلاب کارمند رسمی سفارت آلمان در ایران شد و به خاطر نقشی که در برگزاری کنفرانس برلن با همکاری اصلاح‌طلبان در ایران و با سفارت آلمان به عهده داشت مورد پیگرد مقامات امنیتی ایران قرار گرفت و از ایران فرار کرد و هم اکنون در آلمان به فعالیت‌هایش در همان زمینه ادامه می‌دهد. کنفرانس "ایران پس از انتخابات" که با عنوان کنفرانس برلین شناخته می‌شود؛ همایشی بود که از ۱۹ تا ۲۱ فروردین ۱۳۷۹ به مدت سه روز از سوی حزب سبز آلمان و به دعوت "بنیاد هاینریش بل" که یک بنیاد پوششی حزب سبزها برای مساعدت مالی به هم‌نظران سیاسی خود و حمایت از رخنه‌گری و دخالت پوشیده در بستر سیاست خارجی آلمان می‌باشد، در خانه‌ی فرهنگ‌های جهان در برلین برگزار شد. این بنیاد از خانم روشنک داریوش نیز که با سفارت آلمان در ایران همکاری نزدیک داشت در این زمینه حمایت همه‌جانبه می‌کرد. خانم روشنک داریوش از همکاران گروه "کارگر" بخش "مصدق‌های مارکسیست جبهه ملی ایران" بود. این کنفرانس نزدیک به دو ماه بعد از انتخابات دوره ششم مجلس شورای اسلامی در ایران برگزار می‌شد. این انتخابات با پیروزی جبهه دوم خرداد متشکل از حامیان رئیس‌جمهور، سید محمد خاتمی به پایان رسیده بود و تعدادی از فعالان سیاسی و نویسندگان نزدیک به این جناح برای سخنرانی در مورد تحولات سیاسی ایران به این کنفرانس دعوت شده بودند. برخی از شرکت‌کنندگان در این کنفرانس و برگزارکنندگان آن عبارت بودند از آقایان بهمن نیرومند، فرهاد فرجاد آزاد، علی افشاری، چنگیز پهلوان، حمید رضا جلالی پور، عزت‌الله سبحانی، مهرانگیز کار، جمیله کدیور، کاظم کردوانی، اکبر گنجی، شهلا لاهیجی، حسن یوسفی اشکوری و... که ترکیبی از جبهه ملی ایران، "کادر" ها، حزب دموکراتیک مردم ایران و نهضت آزادی بودند.

سند شماره ۱۶ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (اسناد تلاش‌های توفان برای پاسداری از وحدت کنفدراسیون جهانی)

نقل از صورت‌جلسه صفحه ۸۵ تا ۸۶ برای تماس با گروه "کادر" ها

۱۵
اولین ضبط در صورت جلسه

در تاریخ ۷۵/۵/۲۹ با یکی از کادرهای تماس گرفته شده: لطیف قزاق رفیق کاروان: کارسود معرفت
حمید زرخش صحت کار که برایش پیش آمده بود کارسود را بجهت برپایی تریک گفته بود. ظاهر آن بایه
افتلافات درونی آنها نشانه دیده شده باشد. از گونه‌ها خبر نبود ظاهر آن گفتی که آن را برپا می‌توان
تقریباً انکار کرده بود. صحبت بین ما دو نفر گرفت.

تقریباً کار کرد و بین ما و حفظ راست افتلافات اصولی است و ما بایه مبارزه گذشته خود را با
آن اداره دیم. بایه دید که اگر سازمان دیگر نخواهد در مقابل مبارزان چپه ملی که قصه دارد کنفدراسیون
را بنام خود ثبت کند بعد از آن بود که ام خود انجام خواهد شد و ما بود که ام خط کشی کردیم.
کار کرد البته بخوابی کلکی کشی خبر برادر گفتی ندانند.

رفیق کاروان چند شده اصولی را توضیح کرد

۱- افتلافات ما بر سر شئی کنفدراسیون افتلافاتی اصولی است و ما حاضر نصیحت از اصول خود بگذریم
ولی تا آنجا که بین اصولی ظاهر دارد شود حاضر هر گونه ترشی هستیم.

۲- شئی در زمانی مطرح است که کنفدراسیون باشد بر سر شئی چیزی که نیست می‌شود
دیوار کرد. لذا ما در اصل مبارزه ما علیه چپه ملی برابر وقت کنفدراسیون بود در دستاوردهای آن و
مبارزه با انقلاب و تفرقه است. این تضاد عمده است و ما تضاد تحت الشعاع این
تضاد است. لذا ما بایه در ابتدا به کلکی نام برابر حل این تضاد می‌پردازیم.

۳- پیشین ما نشست مشترک برنام‌ریزی مشترک برابر کار مشترک است در سازمانی
که در آینده وجود خواهد آمد ما بایه در آن خود نیز اداس می‌رویم.

۴- پیشین دشمنی بین بر اینکه هر کس کار خود را بکند همان پیشین در چپه ملی منی بر بر هم زد
کنفدراسیون است. اگر شما در مقابل دلائل چپه ملی منی بر لزوم افراط خط راست است. استدلال منطقی
که ما بایه در یک سازمان شده علیه تطبیقات اوافقی مبارزه کنیم چرا چپین اصل در سازمانی بودن
چپه ملی معتقد نیستند. شما حاضر در سازمانی با وجود چپه در کنار ما بایه با ما همکاری کنید، دیگر مشترک
به چپه ملی بودن می‌باید که تازه برابر مبارزه با هر دو می‌آید کنفدراسیون را بر هم می‌زنند حاضر نیستید با ما همکاری
نمایند. این استدلال ضعیف است و حتی استدلال منطقی شما را هم ضعیف می‌گرداند.

۵- بنظر ما، ما بایه از نقطه اشتراک شروع کنیم مبارزه بر دایره و در پرده این مبارزه با نظریات
هم برخورد کنیم. عدم توافق بر سر شئی واحد برابر کنفدراسیون ما را به اینجا خواهد رسانید که از هم
جدا شویم و هر کس کار خود را بکند یعنی تازه تطبیق شما. ولی بخاطر اینکه بدانجا برسیم بهتر است در

۸۶

در تجربه این هم امکان همکاری را در طرف دیگر نداریم.
 خود باور داریم که اگر توافق صورت گرفت ماضی حاضریم با شما چنین جبهه مشترکی را علیه جبهه ملی
 بوجود آوریم اگر کسی دیگر هم بدین جبهه پیوست که خود اعداد و گرنه ما خود این مبارزه
 را ادامه خواهیم داد.

۷- از مردم بزرگوار این سینه صحت که باور داریم سینه صحت است که ما تمام کنی که بخت
 انصاف هستند متحداً برابر مبارزه با جبهه بدخواه برونه و گرنه اگر هر کس بخواند ساز خودش را بزنند
 این سینه نفع ما تمام نخواهد شد.

۸- تفرش را در مورد جبهه ملی پرسیدیم برهان نظریه سابق بود که باید با جبهه مبارزه نمود و متوجه بود که آن
 خدا دل برم بزدن گفته را سینه هستند.

تحلیل من: نظرم کار در دروغ نیست بهر قرار گرفته اند تبلیغات منظم آوردن در مورد ما تا بآن حد رسیدن رفت
 و در میدان تحریف و دروغگوئی آفتابان - جولان پرداخته اند که امروز بازگشت آن بسیار مشکل شده است
 ولی از طرف دیگر ما واقعیتی سرسخت را در دست داریم این واقعیت در مقابل محلی کوچک برابر تفریح
 مواضع آن میگردند. اقبالاً واقعیت سرسخت تر است و ناچارند به همکاری با ما تن در دهند. قرار شد
 با دیگر برای اتمام حجت قرار دیگری بگذاریم که در پیشینه آنی خواهد بود. با پیشینه ما سینه را اند
 قدرا سینه به مردم نشسته و گنگره را فرا خوانند مخالفی نه استند و قرار شد در این باره فکر نکنند. پیشینه
 کردم تماس با در در سطح در سطح سیاسی هم از تبادل نظر و تعیین درون و در سطح قدما سینه را بران حقوق
 بر نامه صورت پذیرد. قرار شد در این زمینه توضیح قطعی خود را بعداً اطلاع دهند.

در تاریخ ۲۵/۶/۱۶ با جمعی صحت که و مولود و بالاتر از او را نیز تشکیل میداد.

سند شماره ۱۶ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (اسناد تلاش‌های توفان برای پاسداری از وحدت کنفدراسیون جهانی)

نقل از صورت جلسه صفحه ۸۵ تا ۸۶ برای تماس با گروه "کادر" ها

"در تاریخ ۷۵/۵/۲۹ با یکی از کادرها تماس گرفته شد طبق قرار رفیق کامران به کارلسروهه رفت. مجید زربخش به علت کاری که برایش پیش آمده بود کارلسروهه را به قصد برلین ترک گفته بود. ظاهراً باید اختلافات درونی آنها تشدید شده باشد. از کمونیست‌ها^۱ خبری نبود ظاهراً کسی از آنها را برای تبادل نظر پیدا نکرده بودند. صحبت بین ما دو نفر در گرفت.

نظریه کادرها: بین ما و خط راست اختلافات اصولی است و ما باید مبارزه گذشته خود را با آنها ادامه دهیم. باید دید که اگر سازمان دیگری بخواهد در مقابل سازمان جبهه ملی که قصد دارند کنفدراسیون را به نام خود ثبت کند به وجود آید به دور کدام محور انجام خواهد شد و ما به دور کدام خط‌مشی گرد می‌آئیم. کادرها البته به جز این کلی‌گویی چیزی برای گفتن ندارند.

رفیق کامران چند مسئله اصولی را مطرح کرد.

۱- اختلافات ما بر سر مشی کنفدراسیون اختلافاتی اصولی است و ما هم حاضر نیستیم از اصول خود بگذریم ولی تا آنجا که بدین اصول لطمه‌ای وارد نشود حاضر به هر گونه نرمشی هستیم.

۲- مشی در زمانی مطرح است که کنفدراسیونی باشد بر سر مشی چیزی که نیست نمی‌شود دعوا کرد. لذا در درجه اول مبارزه ما علیه جبهه ملی برای وحدت کنفدراسیون به دور دست‌آوردهای آن و مبارزه با انشعاب و تفرقه است. این تضاد عمده است و سایر تضادها تحت‌الشعاع این تضاد است. لذا باید در ابتداء همگی با هم برای حل این تضاد گام برداریم.

۳- پیشنهاد ما نشست مشترک، برنامه‌ریزی مشترک برای کار مشترک است. در سازمانی که در آینده به وجود خواهد آمد ما به مبارزات خود نیز ادامه می‌دهیم.

۴- پیشنهاد شما مبنی بر این که هرکس کار خود را بکند همان پیشنهاد جبهه ملی مبنی بر هم زدن کنفدراسیون است. اگر شما در مقابل دلائل جبهه ملی مبنی بر لزوم اخراج "خط راست" استدلال می‌کنید که ما باید در یک سازمان متحداً علیه نظریات انحرافی مبارزه کنیم چرا به همین اصل در سازمانی بدون جبهه ملی معتقد نیستید. شما حاضرید در سازمانی با وجود جبهه در کنار ما باشید با ما همکاری کنید، دبیر مشترک بدهید ولی بدون جبهه ملی که تازه برای مبارزه با هر دوی ما کنفدراسیون را برهم می‌زند، حاضر نیستید با ما همکاری نمائید. این استدلال ضعیف است و حتی استدلال فعلی شما را هم ضعیف می‌گرداند.

۵- به نظر ما، ما باید از نقطه اشتراک شروع کنیم به مبارزه بپردازیم و در پروسه این مبارزه با نظریات هم برخورد کنیم. عدم توافق بر سر مشی واحدی برای کنفدراسیون ما را بدانجا خواهد رسانید که از هم جدا شویم و هرکس کار خود را بکند یعنی تازه نظریه فعلی شما، ولی به خاطر اینکه بدانجا برسیم بهتر است در تجربه این عدم امکان همکاری را هر دو طرف درک نمائیم.

۶- به او گفتیم که اگر توافقی صورت گرفت ما حتی حاضریم با شما چنین جبهه مشترکی را علیه جبهه ملی به وجود آوریم اگر کس دیگری هم بدین جبهه پیوست فوالمراد و گرنه ما هر دو این مبارزه را ادامه خواهیم داد.

۷- از لزوم برگزاری سمینار صحبت کرد به او گفتیم سمیناری متمرکز است که ما و تمام کسانی که مخالف انشعاب هستند متحداً برای مبارزه با جبهه بدانجا بروند و گرنه اگر هرکس بخواهد ساز خودش را بزند این سمینار به نفع ما تمام نخواهد شد.

۸- نظرش را در مورد جبهه ملی پرسیدم. بر همان نظریه سابق بودند که باید با جبهه مبارزه نمود و معتقد بود که آنها خواهان برهم زدن کنفدراسیون هستند.

تحلیل من: به نظر من کادرها در موقعیت بدی قرار گرفته‌اند تبلیغات شرم‌آورشان در مورد ما تا به آن حدی پیش رفته و در میدان تحریف و دروغ‌گویی آنچنان به جولان پرداخته‌اند که امروز بازگشتشان بسیار مشکل شده است. ولی از طرف دیگر با واقعیتی سرسخت روبرو هستند و در بین این دو تضاد دنبال محملی تئوریک برای توجیه مواضعشان می‌گردند. احتمالاً واقعیت سرسخت‌تر است و ناچارند به همکاری با ما تن در دهند. قرار شد بار دیگر برای اتمام حجت قرار دیگری بگذاریم که روز پنجشنبه آتی خواهد بود. با پیشنهاد ما مبنی بر این که فدراسیون‌ها به دورهم نشست و کنگره را فرا خوانند مخالفتی نداشتند و قرار شد در این باره فکر نمایند. پیشنهاد کردم تماس ما در دو سطح در سطح سیاسی برای تبادل نظر و تعیین دورنما و در سطح فدراسیون‌ها برای تحقق برنامه‌ها صورت پذیرد. قرار شد در این زمینه نظریه قطعی خود را بعداً اطلاع دهند.

^۱ - منظور سازمان انقلابیون کمونیست یا اتحادیه کمونیستها و همان خط میانه است.

در تاریخ ۷۵/۶/۶ با مجید صحبت شد و موارد بالا نظریات او را نیز تشکیل می‌داد.

سند شماره ۱۷ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (اسناد تلاش‌های توفان برای پاسداری از وحدت کنفدراسیون جهانی)

در تاریخ ۷۵/۸/۲۳ جلسه مشترکی با رفقای هیات مرکزی سازمان انقلابی تشکیل شد

صفحه ۱۰۵ صورتجلسه هیئت مرکزی مورخ ۱۹۷۵/۰۸/۲۳:

در تاریخ ۷۵/۸/۲۳ جلسه مشترک با رفقای هیات مرکزی سازمان انقلابی تشکیل شد.

با نظریات خود را در مورد سایر سازمان‌ها و جبهه‌های دآئیه کنفدراسیون بیان داشتیم.

رفقای سازمان انقلابی با نظریات ما در مورد برخورد با کارکرد انقلابیون کوشش توافق ندارند و معتقدند که آنها دچار تضادند و در بین آنانم اختلاف نظر و جدلات.

اگر ما نظریه‌های در باره سازمان کنفدراسیون داشته باشیم آنگاه این تأثیر مهمی در سایر نیروهای دیگر هم خواهد گذاشت.

وحدت ما در حفظ کنفدراسیون نقش دارد لذا باید در تمام تاکتیک و وحدت نظر پیدا کنیم.

شخصاً از حفظ کنفدراسیون چه سیاست و مصلحتی داریم اینرا باید انیم؟

ما فکر میکنیم آنچه در درجه اول است حکیم اتحاد ملت.

در درجه دوم جلب کارکرد و کوشش است.

در درجه سوم هر بلا تفرقی که میگذارد ما را در برابر درود سایر نیروها نیز باز نگذاریم.

سند مرکزی را در مرکز نقل را باید برادر کمیته مرکزی که دارد.

گرچه که همه این‌ها را عامل انتخاب است ولی از نظر سیاسی بطور مکتبه مرکزی است.

ما فکر میکنیم در تمام نقش دیگر اهمیت بیشتری میدهم و ما به کار سیاسی و جلب توجه د بیشتر تکیه میکنیم و اگر امیاد کنفدراسیون یعنی ساختن تشکیلات آن است آزادی در کار ما تفاوت نظر هست. مثلاً تعدادی اختلاف نظریات سیاسی و جدلات (مثلاً دین و آداب که راجع به اختلافات آنها یکی از رفقای توان صحبت نموده است). یعنی در مسائل سیاسی امروزه در مجلس مطرح است. ما از این‌ها نمی‌دانیم که داریم بخوبی استفاده نمیکنیم مثلاً از کنفدراسیون آلمان ما که هنوز از رسته این کار جدا داریم و بهمان راضی نموده ایم چگونه ستیادیم با کنفدراسیون همکاری میکنیم.

ما دیرین کنفدراسیون را هم تعیین کننده برابر تفسیر ادعای از یابیم کنیم. البته الان هیچ‌کس نمیداند بعد عمل کدام نظام تضاد و طلب نیروی بینابینی.

توافق شد که گروه فدائیان آلمان تشکیل شود و البته از کمیته‌های برابر بررسی که در کنفدراسیون تشکیل گردد و بر نامه معدوم را به تصدیق سازمان در بر طوطی باشد. او هر طوطی سه نفر شرکت میکنند.

تشکیل کمیسیون دائمی داشتند.

سند شماره ۱۷ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (اسناد تلاش‌های توفان برای پاسداری از وحدت کنفدراسیون جهانی)

در تاریخ ۷۵/۸/۲۳ جلسه مشترکی با رفقای هیات مرکزی سازمان انقلابی تشکیل شد

صفحه ۱۰۵ صورتجلسه هیئت مرکزی مورخ ۱۹۷۵/۰۸/۲۳:

"در تاریخ ۷۵/۸/۲۳ جلسه مشترکی با رفقای هیات مرکزی سازمان انقلابی تشکیل شد.

ما نظریات خود را در مورد سایر سازمان‌ها و جبهه ملی و آینده کنفدراسیون بیان داشتیم.

رفقای سازمان انقلابی با نظریات ما در مورد برخورد به کادرها و انقلابیون کمونیست توافق ندارند و معتقدند که آنها دچار تضادند و در بین آنها

هم اختلاف نظر موجود است.

اگر ما نظر مشترکی در باره کار آینده کنفدراسیون داشته باشیم آنگاه این تاثیر مهمی در سایر نیروهای دیگر هم خواهد گذارد.

وحدت ما در حفظ کنفدراسیون نقش دارد لذا باید در تمام تاکتیک‌ها وحدت نظر پیدا کنیم.

منظور از حفظ کنفدراسیون چه می‌باشد و ما خیلی مایلیم این را بدانیم؟

ما فکر می‌کنیم آنچه در درجه اول است تحکیم اتحاد ماست.

در درجه دوم جلب کادرها و کمونیست‌هاست.

در درجه سوم هر پلاتفرمی که می‌گذاریم باید در را برای ورود سایر نیروها نیز باز بگذاریم.

مسئله مرکزی را و مرکز نقل را باید بر روی کمیته مرکزی گذارد.

گرچه که جبهه ملی ظاهراً عامل انشعاب است ولی از نظر سیاسی به نظر ما کمیته مرکزی است.

ما فکر می‌کنیم که شما به نقش دبیران اهمیت بیشتری می‌دهید و ما به کار سیاسی و جلب توده‌ها بیش‌تر تکیه می‌نمائیم. اگر احیاء

کنفدراسیون به معنی ساختن تشکیلات آن است آنوقت در کار ما تفاوت نظر هست. مثلاً مقداری اختلاف نظریات سیاسی موجود است (مثلاً چین و

آلبانی که راجع به اختلافات آنها یکی از رفقای توفان صحبت نموده است). یعنی مقداری مسائل سیاسی امروزه در جنبش مطرح است. ما از

ارگان‌هایی که داریم به خوبی استفاده نمی‌کنیم مثلاً از فدراسیون آلمان. ما که هنوز از نتیجه این کار کاملاً در این سه ماه راضی نبوده‌ایم چگونه

می‌توانیم با کنفدراسیون چکار می‌توانیم بکنیم.

ما دبیران کنفدراسیون را اهرم تعیین کننده برای تغییر اوضاع ارزیابی نمی‌کنیم. ابتداء بسیج توده و بعد حل گام به گام تضادها و جلب نیروهای

بینابینی.

توافق شد که کنگره فدراسیون آلمان تشکیل شود در ابتداء کمیسیونی برای بررسی تدارک فدراسیون تشکیل گردد و برنامه مصوبه را به

تصویب سازمان‌های مربوطه برساند. از هر طرفی سه نفر شرکت می‌نمایند.

تشکیل کمیسیون دائمی دانشجوئی."

سند شماره ۱۸ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (اسناد تلاش‌های توفان برای پاسداری از وحدت کنفدراسیون جهانی)

صفحات ۱۰۶ و ۱۰۷ صورت‌جلسات

تاریخ ۷۵/۹/۷
حضار در جلسه نظامی بهرام، خرمه، زارز، سبز، فریزر، کامران

قبل از دستور: گزارش‌ها تماشا

گزارش تماس، رفتار ترکیه داده شد. روشن بود که سازمان بر سر خط بین المللی با رفتار ترک توافق نه‌اشته. قاره‌ای که اگر رفتار ترکیه آینه‌دهنده و جنبه مشترک برگزیده برگزیده شود بر سر یک سری مسائل اصلی توافق بر وجود آینه‌دهنده اطلاعیه مشترک منتشر گردد.

گزارشی در مورد ترکیه داده شد و پیشنهاد شد شعبه مشکلات در مورد کشور ترکیه و سایر کشورها آینه‌دهنده ارتقاء اطلاعات، آینه‌دهنده و یک تقسیم عمومی بر سر کار در این کشور بگردد.

تصمیم گرفته شد که در اولین جلسه ماه ژانویه گزارش شعبه مختلف داده شود.

تصمیم گرفته شد راجع به دفعه‌های اسیران آینه‌دهنده گنگره مخفی که جنبه ملی برگزیده اطلاعیه داده شود.

تصمیم گرفته شد مقالاتی در مورد پیروزی در کنفدراسیون نوشته شود.

تصمیم گرفته شد پیشنهاد در مورد روش سازمان در قبایل سازمان انقلابی بار تقدیم به جلسه آینه‌دهنده آورده شود.

دستور جلسه:

- ۱- بحث در مورد حزب ۲- ال فران (جوانان روستایی)
- ۲- بحث در مورد طرح مقررات هیئت منتخب
- ۳- بحث در مورد فزده تأسیسات و بازتاب آن در ایران
- ۴- بحث در مورد نامه سازمان انقلابیون کمونیست درباره طرح برنامه سازمان

۱۰۷

حیات برادر ساریک - ل. و تان پس از مطالعه خط سنی و تحقیق کیم - ل. فرانسه
و مورد بحث در مورد آن با این نتیجه رسید که :
برنامه خط سنی حزب کمونیست ماریت - لنیت فرانسه در زیر بنی
است

~~در این مورد در مورد حزب کمونیست ماریت - لنیت فرانسه در زیر بنی~~

~~در این مورد در مورد حزب کمونیست ماریت - لنیت فرانسه در زیر بنی~~

ماتقان آراد (خارز، بهرام، خسته، بنو، فریز، کاران)
تصدیق

~~در این مورد در مورد حزب کمونیست ماریت - لنیت فرانسه در زیر بنی~~

دوشنبه ۷۵/۹/۱

رفقا در جلسه فمیرز، بهرام، بنو، خارز، خسته، کاران

در این روز در مورد فرجه مانوئیس رفقا به بحث پرداختند و قرار شد که تا
صفحه ۹۳ مورد مطالعه قرار گیرد.

جلسه آینه روز یکشنبه ۷۵/۹/۲۱

سند شماره ۱۸ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم
مندرج در بخش: (اسناد تلاش‌های توفان برای پاسداری از وحدت کنفدراسیون جهانی)
صفحات ۱۰۶ و ۱۰۷ صورت‌جلسات

"یکشنبه ۷۵/۹/۷"

حاضر در جلسه رفقا: بهرام، خرسند، فرامرز، سنج، فریبرز، کامران
قبل از دستور: گزارش تماس‌ها

گزارش تماس با رفقای ترکیه داده شد. روشن بود که سازمان ما بر سر خط بین‌المللی با رفقای ترک توافقی نداشتند. قرار شد که اگر رفقای ترکیه آمدند و جلسه مشترک برگزار گردید کوشش شود بر سر یک سری مسائل اصولی توافق به وجود آید و آنگاه اطلاعیه مشترک منتشر گردد. گزارشی در مورد ترکیه داده شد و پیشنهاد شد شعبه تشکیلات در مورد کشور ترکیه و یا سایر کشورها مانند آمریکا، انگلستان، ایتالیا بحث کند و یک تصمیم عمومی برای کار در این کشورها بگیرد. تصمیم گرفته شد که در اولین جلسه ماه نوامبر گزارش شعب مختلف داده شود. تصمیم گرفته شد راجع به وضع فدراسیون آلمان و کنگره مخفی که جبهه ملی برگزار کرده اعلامیه داده شود. تصمیم گرفته شد مقالاتی در مورد چپ‌روی در کنفدراسیون نوشته شود. تصمیم گرفته شد پیشنهادی در مورد روش سازمان ما در قبال سازمان انقلابی برای تصویب به جلسه آینده آورده شود.

دستور جلسه:

- ۱- بحث در مورد حزب م. ل. فرانسه (هومانیتیه روز).
 - ۲- بحث در مورد طرح مقررات هیات منتخب.
 - ۳- بحث در مورد جزوه "مائوئیسم و بازتاب آن در ایران"
 - ۴- بحث در مورد نامه سازمان انقلابیون کمونیست در باره طرح برنامه سازمان.
- هیات مرکزی سازمان م. ل. توفان پس از مطالعه خطامشی و برنامه حزب ک.م.ل. فرانسه و شور و بحث در مورد آن به این نتیجه رسید که: برنامه و خطامشی حزب کمونیست مارکسیست-لنینیست فرانسه رویزیونیستی است. به اتفاق آراء (فرامرز، بهرام، خرسند، سنج، فریبرز، کامران) تصویب شد.

ادامه در صفحه ۱۰۷ صورت‌جلسات

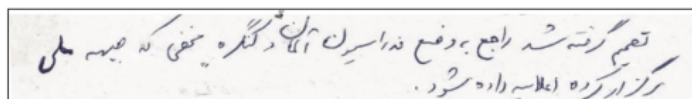
دوشنبه ۷۵/۹/۸

رفقای در جلسه فریبرز، بهرام، سنج، فرامرز، خرسند، کامران
در این روز در مورد جزوه مائوئیسم رفقا به بحث پرداختند و قرار شد که تا صفحه ۹۳ مورد مطالعه قرار گیرد.
جلسه آینده روز یکشنبه ۷۵/۹/۲۱"

صفحه ۱۰۶ صورت‌جلسات هیات مرکزی توفان

مورخ یکشنبه ۱۹۷۵/۰۹/۰۷

در آنجا از جمله می‌آید:



"تصمیم گرفته شد راجع به وضع فدراسیون آلمان و "کنگره" مخفی که جبهه ملی برگزار کرده بود اعلامیه داده شود"

سند شماره ۱۸ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

صفحه ۱۰۶ صورت‌جلسات هیات مرکزی توفان.

مورخ یکشنبه ۱۹۷۵/۰۹/۰۷

تصمیم گرفته شد مقالاتی در مورد چپ روی در کنفدراسیون نوشته شود

"تصمیم گرفته شد مقالاتی در مورد چپ روی در کنفدراسیون نوشته شود."

تصمیم گرفته شد که در اولین جلسه ماه نوامبر گزارش شعب مختلف داده شود

"تصمیم گرفته شد که در اولین جلسه ماه نوامبر گزارش شعب مختلف داده شود."

سند شماره ۱۹ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (اسناد تلاش‌های توفان برای پاسداری از وحدت کنفدراسیون جهانی)

صفحه ۸۹ صورت جلسه هیئت مرکزی

رونوشت به : " سازمان انقلابی حزب توده ایران " ، " سازمان انقلابیون کمونیست " ، " هواداران ارگان اتحاد مبارزه بخاطر ایجاد حزب طبقه کارگر " .

رفقای گرامی :

با آنکه ما همه از وضع بحرانی کنفدراسیون نگران و ناخرسندیم ، با آنکه ما توانائی آنها داریم که انشعابگران را که مصرائه و لجوجانه در راه تعمیق و گسترش انشعاب به پیش می‌تازند منفرد ساخته و کنفدراسیون را از وضع نابسامان کنونی بدر آورده و آنها سرو سامان دهیم ، معذالک هیچ قدم عملی جدی در این راه بر نمی‌داریم یا اگر بندرت کام کوچکی هم به پیش برداریم اندکی نمی‌گذرد که دو کام بعقب باز می‌گردیم .

در کار سرو سامان دادن کنفدراسیون باید از این مبدا حرکت کرد که مصالح کنفدراسیون را مافوق هرگونه اندیشه دیگری گذاشت .

آنچه در حال حاضر عمده است و باید در درجه اول اهمیت قرار گیرد پایان بخشیدن به بحران کنونی کنفدراسیون و زنده کردن حیات و سنن پر افتخار آن است .

طی نامه مورخ ۶/۱۰ / ۷۵ که خود ضمن تذکر این نکته که " وقت نباید بیش از این از دست داد " برای برداشتن گامهای عملی پیشنهادهای مشخصی بر فقا عرضه داشتیم . متأسفانه نه تنها پیشنهادهای ما مورد توجه قرار نرفت هیچ پیشنهاد متقابلی نیز ارائه نگردید . کوششهای متعدد دیگر ما برای آنکه رفقا را گرد هم آوریم و برای حل مشکل راهی بجوئیم بموفقیت نیا انجامید .

در نتیجه وضع کنفدراسیون چنین است که اکثریت کنفدراسیون که بحق میتواند دوباید بوضع بحرانی کنفدراسیون سرو صورتی بدهد در پراکندگی بسر میبرد . حفظ پراکندگی آنها به بهانه های موهوم زیانبخش است و باید به آن خاتمه داد . باید بار دیگر برخوردی میان نمایندگان گروه ها و سازمانها ی مختلف برای یافتن راه حل صورت گیرد . باید تمام گروه ها و سازمانها این امر را در برنامه کار خود قرار داده و بطور جدی بان برخورد نمایند .

رفقا سازمان ما از هرگونه پیشنهاد دیگری برای سر گرفتن چنین کردهم آئی مشترك استقبال میکنند .

ما هنوز امیدواریم که رفقا به ندای صمیمانه و بی شائبه ما پاسخ مثبت دهند و انشعابیون را با ناکامی مواجه گردانند . ما یقین داریم که وحدت و اتفاق ما و مساعی مشترك ما برای نجات کنفدراسیون از بحران و انحلال بموفقیت خواهد انجامید .

با دروهای گرم و رفیقانه
سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان
۷۵/۹/۱۳

سند شماره ۱۹ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (اسناد تلاش‌های توفان برای پاسداری از وحدت کنفدراسیون جهانی)

صفحه ۸۹ صورت جلسه هیئت مرکزی

"رونوشت به: "سازمان انقلابی حزب توده ایران"، "سازمان انقلابیون کمونیست"، "هواداران ارگان اتحاد مبارزه به خاطر ایجاد حزب طبقه کارگر".

رفقای گرامی!

با آنکه ما همه از وضع بحرانی کنفدراسیون نگران و ناخرسندیم، با آن که ما توانائی آن را داریم که انشعاب‌گران را که مصرانه و لجوجانه در راه تعمیق و گسترش انشعاب به پیش می‌تازند، منفرد ساخته و کنفدراسیون را از وضع نابسامانی به در آورده و آن را سر و سامان دهیم، معذالک هیچ قدم عملی جدی در این راه بر نمی‌داریم یا اگر به ندرت گام کوچکی هم به پیش برداریم اندکی نمی‌گذرد که دو گام به عقب باز می‌گردیم. در کار سر و سامان دادن کنفدراسیون باید از این مبداء حرکت کرد که مصالح کنفدراسیون را مافوق هرگونه اندیشه دیگری گذاشت. آنچه در حال حاضر عمده است و باید در درجه اول اهمیت قرار گیرد پایان بخشیدن به بحران کنونی کنفدراسیون و زنده کردن حیات و سنن پرافتخار آن است.

طی نامه مورخ ۷۵/۶/۱۰ که خود ضمن تذکر این نکته که "وقت نباید بیش از این از دست داد" برای برداشتن گام‌های عملی پیشنهادهای مشخصی به رفقا عرضه داشتیم. متأسفانه نه تنها پیشنهادهای ما مورد توجه قرار نگرفت هیچ پیشنهاد متقابلی نیز ارائه نگردید. کوشش‌های متعدد دیگر ما برای آن که رفقا را گرد هم آوریم و برای حل مشکل راهی بجوییم به موفقیت نیانجامید.

در نتیجه وضع کنفدراسیون چنین است که اکثریت کنفدراسیون که به حق می‌تواند و باید به وضع بحرانی کنفدراسیون سرو صورتی بدهد در پراکندگی به سر می‌برد. حفظ پراکندگی آنهم به بهانه‌های موهوم زیانبخش است و باید به آن خاتمه داد. باید بار دیگر برخوردی میان نمایندگان گروه‌ها و سازمان‌های مختلف برای یافتن راه حل صورت گیرد. باید تمام گروه‌ها و سازمان‌ها این امر را در برنامه کار خود قرار داده و به طور جدی به آن برخورد نمایند.

رفقا سازمان ما از هرگونه پیشنهاد دیگری برای سرگرفتن چنین گردهم آئی مشترک استقبال می‌کند.

ما هنوز امیدواریم که رفقا به ندای صمیمانه و بی‌شائبه ما پاسخ مثبت دهند و انشعابیون را با ناکامی مواجه گردانند. ما یقین داریم که وحدت و اتفاق ما و مساعی مشترک ما برای نجات کنفدراسیون از بحران و انحلال به موفقیت خواهد انجامید.

با درودهای گرم و رفیقانه

سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان

"۷۵/۹/۱۳"

۱۶۱ که در این بنده سال اخیر صورت پذیرفته و دانسته نتایجی بیار آورده که از هر سونی
 حقیقه بینه کارگزاران میگردد. همیشه می نه تنها آئینه دورتر را بخورد (برای
 حفظ هر سونی) تا یک صد و یکده و اقیست امروز ترکیب هر دو نکته العیون اودا
 سخت مترجس میگردد. سوره آیه همیشه قدرت حلقه خود را در نقد العیون
 از دست داده و بحر دهره های انسانی روده صفت میرود. همیشه می نه است که نقد العیون
 هر سونی خود را از دست رفته مینماید. او مدتها گذشته تا با فنی لای متعد و دوباره جانی
 برای خود باز کند. ترهائی مثل "شیره دلیر آریائی" تر ایران در آینه انقلاب
 سرسبالتی است. و با قرار دادن جنگ چرخشی که در رستل جنگ تر در طرانی هر دو
 برای باز یافتن موقعیت قبلی و عقب نشینی خنجر و برداشتن کار سیر و عملی جیب
 بود. نقدها که مزبور سوره در بر نداشت و از رشتن و دای جیب نکات بجهت
 بر رشتن همیشه می که خود را نموده همه طبقات و از همه طایفه کارگزارانسته و از دم حزب
 طایفه کارگر را متحرک و لایت طره خورده و گرایشی دفاع از دم حزب طایفه کارگر را
 در بخشهای کبکی بالا برد. تمام این نکات و دست از ناکامی های همیشه می را
 بر آن داشت که "راه میان بری" را انتخاب کند. راهی که هر صورت دار سونی
 از هم را در بر گیرد و این مسئله که به تغییر رشتن در جبهه هر از استوار رژیم جدید متحقق شده
 را از پاره ایهم دستاخر اراه و حضور از میان نقش طایفه کارگر طره دور. دست ای که آل
 آن درستی است که در آن بر و داری می کان هدایت را در اختیار گیرد و بخیر از
 خرد بر و داری را حاکم خود گرداند. چنین دولتی نمیتواند از این یک جنگ تر در طرانی
 بر هر حزب طایفه کارگر متفر شود. رسیدن به این هدف بدنبال مبارزه مسلحانه بوده که
 در آن هر سونی طایفه کارگر تا بین بنده مثل آنچه در تجربه که است در نظر حاضر بسیار بعید
 و صحت حاصل بنظر میرسد. محض هر آینه همیشه می در حال حاضر نفوذ خود را در میان اقشار
 طبقات مختلف از دست داده است. با برای دای به سوره می مثل اقیانوس که در بر تقال
 و نظیر آن در آورده. در چنین سوره های سوره یان جولان سیاسی همیشه می وجود دارد.

۳

۱۶۰
 مضامین اینک با کسب و نیروی جی که سوی دماغ هستند یا از همان ابتدا امکان مر بطن کردن
 ندارند و یا در صورتیکه خوراکشان دهند بحدت سرور مجرم و عدم قرار بگیرند در آن
 حسیه ملی به آن نیروی که طراح چنین نشوئی بود، انداز اینجاست مشور. در این میان
 شعوری بر این حسیه ملی "لبنانی" یکی از تکیه گاههای عظیم حساب میآید. چنانچه در ایران از
 جانب شعوری کوفتی صورت گیرد. بلکه نیروی که اقتصاد را برپا دارد و بالگردی نه البته
 بلکه حسی المقدور آن را در آن خواهد شد و بقیس از این تکیه گاه "حسیه ملی" خواهد بود.
 نه تنها شعور خواهان و از گونی حکومت است و برقرار حکومت دلخواه خواهد بود حسی برخی
 از انحصارات اردوئی که در تجارت کسورهای متعدد و از جمله ایران نیست عمل مرور نظر
 خود را ندارند با حکومتی مثل حکومت شاه عبدالکریم که دارند آنرا و اغلب اند تا
 حکومت دیگر که همچنان نمانده است و قدرت آید بطوریکه نشوئی از بنای حسی
 با این انحصارات بالنده. نمانده بهای این انحصارات برخی از اخطاب بر قدرت سیرال
 دیگران میباشد. حرکت SPD و برخی اخطاب به در بر فعال از جهت این اخطاب
 از برادران این کشور، حکومت مکتبه. تحلیل از حسیه ملی "به سیرال دیکرانی اردو و چنانکه
 اواز این اخطاب در این رابطه قابل ارزیابی است.
 در رابطه مصیبت با این زنا کار است که "حسیه ملی" روشی و بی پرده به شرور و خانی دست پرده
 به سیرال دیکرانی اردو آورده و در سیرال با کسب و جهت از اخطاب با کسب و جهت
 را میتوانه کار خود دارند به این در جریان ارجاعی تکیه زده و در سطح بین المللی آنرا را حاصل
 خود مینهند. "حسیه ملی" در خود توان آنرا نمیشد که در ایران یک جریان انقلابی را در
 زده و قدرت خود را عزیز کند. بلکه نظم دل به اندامات این اردوئی که حضور به سیرال که
 موقعیت ادبای ممکن میدانند بسته و در انتظار معجزه کموت از جانب اداست. اینک از
 "حسیه ملی" تبلیغ صادرات و چگونگی کسب و کار مکتبه غلط به آنرا تکیه مرقا در حال حقیقت
 فراهم طواری بر تیر طیف کارگر آنرا نمایند و با آن و هواداران خود را با آن سرگرم کند
 و آنرا که حکمتی است امید به این که از این طریق بتواند نفوذ قدرت را به دست گیرد ندارد.

۱۵۹

مخبر مرا که گفته بشود حتی هر یک از خدایان خلق را باطنه میفهمد با آنکه دانسته ام و زبانی خود
و آن خطا حاصل گشته اند تا جایی که در لیبر از نواد از ارتباه اصیفهم در آن خبر و طلب
بدست جبهه می " خود دار سیکته .

باز جبهه می " قبول می چرخ می و تحویل آن بکنند البیول و عهد عقیده بحین توام که از غفلت
در متبع میشد مرکز بندر . سنده مرکز او شود و کمی مرکز بود . قهیه می " است
در قبول قطعه علیه حین بود از جانب لنگره با کنفد البیول بقین که دوست نخواهد کرد سنده
تحویل می چرخ می بکنند البیول هم سنده بندر که همه بندر و در مقابل با لیکته که است که بخیر و بدی از
کارها در دست از این است و فاع سکرند و انقلابیون که نیست هم چهار کلمه شده بودند و
" جبهه می " برادر این دو نیز هم بنده گشته و کفرهم " انقلابیون که نیست " را با سنده حاضرند
در سنده شود و کمی مرکز به جبهه می " آدانی دهند بخواری از خود راند . زیرا این که است
که آن به هر صورت است و نگردد و از اجزای کل سنده او جدا گشته . قهیه می " با از زبانی از
موقعت خود و او آدونی به شود و کمی مرکز سنده سنده جدید به کتاب هر یک
از سنده و نیز به جبهه می " در دست سنده سنده سنده آن و در کنفد البیول
از می نشی و زنده کنفد البیول لنگره کل انفراف سنده و کتاب به تبارک العباب
برداخته . سکره در ای انصاب هدف غائی و لائی کمی مرکز تحقق یافت و
" جبهه می " با وکت آدانی خود در بندر سنده این خواست بند سکرین حال کتاب
در کنفد البیول است .

نیز در سکرین عناصر به جبهه می " در امثال کتاب رشتگی ها بودند . رشتگی ها به هر یک
انقلابی و حرب زبانی و حتی چرخ می باشد و سینه . آن نه تنه بران هم گشتی
کنفد البیول تلاش کردند بلکه حتی در کوشش اند تا همان قهیه می " را که خود را
بدان نزدیکتر تا بایرین سینه از هم بیارند . چنانکه آن در کوشش که تحت نام
" لنگره " ۱۹ سال بگزیده کرده . براساس چرخ می و عهد به خواران جبهه می " حتی این
واقعیت است .

۱۵۸
از جمله نبردهایی که در کلیه زمینه با جنبه ملی هستند. بود و جنبه گامی بود و محکم با آن
داشت که در این جهت هستند. این کارده با آن در در تبدیل کند و این یک فرایند
و این تلاش آن با مخالفت شدید به نام تشکلات سیاسی و فکری در هر شکل
سیاسی، با تبدیل به دفاع از منافع و یک جنبه در سیاست با ساز و کار سیاسی مخالف این
جریان و از همه جهت با دشمنی و کدورت نسبت به سیاست و سازمان با و محرک و فرایند است که
با کمیته مرکزی و حزب همقطار آن، به قبل از نگاره و در ۲۰ تیر از آن در پیوند نخبی با
جنبه ملی بود. این کارده آینده خود را به هر چه ایران و به خارج و با یک
و به هر چه بود. در کلیه مسائل مربوط به کنفدرالسیون همقدم و هم تفکر با جنبه ملی شد.
حس در مسئله عیس و محمد به عیس نزدیک و همقطار با جنبه ملی بود و یک آنجا که نگاره
فقط به این عیس نزدیک و همقطار با جنبه ملی بود و یک آنجا که نگاره
نگاره ملی در هم، ظاهر به استقلال مسکن و در بنیاد بر داشت خود را از کنفدرالسیون انتظار
که از آن داشت و دارد به حال خاص به یک سر و کار و واقع در کلیه مسائل کنفدرالسیون
نسبت به جنبه ملی با حالت تبعی داشت. جدائی از فرانسه، هیچ عیبی نمیخواند. برای
جدائی هیچ عیبی که نگاره عمل جدائی باشد نمیخواند و وقت. این کارده اکنون ظهور افتاد
شد و تری با جنبه ملی دارد تا با اقلیت نگاره ۱۶. بین خود و جنبه ملی ظاهر و اخطا
اوجی کشیده اند که تراکی مجدد آن را میسر نمی توان دید. در حالیکه نسبت به اقلیت
نگاره ۱۶ بر خود ادعا میسر کرده و گاه از تراکی، اقلیت که خود را آن را از مبارزات
مستقل برگزیده اثبات خواهند کرد. بخش عیس میآورند. این کارده در مجموع نیز معطل بود
و هرگز نمیخواهد بر سر در آن در آینده از سر یک حرکت کرد.

گویند که در قدرت انتظار هر روزی خود را کنفدرالسیون میسوزند و بر این خواست و در کار
همه که به خود به اقلیت محض و بر سازمان با جنبه ملی و کار یک را از تری نگاره ۱۶
آنرا در عیس ملی مسائل با جنبه ملی و قدرت عمل دارند. هنگامی که جنبه ملی در حال اعلام

۱۵۷

متذکر خود با جمیع اربابینش اهورا... بدوینک و غیره سکوت مطلق اختیار کرده بود
 آنکه مانند دایه... هرگز از مادر فدا نمی گداشته و علم و حکمت خود را بحدی زبان
 با آغاز کردند. در مسائل عمده مثل برخورد و سپهر... به کوشش و کینه در کار و مظهر
 "عبدی" شدند. در هر رستوران برای یک تیر خطی یک خود گفتند و این را زبان
 آنکه نگارند صیانت، سرگشتی را لغزان هدف کنند و این تجویز کرده و مقررانه
 در حد تحقق آن برآمدند. با چنین شرایطی انتظار نیست که زمینه مادی همکار آن
 با چنین... بین کارگزاران فراهم گردد. چنین آرزو از خود دارند، جانی که آنقدر گفته
 امر با چنین... با کلامی در یک طبقه حکم ایران و برخلاف کشور با این...
 فکرها کردند. برای انتصاب قطعی "عبدی" آرزو در میان از هر یک که در میان
 را میباید داده اند که "عبدی" آنرا ارائه میداد. برخورد آن نمایان امر در زمانی که
 دیگر مختارانه از برخورد با کتبی و یا آوازی به "عبدی" سخن در میان باشد پس اعتماد خود
 آن به همان برانته "عبدی" در این زمینه است. کوشش کردیم امروز در این سخن با "عبدی"
 هستند و به عداوت در این آرزو با زبان ما اثر بیشتر از دشمن با "عبدی" باشد
 گفته نیست. در هر جا که نبرد دارند، تمام خواسته شده، آرزو، کت نفوذ خود را با نفوذ
 اتره نسبت به زبان ما بپیکر دهند. برای اینکار هم از عهد به مبارزات گذشته خوب
 نرد و سر و کمر کرده و پس دامنه خاصی را به زبان ما گسترش میدهند. در مبارزه با همپایان
 زبان ما همان تیره بدین زبان انقلابی را یکا شنیده. قبل از آنکه را بگویم که ما
 چند روزیم با آرزو به عناصر ضد ترکان تبدیل میگفته. همین گفته اتره آرزو از زبان
 ما در حالی که از قدرت ما آنرا زبان دانسته و با تیرگی شد و سراسر در
 گزینند و هر یک را بر مبنای خود هیچ توجیه سیاسی نمیانند. اگر چه صیانتی که در این کار
 با آنرا و اما به همکار میخورد. با برخورد از آن نسبت به مسئله و یکی در گفته و این
 و همه از جمله کت و ترقع آرزو از زبان ترکان گفته و این و همدان ترکان

۱۵۹
 فصل "وطنه فخرنا و جنت قیصر نیار" امیر علی آردار آینه آردار
 عذر منکران و کینه
 کار این دو که تا قبل از کده عجل به اعلت شان میدادند پس از کده واید و کت نسیم
 شدند برخی از آن در کمر بنیر سنجید و برخی دیگر با تاملی ناپایدار بر جان مانند از آن
 عده عتیان جنتین را در برین وین کج آرد و بنیر در آن آن خپل کینه
 که در محاسبه قدرت بنیر و عجل نفیای سینه
 زبان انقلابی بنابر بر خوردنای خصمه تشبیه می که از دین قبل کار از این را که
 شروع کرده بود از حیث در کینه با عصبه ایندیرین و اگر گرفت و پس از کنگون
 می در برخی از موارد اگر و بدون انخواه با هم گم شد و کفری زبان انقلابی در
 برخی از این تحلیل و بر پشت خوردنای صلیق با تحلیل و بر داشت با اعلان مکرر و کله و طرح
 دیده میشد که شرافت نامه وین مامت مستور که را بنیت و وضع قتل خورد در
 این تدریج از عجل تشبیه می و در کده دیگر اکثریت کده ۱۵۱۵ به کن با خورده و
 بر خوردنای با به سائل مورد تائید خود قرار دهد بر خوردنای آن از کتدالین و کجری
 مستور آن در حق بر خوردنای حیران حکمت جو و تائج آن احوال و وضعی که طرح آن از
 خوردنای در باریک و تحلیل با یک و صلیق بر هم بنور و کینه با تدریج تحلیل
 "جهید می و تشبیه می" بسیار است و آن از در سلامت و مامت میکند (احداثیات و
 زبان انقلابی "فقط به کتدالین و خلاصه بنیر و در طبع می و در طبع می و در طبع می
 بین (احداثیات و مامت) نسبت به کتدالین و کجری و کجری و کجری و کجری و کجری
 نطراتی از تحلیل "سازمان آردار بنیر و کتدالین و کجری و کجری و کجری و کجری و کجری
 وطنه کجری و مامت خواهد شد" از این میارند چیزی که از این برین با نظر و نسبت به
 نرم حزب را بر کجری و کجری و کجری و کجری و کجری و کجری و کجری و کجری و کجری
 در لابلای انقلاب کونگول در قیامت تر و مختلف که در ستمی مثل شرف و تبارزه با کجری
 منگی میشوند و اینگی تا با بنیر ایسم اریکا با زبانی کجری و کجری و کجری و کجری و کجری

۹

۱۵۴

نزدیم حفظ خدا را بعلی آسمان صند کتد البیرون و فدا البیرون و ارب

براز کتده خوا کتد البیرون الله بیدر یک واحد صحت گرفت جغوف اکثریت از
 علم گشت و گفتون چنانچه موی بخش اعلیت بر جای ماند با صفت و تزلزل بر جای افتاد
 و کتد صحت تردید آن در حفظ خدا را بعلی آسمان صند کتد البیرون آسمان بیدر جغوف
 نبیست بر طبق از صفت سرحد و درید و صلی را در شکره شکره ۱۰ بار و کتد صحت
 آسمان کتد را بکسر بر جای ماند و کتد آسمان آسمان دادمانی که کتد در
 و کتد را بکسر در شکره صند است و کتد صحت در آسمان به واحد صحت کتد
 صحت ۱۰ بار و کتد ۱۰ بار و کتد ۱۰ بار و کتد ۱۰ بار و کتد ۱۰ بار و کتد ۱۰ بار
 را کتد آسمان در شکره که صفت نبیست سرحد است و کتد ۱۰ بار و کتد ۱۰ بار
 صند صفت اضر شکره دادمان با بیدر شکره و کتد صحت کتد که از جانب
 طرفداران آسمان الله بیدر یک واحد صحت کتد آسمان را
 آسمان را و فدا البیرون را از یک کتد صحت بر خود را کتد ۱۰ بار و کتد ۱۰ بار
 کتد کتد و کتد آسمان آسمان را و کتد ۱۰ بار و کتد ۱۰ بار و کتد ۱۰ بار
 را و کتد ۱۰ بار و کتد ۱۰ بار و کتد ۱۰ بار و کتد ۱۰ بار و کتد ۱۰ بار
 بیدر کتد صند کتد البیرون کتد ۱۰ بار و کتد ۱۰ بار و کتد ۱۰ بار و کتد ۱۰ بار
 بر نامه شخصی تدبیر کرد بنظر صند بر شکره کتد البیرون صند واحد
 را و کتد ۱۰ بار و کتد ۱۰ بار و کتد ۱۰ بار و کتد ۱۰ بار و کتد ۱۰ بار و کتد ۱۰ بار
 خود را آسمان دارند با صفت صند کتد البیرون آسمان را و کتد ۱۰ بار و کتد ۱۰ بار
 کتد ۱۰ بار و کتد ۱۰ بار و کتد ۱۰ بار و کتد ۱۰ بار و کتد ۱۰ بار و کتد ۱۰ بار
 کتد ۱۰ بار و کتد ۱۰ بار و کتد ۱۰ بار و کتد ۱۰ بار و کتد ۱۰ بار و کتد ۱۰ بار
 کتد ۱۰ بار و کتد ۱۰ بار و کتد ۱۰ بار و کتد ۱۰ بار و کتد ۱۰ بار و کتد ۱۰ بار
 در صند فدا البیرون فرانسه بنظر صند کتد ۱۰ بار و کتد ۱۰ بار و کتد ۱۰ بار
 تا که کتد ۱۰ بار و کتد ۱۰ بار و کتد ۱۰ بار و کتد ۱۰ بار و کتد ۱۰ بار و کتد ۱۰ بار

۱۱

بسیار است آید راه و حتی عده رفقا را که انتقاد همه می را انگیزش کرده و
آن را افغان می کنند. با انتقاد گرفته و دلخواه را سرکوت افغان مادر بر افغان
"همه می" می شود. مذاکراتی که با آن انجام پذیرفت در واقع در این مجلس آنده بقول
برجور نیار در آنده همکاران بر سر حد به انتقاد بر سر دست به نقد با "کمیته رکن" و
ترتیب می شود و "همه می" را از هر انتقادی مبرا می سازند.

چنانچه "همه می" که براساس انتقاد را با چرا که است از دست خوریدل
مکرر می توانست روزنه امید را بر چهره وضع نماید آن کمیته را باید می کشید
مناصب سازمان مادر است با این سازمان ترتیب دارد. برای اینست
اول "همه می" خود را در عرض سائل موافق جمله عیداد امید می رفت و این
نقشه راهی که در همکاران می برد در گفتار بیرون محقق گردد. پس از اینست
و می توان با ردی که در این نقطه نظر با یکدیگر کشیده اند که "همه می" است
همکاران را در بر دارد و بطور کلی که حاضر به گفتار و مذاکره شده تا آن حد که
تا را ستود سازد.

ماده غیر منتهی را با کارهای یک "مهراتی" پیدا دارد. حتی در آن محله ای که امید
و معرفت آنده حاضر می گاه باشند که خود را به "همه می" می کشد و بهر آن فدا می شود
و کاظم کردانی همست پذیرفت و امید به کارهای لاف در مورد زندان بیان می کرد
در موضوعی که اصل نیست فوق بود معرفت. آنده یکباره با هم در اعلامیه
عبدیه که فغانی نامه بر داخه و شخص کاظم کردانی در گفته امریکا نفس توفان فغانی با
بازی می کند. چنانکه از ظاهر امر بر می آید آنده قصد خود با "همه می" را در حد بالا
منتهی و حتی تا آنکه می کند که هر یک آنده با "همه می" نمی گویند خواهد بود که در
تکلیف خود را با این و واقعیت برابر داشته و از امکان همکاری با در

آئینه آتم سیراز آتم صیانت محلی هر یک از ما پیش همکار یکدیگر را مقرر نموده و
برنامه های محلی

با رتور میس که در کار محلی کمندالیرک سیراز کنگر و ایضاً آتم بطوریکه
حق خدا الیرک آتم هم از آن به نصیب نمائید سیراز بر آن است که
بیشتر سیراز را بتواند صیانت خدا الیرک آتم را انداخته در آن
از دهنه خود را انجام دهد.

در مصوبه بر آن است عنوان "بخاطر حق خلوت می زنند در کتدر الیرک" و هشت نفره
در ماه فروردین ۷۵ مصوب رسد نکات محمد علی سیراز که سیرازان و آنست
در نکات هم پس این مصوبه مثل افشای سیاست استقامت افشای کفایت
مخفی است از سیراز و گویا در کتدر سیرازان سیرازان که کوشش دارد کتدر الیرک
را برانداخته و کوشش تبدیل کند موقوفه کتدر الیرک و در نهایت
افشای سیرازان در مختلف بر آن دارد تا با حق صیانت بهتر به سیرازان
کتدر الیرک شد که حسیه و سیرازان کار را به کوشش خود را صیانت می کنند. افشای
در برخی از نکات این مصوبه هر یک از مقالات و رسالات محمد و یا
لا اقل برای اخذ رحمتی را منتظر کرده بود و در هر یک از نکات
تکلیفاتی متدور از خود به هر یک نشان دارند.

مشهد ~~برنامه~~ دفاع از جنبش ظفار که از نکات اساسی این مصوبه بود بالاخره
در ماه یونی بود و اجلاس آمد و یکی از سیرازان که کوشش بر طرفدار طبع آتم بود
با رتور دوباره که سیراز این تاریخ از خدا الیرک آتم به چشم خورد و در یک
کتاب مشترک به شرکت افشای افکار طرفدار سیرازان انقلابی است برنامه سیرازان
متدور بر سر عدالت محلی خدا الیرک آتم خود سیرازان که عمل جمع سیرازان
در نظر گرفته شد. در هر یک از قاضی که هر یک جنبه و فضل انجامیده و سیرازان

[illegible]

سند شماره ۲۰ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (اسناد تلاش‌های توفان برای پاسداری از وحدت کنفدراسیون جهانی)

گزارش شعبه دانشجویی

صفحه ۱۴۷ تا ۱۶۲ از صورتجلسات سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان

"گزارش شعبه دانشجویی"

هنگامی مسئولیت شعبه دانشجویی به من سپرده شد که اختلافات درون کنفدراسیون روبه شدت می‌نهاد. این اختلافات که از چهار سال قبل تظاهرات اولیه خود را داشت کم روبه شدت رفت. با دفاع مستقیم هویت دبیران موقت سابق از شوروی و کمیته مرکزی که در پیمان ۵۶ اطلاعاتی ۱۱ آگوست و پخش پلاکاتی با عکس حکمت‌جو به طور روشن منعکس شده بود. صف آرائی دو جناح را که از کنگره ۱۵ شکل گرفته بود سبب شد. مبارزه این دو جناح در کنگره ۱۶ به منتهای شدت رسید.

از هم‌گسیختگی تشکیلاتی کنفدراسیون در این کنگره قطعیت یافت و تا چندی پس از آن در تمام فدراسیون‌ها و واحدها به منصفه ظهور رسید. گرچه هر یک از دو جناح در بسیاری از مسائل در مقابل جناح دیگر عمل واحد داشتند ولی هیچ‌یک از دو جناح همگون نبوده و در هر یک از آنها بر سر تحلیل از اوضاع و برداشت از مسائل اختلاف نظر موجود بود. جناح اکثریت که گروه‌های درون آن در حلهٔ اول برای مبارزه با اقلیت به هم گره خورده بودند، دارای اختلافات عمیق سیاسی بودند.

"جبههٔ ملی" که نفوذ سابق خود را در ایران از دست داده بود هرگز نمی‌توانست بر مبنای شعارهای گذشته توده وسیع را به سوی خود جلب کند و سیادت را که آرزو داشت به چنگ آورد. از این رو بود که "جبههٔ ملی" در شعارهای خود تجدید نظر کرد. سرگونی رژیم و مبارزه مسلح را به دیده قبول نگریست. نسبت به مبارزات آزادی‌بخش تمایل و توافق نشان داد و به تبلیغ آنها پرداخت اما هرچه گذشت رسیدن آن عصر طلایی را که "جبههٔ ملی" بتواند در راس قرار گرفته و هژمونی خود را تأمین کند دشوار و غیرممکن دید. چنانچه می‌بایستی مبارزه‌ای درگیر و طبقه کارگر در پیشاپیش آن حرکت کند دیگر از هژمونی "جبههٔ ملی" سخنی در میان نبود. مبارزات رهائی‌بخش که در این چند سال اخیر صورت پذیرفتند توانستند نتایجی به بار آورند که از هژمونی طبقه کارگر دلالت می‌کرد. "جبههٔ ملی" نه تنها آینده دورتر را برای خود (برای حفظ هژمونی) تاریک می‌دید، بلکه واقعیت امروز ترکیب نیروهای کنفدراسیون او را سخت متوحش می‌کرد. مدت‌هاست که "جبههٔ ملی" قدرت مطلقه خود را در کنفدراسیون از دست داده و به جز دوره‌هایی استثنائی رو به ضعف می‌رود. "جبههٔ ملی" مدت‌هاست در کنفدراسیون هژمونی خود را از دست رفته می‌بیند. او مدت‌ها کوشید تا با جنجال‌های متعدد دوباره جایی برای خود باز کند. تزهائی مثل "شیوه تولید آسیائی" تر "ایران در آستانه انقلاب سوسیالیستی است" و یا قرار دادن جنگ چریکی شهری در مقابل جنگ توده‌ای طولانی همه و همه برای بازیافتن موقعیت قبلی و عقب زدن تحلیل‌ها و برداشت‌های مارکسیست‌ها و عناصر چپ بود. تقلاهای مزبور ثمره‌ای در بر نداشت و از رشد نیروهای چپ نکاست به خصوص بر منطق "جبههٔ ملی" که خود را نماینده همه طبقات و از جمله طبقه کارگر دانسته و لزوم حزب طبقه کارگر را منکر می‌شود به شدت ضربه خورده و گرایش دفاع از لزوم حزب طبقه کارگر را در بخش‌های وسیعی بالا برده است. تمام این ناکامی‌ها و وحشت از ناکامی‌های بعدی "جبههٔ ملی" را بر آن داشت که "راه میان‌بری" را انتخاب کند. راهی که به هر صورت واژگونی رژیم را در برگیرد ولی این مسئله که چه تغییر ریشه‌ای در جامعه پس از استقرار رژیم جدید به تحقق در آید را در پرده ابهام و استتار قرار داده و به خصوص از بیان نقش طبقه کارگر طفره رود. دولت ایده‌آل آنها دولتی است که در آن بورژوازی ملی سکان هدایت را در اختیار گیرد و بخش‌هایی از خرده‌بورژوازی را حلالهٔ خود گرداند. چنین دولتی نمی‌تواند از پس یک جنگ توده‌ای طولانی به رهبری حزب طبقه کارگر مستقر شود. رسیدن به این هدف به دنبال مبارزه مسلحانه توده‌ای که در آن هژمونی طبقه کارگر تأمین نباشد مثل آنچه در الجزیره گذشت در شرایط حاضر بسیار بعید و صعب‌الوصول به نظر می‌رسد، به خصوص آن که "جبههٔ ملی" در حال حاضر نفوذ خود را در میان اقشار و طبقات مختلف از دست داده است، بنابراین وی به نسخه‌هایی مثل افغانستان و پرتغال و نظیر آن روی آورد. در چنین نسخه‌هایی میدان برای جولان سیاسی "جبههٔ ملی" وجود دارد، مضافاً این که مارکسیست‌ها و نیروهای چپی که موی دماغ هستند یا از همان ابتدا امکان سر بلند کردن ندارند و یا در صورتی که خود را نشان دهند به شدت مورد هجوم و حمله قرار می‌گیرند. روی آوردن جبهه ملی به آن نیروهایی که طراح چنین نسخه‌هایی بوده‌اند از اینجا ناشی می‌شود. در این میان، شوروی، برای "جبههٔ ملی" به عنوان یکی از تکیه گاه‌های محکم به حساب می‌آید. چنانچه در ایران از جانب شوروی کودتائی صورت گیرد، به کلیه نیروهایی که تضاد ریشه‌ای با شوروی نداشته باشند حتی‌المقدور آوانس داده خواهد شد و به یقین از این نمذ کلاهی برای "جبههٔ ملی" خواهد بود.

نه تنها شوروی خواهان واژگونی حکومت شاه و برقراری حکومت دل‌خواه خود است، بلکه حتی برخی از انحصارات اروپائی که در غارت کشورهای متعدد و از جمله ایران وسعت عمل مورد نظر خود را ندارند با حکومت‌هایی مثل حکومت شاه چندان سر سازگاری ندارند. آنها راغب‌اند تا

حکومت دیگری که همچنان نماینده اقلیت است در قدرت آید به طوری که تسمه‌های ارتباطی محکمی با این انحصارات باشند. نماینده سیاسی این انحصارات برخی از احزاب پر قدرت سوسیال دموکراسی می‌باشند. حرکت **SPD** و برخی احزاب مشابه در پرتقال از حمایت این احزاب از بورژوازی این کشور حکایت می‌کند. تمایل امروز "جبهه ملی" به سوسیال دموکرات‌های اروپا و چشم داشت او از این احزاب در این رابطه قابل ارزیابی است. در رابطه مستقیم با این شرایط است که "جبهه ملی" روشن و بی‌پرده به شوروی و خجالتی و پشت‌پرده به سوسیال دموکرات‌ها روی آورده و در مقابل مارکسیست‌ها که حمایت از احزاب مارکسیستی - لنینیستی را پشتوانه کار خود دارند به این جریان ارتجاعی تکیه زده و در سطح بین‌المللی آنها را حامیان خود ببیند. "جبهه ملی" در خود توان آن را نمی‌بیند که در ایران به یک جریان انقلابی دامن‌زده و سیادت خود را محرز کند. بلکه دل به اقدامات این دو جریان به خصوص شوروی که موفقیت او را بسیار ممکن می‌داند بسته و در انتظار معجزه کودتا از جانب اوست. این که امروز "جبهه ملی" تبلیغ مبارزات چریکی شهری را می‌کند فقط برای آنست که موقتاً در مقابل جنگ توده‌ای طولانی به رهبری طبقه کارگر آترناتیوی داده باشد و هواداران خود را با آن سرگرم کند. والا کوچک‌ترین امید به این که از این طریق بتواند روزی قدرت را به دست گیرد، ندارد. به خصوص آن که شنیده می‌شود حتی چریک‌های فدائی خلق که رابطه مستقیم با آنها داشتند امروز بین خود و آنها خط فاصل کشیده‌اند تا جایی که در بسیاری از موارد از ارتباط مستقیم و دادن خبر و مطلب به دست "جبهه ملی" خودداری می‌کنند.

برای "جبهه ملی" قبول مشی چریکی و تحمیل آن به کنفدراسیون و حمله خصمانه به چین توده‌ای که از خصلت وی منتج می‌شد مسئله مرکزی نبود. مسئله مرکزی او شوروی و کمیته مرکزی بود. "جبهه ملی" می‌دانست که قبول قطعنامه علیه چین توده‌ای از جانب کنگره برای کنفدراسیون تعیین سرنوشت نخواهد کرد. مسئله تحمیل مشی چریکی به کنفدراسیون هم مسئله‌ای نبود که همه نیروها در مقابلش بایستند کما این که بخش‌های وسیعی از کادرها در پست از این سیاست دفاع می‌کردند و انقلابیون کمونیست هم حاضر به مصالحه شده بودند. ولی "جبهه ملی" به روی این دو نیرو هم پنجه کشید و به خصوص "انقلابیون کمونیست" را با این که حاضر بودند در مسئله شوروی و کمیته مرکزی به جبهه ملی آوانس دهند به خواری از خود راند. زیرا بیم آن داشت که آنها به هر صورت دست و پا گیر شده و از اجرای کامل سیاست او جلوگیرند. "جبهه ملی" با ارزیابی از موقعیت خود و روی آوردن به شوروی و کمیته مرکزی به مثابه متحدین جدید با شتاب هر چه بیش‌تر از مارکسیست‌ها و نیروهای چپ دوری جست. سردمداران آنها در کنفدراسیون از مشی سنتی و رزمنده کنفدراسیون به طور کامل انصراف جست و با شتاب به تدارک انشعاب پرداختند. گرچه در این انشعاب هدف غائی و نهائی کمیته مرکزی تحقق یافت، ولی "جبهه ملی" با حرکت آشکار خود در به ثمر رساندن این خواست بزرگ‌ترین حامل انشعاب در کنفدراسیون است.

نزدیک‌ترین عناصر به جبهه ملی در امر انشعاب ترسکیست‌ها^۱ بودند. ترسکیست‌ها با هر حرکت انقلابی و هر سازمانی که حامی چنین حرکتی باشد در ستیزند. آنها نه تنها برای از هم گسیختگی کنفدراسیون تلاش کردند، بلکه حتی در کوشش‌اند تا همان "جبهه ملی" را که خود را بدان نزدیک‌تر تا سایرین می‌بینند از هم بپاشند. جدل آنها در نشست که تحت نام "کنگره ۱۹ آلمان" برگزار کردند، برای مسائل چریکی و حمله به هواداران جبهه ملی حاکی این واقعیت است.

از جمله نیروهائی که در کلیه زمینه‌ها با "جبهه ملی" هم‌قدم بود و تا چندی پیش پیوند محکمی با آن داشت "کادرهای یک" هستند. این گروه با آرزوی تبدیل کنفدراسیون به یک حزب سیاسی و بالمال تلاشی آن با مخالفت شدید با تمام تشکلهای سیاسی و منکر شدن ضرورت هر تشکل سیاسی، با تمایل به دفاع از مشی چریکی به مثابه دست‌آویزی در مقابله با سازمان‌های سیاسی مخالف این جریان و از همه مهم‌تر با دشمنی و عداوت نسبت به سیاست سازمان ما ولی در عوض رفتاری مسالمت‌آمیز با کمیته مرکزی و احزاب هم‌قطار آن، چه قبل از کنگره و چه مدتی پس از آن در پیوند سختی با "جبهه ملی" بود. این گروه آینده خود را چه در عرصه ایران و چه در خارج بسیار تاریک و بی‌ثمر می‌دید. در کلیه مسائل مربوط به کنفدراسیون هم‌قدم و هم‌نقش با "جبهه ملی" شد. حتی در مسئله چین و حمله به چین توده‌ای هم‌نظر با "جبهه ملی" بود و به سبک آنها به کنگره ۱۴ قطعنامه‌ای علیه چین توده‌ای ارائه داد. گرچه این گروه در برخی مسائل مثل منشور و "سرنوشتی رژیم" تظاهر به استقلال می‌کردند و بر مبنای برداشت خود از کنفدراسیون و انتظاری که از آن داشت و دارد، جنجال خاصی به پا می‌کرد ولی در واقع در کلیه مسائل عمده کنفدراسیون نسبت به "جبهه ملی" حالت تبعی داشت. جدائی امروز آنها با هیچ حسابی نمی‌خواند. براین جدائی هیچ پایه سیاسی که بتواند عامل جدائی باشد نمی‌تواند یافت. این گروه اکنون ظاهراً تضاد شدیدتری با "جبهه ملی" دارد تا با اقلیت کنگره ۱۶. بین خود و "جبهه ملی" ظاهراً خط فاصل روشن کشیده‌اند که نزدیکی مجدد آنها را غیرممکن نشان می‌دهد. در حالی که نسبت به اقلیت کنگره ۱۶ برخورد ملایم‌تری کرده و گاه از

^۱ - منظور از ترسکیست‌ها همان گروه "کارگر" و یا جبهه ملی‌های مارکسیست شده است که برای خط‌کشی با کمونیسم با تظاهر به درک بهتر و عمیق‌تر از مارکسیسم نسبت به مارکسیست لنینیست‌های "سنتی" دارای تمایلات تروتسکیستی بودند. آنها بر سر تحمیل خط مشی چریکی به کنفدراسیون بعد از سال‌ها همکاری با جبهه ملی ایران به مخالفت با آنها برخاستند زیرا خود را آلت دست جریان‌های چریکی دیدند.

نزدیکی با اقلیت که ضرورت آن پس از مبارزات مستقل هر گروه اثبات خواهد شد، سخن به میان می‌آورند. این گروه در مجموع غیر مطمئن بوده و هرگز نمی‌توان بر نیروی آنها در آینده نزدیک حساب کرد.

کمونیست‌ها (خط میانه منظور است - توفان) که در حسرت استقرار هژمونی خود در کنفدراسیون می‌سوختند برای رسیدن به این خواست و تدارک حمله شدید خود به اقلیت به خصوص سازمان ما، جبهه ملی و کادرهای یک را بهترین تکیه گاه یافتند. آنها در عمده‌ترین مسائل با جبهه ملی وحدت عمل داشتند. هنگامی که "جبهه ملی" در قبال اطلاعیه مشترک خود با "جبهه آزادی‌بخش اهواز"، بلوچستان و غیره سکوت مطلق اختیار کرده بود آنها مانند دایه مهربان‌تر از مادر قدم پیش گذاشته و حمله خصمانه خود را علیه سازمان ما آغاز کردند. در مسائل عمده‌ای مثل برخورد "جبهه ملی" به شوروی و کمیته مرکزی مامور تطهیر "جبهه ملی" شدند. در مورد منشور بر اساس تر خطرناک خود، کنفدراسیون را سازمان آوانگارد می‌دانند، سرتکونی را به عنوان هدف کنفدراسیون تجویز کرده و مصرانه در صدد تحقق آن برآمدند. با چنین شرائطی انتظار می‌رفت که زمینه مادی همکاری آنها با "جبهه ملی" بیش از گذشته فراهم گردد. "جبهه ملی" آنها را از خود راند تا جایی که آنها در کنگره آمریکا "جبهه ملی" را در جستجوی پایگاهی در میان طبقات حاکمه ایران و برخی از کشورهای امپریالیستی قلمداد کردند. پس از انشعاب قطعی "جبهه ملی" آنها در دفاع از چریک‌ها همان مشی و برنامه‌ای را پیشنهاد داده‌اند که "جبهه ملی" آنرا ارائه می‌داد. برخورد آنها به این امر در زمانی که دیگر نمی‌تواند از برخورد تاکتیکی و یا آوانس به جبهه ملی سخنی در میان باشد، مبین اعتقاد خود آنها به همان برنامه "جبهه ملی" در این زمینه است. کمونیست‌ها گرچه امروز در ستیز سختی با "جبهه ملی" هستند، ولی عداوت و دشمنی آنها با سازمان ما اگر بیش‌تر از دشمنی با "جبهه ملی" نباشد، کم‌تر نیست. در هر جا که نیرو دارند با تمام قوا می‌کوشند تا توده تحت نفوذ خود را با نفرت و انزجار نسبت به سازمان ما پرورش دهند. برای این کار هم از حمله به مبارزات گذشته حزب توده شروع کرده و سپس دامنه فحاشی را به سازمان ما گسترش می‌دهند. در مبارزه با سمپاتی‌زانه‌های سازمان ما همان شیوه پیشین سازمان انقلابی را به کار می‌بندند. قبل از آن که دانشجویان را ضد رژیم بارآورند به عناصر ضد توفان تبدیل می‌کنند. همین کینه و انزجار آنها از سازمان ما و درعین حال ترس از قدرت ما آنها را برآن داشته که با منتهای شدت از ما دوری گزینند در حالی که برای عمل خود هیچ توجیه سیاسی نمی‌یابند. گرچه می‌بایستی کوشش بسیار به کار برد تا آنها را وادار به همکاری نمود ولی با برخورد اخیر آنها نسبت به مسئله چریکی در کنگره آمریکا و مهم‌تر از همه درک و توقع آنها از سازمان توده‌ای کنفدراسیون و دادن تزهائی مثل "وظیفه قشر دانشجو در جهت تغییر بنیادی" امید جلب آنها در آینده‌ای نزدیک غیرممکن نشان می‌دهد.

کادرهای دو که تا قبل از کنگره تمایل به اقلیت نشان می‌دادند پس از کنگره ۱۶ به دو قسمت تقسیم شدند، برخی از آنها در کمونیست‌ها مستحیل شده و برخی دیگر با تمایلاتی ناپایدار برجای ماندند. از این عده می‌توان چند تنی را در برلن و وین به حساب آورد. نیروی آنها آن چنان ضعیف است که در محاسبه قدرت نیروهای مختلف تقریباً به حساب نمی‌آید.

سازمان انقلابی بنابر برخوردهای خصمانه "جبهه ملی" که از دو سال قبل کارزار سختی را با آنها شروع کرده بود اجباراً در کنار ما به مثابه اپوزیسیون قرار گرفت. در مسائل گوناگون حتی در برخی از موارد با اکراه و بدون دل‌خواه با ما همگام شد. گرچه "سازمان انقلابی" در برخی از مسائل تحلیل و برداشت خود را منطبق با تحلیل و برداشت ما اعلان می‌کرد ولی به وضوح دیده می‌شد که شرایط نامساعد وی باعث می‌شود که برای تثبیت وضع متزلزل خود و در امان شدن از حملات "جبهه ملی" و دو گروه دیگر اکثریت کنگره ۱۵ و ۱۶ به کنار ما خزیده و برخورد ما را به مسائل مورد تأیید خود قرار دهد. برخورد و درک آنها از کنفدراسیون و چگونگی منشور آن و حتی برخورد به جریان حکمت‌جو و نتایج آن (جریان مونیخ) که طرح آن از خود آنها بود با درک و تحلیل ما یکسان و منطبق برهم نبود. در حالی که ما شدیداً در مقابل "جبهه ملی" و متحدینش می‌ایستادیم آنها از در مسالمت و مماشات می‌آمدند. اختلافات ما و "سازمان انقلابی" فقط به کنفدراسیون خلاصه نمی‌شود. چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی بین ما اختلاف نظر موجود است. نسبت به مسئله حزب و چگونگی مبارزه نظراتی از قبیل "سازمان آزادی‌بخش خلق‌های ایران طلایه‌دار جنبش کارگری بوده و ایجاد حزب طبقه کارگر را باعث خواهد شد" ابراز می‌دارند. چیزی که از بیخ و بن با نظر ما نسبت به لزوم حزب برای کار سیاسی و تدارک مبارزه مسلحانه مغایر است. از آن گذشته آنها در لابلای الفاظ گوناگون و در قالب تزهائی مختلف که در مسائلی مثل "رستاخیز" و مبارزه با گران‌فروشی منعکس می‌شوند، وابستگی شاه را به امپریالیسم آمریکا با زبانی الکن و اشاراتی کوتاه به زیر علامت سؤال می‌برند. در سطح کنفدراسیون در مبارزه با حامین انشعاب تردید داشته و برای فرار از حمله به "جبهه ملی" به عنوان عامل اصلی انشعاب فقط گریبان "کمیته مرکزی" و "عناصر ترسکیست" را می‌چسبند. در واحدهائی که نفوذ دارند یکی از وظایف خود را مبارزه با سازمان ما می‌گذارند. حتی در این مبارزه سهم بیش‌تری برای سازمان ما قائل می‌شوند تا برای "جبهه ملی" که شدیدترین ناسزاها را به آنها نثار می‌کنند. آنها مثل گذشته برای حمله به سازمان ما از گذشته پر افتخار حزب توده شروع می‌کنند و با دادن بی‌شرمانه‌ترین نسبت‌ها از قبیل این که "تمام رهبران این حزب خائن و فراری بوده" سازمان ما را رهروان همان "خائنین" می‌خوانند. برخورد آنها در این مورد در شهرهای کیل، هانور و ماینس موید این واقعیت است. آنچه که سبب شده آنها را در کنار ما قرار دهد ضعف کنونی آنها و بالا بردن وجه سازمان خود در میان توده دانشجو است. بعید نیست

که در آینده با نغمه‌های ناسازگاری از جانب آنها روبرو شویم. بعید نیست که دفاع از مشی مجاهدین خلق و فدائیان خلق جای خود را به دفاع از مشی "سازمان آزادی‌بخش خلقی‌های ایران" بدهد. بعید نیست که هدف سرنگونی را برای کنفدراسیون آشکارا تبلیغ کرده، فقط بر سر "مضمون" آن چک و چانه بزنند و بالاخره بعید نیست که برای مبارزه با ما در واحدهای مختلف و مشغول کردن توده دانشجوی به این امر از هیچ شیوه و سبک‌کاری روی‌گردان نشوند. واقعیت این است که آنها گرچه سخت و قدم آهسته با ما همراهند ولی به هر صورت تنها نیروی است که تا این مقدار با ما همراه است. وظیفه سازمان ما است که گرچه با انحرافات و شیوه‌های زشت آنها قاطع و بی‌پرده مبارزه می‌کند ولی کوشش کند که آنها را برای همکاری مشترک در امر مبارزات دانشجویی و پیش‌برد وظائف آن در کنار خود نگاه دارد. این امر به خصوص امروز که حفظ فدراسیون آلمان در مد نظر است حائز اهمیت خواهد بود. زیرا تنها نیروی که در سطح فدراسیون آلمان در کنار ما خواهد نشست اینها می‌باشند.

لروم حفظ فدراسیون آلمان مسئله کنفدراسیون و فدراسیون فرانسه

پس از کنگره ۱۶ کنفدراسیون انشعاب در یک یک واحدها صورت گرفت. صفوف "اکثریت" از هم گسست و به عنوان جناح قوی بخش اقلیت برجای ماند. با ضعف و تزلزل سازمان انقلابی و به خصوص تردید آن در حفظ فدراسیون‌ها و از آن جمله فدراسیون آلمان بدون "جبهه ملی" تحلیل دقیق از موقعیت موجود و دید وسیع از مسائل را دشوار می‌کرد. با در نظر گرفتن آمادگی توده دانشجوی برای مبارزه متشکل و روی آوردن آنها به واحدهایی که شرایط ورود و سکونت دانشجوی در شهر مناسب‌تر است و به خصوص روی آوردن به واحدهای تحت نفوذ ما مثل برلن، مونستر، دارمشتات، فرایبورگ و مونیخ صرف‌نظر کردن از تشکیلات دانشجویی آنها در شرایطی که موقعیت مناسبی موجود است نادرست خواهد بود. فعالیت‌های چند هفته اخیر نشان داده ما با نیروی خود و همان حداقل نیروی که از جانب طرفداران سازمان انقلابی به کار انداخته می‌شود قادریم کار فدراسیون آلمان را سامان داده و فدراسیون را از یک کمیت مناسبی برخوردار کنیم. توده دانشجوی را متشکل کرده و سطح آگاهی آنها را ارتقاء دهیم. از این جهت در نظر است تا کنگره فدراسیون را در اواخر دسامبر برگزار کرده و مسئولیت را به دبیران جدید سپرد.

برای چگونگی رهبری کنفدراسیون، تشکیل و یا عدم تشکیل کنگره کنفدراسیون هنوز نمی‌توان برنامه مشخصی تدوین کرد. به نظر می‌رسد برای تعیین رهبری کنفدراسیون می‌بایستی واحدهای زیادی از فدراسیون‌های مختلف مثل آلمان، آمریکا، فرانسه و ایتالیا آمادگی خود را اعلان دارند. با وضع نامشخصی که فدراسیون آمریکا دارد و با سیاست نامشخص کمونیست‌ها که نه به روشنی انشعاب کرده و نه به مخالفین انشعاب پیوسته نظر دادن روی چگونگی رهبری کنفدراسیون و تصمیم برروی آن عجولانه و بی‌ثمر خواهد بود.

در مورد فدراسیون فرانسه به نظر می‌رسد که اصرار بر روی تشکیل کنگره و تعیین دبیران از جانب ما که هیچ‌گونه آلترناتیوی برای مسئولیت دبیری نداریم غیرضرور است. واحدهایی که نسبت به سازمان سمپاتی دارند بدون وقفه به کار خود ادامه داده و تا تعیین دبیران جدید آنها از بین دوستان و سمپاتیان‌های ما نمی‌تواند کم‌ترین کمکی به کار سمپاتیان‌های ما در آنجا باشد. فعلاً جایز است که در این زمینه عکس‌العملی نشان داده نشود.

کوشش‌های سازمان برای اعاده وحدت در کنفدراسیون

پس از آن که تشنت و از هم‌گسیختگی در تمام سطح کنفدراسیون ظاهر شد و مبارزات عملی کنفدراسیون را به خاموشی برد سازمان در صدد شد تا با تماس‌هایی مستقیم با سازمان‌های متعدد زمینه‌ای برای اعاده وحدت در کنفدراسیون ایجاد کند. نشست‌های رسمی با "انقلابیون کمونیست"، "سازمان انقلابی" و "جبهه ملی" و مذاکرات نیمه رسمی با "کادرهای یک" به همین منظور بود. "سازمان انقلابیون کمونیست" با این ادعا که مبارزه با سازمان انقلابی در درجه اول اهمیت قرار دارد و حتی اهمیت آن بیش از مبارزه با "کمیته مرکزی" است، از پیشنهاد مشخص و ابراز نظر روشن برای اعاده وحدت کنفدراسیون طفره رفته و دایره صحبت را فقط به انحرافات "سازمان انقلابی" محدود می‌نمود. نشست‌ها با این سازمان کم‌ترین ثمره‌ای برای حل معضل کنفدراسیون به بار نیاورد. وقایع اخیر آمریکا و یکی دو شهر اروپا نشان داد که گرچه آنها علیه "سازمان انقلابی" تبلیغ می‌کنند ولی دشمنی و عداوت آنها با مشی و سازمان ما به مراتب بیش‌تر است.

"سازمان انقلابی" در ملاقات‌های متعدد گرچه در مجموع خود را با ما همراه و همداستان می‌دانست ولی به مناسبت محاسبات معینی با مبارزات ما علیه حاملین انشعاب در کنفدراسیون سر توافق نداشت. گرچه با این واقعیت عینی که "جبهه ملی" ستون فقرات انشعاب در کنفدراسیون است روبرو بود ولی از اظهار آن و مبارزه مستقیم علیه آن حتی‌المقدور خودداری می‌کرد. حتی امروز هم که دیگر کوچک‌ترین روزنه امیدی برای بازگشت "جبهه ملی" نیست آنها به همین سیاست ادامه داده و حتی علناً رفقای ما را که انشعاب "جبهه ملی" را نکوهش کرده و آنها را افشاء می‌کنند، به انتقاد گرفته و تلویحاً خواستار سکوت رفقای ما در برابر اقدام "جبهه ملی" می‌شوند. مذاکراتی که با آنها انجام پذیرفت در واقع در این تحلیل آنها تغییری به وجود نیاورد و آنها همچنان برای حمله به انشعابیون دست به یقه با "کمیته مرکزی" و ترسکیست‌ها می‌شوند و "جبهه ملی" را از هر انتقادی مصون می‌دارند.

چنانچه "جبهه ملی" که برنامه انشعاب را به اجرا گذاشت از سیاست نادرست خود عدول می‌کرد، می‌توانست روزنه امیدی برای بهبود وضع نابسامان کنفدراسیون باشد. به همین مناسبت سازمان ما دو نشست با این سازمان ترتیب داد. پس از نشست اول که "جبهه ملی" خود را در برخی مسائل موافق جلوه می‌داد امید می‌رفت که این نشست‌ها راه‌گشا گشته و همکاری مجدد در کنفدراسیون محقق گردد. پس از نشست بعدی و به خصوص با رد و بدل شدن نقطه نظرها به طور کتبی دیده شد که "جبهه ملی" اصلاً هوای همکاری در سر ندارد و به طور تاکتیکی حاضر به گفتگو ملاقات شده تا شاید از این راه ما را منفرد سازد.

ملاقات‌های نیمه‌رسمی با "کادرهای یک" ثمراتی به بار نیآورد. حتی در آن لحظاتی که امید می‌رفت آنها حاضر به همکاری باشند، به خصوص پس از جلسه مشترکی که بین دبیران فدراسیون و کاظم کردوانی صورت پذیرفت و امید به همکاری لااقل در مورد زندانیان سیاسی که موضوع اصلی نشست فوق بود می‌رفت. آنها به یک‌باره با صدور اعلامیه جدیدی به فحاشی تازه پرداختند و شخص کاظم کردوانی در کنگره آمریکا نقش تفرقه‌افکن را بازی می‌کند. چنانچه از ظواهر امر برمی‌آید آنها تضاد خود با "جبهه ملی" را در حد بالائی می‌بینند و چنین وانمود می‌کنند که نزدیکی آنها با "جبهه ملی" غیرممکن خواهد بود. تضاد شدید خود را با ما روشن و واضح ابراز داشتند ولی از امکان همکاری با ما در آینده آنهم پس از آن که مبارزات عملی هر یک از ما چنین همکاری را لازم شمرده سخن می‌گویند.

برنامه‌های عملی

با رکود وسیعی که در کار عملی کنفدراسیون پس از کنگره ۱۶ پیش آمد، به طوری که حتی فدراسیون آلمان هم از آن بی‌نصیب نماند سازمان بر آن شد که با تهیه برنامه‌ای که بتواند مبارزات فدراسیون آلمان را اعتلا بخشد در این امر وظیفه خود را انجام دهد. در مصوبه‌ای که تحت عنوان "به خاطر تحقق و خطامشی رزمندگان کنفدراسیون" در هیئت مرکزی در ماه فوریه ۷۵ به تصویب رسید، نکات عمده‌ای برشمرده شد. سازمان توانست در نکات مهم سیاسی این مصوبه مثل افشای سیاست انشعاب‌گران، افشای کسانی که به جانب‌داری از شوروی و "کمیته مرکزی" می‌پردازند، مبارزه با انحرافی که کوشش دارد کنفدراسیون را به زائده چریکی تبدیل کند، موفقیت‌های گران‌بهای کسب کرد ولی نتوانست رفقای ما را در شهرهای مختلف بر آن دارد تا با حس مسئولیت بیشتر در پیشبرد مسائل گوناگون شرکت جسته و راساً در کار دانشجویی، خود را مسئول حس کنند. رفقا در برخی از نکات این مصوبه که نگارش و رسالات متعدد و یا لااقل ارسال اخبار محلی را منظور کرده بود با وجود تذکرات تشکیلاتی متعدد از خود بی‌توجهی نشان دادند.

مسئله برنامه دفاع از جنبش ظفار که از نکات اساسی این مصوبه بود بالاخره در ماه یونی به مورد اجرا در آمد و یکی از بزرگ‌ترین آکسیون‌ها برای ظفار در سطح آلمان بود. با رکود دوباره‌ای که پس از این تاریخ از فدراسیون آلمان به چشم خورد وجود یک کمیته مشترک با شرکت رفقای ما، افراد طرفدار سازمان انقلابی جهت برنامه‌ریزی‌های متعدد برای فعالیت عملی فدراسیون آلمان ضرور شمرده شد. محل تجمع شهر برلن غربی در نظر گرفته شد. در دو ملاقاتی که هر یک چند روز به طول انجامید ثمره چندانی به دست نیامد.

افراد سازمان انقلابی با خالی کردن شانه از زیر بار مسئولیت‌های مشخص، با ایرادگیری از کار ما که خود قادر به اجرای آن نبودند، به پیش کشیدن تریزهای نادرست ثمره کار را به حداقل می‌رسانند. پس از مشاهده این وضع هیئت مرکزی تصمیم گرفت که از کمیسیون فوق صرف‌نظر کرده و نبض امور مثل گذشته در دست دبیران باشد.

وضع فدراسیون‌های گوناگون و واحدها

پس از انشعاب در کنفدراسیون وجه سیاسی رفقای ما در میان توده دانشجوی بالا رفت و عده‌ی بی‌شماری را نسبت به حقانیت مشی ما معتقد ساخت. در برخی از واحدها از نظر کمی رشد کردیم. نمونه‌های مونستر، فرایبورگ، مونیخ و غیره. از نظر سیاسی وضع ما در میان توده دانشجوی محکم‌تر از گذشته است. وضع فدراسیون‌ها را می‌توان به شرح زیرسنجید:

آمریکا

رفقای ما در آمریکا چه از نظر سیاسی و چه از نظر کمی هرروز وضع محکم‌تری می‌یابند. در آخرین کنگره آمریکا رفقای ما به افشای سیاست "جبهه ملی"، کادرها و کمونیست‌ها پرداختند و با برد سیاسی از این کنگره خارج شدند. حوادث اخیر نشان می‌دهد که کمونیست‌ها خود را برای حمله شدیدتری به رفقای ما در آمریکا آماده کرده‌اند و حتی ممکن است کار را به انشعاب بکشانند. در صورتی که چنین انشعابی صورت پذیرد لازم است که رفقای ما با کمک سازمان انقلابی که به احتمال زیاد در کنار رفقای ما می‌مانند اداره امور واحدهائی که برجای مانده‌اند را در اختیار گرفته و به مبارزات متشکل خود ادامه دهند.

آلمان

وضع رفقای ما در آلمان از هر جای دیگر محکم‌تر است. نیروی "جبهه ملی" رو به تحلیل رفته و کادرها چندان رمقی برای مقابله شدید ندارند. "کمونیست‌ها" گرچه در دو سه واحد به جنجال و حمله به ما پرداخته‌اند ولی در مجموع یارای حمله شدید را ندارند. "سازمان انقلابی" در حفظ فدراسیون آلمان با ما همصدا است ولی برای گسترش خود در واحدهای مختلف از اعمال هیچ شیوه ناپسندی خودداری نمی‌کند. توده دانشجوی آلمان خواهان مبارزه است و با وجود ازم‌گسیختگی حاضر در کنفدراسیون آماده مبارزه است. چنانچه شرایط به صورت فعلی باقی مانده و فاکتورهای ترمز کننده‌ای به وجود نیایند کار فدراسیون آلمان می‌تواند رونق بسیار پیدا کند.

فرانسه

در فرانسه سه واحد از چهار واحد موجود مشی سازمان ما را در قبال کنفدراسیون پیروی کرده و برای پیشبردن مبارزات دانشجویی با تکیه بر مشی سنتی کنفدراسیون فعالیت می‌کنند. نه تنها در این شهرها که واحدهای مذکور موجودند، بلکه حتی در سایر شهرهای فرانسه دانشجویان آمادگی جلب به مبارزه را داشته و از این طریق امکان بسط صفوف کنفدراسیون موجود است. لازم است تا رفقای ما با اتخاذ شیوه‌های مناسب در جلب این دانشجویان جهت بسط مبارزات متشکل آنها در فرانسه بکوشند. متأسفانه شرایط خاص اجازه نمی‌دهد تا مرکزیتی که بتواند مبارزات دانشجویان ایرانی در فرانسه را رهبری کند به وجود آید. در این زمینه لازم است که تا فراهم شدن چنین امکانی واحدها را نسبت به مبارزات دانشجویان فدراسیون‌های مختلف آشنا کرده و به واحدها وظائفی که در قدرت هر یک از آنها است محول کرد تا از مبارزات عملی دور نگردند. متأسفانه سازمان در واحدهای کشوری دیگر، نفوذی نداشته و در برخی از آنها که حتی نفوذ دارد مثل ترکیه، برپا کردن انجمن‌های دانشجویی را لازم نمی‌دانند. در کشورهای ایتالیا، انگلستان، موقعیت مناسبی برای کار میان دانشجویان وجود دارد که عدم وجود کادر، ما را در استفاده از این موقعیت‌ها محروم ساخته است.

اشکالات کار شعبه دانشجویی

متأسفانه برخی از رفقا در مسیر کار دانشجویی و نظرات مشخصی که از جانب سازمان داده می‌شود نیستند. به جز چند واحد مثل مونیخ، برلن، گیسن، ورتسبورگ، دارمشتات و تا حدودی ماینس، مونستر و دورتموند در سایر واحدهای اروپا رفقای ما در اصطکاک کامل با مسائل و نقطه نظر سازمان نیستند. برخوردهای متعدد فرایبورگ، اشتراسبورگ و اصولاً بی‌خبری کامل رویتلینگن، کنستانس و برانشویگ موید این امر است. با وجودی که به کرات از رفقا خواسته شده که اخبار محلی خود را مرتب در اختیار شعبه دانشجویی گذارند تقریباً تمام واحدهای اروپا از آن غفلت می‌کنند. پس از چند ماه که فلان واحد اطلاعیه‌ای می‌دهد و یا موضع خاصی را بیان می‌کند تازه پس از سفارش‌های متعدد شعبه دانشجویی نسخه‌ای از این اطلاعیه یا موضع‌گیری را که اتفاقاً از واحد تحت نفوذ ما صادر شده به چنگ می‌آورد. مسلم است در چنین صورتی اگر اشکالی بروز کند دیگر نمی‌توان به موقع چاره آن کرد. از آن گذشته حتی برخی از رفقای هیئت مرکزی هم از کنار برخی از مسائل که دارای اهمیت برای شعبه دانشجویی است به سادگی گذشته و کم‌ترین زحمتی به خود نمی‌دهند تا این مسائل را فوراً به شعبه دانشجویی منتقل کنند. شعبه دانشجویی در سال قبل با شرکت چهار تن از رفقا تشکیل شد. این شعبه نتوانست نقش خود را ایفا کرده و با برنامه معینی فعالیت دانشجویان را رهبری کند. با تعیین سه تن از رفقا برای رسیدگی به کارهای جاری سازمان و از جمله رسیدگی به کار دانشجویی خود به خود شعبه دانشجویی منحل شد. برای کار آتی شعبه دانشجویی هیچ راه حل دیگری جز آن که مسائل دانشجویی در جلسات هفتگی رفقا حل و فصل شود به نظر نمی‌رسد.

نتیجه‌گیری

تجربه نشان داد که مشی سازمان ما در قبال جنبش دانشجویی و سازمان متشکل آن کنفدراسیون صحیح بوده و امروز توده‌های وسیع‌تری به این مشی روی آورده‌اند. پیوستن قابل توجه دانشجویان تازه وارد به واحدهایی که مشی سازمان ما در آن حاکم است مبین این واقعیت است. هنوز در بسیاری از شهرهای اروپا و آمریکا دانشجویان بسیاری هستند که پراکنده‌اند. واقعیات گواه آنند که این دانشجویان مبارزه متشکل را پذیرا هستند. فشار و اختناق روز افزون در ایران، زندگی مشقت‌بار طبقات زحمتکش و حتی قشرهای متوسط در دین این واقعیات از جانب دانشجویان، آنان را چنان برمی‌انگیزد که با آمادگی بیش‌تر به مبارزه روی بیاورند. این آمادگی که نسبت به گذشته به مراتب افزایش یافته می‌بایستی رفقای ما را بر آن دارد که با کوشش بیش‌تر توده دانشجویی را در امر تشکیل یاری رسانند. آنها را نسبت به مسائل میهنی و مبارزات ضدامپریالیستی خلق‌های جهان آشنا ساخته، سطح آگاهی آنها را ارتقاء داده و آنان را در مبارزات عملی رهنمون شوند. این کوشش‌ها به یقین کنفدراسیون را گسترش می‌دهد، دامنه مبارزات آن را وسعت می‌بخشد و بالاخره آنرا از رهبری متمرکز برخوردار می‌کند. کمیت روز افزون دانشجویان در خارج از کشور امکان استفاده از چنین موقعیتی را به طور مرتب بالا می‌برد. متأسفانه کوشش‌های سازمان ما برای جلوگیری از انحرافات برخی از گروه‌ها در کنفدراسیون و حفظ همکاری بر اساس مشی سنتی بی‌ثمر ماند و کنفدراسیون پراکنده و از هم‌گسیخته گردید. چنانچه رفقای ما به جلب توده‌های وسیع دانشجویی بپردازند و پایه‌های کنفدراسیون را تقویت کنند، پراکندگی موجود از میان برداشته شده و کنفدراسیون دوباره به رساترین صدای ضدژریمی و ضدامپریالیستی بدل خواهد شد."

سند شماره ۲۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (اسناد تلاش‌های توفان برای پاسداری از وحدت کفدراسیون جهانی)

نامه به جبهه ملی ایران

دشمنان خلق برای حفظ و تحکیم فرمانروائی خود یا برای اجرای مقاصد شوم خود از نفاق و پراکندگی در صفوف نیروهای انقلابی شادمانند و هر کجا اتحاد و یگانگی جای نفاق و پراکندگی را بگیرد فوراً به تلاش برمیخیزند که با هروسيله ای که در اختیار دارند یگانگی مبارزان را برهم زنند و بیگانگی را بجای آن بنشانند. شعار امپریالیسم "تفرقه بینداز و حکومت کن" واقعیتی است که محصول سالها تجربه دشمنان خلق است. این واقعیتی است که بر هیچکس پوشیده نیست. نیروهای صدیق انقلابی ایران در خارج از کشور حق ندارند به استقبال این نیت دشمنان خلق بروند. تفرقه ای که در صفوف سازمانهای خارج از کشور است، تفرقه ای که در پاره ای موارد کار را به نقار و حتی به خصومت بیهوده و زیان بخش میکشاند نمیتواند و نباید دوام یابد. سازمانهای خارج از کشور، بنا به شهادت مطبوعات و انتشارات آنها همه در مبارزه علیه رژیم شاه، در مبارزه علیه دشمنان داخلی و خارجی خلق‌های ایران هم رای و همدستانند. نیروهای ملی و دموکراتیک حق ندارند این نکته مهم را بدست فراموشی بیاورند، حق ندارند بر اختلافات موهوم ناشی از ذهنی‌گری و تنگ نظری اختلافات تازه ای بیفزایند و نقار و پراکندگی را دامن زنند و تا سرحد خصومت بکشانند.

البته میان این نیروها بر سر یک سلسله مسائل تئوریک و سیاسی اختلاف نظر وجود دارد ولی وجوه مشترک آنها حائز آنچنان اهمیتی است که میتواند مبارزه آنها را هم آهنگ سازد، جهت دهد و تقویت کند. بر اثر هم آهنگ ساختن مبارزه مشترک و سالم ساختن روابط و استقرار مناسبات عادی و دوستانه چه بسا مسائل مورد اختلاف پس از بحث و مطالعه و تبادل نظر به موافقت خواهد انجامید.

سازمان ما بشهادت صفحات ماهنامه توفان پیوسته اتحاد و هم آهنگی مبارزه نیروهای واقعا ملی و دموکراتیک را در مبارزه علیه دشمنان خلق تبلیغ کرده است و اکنون نیز با پیگیری این فنی را ادامه میدهد. سازمان ما برای آنکه در تحقق این مشی گام‌های عملی بردارد از کیه سازمانهای واقعا ملی و دموکراتیک دعوت میکند که لااقل در آغاز در پیرامون برنامه زیر گرد آیند.

۱- مبارزه همه جانبه علیه رژیم سلطنتی ضد خلقی و فاشیستی و خیانت پیشه شاه بخاطر سرنگون ساختن آن و برقراری حکومتی ملی و دموکراتیک که نماینده واقعی خلق، مدافع منافع خلق و نگهبان آزادی و استقلال و حق حاکمیت ایران باشد و آزادیهای دموکراتیک و حقوق خلق‌های ایران را تامین کند.

۲- از آنجائی که مبارزه بخاطر آزادی و استقلال از مبارزه علیه امپریالیسم و به ویژه امپریالیسم امریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی جدا نیست بنابراین پیکار بخاطر سرنگون ساختن رژیم شاه ناگزیر با مبارزه بخاطر بیرون راندن امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم و برانداختن پایگاه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی آنها ملازمه دارد.

۳- دفاع از موجودیت کفدراسیون دانشجویان ایرانی و گسترش و تحکیم و تقویت آن. کفدراسیون دانشجویان ایرانی امروز بر اثر مبارزات گذشته خود از چنان اعتبار و حیثیتی برخوردار است که هیچ سازمان دیگری جای آنرا نمیگیرد. کفدراسیون در مبارزه علیه رژیم شاه، افشاء این رژیم، دفاع از مبارزات خلق و زندانیان سیاسی، دفاع از مبارزات خلق‌های جهان علیه امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم نقش برجسته ای داشته است و اکنون نیز میتواند همین نقش را بوجه بهتری ایفاء کند. کفدراسیون سازمانی توده ای است و باید کوشید توده دانشجویان خارج از کشور را در آن گرد آورد، باید وحدت کفدراسیون را گرامی شمرد، از هرگونه گفتار یا کرداری که زیانمند به امر وحدت باشد دوری جست و بسا آن بمبارزه برخاست. گسترش کفدراسیون، مبارزه صحیح این سازمان را تقویت خواهد کرد. حفظ و گسترش و تقویت کفدراسیون بیقین در جهت تقویت مبارزه نیروهای ملی و دموکراتیک میهن ما است.

سازمان ما بر آنست که برای شروع کار، هیئتی مرکب از نمایندگان سازمانهای مختلف تشکیل گردد. سازمان ما یقین دارد با برداشتن این گام مقداتی و تماس سازمانها با یکدیگر میتوان بتدریج از سوء تفاهات جلوگیری کرد، نکات برنامه را غنی ساخت و گام‌های تازه و تازه تری در مبارزه مشترک برداشت.

هیئت مرکزی سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان

سند شماره ۲۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (اسناد تلاش‌های توفان برای پاسداری از وحدت کنفدراسیون جهانی)

نامه به جبهه ملی ایران

"نامه به جبهه ملی ایران"

دشمنان خلق برای حفظ و تحکیم فرمانفرمائی خود یا برای اجرای مقاصد شوم خود از نفاق و پراکندگی در صفوف نیروهای انقلابی شادمانند و هر کجا اتحاد و یگانگی جای نفاق و پراکندگی را بگیرد فوراً به تلاش برمی‌خیزند که با هر وسیله‌ای که در اختیار دارند یگانگی مبارزان را برهم زنند و یگانگی را به جای آن بنشانند. شعار امپریالیسم "تفرقه بینداز و حکومت کن" واقعیتی است که محصول سال‌ها تجربه دشمنان خلق است. این واقعیتی است که بر هیچکس پوشیده نیست. نیروهای صدیق انقلابی ایران در خارج از کشور حق ندارند به استقبال این نیت دشمنان خلق بروند. تفرقه‌ای که در صفوف سازمان‌های خارج از کشور است، تفرقه‌ای که در پاره‌ای موارد کار را به نقار و حتی به خصومت بیهوده و زیان بخش می‌کشانند نمی‌تواند و نباید دوام یابد.

سازمان‌های خارج از کشور، بنا به شهادت مطبوعات و انتشارات آنها همه در مبارزه علیه رژیم شاه، در مبارزه علیه دشمنان داخلی و خارجی خلق‌های ایران همراهی و هم‌داستانند. نیروهای ملی و دموکراتیک حق ندارند این نکته مهم را به دست فراموشی سپارند، حق ندارند بر اختلافات موهوم ناشی از ذهنی‌گری و تنگ‌نظری اختلافات تازه‌ای بیفزایند و نقار و پراکندگی را دامن زنند و تا سرحد خصومت بکشانند.

البته میان این نیروها بر سر یک سلسله مسائل تئوریک و سیاسی اختلاف نظر وجود دارد ولی وجوه مشترک آنها حائز آنچنان اهمیتی است که می‌تواند مبارزه آنها را هم آهنگ سازد، جهت دهد و تقویت کند. بر اثر هم‌آهنگ ساختن مبارزه مشترک و سالم ساختن روابط و استقرار مناسبات عادی و دوستانه چه بسا مسائل مورد اختلاف پس از بحث و مطالعه و تبادل نظر به موافقت خواهد انجامید.

سازمان ما به شهادت صفحات ماهنامه توفان پیوسته اتحاد و هم‌آهنگی مبارزه نیروهای واقعاً ملی و دموکراتیک را در مبارزه علیه دشمنان خلق تبلیغ کرده است و اکنون نیز با پیگیری این مشی را ادامه می‌دهد.

سازمان ما برای آن که در تحقق این مشی گام‌های عملی بردارد از کلیه سازمان‌های واقعا ملی و دموکراتیک دعوت می‌کند که لااقل در آغاز در پیرامون برنامه زیر گرد آیند.

۱- مبارزه همه جانبه علیه رژیم سلطنتی ضدخلقی و فاشیستی و خیانت‌پیشه شاه به خاطر سرنگون ساختن آن و برقراری حکومتی ملی و دموکراتیک که نماینده واقعی خلق، مدافع منافع خلق و نگهبان آزادی و استقلال و حق حاکمیت ایران باشد و آزادی‌های دموکراتیک و حقوق خلق‌های ایران را تامین کند.

۲- از آنجائی که مبارزه به خاطر آزادی و استقلال از مبارزه علیه امپریالیسم و به ویژه امپریالیسم آمریکا و سوسیال‌امپریالیسم شوروی جدا نیست بنابراین پیکار به خاطر سرنگون ساختن رژیم شاه ناگزیر با مبارزه به خاطر بیرون راندن امپریالیسم و سوسیال‌امپریالیسم و برانداختن پایگاه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی آنها ملازمه دارد.

۳- دفاع از موجودیت کنفدراسیون دانشجویان ایرانی و گسترش و تحکیم و تقویت آن. کنفدراسیون دانشجویان ایرانی امروز بر اثر مبارزات گذشته خود از چنان اعتبار و حیثیتی برخوردار است که هیچ سازمان دیگری جای آنرا نمی‌گیرد. کنفدراسیون در مبارزه علیه رژیم شاه، افشا این رژیم، دفاع از مبارزات خلق و زندانیان سیاسی، دفاع از مبارزات خلق‌های جهان علیه امپریالیسم و سوسیال‌امپریالیسم نقش برجسته‌ای داشته است و اکنون نیز می‌تواند همین نقش را به وجه بهتری ایفاء کند. کنفدراسیون سازمانی توده‌ای است و باید کوشید توده دانشجویان خارج از کشور را در آن گرد آورد، باید وحدت کنفدراسیون را گرامی شمرد، از هرگونه گفتار یا کرداری که زبان‌مند به امر وحدت باشد دوری جست و با آن به مبارزه برخاست. گسترش کنفدراسیون، مبارزه صحیح این سازمان را تقویت خواهد کرد. حفظ و گسترش و تقویت کنفدراسیون به یقین در جهت تقویت مبارزه نیروهای ملی و دموکراتیک میهن ما است.

سازمان ما بر آنست که برای شروع کار، هئیتی مرکب از نمایندگان سازمان‌های مختلف تشکیل گردد. سازمان ما یقین دارد با برداشتن این گام مقدماتی و تماس سازمان‌ها با یکدیگر می‌توان به تدریج از سوءتفاهمات جلوگیری کرد، نکات برنامه را غنی ساخت و گام‌های تازه و تازه‌تری در مبارزه مشترک برداشت.

هئیت مرکزی سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان"

سند شماره ۲۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: اسناد تلاش‌های توفان برای پاسداری از وحدت کنفدراسیون جهانی

دستور جلسه: بحث در مورد شورای عالی فدراسیون آلمان

نقل از صورت جلسه صفحه ۲۰۳

۷۵/۱۲/۱
۲۰۳

حضار در جلسه مقام بهرام، فریبرز، خراز، غزنه، کامران،

دستور جلسه: بحث در مورد شورای عالی فدراسیون آلمان

تصمیمات: ۱- سازمان در حال حاضر مخالف شرکت سازمان انقلابیون کمونیست در فدراسیون آلمان است زیرا سیاستی را که این سازمان برگزیده سیاستی تفرقه افکنانه و اخلاک گرانه است. آمدن آنها در شرایط فعلی در فدراسیون منجر به تقویت تقوای اغراضی خواهد شد و به تأثیر نقش متغی آنها در تقویت آنها میدان بیشتری میدهد.

۲- تصمیم گرفته شد تا قبل از برگزاری گنگره فدراسیون آلمان سازمانی را تشکیل دهیم که به سازمان انقلابیون کمونیست سازمان داده شود.

۳- علیرغم خواست و تمام اقامات سازمان ماکر سازمان انقلابیون کمونیست متفق به شرکت در گنگره سازمان مایل به شرکت آنها با اتفاق سازمان انقلابیون در رهبر فدراسیون هست درگز اکثریت رهبر را با نیت نخواهد داد.

۴- داده اند در گنگره در مورد مبانی وحدت گنگره شده که همان مندر گنگره ۶ و مصوبات آیینیه در برنامه کار فدراسیون براسین پایه است. همه تصمیمات با اتفاق آراء تصویب شد.

گفتارهای سازمان را در سطح اروپا بزرگ آلمان، استفاده از استعداد و نیروی همه افراد و همکاریات سازمان در رابطه با سازمان انقلابی و "انقلابیون کمونیست" با اتفاق آراء تصویب شد.

سند شماره ۲۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: اسناد تلاش‌های توفان برای پاسداری از وحدت کنفدراسیون جهانی

دستور جلسه: بحث در مورد شورای عالی فدراسیون آلمان

نقل از صورت‌جلسه صفحه ۲۰۳

"حضور در جلسه رفقا بهرام، فریبرز، فرامرز، خرسند، کامران

دستور جلسه: بحث در مورد شورای عالی فدراسیون آلمان

تصمیمات: ۱- سازمان ما در حال حاضر مخالف شرکت "سازمان انقلابیون کمونیست" در فدراسیون آلمان است زیرا سیاستی را که این سازمان برگزیده سیاستی تفرقه‌افکنانه و اخلاف‌گرانه است. آمدن آنها در شرایط فعلی در فدراسیون منجر به تقویت نظریات انحرافی خواهد شد و به تاثیر نقش منفی آنها و به تقویت آنها میدان بیش‌تری می‌دهد.

۲- تصمیم گرفته شد تا قبل از برگزاری کنگره فدراسیون آلمان مبارزه‌ای افشاء‌گرانه علیه "سازمان انقلابیون کمونیست" سازمان داده شود.

۳- علی‌رغم خواست و تمام اقدامات سازمان ما اگر "سازمان انقلابیون کمونیست" موفق به شرکت در کنگره شد سازمان ما مخالف شرکت آنها به اتفاق "سازمان انقلابی" در رهبری فدراسیون هست و هرگز اکثریت رهبری را به آنها نخواهد داد.

۴- ماده‌ای در کنگره در مورد مبانی وحدت گذرانده شود که همان منشور کنگره ۱۶ و مصوبات آن می‌باشد و برنامه کار فدراسیون بر این پایه است.

همه تصمیمات به اتفاق آراء تصویب شد.

گسترش سازمان دانشجویی در سطح اروپا به ویژه آلمان و استفاده از استعداد و نیروهای همه افراد و گسترش کار تبلیغاتی سازمان در رابطه با

"سازمان انقلابی" و "انقلابیون کمونیست" به اتفاق آراء تصویب شد."

سند شماره ۲۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (اسناد تلاش‌های توفان برای پاسداری از وحدت کنفدراسیون جهانی)

صفحه ۲۱۹ و ۲۲۰ صورتجلسات هیئت مرکزی

۲۱۹

۷۶/۳/۲۸ رفقا حاضر در جلسه فریبرز، خرشنه، پارسنگ، خراز، کارا

دستور جلسه

- ۱- گزارش جلسه شورای دفاعی سراسر کنفدراسیون آلمان در مورد نقطه نظر در سازمان ما و سازمان انقلابی
- ۲- تشکیل گنطه کنفدراسیون جهانی با همکاری سازمان انقلابی
- ۳- گزارش جلسه هیئت رسیدگی به کار در سازمان جلسه هیئت مرکزی
- ۴- بحثی در مورد "بیانیه اعلام مواضع اساتذگان سازمان" و بحثی در باره وحدت بین سازمان‌های مختلف

گزارش جلسه شورای دفاعی را رفیق فریبرز داد و نظر سازمان انقلابی را داد این مورد که نه ابر قدرت شود پس از حد تنگی بکشد بیان کرد. هدف سازمان انقلابی، گسترش و تحکیم مواضع سازمان انقلابی و تقدم بارزه علیه سازمان‌های لائیهی است و نه شافع عمومی جنبش دانشجویی.

پس از این‌ها از گفتگو به جز در سازمان انقلابی به تشکیل کنفدراسیون و هدف این سازمان از تشکیل کنفدراسیون، سازمان ما این نتیجه رسید که تشکیل کنفدراسیون تا است. پس از تائید اکثریت و خط و مشی آن بدست ما تعیین می‌شود و متفق می‌شود از این و تعیین اکثریت ما بسیار است بر ضرورت نسبت به تشکیل کنفدراسیون است. لایه قبل خدات سازمان انقلابی بنی بر تشکیل کنفدراسیون بوده که همین با اتفاق آراء

۲۳.

پس از بحث در مورد سازمان انقلابی و روش ما نسبت به آنها به این نتیجه رسیدیم که باید با سید کمر فرودانه سازمان انقلابی، با انحرافات آنها مبارزه برخاست. مبارزه با انحرافات سازمان انقلابی منافاتی با همکاری و سکوت در سطح دانشجویی ندارد.

بعضی مشخص اقدامات زیر باید با انجام برسد

۱- نوشتن مقاله اس در نشریه "بهرار و عدت اندیشه و عمل" در مورد برخورد ما به

سازمان انقلابی

۲- تکثیر مقالاتی در مورد استدلالات مشخص و تعریف سازمان انقلابی در مورد گذشته حزب توده و نوشتن مقالاتی در همین زمینه در نشریه داخلی

۳- تکثیر مقالات گذشته سازمان توفان در مورد حزب توده ایران در روزنامه

۴- تکثیر مقالات سازمان توفان در مورد گذشته سازمان انقلابی و تحسین آن

۵- جمع آوری اسناد در مورد سازمان انقلابی و فیانت کادرا، سران و تاریخچه سید این سازمان و گاه اردن آنها در اختیار رفقار سازمانی.

با اتفاق اکرار

سند شماره ۲۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (اسناد تلاش‌های توفان برای پاسداری از وحدت کنفدراسیون جهانی)

صفحه ۲۱۹ و ۲۲۰ صورتجلسات هیئت مرکزی

نقل از صورتجلسات صفحات ۲۱۹ و ۲۲۰

"۷۶/۳/۲۸ رفقای حاضر در جلسه فریرز، خرسند، هوشنگ، فرامرز، کامران

دستور جلسه:

۱- گزارش جلسه مشورتی دفاعی سراسری فدراسیون آلمان در هانور و نقطه نظرهای سازمان ما و سازمان انقلابی

۲- تشکیل کنگره کنفدراسیون جهانی با همکاری سازمان انقلابی

۳- گزارش جلسه هیات رسیدگی به کارهای جاری به جلسه هیات مرکزی

۴- بحثی در مورد "بیانیه اعلام مواضع ایدئولوژیک سازمان مجاهدین خلق" و بحث در باره وحدت پیشنهادی از طرف سازمان‌های مختلف. گزارش جلسه مشورتی دفاعی را رفیق فریرز داد و نظر سازمان انقلابی را در این مورد که به ابر قدرت شوروی بیش از حد تکیه می‌کند بیان کرد. هدف سازمان انقلابی، گسترش و تحکیم مواضع سازمان انقلابی و تقدم مبارزه علیه سازمان ما ارزیابی شد و نه منافع عمومی جنبش دانشجویی.

پس از ارزیابی از چگونگی برخورد سازمان انقلابی به تشکیل کنفدراسیون و هدف این سازمان از تشکیل کنفدراسیون، سازمان ما به این نتیجه رسید که تشکیل کنفدراسیون تا زمانی که اکثریت ما تامین نیست و خطمشی آن به وسیله ما تعیین نمی‌شود منتفی است. پس از تامین اکثریت ما می‌بایستی برخورد نسبت به تشکیل کنفدراسیون ارزیابی و تعیین شود. وظیفه مقدماتی ما در حال حاضر تقویت فدراسیون‌ها بوده که همین استدلال را در قبال خواست سازمان انقلابی مبنی بر تشکیل کنفدراسیون خواهیم داشت.

باتفاق آراء

پس از بحث در مورد سازمان انقلابی و روش ما نسبت به آنها به این نتیجه رسیدیم که باید با شیوه‌های مزورانه سازمان انقلابی، با انحرافات آنها به مبارزه برخاست. مبارزه با انحرافات سازمان انقلابی مغایرتی با همکاری دو سازمان در سطح دانشجویی ندارد.

به طور مشخص اقدامات زیر باید به انجام برسد.

۱- نوشتن مقاله‌ای در نشریه "برای وحدت اندیشه و عمل" در مورد برخورد به سازمان انقلابی

۲- تکثیر مقالاتی در مورد استدلالات مشخص و تحریفات سازمان انقلابی در مورد گذشته حزب توده و نوشتن مقالاتی در همین زمینه در نشریه داخلی

۳- تکثیر مقالات گذشته سازمان توفان در مورد حزب توده ایران در درون سازمان

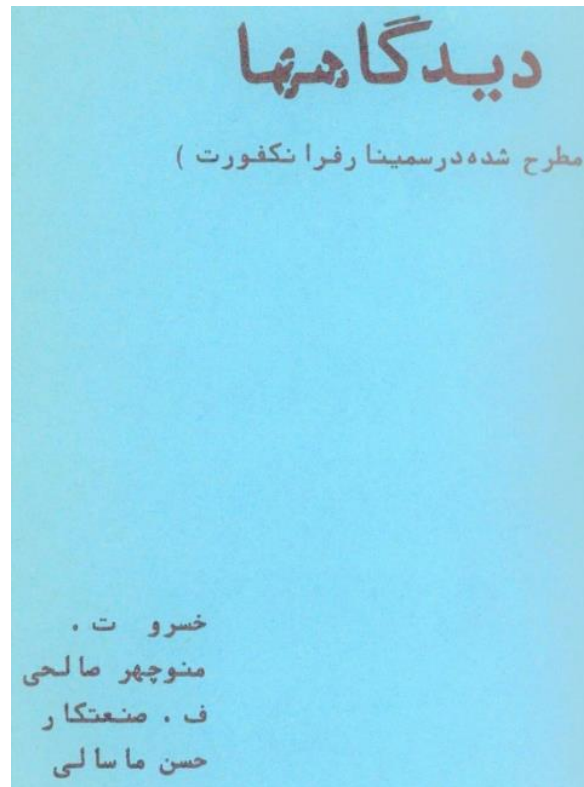
۴- تکثیر مقالات سازمان توفان در مورد گذشته سازمان انقلابی و پخش آن

۵- جمع‌آوری اسنادی در مورد سازمان انقلابی و خیانت کادرها، سران و تاریخچه پیدایش این سازمان و گذاردن آنها در اختیار رفقای سازمانی به اتفاق آراء"

سند شماره ۲۴ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (دلایل انشعاب در کنفدراسیون از نظر آقای افشین متین با ویراستاری رهبران جبهه ملی ایران)

چرا در کنفدراسیون انشعاب روی داد و متلاشی شد



چرا در کنفدراسیون انشعاب روی داد و متلاشی شد:

۱- با فروکش کردن مبارزات سیاسی در داخل کشور، رادیکالیسم در کنفدراسیون رشد کرد. و هرجریان سیاسی که در کنفدراسیون فعالیت می کرد راه و روش رادیکال را به رقابت برای نمایش قدرت گذاشته بود سعی می کرد که "ایدئولوژی" و "تئوری" گروه خود را در مصوبات کنگره غالب کند. در چنین حالتی، کنفدراسیون محتوای صنفی - دانشجویی و دمکراتیک خود را رفته رفته از دست داد و دانشجویان غیرسیاسی و یا غیرمتشکل در سازمانهای سیاسی، از کنفدراسیون کناره گیری کردند و کنفدراسیون میدان رقابتهای سیاسی، مشاجرات و نزاع های گروههای متعددی سیاسی شد که آنها، هرجرانی میخواست آنرا به "ابزاری" برای خواسته های گروهی خود درآورد. این روند منجر به تشنجاتی در سطح کنفدراسیون گردید که راه انشعابهای متعدد را هموار می کرد.

سند شماره ۲۴ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (دلایل انشعاب در کنفدراسیون از نظر آقای افشین متین با ویراستاری رهبران جبهه ملی ایران)

چرا در کنفدراسیون انشعاب روی داد و تلاشی شد

۲- پس از سرکوب جبهه ملی در ایران و فقدان "آلترناتیو سیاسی" در داخل جامعه، گروه‌های سیاسی متشکل در کنفدراسیون، آنرا بصورت یک جبهه^ل ائتلافی سیاسی رادیکال به عنوان آلترناتیو سیاسی در خارج از کشور درآوردند. درچنین روندی، کنفدراسیون درباره‌ی همه‌ی مسائل حاد سیاسی ایران و جهان اتخاذ موضع می‌کرد. و روابط خود را نه تنها با سازمان‌های دانشجویی جهان، بلکه با دولت‌ها، احزاب سیاسی، جنبش‌های آزادیبخش و شخصیت‌های سیاسی جهان گسترش داد. کادرهای حرفه‌ی سیاسی گروه‌های متعددی نیز، رهبری و اداره^ن امور کنفدراسیون را در اختیار داشتند. چنین روندی، از نظر روحی همه‌ی اعضاء گروه‌های سیاسی (با استثنای حزب توده) را ارضا می‌کرد.

نتیجه‌گیری: اوجگیری سیاسی کنفدراسیون، از یکطرف خصلت واقعی آنرا به عنوان یک تشکیلات دمکراتیک دانشجویی - صنفی از بین برده بود. و از طرف دیگر نمی‌توانست (قادر نبود) بخاطر فقدان جنبش سیاسی در داخل، محدود ماندن مبارزه در محیط خارج از کشور و همچنین بخاطر ترکیب نیروهای دربرگیرنده‌اش (دانشجو)، نقش خود را به عنوان یک جبهه^ن سیاسی آلترناتیو ایفا کند. چنین بن بست سیاسی، موجب بروز بحران و تشنج و نهایتاً موجب انشعاب‌های متعددی گردید.

همچنین، جدال‌های ایدئولوژیک گروه‌های سیاسی در داخل کنفدراسیون، خصلت "دمکراتیک" آنرا از این نهاد سلب کرده بود.

کنفدراسیون، با وجود تضادهای درونی اش وضع‌ها و کمبودهایش، یک جریان استثنائی در تاریخ جنبش دانشجویی ایران و جهان محسوب می‌گردد. کنفدراسیون نه تنها سهم بزرگی در سیاسی کردن و تشکل دادن دانشجویان ایرانی ایفا کرد، بلکه اثر تبلیغی مهمی در افشای رژیم فاسد و دیکتاتوری شاه، در داخل و خارج از کشور بجا گذاشت. تشکیل کنفدراسیون در شرایط تاریخی معینی صورت گرفت و تکرار آن در حال حاضر امکانپذیر نیست.

تشکیل سازمان‌های جبهه ملی ایران در اروپا و خاورمیانه:

* انگیزه‌ها و دلایل اساسی شکل‌گیری تشکیلات جبهه ملی ایران در خارج از کشور (بخش‌ها^ی

اروپا و خاورمیانه) را که از ابتدا در آن شرکت داشتم، می‌توان بشرح زیر توضیح داد:

۱- تجدید فعالیت جبهه ملی ایران بین سال‌های ۳۹ تا ۱۳۴۲، امیدواری جدیدی بین مردم^م

وروشنفکران خارج از کشور، به عنوان "آلترناتیو بدیل قدرت"، بوجود آورد. ^{خته}
 هواداران مصدق و جبهه ملی ایران، در شهرهای مختلف ضمن تماس با اشخاص و محافل شناخته شده سیاسی ملی در ایران و در خارج از کشور، درمدا ایجاد تشکلهای سیاسی بنام جبهه ملی برآمدند. بطوریکه درهرشهر "کمیتهی جبهه ملی ایران" تشکیل گردید و تاءسیس تشکیلات جبهه ملی ایران در اروپا، با مشارکت ۱۶ کمیته از سراسر اروپا، در (پیش) - کنگره سازمانهای جبهه ملی ایران در اروپا، در شهر اشتوتگارت (آلمان فدرال)، در تاریخ ۱۷ تا ۱۹ آذر ۱۳۴۰ (دسامبر ۱۹۶۱) اعلام گردید.

تشکیلات جبهه ملی ایران در آلمان فدرال و برلین غربی حتی به عنوان یک سازمان قانونی در دادگستری شهر کیل (شمال آلمان) به ثبت رسید.

هدف از ایجاد تشکیلات جبهه در خارج از کشور این بود که پشتیبانی و همبستگی خود را با مبارزات جبهه ملی در ایران ابراز دارد و رژیم کودتا، و علل استبداد و عقب ماندگی و... را در چارچوب قانون اساسی افشا کند.

۲- انگیزه دیگری شکل گیری تشکیلات جبهه ملی در اروپا این بود که به خان بازی رهبران خودگماردهایی نظیر خسرو قشقائی و سیف پور فاطمی که با کمک محمد عاصمی و عناصری از حزب توده، نشریهی باختر امروز را انتشار می دادند، خاتمه دهند، و رهبری و کار تشکیلاتی در ارتباط با تشکیلات ایران را جایگزین آن کنند. به این منظور، "اولین کنگرهی وسیع سازمانهای جبهه ملی ایران در اروپا" در مرداد ۱۳۴۱ (اوت ۶۲) در شهر ویسبادن (آلمان فدرال) برگزار گردید. در این کنگره آقایان خسرو قشقائی و ویروف سورسیف پور فاطمی نیز شرکت کردند. خسرو قشقائی که از ایجاد تشکیلات با رهبری دستجمعی و محدود شدن اختیاراتش ناراضی بود، کنگره ترک کرد و اعلامیه هائی نیز علیه کنگره و برگزار کنندگان آن صادر کرد، ولی بجائی نرسید. رهبران جبهه ملی در ایران از مصوبات کنگره پشتیبانی کردند.

۳- کوشش برای سازماندهی تشکیلات دانشجویی و نفوذ در آن (کنفدراسیون)، و همچنین رقابت با حزب توده ایران در خارج از کشور، عامل دیگری بود که هواداران و اعضای جبهه ملی را به داشتن تشکیلات مستقلی در خارج تشویق می کرد.

۴- مبارزات انقلابی جهان، خصوصاً در الجزایر و کوبا، تاءثیر زیادی بر روی هواداران جبهه ملی در خارج از کشور گذاشته بودند که: مبارزه بدون رهبری دستجمعی و بدون تشکیلات به نتیجه نمی رسد.

تفادها و مشکلات اساسی جبهه ملی ایران در خارج از کشور:

- رهبران سنتی جبهه ملی ایران که تحت عنوان یاران وفادار مصدق، پس از مدتها سکوت، فعالیت سیاسی خود را تجدید کرده بودند، عناصر خوشنام و رجال پاکدامنی در اجتماع بودند، ولی برنامه‌ی سیاسی میرم و درازمدتی برای ایجاد تحول اجتماعی در ایران، نداشتند. و از همه مهمتر، دارای ابتکار عمل و شهادت سیاسی برای استمرار بخشیدن مبارزه در شرایط بحرانی و سخت نبودند. این رهبران که پس از مدتها انقطاع مبارزه، سرازلاک خود بیرون آورده بودند، نمی دانستند که در برابر "رفورم ارضی" شاه چه سیاستی در پیش بگیرند. همچنین، در برابر ایدیکالیزم جریانهای ارتجاعی مذهبی، سیاست "کژدا رومریز" اتخاذ می کردند. نهایتا، در برابر زیادهای سیاسی ارتجاع داخلی و جهانی، و همچنین غافلگیر شدن در برابر شورش خود بخودی مردم در خرداد ۱۳۴۲؛ همچنین بعزت اختلافاتی که درباره‌ی شکل و محتوای سازماندهی جبهه ملی ایران با دکتر محمد مصدق پیدا کرده بودند، ماء یوس شده، با ردیگر میدان مبارزه را رها کرده، خانه نشین شدند.

با فروکش کردن مبارزات قانونی در ایران، سازمانهای جبهه ملی در خارج از کشور دچار بحران سیاسی و تشکیلاتی شدند.

- سازمانهای جبهه ملی ایران در خارج از کشور برای اینکه خودشان را از بحران مزبور نجات دهند، و اقول مبارزه در داخل کشور را جبران کنند، جناح چپ این جریان، با مطرح کردن تئوری ها و برنامه‌ی سیاسی و شیوه های سازماندهی چپ و انقلابی (کسه اکثریت قریب با اتفاق از آنها پشتیبانی می کردند)، خواستار تحقق انقلاب دمکراتیک ملی، از طریق مبارزه مسلحانه، و سازماندهی پیشاهنگ انقلابی (ایجاد جبهه یکپارچه، حزب طبقه کارگر و...) برای سرنگونی رژیم شاه شدند.

چنین گرایش و تحول کیفی که با الهام از جنبش های انقلابی جهان صورت گرفته بود موجب شد که مدتی شرایط بقا و استمرار فعالیت های خارج از کشور، بطور مستقل و بدون ارتباط ارگانیک با داخل ایران، فراهم گردند. و به این ترتیب، بسیاری از اعضا جبهه ملی در خارج از کشور از نظر روحی و "وجدان مبارزاتی" ارضا می شدند.

- مبارزه در محیط بسته و محدود اروپا و آمریکا، و در شرایط قانونی، ولی با ادعاهای انقلابی و با شعارهای براندازی از طریق مبارزه مسلحانه، پس از مدتی با تفادهای بیشماری روبرو شد.

- تشکیلات جبهه ملی در خارج از کشور که مثل سایر مدعیان چپ و انقلابی، عده‌ی کثیری

را تشویق به ترک تحصیل کرده بود تا بصورت کادرهای حرفه‌ای انقلابی برای براندازی رژیم شاه آماده شوند، و تشکیل سازمان انقلابی پیشاهنگ را تصویب کرده، در دستور کار قرار داده بود؛ و دارندگان سایر اندیشه‌ها را اخراج، منزوی و وادار به تمکین کرده بود، در خطر فروپاشی قرار گرفت. و برای خروج از این بحران، راه حل‌های مختلف ارائه می‌کردند: عده‌ای عقیده داشتند که کنفدراسیون وجبهه ملی در خارج از کشور مانع انجام فعالیتهای انقلابی آنها هستند و به "خرده کاری" مشغول شده اند، لذا پیشنهاد انحلال این شکل‌ها را می‌دادند تا فرصت کنند با ایجاد سازمان مارکسیست، مبارزاتی را حل کنند. چون اکثریت با این نظر مخالف بودند با تشکیل یک گروه مارکسیستی، از جبهه ملی اروپا کناره‌گیری کردند و فعالیت خود را در کنفدراسیون کاهش دادند، ولی تشکیل گروه مارکسیستی مشکل آنها را حل نکرد. عده‌ای نیز فعالیت سیاسی خود را محدود کرده تا با ادامه تحصیل و کسب و کار آنها لطمه‌ای وارد نشود.

عده‌ی محدودی نیز عقیده داشتند که جبهه ملی و کنفدراسیون مانع انجام عمل انقلابی نیستند، بلکه باید محیط مبارزه و امکانات فعالیت را تغییر داد. این عده با ایجاد یک گروه مارکسیستی، و با گسترش تشکیلات جبهه ملی ایران در خاور میا، بمنظور ایجاد ارتباط با هسته‌های مخفی انقلابی در داخل کشور، و سازماندهی مستقل در منطقه و داخل ایران، فعالیت جدیدی را در ارتباط و با همکاری جنبش انقلابی فلسطین و ظفار و... آغاز کردند.

به این ترتیب، هرجر یانی، جبهه ملی خارج از کشور را به سمت و سوئی می‌کشید. و جبهه ملی خاور میانه که عمدتاً توسط یک گروه مارکسیستی هدایت می‌شد، در اثر فعالیتهای در منطقه و همکاری با جنبش چریکی ایران، موجب شد که فعالیت‌های سیاسی در اروپا و آمریکا، و در سطح کنفدراسیون رم تازه‌یی بگیرند. پس از اختلاف نظر گروه اتحاد کمونیستی و جبهه ملی خاور میانه با سازمان چریک‌های فدائی خلق، و خروج اعفاء این گروه از جبهه ملی، تشکیلات جبهه ملی ایران در خارج از کشور، از استمرار فعالیت بازماند، و همه‌ی تشکیلات مختل گردید. (برای اطلاع بیشتر رجوع شود به جزوه‌ی "چه نباید کرد؟ نقدی برگزیده و رهنمودی برای آینده"، از انتشارات گروه اتحاد کمونیستی، بهمن ۱۳۵۶).

نتیجه گیری:

۱- جبهه ملی ایران (خارج از کشور) تشکیلاتی بود قانونی و پارلمانتاریست. ترکیب اعضا آن و خصلت نیروهایش، محتوای مبارزاتی آنرا تعیین می‌کردند. بنا براین، چنین جریان‌های بعلت تضادها و ضعف‌های درونی‌اش قادر نبود گامی فراتر از مبارزات قانونی و پارلمانتاریستی بردارد.

تلاش‌گرای‌های چپ‌درون جبهه ملی که آنرا تبدیل به یک تشکیلات مارکسیستی، یا "پیشاهنگ" بکنند، و همچنین کوشش آن‌ها که اراده‌گرایی انقلابی خود را به بدنه یک تشکیلات لیبرال و قانونی تحمیل کنند، اشتباه‌بزرگی بود.

جریان‌های چپ و انقلابی داخل جبهه، پس از اینکه تشخیص دادند جبهه ملی پاسخگوی همه خواسته‌های آن‌ها نیست، می‌بایستی صفوف خود را کاملاً جدا می‌کردند و درصداً ایجاد شکل مستقل خود برمی‌آمدند.

در شرایط دمکراتیک، یک جریان انقلابی و زیرزمینی می‌تواند از شیوه مبارزه قهرآمیز و زیرزمینی دست بردارد و شیوه مبارزه قانونی و علنی را انتخاب کند. ولی یک جریان لیبرال و پارلمانتاریست، نمیتواند خصائل خود را برای مبارزه حادث‌تری تغییر دهد و شیوه‌های مبارزه قهرآمیز و سازماندهی مخفی را انتخاب کند. خصوصاً در محیط محدود خارج از کشور و بدون ارتباط ارگانیک با جنبش عمومی مردم میهن خود.

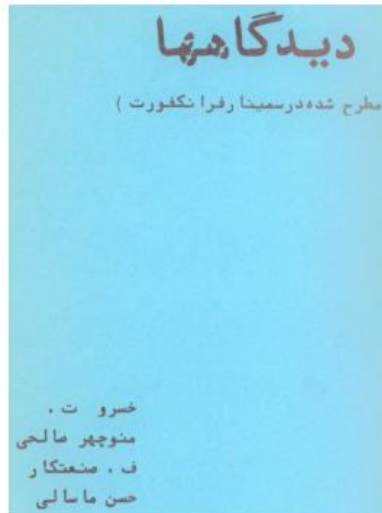
۲- جبهه ملی خارج از کشور، خصوصاً جناح چپ آن، نقش موثری در افشای سیاست‌ها و ماهیت حزب توده داشته‌اند. نظریات و عملکردهای این جناح از جبهه ملی، نقش موثری نیز در شکل‌گیری جریان فکری "چپ مستقل" در میان روشنفکران خارج از کشور، بین سال‌های ۶۰ تا ۹۷۶ داشته‌اند. بسیاری از روشنفکران مبارز خارج از کشور، این جریان سیاسی را به عنوان "بدیل فکری و مبارزاتی" در برابر جریان‌های چپ وابسته به چین، شوروی... انتخاب کرده بودند.

۳- جبهه ملی ایران در خارج از کشور، نقش تعیین‌کننده‌ی در تشکیل کنفدراسیون جهانی و رهبری مبارزات آن داشته‌است.

۴- جبهه ملی ایران در داخل و خارج از کشور، هم اکنون بعلت تجزیه و پراکندگی، انقطاع مبارزاتی، بی‌برنامه‌گی و بی‌عرضه‌گی بقایای رهبران سنتی آن، قادر نیست به بحران سیاسی کنونی ایران پاسخ درست بدهد و نمی‌تواند به عنوان "بدیل قدرت" مطلوب در ایران، نقشی ایفا کند.

سند شماره ۲۴ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (دلایل انشعاب در کنفدراسیون از نظر آقای افشین متین با ویراستاری رهبران جبهه ملی ایران)
چرا در کنفدراسیون انشعاب روی داد و متلاشی شد



"چرا در کنفدراسیون انشعاب روی داد و متلاشی شد:

۱- با فروکش کردن مبارزات سیاسی در داخل کشور، رادیکالیسم در کنفدراسیون رشد کرد. و هر جریان سیاسی که در کنفدراسیون فعالیت می‌کرد راه و روش رادیکال را به رقابت برای نمایش قدرت گذاشته بود و سعی می‌کرد که "ایدئولوژی" و "تئوری" گروه خود را در مصوبات کنگره غالب کند. در چنین حالتی، کنفدراسیون محتوای صنفی - دانشجویی و دموکراتیک خود را رفته رفته از دست داد و دانشجویان غیرسیاسی و یا غیر متشکل در سازمان‌های سیاسی، از کنفدراسیون کناره‌گیری کردند و کنفدراسیون میدان رقابت‌های سیاسی، مشاجرات و نزاع‌های گروه‌های متعدد سیاسی شد که ماهیتاً، هر جریانی می‌خواست آنرا به "ابزاری" برای خواست‌های گروهی خود درآورد. این روند منجر به تشنجاتی در سطح کنفدراسیون گردید که راه انشعاب‌های متعدد را هموار می‌کرد. "همه جا تکیه از توفان".

سند شماره ۲۴ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (دلایل انشعاب در کنفدراسیون از نظر آقای افشین متین با ویراستاری رهبران جبهه ملی ایران)

چرا در کنفدراسیون انشعاب روی داد و متلاشی شد

"۳- پس از سرکوب جبهه ملی در ایران و فقدان "آلترناتیو سیاسی" در داخل جامعه، گروه‌های سیاسی متشکل در کنفدراسیون، آن را به صورت یک جبهه‌ی ائتلافی سیاسی رادیکال به عنوان آلترناتیو سیاسی در خارج از کشور در آوردند. در چنین روندی، کنفدراسیون در باره‌ی همه‌ی مسائل حاد سیاسی ایران و جهان اتخاذ موضع می‌کرد و روابط خود را نه تنها با سازمان‌های دانشجویی جهان، بلکه با دولت‌ها، احزاب سیاسی، جنبش‌های آزادی‌بخش و شخصیت‌های سیاسی جهان گسترش داد. کادرهای حرفه‌ی سیاسی گروه‌های متعدد نیز، رهبری و اداره‌ی امور کنفدراسیون را در اختیار داشتند.

چنین روندی، از نظر روحی همه‌ی اعضای گروه‌های سیاسی (به استثنای حزب توده) را ارضا می‌کرد.

نتیجه‌گیری: اوج‌گیری سیاسی کنفدراسیون از یک طرف خصلت واقعی آن را به عنوان یک تشکیلات دموکراتیک دانشجویی - صنفی از بین برده بود. و از طرف دیگر نمی‌توانست (قادر نبود) به خاطر فقدان جنبش سیاسی در داخل، محدود ماندن مبارزه در محیط خارج از کشور و همچنین به خاطر ترکیب نیروهای در برگرفته‌اش (دانشجو) نقش خود را به عنوان یک جبهه سیاسی آلترناتیو ایفا کند. چنین بن‌بست سیاسی، موجب بروز بحران و تشنج و نهایتاً موجب انشعاب‌های متعدد در آن گردید.

همچنین، جدال‌های ایدئولوژیک گروه‌های سیاسی در داخل کنفدراسیون، خصلت "دمکراتیک" آن را از این نهاد سلب کرده بود.

کنفدراسیون، با وجود تضادهای درونی‌اش و ضعف‌ها و کمبودهایش، یک جریان استثنائی در تاریخ جنبش دانشجویی ایران و جهان محسوب می‌گردد، کنفدراسیون نه تنها سهم بزرگی در سیاسی کردن و تشکل دادن دانشجویان ایرانی ایفا کرد، بلکه اثر تبلیغی مهمی در افشای رژیم فاسد و دیکتاتوری شاه، در داخل و خارج از کشور به جا گذاشت.

تشکیل کنفدراسیون در شرایط تاریخی معینی صورت گرفت و تکرار آن در حال حاضر امکان پذیر نیست.

تشکیل سازمان‌های جبهه ملی ایران در اروپا و خاورمیانه:

انگیزه‌ها و دلایل اساسی شکل‌گیری تشکیلات جبهه ملی ایران در خارج از کشور (بخش‌های اروپا و خاورمیانه) را که از ابتدا در آن شرکت داشتیم، می‌توان به شرح زیر توضیح داد:

۱- تجدید فعالیت جبهه ملی ایران بین سال‌های ۳۹ تا ۱۳۴۲، امیدواری جدیدی بین مردم و روشنفکران خارج از کشور به عنوان (آلترناتیو بدیل قدرت"، به وجود آورد.

هواداران مصدق و جبهه ملی ایران، در شهرهای مختلف ضمن تماس با اشخاص و محافل شناخت شده‌ی سیاسی ملی در ایران و خارج از کشور، در صدد ایجاد تشکل‌های سیاسی به نام جبهه ملی بر آمدند. به طوری که در هر شهر "کمیته‌ی جبهه ملی ایران" تشکیل و تاسیس تشکیلات جبهه ملی ایران در اروپا، با مشارکت ۱۶ کمیته از سراسر اروپا، در (پیش) کنگره سازمان‌های جبهه ملی ایران در اروپا، در شهر اشتوتگارت (آلمان فدرال)، در تاریخ ۱۷ تا ۱۹ آذر ۱۳۴۰ (دسامبر ۱۹۶۱) اعلام گردید.

تشکیلات جبهه ملی ایران در آلمان فدرال و برلین غربی حتی به عنوان یک سازمان قانونی در دادگستری شهر کیل (شمال آلمان) به ثبت رسید.

هدف از ایجاد تشکیلات جبهه در خارج از کشور این بود که پشتیبانی و همبستگی خود را با مبارزات جبهه ملی در ایران ابراز دارد و رژیم کودتا، و علل استبداد و عقب ماندگی و... را در چارچوب قانون اساسی افشا کند.

۲- انگیزه‌ی دیگر شکل‌گیری تشکیلات جبهه ملی در اروپا این بود که به خان‌بازی رهبران خود گمارده‌ای نظیر خسرو قشقائی و سیف‌پور فاطمی که با کمک محمد عاصمی و عناصری از حزب توده، نشریه‌ی باختر امروز را انتشار می‌دادند، خاتمه دهند، و رهبری دستجمعی و کار تشکیلاتی در ارتباط با تشکیلات ایران را جایگزین آن کنند. به این منظور، "اولین کنگره‌ی وسیع سازمان‌های جبهه ملی ایران در اروپا" در مرداد ۱۳۴۱ (اوت ۶۲) در شهر ویسبادن (آلمان فدرال) برگزار گردید. در این کنگره آقایان خسرو قشقائی و پروفیسور سیف‌پور فاطمی نیز شرکت کردند. خسرو قشقائی که از ایجاد تشکیلات با رهبری دستجمعی و محدود شدن اختیاراتش ناراضی بود، کنگره را ترک کرد و اعلامیه‌هایی نیز علیه کنگره و برگزارکنندگان آن صادر کرد، ولی به جایی نرسید. رهبران جبهه ملی در ایران از مصوبات کنگره پشتیبانی کردند.

۳- کوشش برای سازماندهی تشکیلات دانشجویی و نفوذ در آن (کنفدراسیون)، و همچنین رقابت با حزب توده ایران در خارج از کشور، عامل دیگری بود که هوداران و اعضاء جبهه ملی را به داشتن تشکیلات مستقلی در خارج تشویق می‌کرد.

۴- مبارزات انقلابی جهان، خصوصا در الجزایر و کوبا، تاثیر زیادی بر روی هوداران جبهه ملی در خارج از کشور گذاشته بودند که مبارزه بدون رهبری دستجمعی و بدون تشکیلات به نتیجه نمی‌رسد."

سند شماره ۲۴ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم
مندرج در بخش: (دلایل انشعاب در کنفدراسیون از نظر آقای افشین متین با ویراستاری رهبران جبهه ملی ایران)
چرا در کنفدراسیون انشعاب روی داد و متلاشی شد

"تضادها و مشکلات اساسی جبهه ملی ایران در خارج از کشور:

- رهبران سنتی جبهه ملی ایران که تحت عنوان یاران وفادار مصدق، پس از مدت‌ها سکوت، فعالیت سیاسی خود را تجدید کرده بودند، عناصر خوشنام و رجال پاکدامنی در اجتماع بودند، ولی برنامه‌ی سیاسی مبهم و دراز مدتی برای ایجاد تحول اجتماعی در ایران، نداشتند. و از همه مهم‌تر، دارای ابتکار عمل و شهادت سیاسی برای استمرار بخشیدن مبارزه در شرایط بحرانی و سخت نبودند. این رهبران که پس از مدت‌ها انقطاع مبارزه، سر از لاک خود بیرون آورده بودند، نمی‌دانستند که در برابر "رفرم ارضی" شاه چه سیاستی در پیش بگیرند. همچنین در برابر رادیکالیزم جریان‌های ارتجاعی مذهبی، سیاست "کُردار و مرز" اتخاذ می‌کردند. نهایتاً، در برابر بازی‌های سیاسی ارتجاع داخلی و جهانی، و همچنین غافلگیر شدن در برابر شورش خودبخودی مردم در خرداد ۱۳۴۲، همچنین به علت اختلافاتی که در باره‌ی شکل و محتوای سازماندهی جبهه ملی ایران با دکتر محمد مصدق پیدا کرده بودند، مایوس شده، بار دیگر میدان مبارزه را رها کرده، خانه نشین شدند.

با فروکش کردن مبارزات قانونی در ایران، سازمان‌های جبهه ملی در خارج از کشور دچار بحران سیاسی و تشکیلاتی شدند.

- سازمان‌های جبهه ملی ایران در خارج از کشور برای اینکه خودشان را از بحران مزبور نجات دهند، و افول مبارزه در داخل کشور را جبران کنند، جناح چپ این جریان، با مطرح کردن تئوری‌ها و برنامه‌ی سیاسی و شیوه‌های سازماندهی چپ و انقلابی (که اکثریت قریب به اتفاق از آنها پشتیبانی می‌کردند)، خواستار تحقق انقلاب دموکراتیک ملی، از طریق مبارزه مسلحانه، و سازماندهی پیشاهنگ انقلابی (ایجاد جبهه یک‌پارچه، حزب طبقه کارگر و...) برای سرنگونی رژیم شاه شدند.^۱

چنین گرایش و تحول کیفی که با الهام از جنبش‌های انقلابی جهان صورت گرفته بود موجب شد که مدتی شرایط بقا و استمرار فعالیت‌های خارج از کشور، به طور مستقل و بدون ارتباط ارگانیک با داخل ایران، فراهم گردند. و به این ترتیب، بسیاری از اعضاء جبهه ملی در خارج از کشور از نظر روحی و "وجدان مبارزاتی" ارضا می‌شدند.

- مبارزه در محیط بسته و محدود اروپا و آمریکا، و در شرایط قانونی، ولی با ادعاهای انقلابی و با شعارهای براندازی از طریق مبارزه مسلحانه، پس از مدتی با تضادهای بی‌شماری روبرو شد.

- تشکیلات جبهه ملی در خارج از کشور که مثل سایر مدعیان چپ و انقلابی، عده‌ی کثیری را تشویق به ترک تحصیل کرده بود تا به صورت کادرهای حرفه‌ای انقلابی برای براندازی رژیم شاه آماده شوند، و تشکیل سازمان انقلابی پیش‌آهنگ را تصویب کرده، در دستور کار قرار داده بود، و دارندگان سایر اندیشه‌ها را اخراج، منزوی و وادار به تمکین کرده بود. در خطر فروپاشی قرار گرفت. و برای خروج از این بحران، راه حل‌های مختلف ارائه می‌کردند: عده‌ای عقیده داشتند که کنفدراسیون و جبهه ملی در خارج از کشور مانع انجام فعالیت‌های انقلابی آنها هستند و به "خرده کاری" مشغول شده‌اند، لذا پیشنهاد انحلال این تشکلهای را می‌دادند تا فرصت کنند با ایجاد سازمان مارکسیستی مشکلات مبارزاتی را حل کنند. چون اکثریت با این نظر مخالف بودند با تشکیل یک گروه مارکسیستی، از جبهه ملی اروپا کناره‌گیری کردند و فعالیت خود را در کنفدراسیون کاهش دادند، ولی تشکیل گروه مارکسیستی مشکل آنها را حل نکرد.

عده‌ای نیز فعالیت سیاسی خود را محدود کرده تا به ادامه تحصیل و کسب و کار آنها لطمه‌ای وارد نشود.

عده‌ی محدودی نیز عقیده داشتند که جبهه ملی و کنفدراسیون مانع انجام عمل انقلابی نیستند، بلکه باید محیط مبارزه و امکانات فعالیت را تغییر داد. این عده با ایجاد یک گروه مارکسیستی، و با گسترش تشکیلات جبهه ملی ایران و خاورمیانه به منظور ایجاد ارتباط با هسته‌های انقلابی

^۱ - این همان دوره‌ای است که جبهه ملی‌ها ادای مارکسیسم لنینیسم در می‌آوردند که امروز به آن به مصداق "کی بود کی بود من نبودم" برچسب "مانوئیسم" می‌زنند.

در داخل کشور، و سازماندهی مستقل در منطقه و داخل ایران، فعالیت جدیدی را در ارتباط و با همکاری جنبش انقلابی فلسطین و ظفار و... آغاز کردند.

- به این ترتیب، هر جریانی، جبهه ملی خارج از کشور را به سمت و سوئی می‌کشید. و جبهه ملی خاورمیانه که عمدتاً توسط یک گروه مارکسیستی هدایت می‌شد، در اثر فعالیت‌ها در منطقه و همکاری با جنبش چریکی ایران، موجب شد که فعالیت‌های سیاسی در اروپا و آمریکا، و در سطح کنفدراسیون رمق تازه‌ای بگیرند. پس از اختلاف نظر گروه اتحاد کمونیستی و جبهه ملی خاورمیانه با سازمان چریک‌های فدائی خلق، و خروج اعضا از این گروه از جبهه ملی، تشکیلات جبهه ملی ایران در خارج از کشور، از استمرار فعالیت بازماند، و همه‌ی تشکیلات مختل گردید. (برای اطلاع بیشتر رجوع شود به جزوه‌ی "چه نباید کرد" نقدی بر گذشته و رهنمودی برای آینده"، از انتشارات گروه اتحاد کمونیستی، بهمن ۱۳۵۶).

"نتیجه گیری:

۱- جبهه ملی ایران (خارج از کشور) تشکیلاتی بود قانونی و پارلمانتاریست. ترکیب اعضا آن و خصلت نیروهایش، محتوای مبارزاتی آنرا تعیین می‌کردند. بنابراین، چنین جریانی به علت تضادها و ضعف‌های درونی‌اش قادر نبود گامی فراتر از مبارزات قانونی و پارلمانتاریستی بردارد. تلاش گرایش‌های چپ درون جبهه ملی که آن را تبدیل به یک تشکیلات مارکسیستی، یا "پیشاهنگ" بکنند، و همچنین کوشش آنها که اراده‌گرایی انقلابی خود را به بدنه‌ی یک تشکیلات لیبرال و قانونی تحمیل کنند، اشتباه بزرگی بود.

جریان‌های چپ و انقلابی داخل جبهه، پس از این که تشخیص دادند جبهه ملی پاسخگوی همه‌ی خواست‌های آنها نیست، می‌بایستی صفوف خود را کاملاً جدا می‌کردند و در صدد ایجاد تشکل مستقل خود بر می‌آمدند.

در شرایط دمکراتیک، یک جریان انقلابی و زیرزمینی می‌تواند از شیوه‌ی مبارزه قهرآمیز و زیرزمینی دست بردارد و شیوه‌ی مبارزه قانونی و علنی را انتخاب کند. ولی یک جریان لیبرال و پارلمانتاریست، نمی‌تواند خصائل خود را برای مبارزه‌ی حادث‌تری تغییر دهد و شیوه‌های مبارزه‌ی قهرآمیز و سازماندهی مخفی را انتخاب کند. خصوصاً در محیط محدود خارج از کشور و بدون ارتباط ارگانیک با جنبش عمومی مردم میهن خود.

۲- جبهه ملی خارج از کشور، خصوصاً جناح چپ آن، نقش موثری در افشای سیاست‌ها و ماهیت حزب توده داشته‌اند. نظریات و عمل‌کردهای این جناح از جبهه ملی، نقش موثری نیز در شکل‌گیری جریان فکری "چپ مستقل" در میان روشنفکران مبارز خارج از کشور، بین سال‌های ۶۰ تا ۱۹۷۶ داشته‌اند. بسیاری از روشنفکران مبارز خارج از کشور، این جریان سیاسی را به عنوان "بدیل فکری و مبارزاتی" در برابر جریان‌های چپ وابسته به چین و شوروی... انتخاب کرده بودند.

۳- جبهه ملی ایران در خارج از کشور، نقش تعیین‌کننده‌ای در تشکیل کنفدراسیون جهانی و رهبری مبارزات آن داشته است.

۴- جبهه ملی ایران در داخل و خارج از کشور، هم اکنون به علت تجزیه و پراکندگی، انقطاع مبارزاتی، بی‌برنامه‌گی و بی‌عرضه‌گی بقایای رهبران سنتی آن، قادر نیست به بحران سیاسی کنونی ایران پاسخ درست بدهد و نمی‌تواند به عنوان "بدیل قدرت" مطلوب در ایران، نقشی ایفا کند.

سند شماره ۲۵ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (انطباق خواست‌های انشعابگران با خواست‌های حزب توده ایران)

عمل یک‌ساله معیاری برای قضاوت

ضمیمه مبارز شماره ۱۲

عمل یک‌ساله معیاری برای قضاوت

پس از یکسال "کار توانفرسا" اسال نیز چون سال گذشته کنگره هیچ‌هم "مرکزیت فرانکفورت" در شهر فرانکفورت برگزار میشود. برگزاری این کنگره سرپوشی بر ورشکستگی سیاسی جریان است که با نام و نشان کفدراسیون چون جاعلین دوره گرد، بر درهای اعتماد توده‌های دانشجویی میکوبد تا کمی دیگر به زندگی کوتاه سیاسی خود ادامه دهد. "مرکزیت فرانکفورت" مظهر تمام توانائی فکری و سیاسی، تجسم درک نازل و اناری این تجمع از جنبش دیمکراتیک، مبارزه ضد امپریالیستی، از دست آورد‌های درختان کفدراسیون جهانی است که ثمره کار و کوشش خستگی ناپذیر توده‌های دانشجویی است. اگر در پای صحبت آنها بنشینید آنها صمیمی ترین پاسدار دست‌آورد‌های جنبش دانشجویی اند و دیگران را به عادت همیشگی بر صندلی اتهام نشاند و مدعی میشوند که از مشق کفدراسیون بریده‌اند. بررسی کوتاهی از ترازنامه یکساله اعمال این "مرکزیت فرانکفورت" که هرچه از قدرت تعقل کم دارد در قدرت یازو زبان سرخس جبران گشته شایستگی آنها را در رهبری چنان جمعی با مواضع مغایر دست‌آورد‌های کفدراسیون جهانی اثبات میکند.

مجمعی که در فرانکفورت از تاریخ ۷ و ۸ نوامبر برگزار میشود باید باتفاق آراء گزارش و عملکرد این هیئت را به تصویب برساند، زیرا به بهترین نحوی رهنمود و نظریات آنها را به تحقق درآورده است. یکی از دست‌آورد‌های کفدراسیون جهانی مبارزه با دارودسته ضد خلقی "کمیته مرکزی" بود که سرانجام بر سر ماهیت آن و اعضا این دارودسته که آیا فرزندان خلق ایران اند یا خیر کار به جدائی کشید. "مرکزیت فرانکفورت" که جاده همکاری با آنها را هموار میکرد در سال گذشته ناچار شد برای سرپوش گذاری به مواضع واقعی خود قطعه‌نامه‌های توش و شیرینی بتصویب برساند که ضامن اجرایی نداشته و ندارد. اگر آنروز هشدار باشهای ما در نزد برخی از دانشجویان خواهان مبارزه ظنین نیفتد، امروز میتوانند برای العین مشاهده کنند که "مرکزیت فرانکفورت" به نشست و برخاست با دارودسته‌ای ضد خلقی مشغول است و بار دیگر آنها را مشمول عنايات و مراحم و اعتماد خود نگیرد. این دارودسته همانهایی هستند که خود روزی با تیمور بختیار نشست و برخاست میکردند و بحق مورد نفرت همگان قرار گرفتند. کار "کمیته مرکزی" برای تیمور بختیار اعتباری کسب نکرد و نمیتوانست هم کسب کند ولی سندی دیگر شد تا باز بتوان ماهیت آنها را افشا کرد. "مرکزیت فرانکفورت" نیز نمیتواند با هر منطقی که بید آن آید اعتباری برای این دارودسته کسب کند و توجیهی بر همکاری اخیر خود بترشد. آنها در ورق پاره جعلی خود که نام ارگان کفدراسیون را بر آن نهاده‌اند سیاه بر سفید مینویسند:

"هیئت دبیران کفدراسیون جهانی، پس از بررسی اسناد بدست آمده از آکسیون، اشغال مرکز اروپایی ساواک اطلاع یافت که سازمان امنیت توسط نفر اول یک شبکه به اصطلاح حزبی در گروهی که بنام "حزب توده" در ایران گرد هم آمده‌اند موفق به نفوذ شده است.

از جملہ اقداماتی که هیئت دبیران کفدراسیون در این زمینه بعمل آورد، اطلاع‌مستند این امر به "دارودسته کمیته مرکزی" بود. چه مسئله دارای اهمیتی غیر قابل انکار بود و نجات جان افرادی که تصمیم به مبارزه دارند در دستور کار قرار داشت و این هم بدین منظور از گرفتار شدن عناصری که در ارتباط با این گروه قرار گرفته و یا میگیرند جلوگیری شود."

شگفتا که این حضرات برای نجات جان مبارزین، دست‌بدامن گرگی میشوند که به اقرار خود آنها توبه اثنی‌مرگ است. این اعتراف جدید نشان میدهد که "مرکزیت فرانکفورت" تا چه حد دل به این امامزاده که معجزی از او بر نخواهد خواست بسته است. روشن است که پس از بدست آمدن سندی مبنی بر ساواکی بودن نفر اول یک شبکه وابسته به "کمیته مرکزی" اولین کسی که از آن با خبر گشته و در فکر چاره اندیشی بر آمده خود ساواک است و آخرین گروه همکاران سابق عباس‌شهریاری یعنی آقای رادمنش و سایر همپالگی‌های ایشان اند.

لذا نمیتوان تماس با "کمیته مرکزی" را به بهانه نجات جان افرادی که تصمیم به مبارزه داشته اند توجیه کرد. همانطور که واقعیت نیز صحت این عبارات را بوضوح به اثبات رسانید. اگر جان افرادی که مصمم به مبارزه بودند برای "مرکزیت فرانکفورت" در درجه اول اهمیت قرار داشت و نه تماس و همکاری با "کمیته مرکزی" آنگاه میبایست خود هر چه زودتر به انتشار اسناد صادرت میوزید، کاری که پس از ۴ ماه و انهم پس از اتهامهای متعدد "کمیته مرکزی" به آنها انجام گرفته است. حال به عبارات قطعنامه های شما باید اعتنا کرد و یا به عمل شما؟

شما به "کمیته مرکزی" حمله کرده اید که آنها فاقد "آلترناتیو انقلابی" و دارای "بیش سازشکارانه" بوده باین جهت "در میان اپوزیسیون مترقی ایران منفرد و مطرودند" حال آنکه قضاوت جنبش دانشجویی درباره این دارودسته بر اساس بیش سازشکارانه نیست زیرا چنین بیشی در بین شما نیز موجود است که ما به برخی مظاهر آن استناد خواهیم کرد. "کمیته مرکزی" از سیاست غارتگرانه ابر قدرت شوروی در ایران به دفاع برخاسته و تهاجم او را در عرصه جهانی تائید میکند. این دارودسته خائن، عامل ایرانی سیاست خارجی ابر قدرت شوروی در عرصه ایران است، بلندگوی مسکو و تابعی از این متغیر میباشد. نوکری است که قادر نیست با مغز خود بیندیشد و منافع خلق ایران را در پای مطامع و آرزوهای ابر قدرت شوروی قربانی میکند. این معیار اساسی قضاوت درباره ماهیت دارودسته کمیته مرکزی "و همه اعضا" این دارودسته است. شما روزی از اعضای این مجمع بنام فرزند خلق نام بردید او را به مثابه شهید در کنار فرزندان واقعی خلق قرار دادید و امروز تمام این مجموعه را تطهیر میکنید، امری که از هیچ دیده ی روشن بینی پنهان نبود. برهبری "مرکزیت فرانکفورت" در سپتامبر ۱۹۷۶ سمیناری در ایتالیا در شهر لیدو دل استنسی برگزار میشود. دو خواننده و دو نویسنده با قلم به جان کلفت بیچاره افتاده و تمام انحرافات فکری خود را در قالب دو مقاله سمینار به خیرود توده دانشجوی داده اند. محصول این سمینار دو جمع بندی است که هر دو بسا دست آورد های کنفدراسیون در تناقض کامل است. در جمع بندی از رساله اول نویسنده پس از قلمفرسائی های روشنفکرانه وظائف کنفدراسیون جهانی را بر میسرود. در این وظائف حائی برای افشاء دارودسته خائن "کمیته مرکزی" باقی نیست و وقتی از امپریالیسم خونخوار آمریکا سخن میگوید "فراموش" میکند که مقام درخور ابر قدرت شوروی را نیز بیان گرداند. آیا ابر قدرت شوروی در غارت خلق ایران سهمی ندارد؟ آیا این قدرت استعماری گاز ایران را بشمن بخشیده بغما نمیرد؟ آیا قرار داد اسارت بار ۱۵ ساله اقتصادی او بنفع خلق ایران است و آنطور که دارودسته "کمیته مرکزی" مدعی است در "تحکیم استقلال" ایران موثر میباشد؟ پس چرا به غارت امپریالیسم صحنه بگذاریم، مگر آنها بغیر از آن میگویند که ابر قدرت شوروی میگوید و آن میکنند که شوروی انجام میدهد.

شما در وظائف تدوین شده جائی برای دفاع از مبارزات مردم که برای سرنگونی رژیم مغفوری پهلوی و قطع نفوذ کامل کلیه امپریالیستهای رنگارنگ است باقی نگذاشته اید و تنها به ذکر دفاع از مبارزات و مبارزین انقلابی ایران و در سر لوحه آن از سازمانهای مسلح انقلابی ... به بسنده کرده اید. زیرا با درک نازل خود فکر میکنید مبارزات انقلابی تنها مبارزات چریکی است و به تمام مبارزین دیگر که به شیوه های گوناگونی متوسط میشوند توهین روا میدارید. ولی تمام این مقاله بلند و بالا و جمع بندی آن هیچ چیز دیگری جز پوشش برای استعمار و غارت شوروی در ایران نیست. نویسنده مقاله اول پس از اینکه جاده را هموار میکند، نگارنده مقاله دوم را به مصاف میفرستد و او بیگانه نسبت به جنبش دانشجویی و مبارزات خلق ایران، فاقد درک ابتدائی از مسائل جهانی، تمام هم و غم خود را مصروف آن میکند تا نظریات بغایت انحرافی خود را به توده ای که به فریبکاری آنها تن در داده است تزریق کند. نگارنده که بظاهر میخواهد انوریته خودش را بجای همه ی انوریته های قلابی کنونی بگذارد که خون سرخ شهیدان را وثیقه حفظ آبروی خود کرده بودند در واقع هدف

دیگری ندارد تا بوضوح از استعمار شوروی در ایران دفاع کند امریکه نگارنده قبلی زمینه آنرا فراهم کرده بود . در رساله فوق از کشور طی "سوسیالیستی شوروی و چین" سخن میروید و پیشنهاد به غارت خلق ایران صحت میگذارد "مرکزیت فرانکفورت" با کمال متانت به این رساله گوش فرامیدهد و خم به ابرو نیز نمیآورد و در ته دل خود - شحال است که سرانجام هواداران ابر قدرت روس نیز بمیدان آمده اند . جمعی که در آن هواداران ابر قدرت روس بسخن آیند ، کنفدراسیون جهانی نیست ، مناسبت از دوردست کمیته مرکزی است . شما زشتی دفاع از قدرتهای استعماری را رویدادهاید و امکان داده اید که تربیونهای شما به تربیون مدافعان ایمن قدرتها بدل شود . امروز مدافعین ابر قدرت غارتگر و متجاوز شوروی ، فردا هواداران امپریالیسم آمریکایی . شاید شما نیز زمینه تاسیس "جبهه واحد ضد دیکتاتوری" را فراهم میکنید . آیا دفاع از ابر قدرت شوروی و غارتگری او در جهان منغیر حتی آنچه که خود بظاهر تصویب کرده اید نیست ؟ آیا مگر شما صدها بار برای فریب افکار نمیگوئید که شوروی را هم در سطح جهانی و هم در ایران ضد انقلابی میدانید و فقط در افشا او گام برخواهید داشت و نه در دفاع از او ، چگونه است که در سخنارهای شما میتوانند افرادی پیدا شوند که از نیروهای ضد انقلابی در مقیاس ایران و جهان پشتیبانی نمایند و ماهیت آنان را درگون جلوه داده در کنار چین سرخ قرار دهند . آیا در این "مخالف بحث دموکراتیک" جایی برای هواداران امپریالیسم آمریکا نیز هست ؟ سپس نگارنده طبق معمول چاشنی "خط راست" را بمقاله اش زده است تا ماهیت تبلیغاتچی گری خود بشفاف گردد . در کنفدراسیون جهانی که به دست آورد های جنبش رجا - واثق دارد جایی نه برای "گویندگان رادیو تهران" است و نه برای رادیوی پیک شوروی و مهربه های ایند - فولویزیک آن . نگارنده مقاله مثل همه فرصت طلبان پرچم سرخ چریکی را بدست گرفته تا خنجر خویش را بر سر پیکر جنبش دانشجویی وارد کند ، به جامه "چپ" درمیآید و بقیه را به راست منتسب میکند . عده ای پیدا شده اند که به غارت منابع و ثروتهای طبیعی کشور ما توسط غارتگری جهانخوار یعنی ابر قدرت شوروی بدیده رضایت مینگرند و به مبلغ مطامع و آزمندیهای این قدرت جنک افروز بدل گشته اند ، آنگاه خائن که نیستند هیچ ، راست هم نیستند ولی مخالفین آنها خط راست اند زیرا حاضر نیستند ناظر بی طرف غارت ثروتهای طبیعی کشورشان باشند . شما بما نشان دهید که در سال گذشته حتی یکبار هم که شده به افشا ماهیت ضد خلقی ابر قدرت شوروی در سخنارها یا طول مقالاتی پرداخته اید مگر نه اینستکه ظاهرا باید ایمن قطعنامه را باحرا در میآوردید . عقب نشینی از قطعنامه کنگره ۱۶ در مورد شوروی این آخرین کنگره قانونی کنفدراسیون ، اولین گام برای در غلطیدن به سراشیب انحطاط بود . شما اگر صدها قطعنامه پر آب و تاب "علیه شوروی و "کمیته مرکزی" بگذرانید چون ضمانت اجرایی ندارد ، چون توده را بحول این وسایل قطعنامه ها بسیمج نکرده اید ، چون در این زمینه افشای گری نمیکنید به یک پایاسی نیز تمیاززد و هر دیده ی بینائی مینگرد که منظور از این قطعنامه های پر آب و تاب پوششی برای افشا ماهیت است .

برخورد "مرکزیت فرانکفورت" به نمایندگان امپریالیستهای دیگر نیز بهتر از این نیست . آنها در نامه سرگشاده خود به ژیمکار دستن نمایند و انحصارات فرانسه که نه سابقه مبارزات دموکراتیک دارد و نه در بیسن افکار عمومی جهره ی یک انسان ضد فاشیسم را بخود میگیرد در ۷/۶/۷۶ مینویسند : "ظاهرا ارزیابی ناسا درستی از منجش فاشیسم در ایران دارد و بدین جهت لازم ندیدید به اعتراض جهانی علیه احکام اعدام به پیوندید" . حضرت ژیمکار دستن که بعلمت عدم معرفت کافی به موج اعتراض جهانی علیه احکام اعدام نه پیوسته اند ، آماج بی مبری و انتقاد "مرکزیت فرانکفورت" گردیده و عکس العمل طبیعی طبقاتی ایشان تا سطح عدم معرفت کافی تنزل میکند . ولی همین آقای ژیمکار دستن که در ۷/۶/۷۶ فاقد معرفت کافی و متعدد ناپایدار "مرکزیت فرانکفورت" است در ۱۰/۱۱/۷۶ همدم و همدست رژیم فاشیستی شاه میشود و آنگاه

"مرکزیت فراموشکار فرانکفورت" آندنان بر او می‌نارزد که گوئی از روز ازل به ماهیت فاشیستی رژیم ایشان ایقان داشته و منتظر فرصت مناسبی برای افشا او بوده است. در اطلاعیه این "مرکزیت" که خطاب به (والدهایم، پاپ، والترشل، ویلی برانت، پاله و کرایسکی) هم می‌باشد می‌آید:

"رئیسکار دوستی که دوستی شخصی اش با رژیم فاشیستی شاه از مدتها قبل دیگر راز پنهانی نیست میبیند که وقت آن رسیده که به دوست خود خدمت خوبی بنماید. وزیر داخله ارتجاعی او پنیاتفسکی نیز در این امر درگسار او قرار دارد."

دوستی حضرت رئیس جمهور فرانسه با رژیم فاشیستی شاه که از مدتها قبل دیگر راز پنهانی نبوده حداقل تا تاریخ ۶/۷/۲۶ برای "مرکزیت فرانکفورت" پنهان مانده و معلوم نیست در عرض چهار ماه چگونه این "مرکزیت" ره صد ساله رفته است. حقیقت امر در این نهفته که برای "مرکزیت فرانکفورت" فرق نمیکند چگونه متحدی داشته باشد. این عده که با سیاست پراگماتیستی و سودجویانه خویش بهر دری میگویند، آنچه را که منافع روز اقتضا کند انجام میدهند، امروز توجیه رئیسکار دوستی، فردا حمله باو. "مرکزیت" نامبرده در نامه سرگشاه به والترشل صدراعظم آلمان فدرال مینویسد: "آقای رئیس جمهور ما علاقه کشور شما به نفت و بازارهای خویش را درک میکنیم. اما اگر این علاقه مجاز به رفتن تا به حدی باشد که ارگانهای امنیتی دست نشانده رژیم شونده که امروزه به ظهور بربریت و حماقت معروف است، مسلماً این امر مورد علاقه خلق آلمان نیست!"

برای جلب رضایت آقای والترشل که فشار خود را از "مرکزیت فرانکفورت" بر دارد حتی غارت امپریالیسم آلمان در زمینه نفت و کسب بازارهای فروش برای این مدعیان مبارزه علیه امپریالیسم قابل فهم میشود. آیا این است مفهوم مبارزه ضد امپریالیستی کنفدراسیون جهانی که شما خود را پاسدار آن جلوه میدهید؟! در زمینه کار دفاعی آنچه را که این "مرکزیت" بدان نمایند بشید تمرکز نیرو برای حمله همه جانبه به رژیم شاه و افشا او و اربابانش بود. مبارزه با رژیم در دست این عده وسیله ای گشته بود تا با جماعی اتهام مخالفین خود را از میدان بدرکنند و با تفکر خود پسندانه خویش انحصار مبارزه ضد رژیم را در دست ثبت و اسناد کشورهای امپریالیستی بنام خود مبرزنند. آکسیونهای اخیر این عده در دفاع از نادر اسکوف و رضا نکبری به وضوح روشن کرد که هدف نه دفاع از این دو تن، نه افشا، توطئه امپریالیسم فرانسه و رژیم شاه، بلکه مبارزه با پاسداران سنن انقلابی کنفدراسیون جهانی بوده است. اقدامات آنها نه تنها کوچکترین زمینه هم آهنگی مشترک که خواست بحق توده دانشجوی بود بوجود نیآورد، عملاً بصورت چشم و هم چشمی و رقابت کودکانهای کشیده شد که تنها از جنته عناصر غیر سیاسی، کودگانی که تازه به کتب سیاست راه یافته اند قابل انتظار است. جعل اخبار در مورد اعتصاب غذا در کشورهای گوناگون، اعتصاب تشسته در جلوی سفارتسهای فرانسه در اروپا! هتگی گواهی بر این بود که میخواهند آب رفته را بجوی باز گردانند ولی هر دیدی با بصیرتی بدانست که تمام این تلا شها سرپوشی بر روحیه فرقه گرایانه، شکست فزاینده سیاسی جمعی است که میخواهد با ریا و فریب به اغفال توده های دانشجویی که هنوز انتظار معجزه ای از آنان را دارد بپردازد. آنها از شرکت ۷۰ نفر در تظاهرات مرکزی فرانکفورت در دفاع از جنبش فلسطین سخنی نمیگویند و آنرا با اطلاع توده ها نمیرسانند تا روشن شود علل این شکست مفتضحانه که منجر به انصراف از انجام تظاهرات گردید چه بود. ولی آنچه را که نیست با بوق و کرنا در همه جا، جار میزنند. باشد تا سقاقت سیاسی که نبض زمان را نمی فهمد با تصادم به دیوار واقعیت خورد شود.

ولی این اندیشمندان بزرگ با روی کار آمدن جیمی کارتر در ایران باز بوی آشنائی به شامشان رسید و فوراً دست بکار میشوند. اعلامیه ای تحت عنوان "موشها از گشتی در حال غرق میگریزند" منتشر میکنند که دیگر اوج کیاست و فراست این جمع است. این اعلامیه ظهیری از تحریف تاریخ ایران، بی خبری محض کسانسی که نام "رهبر" بر خود نهاده اند، پر مدعائی روشن فکرانه و "دوربینی" کاسیکارانی است که بوی کاسبی

تازه بضامشان رسیده است . هسته اساسی تحلیل آنها این است که جیمی کارتر این جوان خوشرو ، نظم‌پر کنده روی کار آمده و با شاه که مظهر شقاوت و حماقت است مخالف می‌باشد و ترجیح می‌دهد یک حکومت دیگری که جبهه ای "دمکراتیک" در افکار عمومی داشته باشد بر سر کار آید و باین جهت هلمز را از کشتی ایران که در حال غرق است فرامیخواند تا آخرین پرده نمایش بپفند و با بمبند رسیدن جیمی کارتر در اول سال جدید اعلیحضرت زحمت را کم کنند و راهی برای عده ای آدمهای خسته و کوفته از مبارزه ، ناتوان از پیروی این راه دشوار بساز شود ، نفسی براحثی بکشند و راهی وطن شوند تا در "دمکراسی" بعد از کودتا به زندگی راحت و مرفه با وجدانی آسوده ادامه دهند .

از پخش این اعلا میه "مرکزیت فرانکفورت" به این عنوان که در آن اغلاط بزرگی به چشم میخورد خود داری شد ولی علت جلوگیری از پخش آن نه اغلاط بزرگ بلکه روکردن بموقع سیاست و تفکر معینی در جنبش دانشجویی بود . "مرکزیت فرانکفورت" بموقع بند را بآب داده و متوجه نبود برای آوردن چنین نظرات و پیاده کردن آن ابتدا باید افکار عمومی را به طرق دیگری آماده کرد و سپس به چنین اقدام جسورانه ای متوسل شد (همانگونه که خط مشی ارتجاعی در هامبورگ میکند) .

اما اغلاط مهم این اعلا میه چگونه اند و چطور باید آنرا تفسیر کرد . "مرکزیت" نامیده کشف کرده که حکومت ملی در اکثر مصدق توسط انتخابات آزاد بر سر کار آمده است . این کلمات معلوم میسازد که طرز انتخاب نخست وزیر در ایران برای این "رهبری" معلوم نیست و در اثر اقامت طویل المدت در خارج فکر میکند نخست وزیر ایران نیز مانند برخی کشورهای اروپائی مستقیماً انتخاب میشوند . اما کمبود معلومات نقض هست ولی نقض نیست که نتوان آنرا بر طرف کرد . کلمات فوقی اما واقعیت دیگری را در گون جلوه میدهند و آن اینکه گویا در دوران حکومت محمد رضا شاه امکان انتخابات آزاد موجود بوده و "دمکراسی" بر ایران حکومت میکرده است . این جز تطهیر محمد رضا شاه معنی دیگری ندارد و ناشی از کمبود معلومات هم نیست ، بلکه نشانه درک نازل از ماهیت رژیم شاه و تاریخچه تکامل این دستگاه میباشد . در این اعلا میه کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ به کودتای تیر ۳۳ بدل گشته و آقای هلمز در کنار شوارتسکف و آلن دالس (رئیس سابق سیا) قرار گرفته است . چون این "رهبران" فکر میکرده اند هلمز از روز ازل رئیس سیا بوده است .

شاهکارهای این "مرکزیت" بهمین جا خاتمه نمی پذیرد . کسانی که به مهر و تیترو و کافند چسبیده اند و همه چیز خوب را در گرو حفظ و حراست آن نهاده اند برای پاسداری از آن بهر اقدامی نیز متوسل میشوند کمرامعه به پلیس و دادگاه ، مقامات ارتجاعی دانشگاه تنها نمونه هائی از آنان است . با رهنمود این "مرکزیت" سنت دیگری در مبارزات کنفدراسیون شکسته شد . "پاسداران سنن" به سنت شکنان بدل شدند . بهرم آنها لازم مبارزه سیاسی حذف مخالفین است باید به پلیس مراجعه کرد به دادگاه رفت و از طریق فشار ارتجاع مخالفی را که قادر نیستیم در عرصه بحث دمکراتیک و منطقی از میدان بدر کنیم با تهدید پلیس به گریز واداریم . غافل از آنکه ، آنکس که از شقاوت شاه و بساواک وحشت ندارد از توسل به پلیس و دادگاه "مرکزیت فرانکفورت" نیز باکی بدل راه نخواهد داد . افتضاح کار آنها به آنجا میکشد که حتی مسئولین آستای گیسن (کمیسون مربوط به امور دانشجویان) آنها را از پناه بردن به دادگاه بر حذر میدارند و متقاعد میکنند که در مبارزه سیاسی نباید به این شیوه ها توسل جست . آنها که این بار قافیه را باخته اند در هنگام جشن مهرگان به مقامات دانشگاهی پناه میبرند که چه نشسته آید ، عده ای با نام سازمان دانشجویی به برگزاری جشنی مشغولند که به نفع رژیم محمد رضا شاه بوده و چون ممکن است در محفل آنها جاقوکی شود ما به شکایت آمده ایم تا اگر کار جشن آنها به افتضاح کشید بنام ما تعام نشود و میخواهند که از برگزاری جشن جلوگیری کنند . مقامات دانشگاهی که در انتظار چنین فرصتی بودند برخلاف انتظار این عناصر کوتاه بین و مغرض اظهار میدارند : "برای ما پول سالن مطرح است ، برگزار کننده میتواند طرفدار یا مخالف شاه باشد" و به

این ترتیب دومین سنت مبارزه ضد رژیم شکسته میشود و کار سازمان دانشجویی در شهر گیس با مشکل جدیدی روبروست و آن اینکه زمین پس مقامات دانشگاهی راه را برای دادن سالن به هواداران شاه نیز باز کرده اند و این دست آورد "مرکزیت فرانکفورت" است که میتواند بدان بیاید. اینان هنوز نمیفهمند که بفرض پشتیبانی پلیس فاشیستی آلمان تنها قادرند نامها را بنام خود به ثبت برسانند، آنگاه با افکار ما چه خواهند کرد. آیا برای آنها راهی جز قتل نفس باقی میماند؟ ما فکر نمیکنیم توده دانشجویی به این عناصر مغرض که نام "مرکزیت" بر خود نهاده اند اجازه دهد تا بدین حد نیز بروند.

نگاهی به این پراتیک در سال گذشته نشان میدهد که این "رهبری" با درک خود بهترین تیلورماهیست تجمع حاکم در فرانکفورت است و به بهترین وجهی توانسته سیاست حاکم را در تمام سطوح به تحقق درآورد و شایسته آن است که گزارش اقدامانی را که نکرده و بر کاغذ میآورد و اقدامانی را که کرده ولی از بیانش شرم دارد به اتفاق آراء بتصویب برساند. اختلافات غیر عمده از قبیل توسل به پلیس و التفات نسبت به رئیسکار نباید مانع از تصویب گزارش شود، چون بر سر مسئله اساسی ابر قدرت شوروی و دارودسته خائن "کمیته مرکزی" وظیفه خود را بتحواحسن انجام داده است. گرچه در مورد تبدیل جنبش دانشجویی بژانده جنبش چریکی مزورانه عقب گرد کرده و چنین وانمود میکند که از روز ازل آن را میگفته که امروز بر زبان میآورد. فدراسیون آلمان بر این نظر است تا زمانیکه چنین سیاست و سبک کاری بر این گروه حاکم است و حتی روزنه ای برای امید بوحثت موجود نیست. آن افرادی که به مضرات این سیاست ضد کنفدراسیونی واقف گشته اند باید به طور این نظریات بپردازند و راه وحدت جنبش دانشجویی را هموار سازند.

سند شماره ۲۵ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (پراتیک معیار شناخت حقیقت)

عمل یک‌ساله معیاری برای قضاوت

"ضمیمه مبارز شماره ۱۲"عمل یک‌ساله معیاری برای قضاوت

پس از یک سال "کار توانفرسا" امسال نیز چون سال گذشته کنگره هجدهم "مرکزیت فرانکفورت"^۱ در شهر فرانکفورت برگزار می‌شود. برگزاری این کنگره سرپوشی بر ورشکستگی سیاسی جریانی است که با نام و نشان کنفدراسیون چون جاعلین دورگرد، بر درهای اعتماد توده‌های دانشجویی می‌کوبد تا دمی دیگر به زندگی کوتاه سیاسی خود ادامه دهد. "مرکزیت فرانکفورت" مظهر تمام توانائی فکری و سیاسی، تجسم درک نازل و اداری این تجمع از جنبش دموکراتیک، مبارزه ضدامپریالیستی، از دست‌آوردهای درخشان کنفدراسیون جهانی است که ثمره کار و کوشش خستگی ناپذیر توده‌های دانشجویی است. اگر در پای صحبت آنها بنشینید، آنها صمیمی‌ترین پاسدار دست‌آوردهای جنبش دانشجویی‌اند و دیگران را به عادت همیشگی بر صندلی اتهام نشانده و مدعی می‌شوند که از مشی کنفدراسیون بریده‌اند. بررسی کوتاهی از ترازنامه یک ساله اعمال این "مرکزیت فرانکفورت" که هر چه از قدرت تعقل کم دارد در قدرت بازو و زبان سرخش جبران گشته شایستگی آنها را در رهبری چنان تجمعی با مواضع مغایر دست‌آوردهای کنفدراسیون جهانی اثبات می‌کند.

مجمعی که در فرانکفورت از تاریخ ۴ ژانویه برگزار می‌شود باید به اتفاق آراء گزارش و عمل‌کرد این هیئت را به تصویب برساند، زیرا به بهترین نحوی رهنمود و نظریات آنها را به تحقق در آورده است. یکی از دست‌آوردهای کنفدراسیون جهانی مبارزه با دارودسته ضدخلقی "کمیته مرکزی" بود که سرانجام برسر ماهیت آن و اعضای این دارودسته که آیا فرزندان خلق ایران‌اند یا خیر کار به جدائی کشید. "مرکزیت فرانکفورت" که جاده همکاری با آنها را هموار می‌کرد در سال گذشته ناچار شد برای سرپوش‌گذاری به مواضع واقعی خود قطعنامه‌های ترش و شیرینی به تصویب برساند که ضامن اجرائی نداشته و ندارد. اگر آنروز هشدارباش‌های ما در نزد برخی از دانشجویان خواهان مبارزه طنین نیفتند، امروز می‌توانند به رای‌العین مشاهده کنند که "مرکزیت فرانکفورت" به نشست و برخاست با دارودسته‌ای ضدخلقی مشغول است و بار دیگر آنها را مشمول عنایات و مراجع اعتماد خود می‌گرداند. این دارودسته همان‌هائی هستند که خود روزی با تیمور بختیار نشست و برخاست می‌کردند و به حق مورد نفرت همگان قرار گرفتند. کار "کمیته مرکزی" برای تیمور بختیار اعتباری کسب نکرد و نمی‌توانست هم کسب کند ولی سندی دیگر شد تا باز بتوان ماهیت آنها را افشاء کرد. "مرکزیت فرانکفورت" نیز نمی‌تواند با هر منطقی که به میدان آید اعتباری برای این دارودسته کسب کند و توجیهی برهمکاری اخیر خود بتراشد. آنها در ورق پاره جعلی خود که نام ارگان کنفدراسیون را بر آن نهادند سیاه بر سفید می‌نویسند:

"هیئت دبیران کنفدراسیون جهانی، پس از بررسی اسناد به دست آمده از آکسیون، اشغال مرکز اروپائی ساواک اطلاع یافت که سازمان امنیت توسط نفر اول یک شبکه به اصطلاح حزبی در گروهی به نام "حزب توده" در ایران گرد هم آمده‌اند موفق به نفوذ شده است. از جمله اقداماتی که هیئت دبیران کنفدراسیون در این زمینه به عمل آورد، اطلاع مستند این امر به "دارودسته کمیته مرکزی" بود. چه، مسئله دارای اهمیتی غیر قابل انکار بود و نجات جان افرادی که تصمیم به مبارزه دارند در دستور کار قرار داشت و این هم بدین منظور... از گرفتار شدن عناصری که در ارتباط با این گروه قرار گرفته و یا می‌گیرند جلوگیری شود".

شگفتا! که این حضرات برای نجات جان مبارزین، دست به دامن گرگی می‌شوند که به اقرار خود آنها توبه‌اش مرگ است. این اعتراف جدید نشان می‌دهد که "مرکزیت فرانکفورت" تا چه حد دل به این امامزاده که معجزه‌ای از او برنخواهد خواست بسته است. روشن است که پس از به دست آمدن سندی مبنی بر ساواکی بودن نفر اول یک شبکه وابسته به "کمیته مرکزی" اولین کسی که از آن با خبر گشته و در فکر چاره‌اندیشی برآمده خود ساواک است و آخرین گروه همکاران سابق عباس شهریاری یعنی آقای رادمش^۲ و سایر همپالگی‌های ایشان‌اند. لذا نمی‌توان تماس با "کمیته مرکزی" را به بهانه نجات جان افرادی که تصمیم به مبارزه داشته‌اند توجیه کرد. همان‌طور که واقعیت نیز صحت این عبارات را به وضوح

^۱ - منظور از مرکزیت فرانکفورت همان جبهه ملی ایران است که کنفدراسیون جهانی را متعلق به خود می‌داند ولی اکثر نیروهای انقلابی آنها را مرکزیت فرانکفورت می‌دانند که از منافع ابرقدرت شوروی، دارودسته کمیته مرکزی و تبدیل کنفدراسیون به پشت جبهه مبارزه مسلحانه چریکی حمایت می‌کند.

^۲ - در آن زمان پرونده دکتر رضا رادمش دبیرکل حزب توده ایران در تماس با عباس شهریاری و تیمور بختیار در عراق برملا شده بود که منجر به برکناری ایشان از دبیرکلی حزب توده ایران گردید و راه را برای روی کار آمدن نورالدین کیانوری هموار کرد.

به اثبات رسانید. اگر جان افرادی که مصمم به مبارزه بودند برای "مرکزیت فرانکفورت" در درجه اول اهمیت قرار داشت و نه تماس و همکاری با "کمیته مرکزی" آنگاه می‌بایست خود هر چه زودتر به انتشار اسناد مباردت می‌ورزید، کاری که پس از ۴ ماه و آنهم پس از اتهام‌های متعدد "کمیته مرکزی" به آنها، انجام گرفته است. حال به عبارات قطعنامه‌های شما باید اعتماد کرد و یا به عمل شما؟

شما به "کمیته مرکزی" حمله کرده‌اید که آنها فاقد "آلترناتیو انقلابی" و دارای "بیش سازشکارانه" بوده به این جهت "در میان اپوزیسیون مترقی ایران منفرد و مطروند" حال آنکه قضاوت جنبش دانشجویی در باره این دارودسته براساس بیش سازشکارانه نیست زیرا چنین بینشی در بین شما نیز موجود است که ما به برخی مظاهر آن استناد خواهیم کرد. "کمیته مرکزی" از سیاست غارت‌گرانه ابرقدرت شوروی در ایران به دفاع برخاسته و تهاجم او را در عرصه جهانی تأیید می‌کند. این دارودسته خائن، عامل ایرانی سیاست خارجی ابرقدرت شوروی در عرصه ایران است، بلندگوی مسکو و تابعی از این متغیر می‌باشد. نوکری است که قادر نیست با مغز خود بیندیشد و منافع خلق ایران را در پای مطامع و آزمندی‌های ابرقدرت شوروی قربانی می‌کند. این معیار اساسی قضاوت در باره ماهیت دارودسته "کمیته مرکزی" و همه اعضای این دارودسته است. شما روزی از اعضای این مجمع به نام فرزندخلق نام بردید او را به مثابه شهید در کنار فرزندان واقعی خلق قرار دادید و امروز تمام این مجموعه را تطهیر می‌کنید، امری که از هیچ دیده‌ی روشن‌بینی پنهان نبود.

به رهبری "مرکزیت فرانکفورت" در سپتامبر ۱۹۷۶ سمیناری در ایتالیا در شهر لیودل استنی برگزار می‌شود. دو خواننده و دو نویسنده با قلم به جان کاغذ بی‌چاره افتاده و تمام انحرافات فکری خود را در قالب دو مقاله سمینار به خورد توده دانشجویان دادند. محصول این سمینار دو جمع‌بندی است که هر دو با دست‌آوردهای کنفدراسیون در تناقض کامل است. در جمع‌بندی از رساله اول نویسنده پس از قلم‌فرسائی‌های روشنفرانه وظایف کنفدراسیون جهانی را برمی‌شمرد. در این وظایف جایی برای افشاء دارودسته خائن "کمیته مرکزی" باقی نیست و وقتی از امپریالیسم خونخوار آمریکا سخن می‌گوید "فراموش" می‌کند که مقام در خور ابرقدرت شوروی را نیز بیان گرداند. آیا ابرقدرت شوروی در غارت خلق ایران سهمی ندارد؟ آیا این قدرت استعماری گاز ایران را به ثمن بخش به یغما نمی‌برد؟ آیا قرارداد اسارت بار ۱۵ ساله اقتصادی او به نفع خلق ایران است و آن‌طور که دارودسته "کمیته مرکزی" مدعی است در "تحکیم استقلال" ایران موثر می‌باشد؟ پس چرا به غارت امپریالیسم صحنه نمی‌گذاریم، مگر آنها به غیر از آن می‌گویند که ابرقدرت شوروی می‌گوید و آن می‌کنند که شوروی انجام می‌دهد.

شما در وظایف تدوین شده جایی برای دفاع از مبارزات مردم که برای سرنگونی رژیم منفور پهلوی و قطع نفوذ کامل کلیه امپریالیست‌های رنگارنگ است باقی نگذارده‌اید و تنها به ذکر دفاع از مبارزات و مبارزین انقلابی ایران و در سرلوحه آن از سازمان‌های مسلح انقلابی... بسنده کرده‌اید. زیرا با درک نازل خود فکر می‌کنید مبارزات انقلابی تنها مبارزات چریکی است و به تمام مبارزین دیگر که به شیوه‌های گوناگونی متوسل می‌شوند توهین روا می‌دارید. ولی تمام این مقاله بلند و بالا و جمع‌بندی آن هیچ چیز دیگری جز پوشش برای استعمار و غارت شوروی در ایران نیست. نویسنده مقاله اول پس از این که جاده را هموار می‌کند، نگارنده مقاله دوم را به مضاف می‌فرستد و او بیگانه نسبت به جنبش دانشجویی و به مبارزات خلق ایران، فاقد درک ابتدائی از مسائل جهانی، تمام هم و غم خود را مصروف آن می‌کند تا نظریات به غایت انحرافی خود را به توده‌ای که به فریکاری آنها تن در داده است تزریق کند. نگارنده که به ظاهر می‌خواهد اتوریته خودش را به جای همه‌ی اتوریته‌های قلابی کنونی بگذارد که خون سرخ شهیدان را وثیقه حفظ آبروی خود کرده بودند در واقع هدف دیگری ندارد تا به وضوح از استعمار شوروی در ایران دفاع کند، امری که نگارنده قبلی زمینه آنرا فراهم کرده بود. در رساله فوق از کشورهای "سوسیالیستی شوروی و چین" سخن می‌رود و بی‌شمارانه به غارت خلق ایران صحنه می‌گذارد. "مرکزیت فرانکفورت" با کمال متانت به این رساله گوش فرامی‌دهد و خم به ابرو نیز نمی‌آورد و در ته دل خوشحال است که سرانجام هواداران ابرقدرت روس نیز به میدان آمده‌اند. تجمعی که در آن هواداران ابرقدرت روس به سخن آیند، کنفدراسیون جهانی نیست، متاثر از دارودسته کمیته مرکزی است. شما زشتی دفاع از قدرت‌های استعماری را رویداده‌اید و امکان داده‌اید که تربیون‌های شما به تربیون مدافعان این قدرت‌ها بدل شود. امروز مدافعین ابرقدرت غارت‌گر و متجاوز شوروی، فردا هواداران امپریالیسم آمریکا. شاید شما نیز زمینه تاسیس "جبهه واحد ضدیکتاتوری" را فراهم می‌کنید. آیا دفاع از ابرقدرت شوروی و غارت‌گری او در جهان مغایر حتی آنچه که خود در ظاهر تصویب کرده‌اید نیست؟ آیا مگر شما صدها بار برای فریب افکار نمی‌گوئید که شوروی را هم در سطح جهانی و هم در ایران ضدانقلابی می‌دانید و فقط در افشاء او گام برخواهید داشت و نه در دفاع از او، چگونه است که در سمینارهای شما می‌توانند افرادی پیدا شوند که از نیروهای ضدانقلابی در مقیاس ایران و جهان پشتیبانی نمایند و ماهیت آنان را دگرگون جلوه داده در کنار چین سرخ قرار دهند. آیا در این "محافل بحث دموکراتیک"، جایی برای هواداران امپریالیسم آمریکا نیز هست؟ سپس نگارنده طبق معمول چاشنی "خط راست" را به مقاله‌اش زده است تا ماهیت تبلیغاتی‌گری خود به نفع یک قدرت استعماری را بپوشاند. در کنفدراسیون جهانی که به دست‌آوردهای جنبش رجاء واقع دارد جایی نه برای "گویندگان رادیو تهران" است و نه برای رادیوی پیک شوروی و مهره‌های ایدئولوژیک آن. نگارنده‌ی مقاله مثل همه فرصت‌طلبان پرچم سرخ چریکی را به دست گرفته تا خنجر خویش را بر پیکر جنبش دانشجویی وارد کند، به جامه "چپ" درمی‌آید و بقیه را به راست منتسب می‌کند. عده‌ای پیدا شده‌اند که به غارت منابع و

ثروت‌های طبیعی کشور ما توسط غارت‌گری جهان‌خوار یعنی ابرقدرت شوروی به دیده رضایت می‌نگرند و به مبلغ مطامع و آزمندی‌های این قدرت جنگ افروز بدل گشته‌اند، آنگاه خائن که نیستند هیچ، راست هم نیستند ولی مخالفین آنها خط راست‌اند زیرا حاضر نیستند ناظر بی‌طرف غارت ثروت‌های طبیعی کشورشان باشند. شما به ما نشان دهید که در سال گذشته حتی یک بار هم که شده با افشاء ماهیت ضدخلق ابرقدرت شوروی در سمینارها یا طول مقالاتی پرداخته‌اید مگر نه اینست که ظاهراً باید این قطعنامه را به اجراء درمی‌آوردید. عقب‌نشینی از قطعنامه کنگره ۱۶ در مورد شوروی این آخرین کنگره قانونی کنفدراسیون، اولین گام برای درغلطیدن به سرایش انحطاط بود. شما اگر صدها قطعنامه پر آب و تاب "علیه" شوروی و "کمیته مرکزی" بگذرانید چون ضمانت اجرائی ندارد، چون توده را به حول این و سایر قطعنامه‌ها بسج نکرده‌اید، چون در این زمینه افشاء‌گری نمی‌کنید به یک پاپاسی نیز نمی‌آرزد و هر دیده‌ی بینائی می‌نگرد که منظور از این قطعنامه‌های پر آب و تاب پوششی برای افشاء ماهیت است.

برخورد "مرکزیت فرانکفورت" به نمایندگان امپریالیست‌های دیگر نیز بهتر از این نیست. آنها در نامه سرگشاده خود به ژیسکاردستن نمایندۀ انحصارات فرانسه که نه سابقه مبارزات دمکراتیک دارد و نه در بین افکار عمومی چهره‌ی یک انسان ضدفاشیسم را به خود می‌گیرد در ۷۶/۷/۶ می‌نویسند:

"ظاهراً ارزیابی نادرستی از ستجش فاشیسم در ایران دارید و بدین جهت لازم ندیدید به اعتراض جهانی علیه احکام اعدام پیوندید."

حضرت ژیسکاردستن که به علت عدم معرفت کافی به موج اعتراض جهانی علیه احکام اعدام نیبوسته‌اند، آماج بی‌مهری و انتقاد "مرکزیت فرانکفورت" گردیده و عکس‌العمل طبیعی طبقاتی ایشان تا سطح عدم معرفت کافی تنزل می‌کند. ولی همین آقای ژیسکاردستن که در ۷۶/۷/۶ فاقد معرفت کافی و متحد ناپایدار "مرکزیت فرانکفورت" است در ۷۶/۱۱/۱۰ همدم و همدست رژیم فاشیستی شاه می‌شود و آنگاه "مرکزیت فراموشکار فرانکفورت" آن چنان بر او می‌تازد که گوئی از روز ازل به ماهیت فاشیستی رژیم ایشان ایقان داشته و منتظر فرصت مناسبی برای افشاء او بوده است. در اطلاعیه این "مرکزیت" که خطاب به (والداهیم، پاپ، والتر شل، ویلی برانت، پالمه و کرایسکی)^۲ هم می‌باشد می‌آید:

"ژیسکاردستن که دوستی شخصی‌اش با رژیم فاشیستی شاه از مدت‌ها قبل دیگر راز پنهانی نیست می‌بیند که وقت آن رسیده که به دوست خود خدمت خوبی بنماید. وزیر داخله ارتجاعی او پنیاتفسکی نیز در این امر در کنار او قرار دارد."

دوستی حضرت رئیس جمهور فرانسه با رژیم فاشیستی شاه که از مدت‌ها قبل دیگر راز پنهانی نبوده حداقل تا تاریخ ۷۶/۷/۶ برای "مرکزیت فرانکفورت" پنهان مانده و معلوم نیست در عرض چهار ماه چگونه این "مرکزیت" راه صدساله رفته است. حقیقت امر در این نهفته که برای "مرکزیت فرانکفورت" فرق نمی‌کند چگونه متحدی داشته باشد. این عده که با سیاست پراگماتیستی و سودجویانه خویش به هر دری می‌گویند، آنچه را که منافع روز اقتضاء کند انجام می‌دهند، امروز توجیه ژیسکاردستن، فردا حمله به او. "مرکزیت" نامبرده در نامه سرگشاده به والتر شل صدراعظم آلمان فدرال می‌نویسد:

"آقای رئیس جمهور ما علاقه کشور شما به نفت و بازارهای خویش را درک می‌کنیم. اما اگر این علاقه مجاز به رفتن تا به حدی باشد که ارگان‌های امنیتی دست نشانده رژیم‌ی شوند که امروز به مظهر بربریت و حماقت معروف است، مسلماً این امر مورد علاقه خلق آلمان نیست!"

برای جلب رضایت آقای والتر شل که فشار خود را از "مرکزیت فرانکفورت" بردارد حتی غارت امپریالیسم آلمان در زمینه نفت و کسب بازارهای فروش برای این مدعیان مبارزه علیه امپریالیسم قابل فهم می‌شود. آیا این است مفهوم مبارزه ضدامپریالیستی کنفدراسیون جهانی که شما خود را پاسداران آن جلوه می‌دهید؟

در زمینه کار دفاعی آنچه را که این "مرکزیت" بدان نمی‌اندیشید تمرکز نیرو برای حمله همه‌جانبه به رژیم شاه و افشاء او و اربابانش بود. مبارزه با رژیم در دست این عده وسیله‌ای گشته بود تا با چماق اتهام مخالفین خود را از میدان به درکنند و با تفکر خودپسندانه خویش انحصار مبارزه ضد رژیم را در دفتر ثبت و اسناد کشورهای امپریالیستی به نام خود مهر زنند. آکسیون‌های اخیر این عده در دفاع از نادر اسکوئی و رضا

^۲ - دبیرکل سازمان ملل متحد، پاپ رهبر مسیحیان کاتولیک جهان، وزیر خارجه آلمان، صدراعظم آلمان، نخست وزیر سوئد، رئیس جمهور اتریش.

تکبیری^۴ به وضوح روشن کرد که هدف نه دفاع از این دو تن، نه افشاء توطئه امپریالیسم فرانسه و رژیم شاه، بلکه مبارزه با پاسداران سنن انقلابی کنفدراسیون جهانی بوده است. اقدامات آنها نه تنها کوچک‌ترین زمینه هم‌آهنگی مشترک که خواست به حق توده دانشجوی بود به وجود نیآورد، عملاً به صورت چشم و هم‌چشمی و رقابت کودکانه‌ای کشیده شد که تنها از چننه عناصر غیرسیاسی، کودکانی که تازه به مکتب سیاست راه یافته‌اند قابل انتظار است. جعل اخبار در مورد اعتصاب غذا در کشورهای گوناگون، اعتصاب نشسته در جلوی سفارت‌های فرانسه در اروپا! همگی گواهی بر این بود که می‌خواهند آب رفته را به جوی بازگردانند ولی هر دیده‌ی با بصیرتی می‌دانست که تمام این تلاش‌ها سرپوشی بر روحیه فرقه‌گرایانه، شکست فزاینده سیاست‌های سیاسی جمعی است که می‌خواهد با ریا و فریب به اغفال توده‌های دانشجویی که هنوز انتظار معجزه‌ای از آنان را دارد بپردازد. آنها از شرکت ۷۰ نفر در تظاهرات مرکزی فرانکفورت در دفاع از جنبش فلسطین سخنی نمی‌گویند و آن را به اطلاع توده‌ها نمی‌رسانند تا روشن شود علل این شکست مفتضحانه که منجر به انصراف از انجام تظاهرات گردید چه بود. ولی آنچه را که نیست با بوق و کرنا در همه جا، جار می‌زنند. باشد تا سفاهت سیاسی که نبض زمان را نمی‌فهمد با تصادم به دیوار واقعیت خورد شود.

ولی این اندیش‌مندان بزرگ با روی کار آمدن جیمی کارتر در ایران باز بوی آشنائی به مشامشان رسید و فوراً دست بکار می‌شوند. اعلامیه‌ای تحت عنوان "موش‌ها از کشتی در حال غرق می‌گیرند" منتشر می‌کنند که دیگر اوج کیاست و فراست این جمع است. این اعلامیه مظهری از تحریف تاریخ ایران، بی‌خبری محض کسانی که نام "رهبر" بر خود نهاده‌اند، پرمدعائی روشنفکرانه، و "دوربینی" کاسب‌کارانی است که بوی کاسی تازه به مشامشان رسیده است. هسته اساسی تحلیل آنها این است که جیمی کارتر این جوان خوشرو، نظیر کندی روی کار آمده و با شاه که مظهر شقاوت و حماقت است مخالف می‌باشد و ترجیح می‌دهد یک حکومت دیگری که چهره‌ای "دمکراتیک" در افکار عمومی داشته باشد بر سر کار آید و به این جهت هلمز^۵ را از کشتی ایران که در حال غرق است فرا می‌خواند تا آخرین پرده نمایش بیفتد و با به مسند رسیدن جیمی کارتر در اول سال جدید اعلیحضرت زحمت را کم کنند و راهی برای عده‌ای آدم‌های خسته و کوفته از مبارزه، ناتوان از پیمودن این راه دشوار باز شود، نفسی به راحتی بکشند و راهی وطن شوند تا در "دمکراسی" بعد از کودتا به زندگی راحت و مرفه با وجدانی آسوده ادامه دهند.

از پخش این اعلامیه "مرکزیت فرانکفورت" به این عنوان که در آن اغلاط بزرگی به چشم می‌خورد خودداری شد ولی علت جلوگیری از پخش آن نه اغلاط بزرگ، بلکه روکردن بی‌موقع سیاست و تفکر معینی در جنبش دانشجویی بود. "مرکزیت فرانکفورت" بی‌موقع بند را به آب داده و متوجه نبود برای آوردن چنین نظرات و پیاده کردن آن ابتداء باید افکار عمومی را به طرق دیگری آماده کرد و سپس به چنین اقدام جسورانه‌ای متوسل شد (همان‌گونه که خطامشی ارتجاعی در هامبورگ می‌کند).^۶

اما اغلاط مهم این اعلامیه چگونه‌اند و چطور باید آن را تفسیر کرد. "مرکزیت" نامبرده کشف کرده که حکومت ملی دکتر مصدق توسط انتخابات آزاد بر سر کار آمده است. این کلمات معلوم می‌سازد که طرز انتخاب نخست‌وزیر در ایران برای این "رهبری" معلوم نیست و در اثر اقامت طولی‌المدت در خارج فکر می‌کند نخست‌وزیر ایران نیز مانند برخی کشورهای اروپائی مستقیماً انتخاب می‌شوند. اما کمبود معلومات نقص هست ولی نقصی نیست که نتوان آن را برطرف کرد. کلمات فوق اما واقعیت دیگری را دگرگون جلوه می‌دهد، و آن این که گویا در دوران حکومت محمدرضا شاه امکان انتخابات آزاد موجود بوده و دمکراسی بر ایران حکومت می‌کرده است. این جز تطهیر محمدرضا شاه معنی دیگری ندارد و ناشی از کمبود معلومات هم نیست، بلکه نشانه درک نازل از ماهیت رژیم شاه و تاریخچه تکامل این دستگاه می‌باشد. در این اعلامیه کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ به کودتای تیر ۱۳۳۲ بدل گشته و آقای هلمز در کنار شوارتسکف و آلن دالس (رئیس سابق سیا) قرار گرفته است. چون این "رهبران" فکر می‌کرده‌اند هلمز از روز ازل رئیس سیا بوده است.

شاهکارهای این "مرکزیت" به همین جا خاتمه نمی‌پذیرد. کسانی که به مهر و تیتیر و کاغذ چسبیده‌اند و همه چیز خود را در گرو حفظ و حراست آن نهاده‌اند برای پاسداری از آن به هر اقدامی نیز متوسل می‌شوند که مراجعه به پلیس، دادگاه، مقامات ارتجاعی دانشگاه تنها نمونه‌هایی از

^۴ - وزیر داخله دولت فرانسه قصد داشت این دو نفر را به عنوان تروریست از فرانسه اخراج کند. این دو نفر تمایلات نظری سازمان مجاهدین بخش انشعابی را داشتند که مورد نفرت گروه حسن ماسالی قرار داشت و به این جهت "مرکزیت فرانکفورت" حاضر نبود از حقوق دمکراتیک آنها در مقابل فشار امپریالیسم فرانسه حمایت کند و در کارزار دفاعی فدراسیون آلمان از این افراد که حتی عضو فدراسیون آلمان نیز نبودند شرکت کند. این افراد مورد حمایت گروه "کادر" ها قرار داشتند که به علت عدم توانائی در دفاع از این افراد به فدراسیون آلمان که قدرت‌مندترین بخش جنبش دانشجویی بود مراجعه کردند. فدراسیون آلمان مستقل از این درخواست و زودتر از آن به اقدام وسیع برای آزادی آنها و ممانعت از تحویل آنها به رژیم محمدرضا شاه دست زده بود. نقش منفی "مرکزیت فرانکفورت" در این دو روشی در حمایت از تحت‌پیگردان سیاسی و عقیدتی، در اتخاذ یک سیاست دفاعی گزینشی و غیردموکراتیک به خوبی برملا شد و گروه "کادر" ها متوجه شدند که متحدان "زمنده" آنها حاضر نیستند از کسانی دفاع کنند که از نظر ایدئولوژیک با آنها اختلافات اساسی دارند. این روش جبهه ملی ایران نقش سیاسی آنها را در دفاع از "فرزند خلق" که همان دفاع از "کمیته مرکزی" حزب توده ایران بود، به بهترین وجهی برملا کرد. این تناقض، به عمق اختلافات "خط زمنده" ژرفای بیش‌تری بخشید و جبهه ملی ایران را به کلی منفرد کرد.

^۵ - رئیس سابق سازمان سیا و سفیر آمریکا در ایران

^۶ - در این جا منظور "سازمان انقلابی" است که به تدریج زمینه پیاده کردن تئوری ارتجاعی "سه دنیا" را فراهم می‌آورد.

آنان است. با رهنمود این "مرکزیت" سنت دیگری در مبارزات کنفدراسیون شکسته شد. "پاسداران سنن" به سنت‌شکنان بدل شدند. به زعم آنها لازمه مبارزه سیاسی حذف مخالفین است باید به پلیس مراجعه کرد به دادگاه رفت و از طریق فشار ارتجاع مخالفی را که قادر نیستیم در عرصه بحث دمکراتیک و منطقی از میدان به در کنیم با تهدید پلیس به گریز واداریم. غافل از آن که، آن کس که از شقاوت شاه و ساواک وحشت ندارد از توسل به پلیس و دادگاه "مرکزیت فرانکفورت" نیز باکی به دل راه نخواهد داد. افتضاح کار آنها به آنجا می‌کشد که حتی مسئولین آستای گیسن (کمیسون مربوط به امور دانشجویان) آنها را از پناه بردن به دادگاه برحذر می‌دارند و متقاعد می‌کنند که در مبارزه سیاسی نباید به این شیوه‌ها توسل جست. آنها که این بار قافیه را باخته‌اند در هنگام جشن مهرگان به مقامات دانشگاهی پناه می‌برند که چه نشسته‌اید، عده‌ای با نام سازمان دانشجویی به برگزاری جشنی مشغولند که به نفع محمدرضا شاه بوده و چون ممکن است در محفل آنها چاقوکشی شود ما به شکایت آمده‌ایم تا اگر کار جشن آنها به افتضاح کشید به نام ما تمام نشود و می‌خواهند که از برگزاری جشن جلوگیری کنند. مقامات دانشگاهی که در انتظار چنین فرصتی بودند برخلاف انتظار این عناصر کوتاه‌بین و مغرض اظهار می‌دارند:

"برای ما پول سالن مطرح است، برگزار کننده می‌تواند طرفدار یا مخالف شاه باشد"

و به این ترتیب دومین سنت مبارزه ضد رژیم شکسته می‌شود و کار سازمان دانشجویی در شهر گیسن با مشکل جدیدی روبروست و آن این که زین پس مقامات دانشگاهی راه را برای دادن سالن به هواداران شاه نیز باز کرده‌اند و این دست‌آورد "مرکزیت فرانکفورت" است که می‌تواند بدان بیالد. اینان هنوز نمی‌فهمند که به فرض پشتیبانی پلیس فاشیستی آلمان تنها قادرند نام‌ها را به نام خود به ثبت برسانند، آنگاه با افکار ما چه خواهند کرد. آیا برای آنها راهی جز قتل نفس باقی می‌ماند؟ ما فکر نمی‌کنیم توده دانشجوی به این عناصر مغرض که نام "مرکزیت" بر خود نهاده‌اند اجازه دهد تا بدین حد نیز بروند.^۷

نگاهی که این پراتیک در سال گذشته نشان می‌دهد که این "رهبری" با درک خود بهترین تبلور ماهیت تجمع حاکم در فرانکفورت است و به بهترین وجهی توانسته سیاست حاکم را در تمام سطوح به تحقق در آورد و شایسته آن است که گزارش اقداماتی را که نکرده و بر کاغذ می‌آورد و اقداماتی را که کرده ولی از بیانش شرم دارد به اتفاق آراء به تصویب برساند. اختلافات غیرعمده از قبیل توسل به پلیس و التفات نسبت به رئیسکار نباید مانع از تصویب گزارش شود، چون بر سر مسئله اساسی ابرقدرت شوروی و دارودسته خائن "کمیته مرکزی" وظیفه خود را به نحو احسن انجام داده است. گرچه در مورد تبدیل جنبش دانشجویی به زائده جنبش چریکی مزورانه عقب‌گرد کرده و چنین وانمود می‌کند که از روز ازل آن را می‌گفته که امروز بر زبان می‌آورد.

فدراسیون آلمان بر این نظر است تا زمانی که چنین سیاست و سبک‌کاری بر این گروه حاکم است، حتی روزنه‌ای برای امید به وحدت موجود نیست. آن افرادی که به مضرات این سیاست ضدکنفدراسیونی واقف گشته‌اند باید به طرد این نظریات بپردازند و راه وحدت جنبش دانشجویی را هموار سازند.^۸

^۷ - فردی که این عملیات را به دستور جبهه ملی ایران انجام می‌داد همان یزن‌بهادر معروف آقای عبدالحسین بهروان بود.

^۸ - در مورد والتر شیل صدراعظم و رئیس جمهور آلمان در اصل سند خطائی رخ داده است که با توضیح زیر تصحیح می‌گردد:

والتر شیل Walter Scheel: (زاده ۸ ژوئیه ۱۹۱۹ - ۲۴ اوت ۲۰۱۶)، سیاستمدار آلمانی از حزب FDP بود. او میان سال‌های ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۶، وزیر امور اقتصادی، میان سال‌های ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۴ معاون صدراعظم و وزیر امور خارجه آلمان، از ۷ تا ۱۶ مه ۱۹۷۴ به عنوان صدراعظم (به علت استعفای ویلی برانت) و در پایان، از سال ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۹ به عنوان رئیس‌جمهور آلمان غربی فعالیت می‌کرد.

سند شماره ۲۶ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (امتناع جبهه ملی ایران در دفاع از حقوق دموکراتیک و تحت پیگردان سیاسی مخالفتش بر مبنای ایدئولوژیک)

آیا منافع گروهی در ماوراء منافع خلق ایران قرار دارد؟

آیا منافع گروهی در ماوراء منافع خلق ایران قرار دارد؟

پنجشنبه ۲۶/۶/۳۷

پیش از آنکه به بحث و گفتارهای اخیر بار دیگر باز هم بیشتر ماهیت فاشیستی، درنده خوئی و خونخواری شاه را نمایان ساخت. قربانی گرفتن اخیر محمدرضا شاه از بهترین فرزندان خلق ما نشانه ضعف و زبونی حکومت او را در مقابل مبارزات بحق خلق نشان میدهد. این کشت و کشتار اخیر بار دیگر وظیفه مهمی را که جنبش دانشجویی در خارج از کشور برای پشتیبانی مبارزات خلق بعهده دارد عیان مینماید.

در چند هفته اخیر دبیران فدراسیون آلمان و واحدهای فدراسیون به آکسیونهای وسیع دفاعی بنظیر افشای هرچه بیشتر رژیم مبادرت ورزیدند.

مطابق فراخوان دبیران فدراسیون آلمان واحد مونیخ اقدام به فراهم آوردن زمینه برگزاری یک مارش اعتراضی از شهر مونیخ به شهر داخاؤ (محل کورهای آدم سوزی هیتلر) کرد.

بنظیر انجام موفقیت آمیز این مارش با تمام سازمانهای دمکرات، لیبرال، ضد فاشیست و مترقی تماس برقرار گردید و آنها به پشتیبانی دعوت گردیدند. از جمله با هیأت دبیران سازمان جوانان سوسیالیست مونیخ (JUSO) بعنوان نمایندگان انجمن مونیخ عضو فدراسیون و کنفدراسیون تماس برقرار کردیم و درخواست نمودیم که برای این مارش اجازه پلیس و دعوت مطبوعاتی انجام گیرد. در این تماس و تماسهای بعدی موافقت شد که از مطبوعات مشترک دعوت بعمل آید و نیز اعلامیه‌ای که در اختیار آنها قرار دادیم مورد پشتیبانی آنها قرار گرفت. این اعلامیه همان اعلامیه منتشره از طرف دبیران فدراسیون آلمان برای تظاهرات هرات کلن بود که تمام واحدها نیز آنرا تکثیر و پخش کرده‌اند. پس از این توافق اجازه این مارش از پلیس شهر مونیخ، پلیس شهر داخاؤ و "اداره محل یادبود قربانیان رژیم فاشیستی هیتلر" از طرف (JUSO) با همکاری ما گرفته شد.

واحد مونیخ در طول این زمان موضوع مارش اعتراضی را به درون افکار عمومی برده و برای بسیج هر چه بیشتر ایرانیان و نیروهای ضد فاشیست اقدام به فعالیت وسیعی نمود (تهیه اعلامیه مطبوعاتی، فراخوان و اعلامیه، برگزاری نمایشگاه در محلهای دانشجویی برگزاری یادبود شهیدان و ...)

از جمله این فعالیتها شرکت در یک نشست اعتراضی در تاریخ ۲۶/۶/۳۷ بود. این نشست بنظیر اعتراض به حمله پلیس مونیخ به دانشگاه و دستگیری بیش از ۵۰۰ نفر دانشجویان بود از طرف JUSO ترتیب داده شده بود.

قصد ما از شرکت در این نشست علاوه بر اعتراض به عمل پلیس، اعلان مارش اعتراضی در روز ۲۶/۶/۳۷ و دعوت به شرکت در این مارش بود. این خواست قبل از شروع نشست با دبیران JUSO در میان گذاشته شد و همچنین توافق گردید که پس از اتمام این نشست جلسه مشترکی جهت فعالیتهای بعدی گذاشته شود. در آغاز شروع نشست (Veranstaltung) از طرف یکی از دبیران JUSO موضوع مارش مطرح گردید و از شرکت کنندگان در جلسه دعوت شد تا در مارش ما شرکت کنند و همچنین از طرف دبیران JUSO اعلامیه‌ای که در آن علل و تاریخ مارش قید شده بود پخش گردید.

مدتی از شروع برنامه نگذشته بود که "مسئول موقت" سابق "کنفدراسیون" و "دبیر فدراسیون" آلمان و یکی از فعالین انشعاب بیرون در مونیخ به نشست آمدند و پس از مدت کوتاهی نشست را با دبیران JUSO ترک کردند. قریب یکساعت پس از ترک این آقایان و دبیران JUSO یکی از مسئولین JUSO به نمایندگان انجمن مونیخ مراجعه کرده و درخواست نمود که در جلسه دبیران JUSO شرکت کنیم. در هنگام ورود به جلسه با حضور این سه انشعابی مواجه گردیدیم.

تصور ما این بود که موضوع جلسه مارش اعتراضی روز شنبه ۲۶/۶/۳۷ خواهد بود. ولی متأسفانه اولین موضوع مطروحه از طرف دبیران JUSO این بود که: "شما گروه مائوئیستی هستید و نمایندگان انجمن مونیخ عضو کنفدراسیون نیستید. از این جهت ما با گروه مائوئیستی نمیتوانیم این مارش را برگزار کنیم و اجازه پلیس را در رابطه با مارش پس خواهیم گرفت" نمایندگان واحد ما در مقابل موضوع غیر مترقبه‌ای قرار گرفته بودند و مطرح کردند که: "دبیران JUSO بر چه پایهای ادعا میکنند که ما گروه مائوئیستی هستیم و کنفدراسیون نیستیم؟" جواب داده شد که: "از طرف دانشجویانی این اطلاع در مورد شما به ما داده شده است و این اطلاع از طرف این سه نفر نیست (!)"

سهس بطور مشخص مطرح شد که: "در تمام مدت تماس با ما و حتی تا لحظه قبل از تماس با این سه نفر شما هرگز ادعا نکردید که ما گروه مائوئیستی هستیم و حتی قرار بر این بود که پس از نشست جلسه مشترک برای ادامه فعالیت موفقیت آمیز مارش گذاشته شود." این مسئله حتی بعد از چندین بار تکرار بدون جواب ماند. در بحث طولانی که در گرفت ما مواضع کنفدراسیون و مسئله -

انشعاب را طرح و به توضیح کامل آن پرداختیم و اعلان موضع کردیم که نمایندگان حقیقی کنفدراسیون ما هستیم و در عمل مبارزاتی خود حقانیت این گفته را با اثبات رسانیده و خواهیم رسانید و بطور مکرر انجام مارش اعتراضی را خواستار شدیم.

در مقابل، انشعابون فقط به تکرار مکرر این امر که: "شماها مائوئیست هستید و تا بحال فقط با گروهی مارکسیست-لنینست همکاری داشته‌اید" پرداختند و از اعلان موضع در مورد کنفدراسیون، مبارزات آن و مسئله انشعاب اجتناب ورزیدند. در مقابل مواضع بحق ما در ایران TUSO مجبور به عقب‌نشینی تاکتیکی گردیدند و مطرح کردند که اکنون در صورتی حاضر به برگزاری مارش هستند که بدون موافقت و تصمیم دبیران TUSO هیچگونه تبلیغاتی از طرف ما برای جلب و بسیج نیروهای ضد فاشیستی، دموکرات و مترقی صورت نپذیرد و بدون این موافقت از شرکت نیروهای دیگر که مطابق نظر آنها نیست جلوگیری گردد. بدیهی است که این شرط برای ما که به استقلال سیاسی خود معتقد هستیم قابل قبول نبود و با آگاهی باین امر که ادامه بحث بی نتیجه و عملاً امکان برگزاری این مارش در تاریخ تعیین شده برای ما موجود نیست (زیرا که اجازه برگزاری مارش-بایستی ۴۸ ساعت قبل از پلین گرفته شود) از ادامه بحث خودداری نموده و موضع دبیران TUSO را گنجا خواستار شدیم. در شرایطی که رژیم خونخوار محمد رضا شاه هر روز دست به کشتار دسته‌جمعی بهترین فرزندان خلق میزد، در زمانی که پنجه خون آلود رژیم پهلوی گلوی خلق ایران را جهت تامین منافع اربابانش هر چه بیشتر میفشارد و نیز در شرایطی که مبارزات دلاورانه خلق ما پایه‌های رژیم فاشیستی شاه را بلرزه درآورده است و در جهت نابودی کامل آن و کسب استقلال ملی و حاکم شدن بر سرنوشت خویش متحد تر و مصمم تر به پیش میروء، آیا در چنین زمانی از منافع گروهی حرکت کردن و این منافع را بر منافع خلق ترجیح دادن گواهی بر دید تنگ نظرانه و گروهی گرایانه نیست؟ ما معتقدیم که منافع خلق ایران و مبارزات آن بر هر امر دیگری ارجحیت داشته و منافع هر گروه فقط در خدمت منافع خلق قابل فهم و توجیه‌اند.

مارش اعتراضی مونین - داخائو در رابطه با تداوم مبارزات کنفدراسیون آلمان در جهت افشای هر چه بیشتر رژیم فاشیستی محمد رضا شاه و شرایط اختناق و فشار در ایران و بخصوص اعتراض به کشتار وسیع مبارزین اخیر در آستانه برگزاری مسخره پتجاه - سالکی حکومت جنایت بار دودمان ننگین پهلوی قرار داشت. از جمله یکی دیگر از خواسته‌های این مارش درخواست پشتیبانی جهت فرستادن هیئتی از حقوقدانان و پزشکان به ایران بمنظور بررسی وضع زندانیان سیاسی بود. متأسفانه امروز عدای دیگر "اسلحه" زنگ خورده "کمیته مرکزی" را که مبارزات کنفدراسیون را تخطئه و رهبران آنرا "مائوئیست" مینامید بدست گرفته‌اند تا با بکار بردن این شیوه مطرود، مواضع تنگ نظرانه گروهی خود را "تثبیت" کنند. آیا برای انشعابون قابل پیش‌بینی نبود و نیست که با طرح چنین مطالبی ("مائوئیسم" و ...) باعث عدم - پشتیبانی سازمانهایی چون TUSO و غیره از مبارزات ضد رژیم و ضد فاشیستی میشوند؟ عملاً بار دیگر این عده منافع گروهی خود را در مقابل جنبش دانشجویی قرار داده و در مورد مشخص باعث بتعویق افتادن مارش مبارزاتی ضد فاشیستی گردیدند.

همانطور که "کمیته مرکزی" با این "اسلحه" شناخته شده نتوانست در مقابل مبارزات بحق کنفدراسیون ایستادگی کند و با هر چه بیشتر بکار بردن این شیوه مطرود عملاً خود را منفردتر کرد، افرادی که امروز نیز باین شیوه متوسل شده‌اند آیندای جز سرنوشت "کمیته مرکزی" نخواهند داشت.

مبارزات کنفدراسیون هر روز جلا - بیشتری یافته و در جهت دفاع از مبارزات خلق ایران و افشای رژیم منفور پهلوی گامهای موثری به پیش بر میدارد و در این راه هر گونه سد و مانعی را درهم خواهد شکست. واحد مونین در راه افشا - ماهیت فاشیستی رژیم محمد رضا شاه بر طبق مصوبات کنگره‌های کنفدراسیون و سنتهای مبارزاتی آن به بسیج هر چه بیشتر نیروها و سازمانهای دمکرات، لیبرال، ضد فاشیست و مترقی اقدام خواهد نمود و ما ایمان داریم که در این راه پیروزی با ماست زیرا که حقیقت با ماست و حقیقت همیشه پیروز میشود.

هموطنان!

در شرایطی که جلا د خلق ایران - محمد رضا شاه - با داس مرگ گروه گروه و دسته دسته زندگی میهن پرستان را درو می‌نماید در شرایطی که قریب ۱۰۰ هزار نفر از بهترین، شریف‌ترین و پاک‌ترین فرزندان خلق ما در دست جلا د اسیرند و در سیاهچالها، تحت شدیدترین و وحشتناکترین شکنجه‌های قرون وسطائی بسر می‌برند سکوت در برابر این همه خیانت، جنایت، وطن فروشی و زدالت جایز نیست. باید از هرامگانی هر چند جزئی استفاده نمود و با افشای رژیم سر سبزده بامهریالیسم محمد رضا شاه پرداخت. لذا از همه هموطنان گرامی می‌طلبیم که با شرکت در این مارش اعتراضی کموقت آن با طلاع خواهد رسید بطور وسیع شرکت نصائبند.

هیأت اجراییه انجمن مونین

سند شماره ۲۶ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (امتناع جبهه ملی ایران در دفاع از حقوق دموکراتیک و تحت پیگردان سیاسی مخالفش بر مبنای ایدئولوژیک)

"آیا منافع گروهی در ماوراء منافع خلق ایران قرار دارد؟"

پنجشنبه ۷۶/۶/۳

یورش ساواک و کشتارهای اخیر بار دیگر باز هم بیش‌تر ماهیت فاشیستی، درنده‌خوئی و خونخوار شاه را نمایان ساخت. قربانی‌گرفتن اخیر محمدرضاشاه از بهترین فرزندان خلق ما نشانه ضعف و زبونی حکومت او را در مقابل مبارزات به حق خلق نشان می‌دهد. این کشت و کشتار اخیر بار دیگر وظیفه مهمی را که جنبش دانشجویی در خارج از کشور برای پشتیبانی مبارزات خلق به عهده دارد عیان می‌نماید.

در چند هفته اخیر دبیران فدراسیون آلمان و واحدهای فدراسیون به آکسیون‌های وسیع دفاعی به منظور افشای هر چه بیش‌تر رژیم مبادرت ورزیدند.

مطابق فراخوان دبیران فدراسیون آلمان واحد مونیخ اقدام به فراهم آوردن زمینه برگزاری یک مارش اعتراضی از شهر مونیخ به شهر داخاؤ (محل کوره‌های آدم‌سوزی هیتلر) کرد.

به منظور انجام موفقیت آمیز مارش با تمام سازمان‌های دمکرات، لیبرال، ضدفاشیست و مترقی تماس برقرار گردید و آنها به پشتیبانی دعوت گردیدند. از جمله با هیات دبیران سازمان جوانان سوسیالیست مونیخ (JUSO) به عنوان نمایندگان انجمن مونیخ عضو فدراسیون و کنفدراسیون تماس برقرار کردیم و درخواست نمودیم که برای این مارش اجازه پلیس و دعوت مطبوعاتی انجام گیرد. در این تماس و تماس‌های بعدی موافقت شد که از مطبوعات مشترکا دعوت به عمل آید و نیز اعلامیه‌ای که در اختیار آنها قرار دادیم مورد پشتیبانی آنها قرار گرفت. این اعلامیه همان اعلامیه منتشره از طرف دبیران فدراسیون آلمان برای تظاهرات کلن بود که تمام واحدها نیز آنرا تکثیر و پخش کرده‌اند. پس از این توافق اجازه مارش از پلیس شهر مونیخ، پلیس شهر داخاؤ و "اداره محل یادبود قربانیان رژیم فاشیستی هیتلر" از طرف (JUSO) با همکاری ما گرفته شد.

واحد مونیخ در طول این زمان موضوع مارش اعتراضی را به درون افکار عمومی برده و برای بسیج هر چه بیش‌تر ایرانیان و نیروهای ضدفاشیست اقدام به فعالیت وسیعی نمود (تهیه اطلاعاتی مطبوعاتی، فراخوان و اعلامیه، برگزاری نمایشگاه در محل‌های دانشجویی برگزاری یاد بود شهیدان و...).

از جمله این فعالیت‌ها شرکت در یک نشست اعتراضی در تاریخ ۷۶/۶/۲ بود. این نشست که به منظور اعتراض به حمله پلیس مونیخ به دانشگاه و دستگیری بیش از ۵۰۰ نفر دانشجویان بود از طرف JUSO ترتیب داده شده بود.

قصد ما از شرکت در این نشست علاوه بر اعتراض به عمل پلیس، اعلان مارش اعتراضی در روز ۷۶/۶/۵ و دعوت به شرکت در این مارش بود. این خواست قبل از شروع نشست با دبیران JUSO در میان گذاشته شد و همچنین توافق گردید که پس از اتمام این نشست جلسه مشترکی جهت فعالیت‌های بعدی گذاشته شود. در آغاز شروع نشست (Veranstaltung) از طرف یکی از دبیران JUSO موضوع مارش مطرح گردید و از شرکت کنندگان در جلسه دعوت شد تا در مارش شرکت کنند و همچنین از طرف دبیران JUSO اعلامیه ما که در آن علل و تاریخ مارش قید شده بود پخش گردید.

مدتی از شروع برنامه نگذشته بود که "مسئول موقت" سابق "کنفدراسیون" و "دبیر فدراسیون" آلمان و یکی از فعالین انشعابیون در مونیخ به نشست آمدند و پس از مدت کوتاهی نشست را با دبیران JUSO ترک کردند. قریب یک ساعت پس از ترک این آقایان و دبیران JUSO یکی از مسئولین JUSO به نمایندگان انجمن مونیخ مراجعه کرده و درخواست نمود که در جلسه دبیران JUSO شرکت کنیم. در هنگام ورود به جلسه با حضور این سه انشعابی مواجه گردیدیم.

تصور ما این بود که موضوع جلسه مارش اعتراضی روز شنبه ۷۶/۶/۵ خواهد بود. ولی متأسفانه اولین موضوع مطروحه از طرف دبیر اول JUSO این بود که: "شما گروه مائوئیستی هستید و نمایندگان انجمن مونیخ عضو کنفدراسیون نیستند. از این جهت ما با گروه مائوئیستی نمی‌توانیم این مارش را برگزار کنیم و اجازه پلیس را در رابطه با مارش پس خواهیم گرفت

^۱ - منظور فدراسیون قدرتمند آلمان نیست فدراسیون تقلبی است که جبهه ملی ایران برای خودش سرهم بندی کرده بود و فاقد هرگونه توانائی مبارزاتی بود. به همین جهت آنها با رویزیونیست‌های هوادار شوروی و حزب توده ایران همکاری می‌کردند.

"نمایندگان واحد ما در مقابل موضوع غیرمترقبه‌ای قرار گرفته بودند و مطرح کردند که: "دبیران JUSO بر چه پایه‌ای ادعا می‌کنند که ما گروه مائوئیستی هستیم و کنفدراسیون نیستیم؟" جواب داده شد که: "از طرف دانشجویانی این اطلاع در مورد شما به ما داده شده است و این اطلاع از طرف این سه نفر نیست (!!!)".

سپس به طور مشخص مطرح شد که: "در تمام مدت تماس با ما و حتی تا لحظه قبل از تماس با این سه نفر شما هرگز ادعا نکردید که ما گروه مائوئیستی هستیم و حتی قرار بر این بود که پس از نشست جلسه مشترک برای ادامه فعالیت موفقیت‌آمیز مارش گذاشته شود". این مسئله حتی بعد از چندین بار تکرار بدون جواب ماند. در بحث طولانی که درگرفت ما مواضع کنفدراسیون و مسئله انشعاب را طرح و به توضیح کامل آن پرداختیم و اعلان موضع کردیم که نمایندگان حقیقی کنفدراسیون ما هستیم و در عمل مبارزاتی خود حقانیت این گفته را به اثبات رسانیده و خواهیم رسانید و به طور مکرر انجام مارش اعتراضی را خواستار شدیم.

در مقابل، انشعاییون فقط به تکرار مکرر این امر که: "شماها مائوئیست هستید و تا به حال فقط با گروه‌های مارکسیست-لنینیست همکاری داشته‌اید" پرداختند و از اعلان موضع در مورد کنفدراسیون، مبارزات آن و مسئله انشعاب اجتناب ورزیدند. در مقابل مواضع به حق ما دبیران JUSO مجبور به عقب نشینی تاکتیکی گردیدند و مطرح کردند که اکنون در صورتی حاضر به برگزاری مارش هستیم که بدون موافقت و تصمیم دبیران JUSO هیچ‌گونه تبلیغاتی از طرف ما برای جلب و بسیج نیروهای ضدفاشیستی، دموکرات و مترقی صورت نپذیرد و بدون این موافقت از شرکت نیروهای دیگر که مطابق نظر آنها نیست جلوگیری گردد. بدیهی است که این شرط برای ما که به استقلال سیاسی خود معتقد هستیم قابل قبول نبود و با آگاهی به این امر که ادامه بحث بی‌نتیجه و عملاً امکان برگزاری این مارش در تاریخ تعیین شده برای ما موجود نیست (زیرا که اجازه برگزاری مارش بایستی ۴۸ ساعت قبل از پلیس گرفته شود) از ادامه بحث خودداری نموده و موضع دبیران JUSO را کتبا خواستار شدیم. در شرایطی که رژیم خونخوار محمدرضاشاه هر روز دست به کشتار دستجمعی بهترین فرزندان خلق می‌زند، در زمانی که پنجه خون‌آلود رژیم پهلوی گلوی خلق ایران را جهت تامین منافع اربابانش هر چه بیش‌تر می‌فشارد و نیز در شرایطی که مبارزات دلاورانه خلق ما پایه‌های رژیم فاشیستی شاه را به لرزه در آورده است و درجهت نابودی کامل آن و کسب استقلال ملی و حاکم شدن بر سرنوشت خویش متحدتر و مصمم‌تر به پیش می‌رود، آیا در چنین زمانی از منافع گروهی حرکت کردن و این منافع را بر منافع خلق ترجیح دادن گواهی بر دید تنگ‌نظرانه و گروهی‌گرایانه نیست؟

ما معتقدیم که منافع خلق ایران و مبارزات آن بر هر امر دیگری ارجحیت داشته و منافع هر گروه فقط در خدمت منافع خلق قابل فهم و توجیه‌اند.

مارش اعتراضی مونیخ- داخائو در رابطه با تداوم مبارزات فدراسیون آلمان در جهت افشای هر چه بیش‌تر رژیم فاشیستی محمدرضا شاه و شرایط اختناق و فشار در ایران و به خصوص اعتراض به کشتار وسیع مبارزین اخیر در آستانه برگزاری مسخره پنجاه سالگی حکومت جنایت‌بار دودمان ننگین پهلوی قرار داشت. از جمله یکی دیگر از خواست‌های این مارش در خواست پشتیبانی جهت فرستادن هیئتی از حقوقدانان و پزشکان به ایران به منظور بررسی وضع زندانیان سیاسی بود.

متأسفانه امروز عده‌ای دیگر "اسلحه" زنگ خورده "کمیتة مرکزی" را که مبارزات کنفدراسیون را تخطئه و رهبران آنرا "مائوئیست" می‌نامید به دست گرفته‌اند تا با به کار بردن این شیوه مطرود، مواضع تنگ‌نظرانه گروهی خود را "تثبیت" کنند.

آیا برای انشعاییون قابل پیش‌بینی نبود و نیست که با طرح چنین مطالبی ("مائوئیسم" و...) باعث عدم پشتیبانی سازمان‌هایی چون JUSO و غیره از مبارزات ضدژیم و ضدفاشیستی می‌شوند؟

عملاً بار دیگر این عده منافع گروهی خود را در مقابل جنبش دانشجویی قرار داده و در مورد مشخص باعث به تعویق افتادن مارش مبارزاتی ضدفاشیستی گردیدند.

همان طور که "کمیتة مرکزی" با این "اسلحه" شناخته شده نتوانست در مقابل مبارزات به حق کنفدراسیون ایستادگی کند و با هر چه بیش‌تر به کار بردن این شیوه مطرود عملاً خود را منفردتر کرد، افرادی که امروز نیز به این شیوه متوسل شده‌اند آینده‌ای جز سرنوشت "کمیتة مرکزی" نخواهند داشت.

مبارزات کنفدراسیون هر روز جلاء بیش‌تری یافته و در جهت دفاع از مبارزات خلق ایران و افشای رژیم منفور پهلوی گام‌های موثری به پیش برمی‌دارد و در این راه هر گونه سد و مانعی را درهم خواهد شکست. واحد مونیخ در راه افشاء ماهیت فاشیستی رژیم محمدرضاشاه بر طبق مصوبات کنگره‌های کنفدراسیون و سنت‌های مبارزاتی آن به بسیج هر چه بیش‌تر نیروها و

سازمان‌های دمکرات، لیبرال، ضدفاشیست و مترقی اقدام خواهد نمود و ما ایمان داریم که در این راه پیروزی با ماست زیرا که حقیقت با ماست و حقیقت همیشه پیروز می‌شود.

هموطن!

در شرایطی که جلاد خلق ایران - محمدرضاشاه - با داس مرگ گروه گروه و دسته دسته زندگی میهن‌پرستان را درو می‌نماید در شرایطی که قریب ۱۰۰ هزار نفر از بهترین، شریف‌ترین و پاک‌ترین فرزندان خلق ما در دست جلاد اسیرند و در سیاهچال‌ها، تحت شدیدترین و وحشتناک‌ترین شکنجه‌های قرون وسطائی به سر می‌برند سکوت در برابر اینهمه خیانت، جنایت، وطن‌فروشی و رذالت جایز نیست. باید از هر امکانی هر چند جزئی استفاده نمود و به افشای رژیم سرسپرده بامپریالیسم محمدرضاشاه پرداخت. لذا از همه هموطنان گرامی می‌طلبیم که با شرکت در این مارش اعتراضی که وقت آن به اطلاع خواهد رسید به طور وسیع شرکت نمایند.

هیات اجراییه انجمن مونیخ"

سند شماره ۲۷ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (امتناع جبهه ملی ایران در دفاع از حقوق دموکراتیک و تحت پیگردان سیاسی مخالفتش بر مبنای ایدئولوژیک)

انحراف انشعاب کارشکنی در مبارزات ضد رژیمی - ضد امپریالیستی

انحراف
انشعاب

کارشکنی در مبارزات ضد رژیمی - ضد امپریالیستی

۱۹ ژوئن ۱۹۷۶

مارش اعتراضی خونخ - داخانو در تاریخ ۱۱/۶/۷۶ با موفقیت برگزار گردید. در طول ۹ ساعت مارش، شهر مونیخ و داخانو شاهد خروش بی‌امان خلق ایران بود که توسط شرکت‌کنندگان در مارش انعکاس حیاطت و افکار عمومی را متوجه جنایاتی میگرد که محمد رضا شاه در آستانه جشنهای مسخره آمیز پنجاه سالگی در دمان‌نگین پهلوی انجام میدهد. انعکاس موفقیت آمیز این مارش اعتراضی میتوانست بیش از این باشد و بیش از این چهره جنایتکارانه محمد رضا شاه را در معرض دید عموم گذارد. ولی متأسفانه کارشکنی‌هایی که در مورد برگزاری این مارش توسط انشعاب‌پوین از کنفدراسیون صورت گرفت بسیاری از کارهای تبلیغاتی و تدارکاتی را که انجام شده بود به‌در داد. زیرا که این کارها بنظر برگزاری مارش در تاریخ ۵ ژوئن انجام شده بود و در این روز نمایندگان طبعیات نیز در محل آغاز - مارش حضور یافته بودند. هر چند که برگزاری مارش در ۵ ژوئن میتوانست برائی بیشتری در بین افکار عمومی داشته باشد، لیکن با وجود آن موفقیت مارش برگزار شده در ۱۱ ژوئن غاری بود که در چشم محمد رضا شاه و تمام دشمنان خلق ایران نشست. چنانکه فیلا در اعلامیه ۷۶/۶/۳ با اطلاع همگان رساندیم مارش اعتراضی به‌علت دروغها و افترا - گانی که انشعاب‌پوین در نزد جوانان سوسیالیست مونیخ (JUSO) بهما نسبت دادند، به‌تعمیق افتاد و آنها که مارش را در نزد پلیس معرفی کرده بودند، معرفی خود را پس گرفتند و عدم وقت‌گانی (در ساعت امکان معرفی مجدد را برای همان روز از ما سلب نمود. بدین ترتیب یک آکسیون ضد رژیمی در نتیجه کارشکنی هدفای تنگ نظر بنوعی - افتاد و مطلقاً کسولگری شاه در مونیخ نیز از عمل زشت این حضرات بسیار خرسند گردید.

ما برآنیم که مبارزات ضد رژیمی و ضد امپریالیستی توده دانشجو هرگز با کارشکنی‌ها و افتراات این حضرات متوقف نخواهد شد، بلکه هر روز فعال - بیشتری خواهد یافت و رژیم شاه را افزونتر از گذشته افشا خواهد کرد. سراد ما از نشان دادن چهره واقعی این حضرات نیز قاطع تر کردن مبارزات ضد رژیمی - ضد امپریالیستی و جلوگیری از کارشکنی‌هایی است که این آقایان در مبارزات ما میکنند و سعی خواهند کرد در آینده بدان ادامه دهند.

این حضرات بعد از کارشکنی در فعالیتهای ضد رژیمی و از جمله در برگزاری مارش مونیخ - داخانو در نزد توده دانشمورسوا شدند. ولی بنظر توجیه عمل تنگین خود دست به انتشار اقتراناتی تحت عنوان "جواب به اتهامات خط راست" زدند. ما مطالعه این "افترااته" را به‌طور ارادان جنبش دانشجویی توصیه نمائیم. چه این "مفسد" خود دال بر روشنگری سیاسی آنهاست و با در دست داشتن آن سادسرا از گذشته میتوان نقش انحرافی آنان را به قضاوت عموم گذارد.

آنها در افترا نامه ۹ ژوئن خود باین سوال شخص جواب نداده اند که چرا در یک آکسیون ضد رژیمی که خود نیز به‌د رژیم بودن آن معترفند کارشکنی کرده‌اند؟ (مراجعه شود به "اعلامیه" ۹ ژوئن این حضرات) در عوض به عبت کوشیه اند با نیشهایی مثل اینها "خط راست" اند، اینها از "فاتیمنهای آنکولا" پشتیبانی میکنند، اینها "برای جنایات رژیم شاه خوب و بد می‌ترانند"، اینها "چون‌کهای رزنده ایران را تقویت کنند نتیجه‌های رژیم اعلام میدارند"، اینها "مبارزات واقعی ضد رژیم را به پیش نمی‌برند و... از همان را مفسوس کنند. در صورتیکه هر انسان عاقلی با خوا - ندن همین افترا نامه باین حضرات خواهد گفت: مگر همین مارش بر طبقه کشتار میهن پرستانی که اکثرشان از رفقای سازمان معاهدین خلق بودند نبود؟ مگر این مارش یک آکسیون قاطع ضد رژیمی - ضد امپریالیستی نبود؟

برای ما غیر قابل تصویری نبوده و نیست که این منصرفین به خرابکاری و کارشکنی خود در مبارزه ضد رژی ادا شده دهند. لیکن اینان و مردمانی از این قاش هرگز موفق نخواهند شد که جنبش دانشجویی را تابع خافع محدود گروهی - خود سازند و از راه خدمت به خلق ایران با تحریف بکشانند.

مواقع دستاوردها و مصوبات کنفدراسیون جهانی در طول مبارزات خود حقیقت خویش را با ثبات رسانده اند. ما با تکیه باین سنن و دستاوردهای پرافتخار راه کنفدراسیون را ادامه خواهیم داد و وسیعترین نیروها را به پشتیبانی از جنبش دانشجویی و مبارزات بحق خلق ایران باز هم بیشتر از گذشته برخوایم انگیزت. کنفدراسیون همواره بنظر افشای رژیم ارتجاعی شاه و دفاع از مبارزات خلق ایران سعی کرده تا پشتیبانی همه نیروهای شرقی، ضد فاشیست، دمکرات و لیبرال را جلب کرده و به نیروی مادی تبدیل نماید و در این راه نیز از موفقتهای بسیار برخوردار بوده است. کنفدراسیون در طی مبارزات خود همواره از پشتیبانان دراز مدت و کوتاه مدت سخن گفته است. امروز نیز ما همچنان بدان پای بندیم و طیف وسیع این سازمانها را به پشتیبانی از مبارزات خلق ایران جلب خواهیم کرد. لیکن هرگز فراموش نمیکنیم که هر یک از این نیروها عناصر و سازمانها بر اساس ماهیت و منافع خود به پشتیبانی از ما اقدام میکنند. بدینوسیله برای ما هرگز مرز بین نیروهای واقعا ضد امپریالیست و لیبرال مخدوش نمیگردد.

این آقایان انشعابی در گذشته همراه ما با این مواضع سیاسی را داشته اند و در فعالیتهای کنفدراسیون نیز با اتفاق ما بدان جامعه عمل پیونداشته اند. ولی امروز چه تغییری بوجود آمده که فهم این حضرات از سازمانهای شرقی ضد امپریالیست و... دگرگون شده است؟

مگر نه اینکه ما در گذشته متحداً "کمیته مرکزی حزب توده" و Spartakus نواز دیتی DKP را بعنوان ضد مبارزات خلق و جنبش دانشجویی ایران و بعنوان پایه گزاران بوی دولت ضد خلقی شوروی در کنگره های کنفدراسیون محکوم نمودیم؟

مگر نه اینکه در کنگره ۱۶ کنفدراسیون متحداً بر علیه GIM قطعنامه تصویب کردیم؟ پس ناکهان چه شده که DKP، Spartakus، GIM و... بدون طیف وسیع "... سازمانهای انقلابی نیروها و عناصر شرقی دمکرات و لیبرال..." پشتیبان حضرات راه یافتند؟ چه شد که داور دسته "کمیته مرکزی حزب توده" به نیروی تبدیل شد که با اینان فقط "همعقده" سیاسی نیست؟

آنها در افترا نامه ۹ روئن خود ما را "متهم" میکنند که با سازمانهای "KPD و KPD/ML و سازمانهایی از همین قاش..." همکاری داریم. مگر نه اینکه کنفدراسیون جهانی در طی سالهای طولانی مبارزات خود با این سازمانها بعنوان سازمانهای شرقی همکاری پیگیر داشته است؟ اینان با تمام پشت پاهائی که به مواضع سیاسی کنفدراسیون جهانی زده اند، خود را "میراث خوار" کنفدراسیون میدانند و نام کنفدراسیون را بر خود "زیبنده" میدانند، ولی مدافعین و ادامه دهندگان خط مشی کنفدراسیون را "طرد شده" از کنفدراسیون و "خطر راست" و انوسد مینمایند. آری این حضرات در حالیکه با "انتهام" "خطر راست" کارشکنی در لمر مبارزه ضد رژی - ضد ارتجاعی را مجاز مینمایند خود به راستترین نیروها گرایش پیدا میکنند و با مهر باطل شده "ماژوتسم" به تخطئه مبارزات ضد رژی و ضد امپریالیستی می پردازند. با این سیاست اینان بدینال دو جریان خطرناک افتاد اند: ۱- با کمیته مرکزی "حزب توده" این خائنین به خلق ایران و ابر قدرت شوروی هم- آوا میگردند و ۲- به افشای نیروهائی که در حقیقت مدافع منافع بخشی از انحصارات امپریالیستی اند میروند و آنها را منحصراً نیروهای "شرقی" قلمداد میکنند.

واقعیت این است که این حضرات اینک در صددند مبارزات ضد رژی - ضد امپریالیستی توده دانشجویی را همای "کمیته مرکزی حزب توده" فقط تا سطح مبارزه "عدا استبداد محمد رضا شاهی" تنزل دهند و در همینجاست که حساب صیهای برای ابر قدرت شوروی و سرمایه داری انحصاری بعضی از کشورهای امپریالیستی باز میکنند و با اصطلاح "حمایت" وابستگان باین انحصارات را در ایران برای خود فراهم میکنند (! ! !)

پس آقایان شما چگونه معیاری برای پشتیبانی از مبارزین درون کشور و از جمله رفقای چریک دارید، که کسانی که آکسیون پشتیبانی از آنها و بر طبق رهنمود رضا شاه میگذازند، "خدا چریک" اند و خدا رهنم نیستند، ولی شما که در این آکسیون کارشکنی میکنید پشتیبان مبارزین درون کشور و مبارز "قاطع" خدا رهنم هستید؟

این آقایان چرا در مارش خدای منیخ و اغاثو کارشکنی کرده اند؟ این سؤال است که بسختی در برابر ایشان قرار دارد و با هیچ گونه تهمت و افترائی قادر به فرار از زیر بار جواب به آن نیستند. مطمئناً جنبش دانشجویی و طر-

قد ارا آن در مورد افعال این آقایان قضاوت قطعی را خواهند کرد.

رهنم محمد رضا شاه برای ایجاد "جزیره ثبات" قارت امپریالیستهای گوناگون، بخاطر تأمین سلطه بلاخارج امپریالیسم آمریکا در ایران، برای بخارت دادن منابع و معادن زیر زمینی میهنان و بنظر تضمین بهره کشی خلق توسط آنها و طبقات ارتجاعی ایران تیر فاشیستی خود را توسعه داده و ایران را به زندان آزاد یخوهران و میهن پرستان تبدیل کرده است. کشتار گروهی کارگران، دهقانان، دانشجویان، روشنفکران، رفقای چریک، روحانیون و... بنزیر کشیدن قریب ۱۰۰ هزار نفر از بهترین فرزندان خلق، تادندان مسلح شدن ارتش، تفتیش دیوانوار ساواک، پلیس و ژاندارمری، بمعبد گرفتن نقش و اندازی منطقه به نهایت امپریالیسم آمریکا و سایر امپریالیستهای غریب، هجوم به عان بنظر سرکوب جنبش آزاد بخش آن سرزمین و... همه و همه برخاستن تباری، جنایت پرستی و توکر منشی رهنم شاه گواهی میدهد.

این حکومت، حکومتی دست نشانده و غلام حلقه بگوش امپریالیسم. چنین رژیمی ماهیتاً هرگز نخواهد توانست کوچکترین عدهی در جهت منافع ملی ایران بر دارد. خیال خامی است اگر لحظهای تصور رود که حکومتی چون رژیم پوتالی محمد رضا شاه منافع جز منافع امپریالیستها و امر مشخص امپریالیسم آمریکا و طبقات ارتجاعی ای که این رژیم حافظ و تأمین کننده منافعشان است، در نظر دارد.

طبقات حاکمه که در رأس آن شخص شاه قرار دارد، در تار و پود به امپریالیسم تنیده شده اند. مانورهای مهرهای این طبقات و شخص شاه را فقط از دیدگاه وابستگی آنان به امپریالیسم میتوان ارزیابی نمود. سفیانه، آنانکه این مانورها و حرکات را به مقطع دیگر برده و سعی میکنند برای آن محلی از منافع خلق بوجود آورند.

مبارزه قاطع و آشتی ناپذیر با این رژیم، بدون مبارزه با امپریالیستها و دولت خد خلق شوروی و قبل از همه امپریالیسم آمریکا غیر ممکن است. این مبارزه امر مقدسی است که با قاطعیت توسط خلق ایران دنبال میگردد و پیوسته به سطوح وسیعتری گسترش مییابد.

توده دانشجویان ایرانی خارج کشور نیز بمثابة بخشی از خلق ایران از شانزده سال پیش تحت رهبری کفدراسیون جهانی این مبارزه را دنبال کرده و هر روز به موفقیتهای چشمگیری دست یافته است. حیثیت والای کفدراسیون جهانی در بین نیروها، محافل و سازمانهای انقلابی، مترقی، دمکراتیک، خدا فاشیست و لیبرال از این مبارزه طولانی سرچشمه گرفته است. این مبارزات موفقت آمیز سنن پرافتخار و دستاوردهای گرانبهای را برای جنبش دانشجویی ما پرمشان آورده است.

هدای در یکی دو سال گذشته بدنبال منافع گروهی خویش بگذاشته خود در درون کفدراسیون پست کردند. دستاوردها و مواضع کفدراسیون را که در طی سالهای طولانی فعالیت متحد بدان دست یافته بودیم به فراموشی سپرده و از جنبش متحد دانشجویی خارج کشور بر رهبری کفدراسیون جهانی کتاره گرفتند. کودتاگرانه نام کفدراسیون بر خود گذاشتند و با این نام به تفرقه جوئی و گند نمودن مبارزات دانشجویی خارج کشور مشغول شدند. از آنجا که این آقایان قادر به دفاع از انحرافات سیاسی خود در بین توده دانشجویان نبودند، روز بروز بیشتر متفرق شدند. ولی دست از کار نکشیده با تهمت و افترا و دروغ پردازی و شایعه سازی به مخشوش کردن افکار پرداختند تا شاید بتوانند بدین ترتیب انحرافات خود را از انظار مخفی نگاهداشته و به امیال گروهی خود جامعه عمل بپوشانند.

لیکن دروغو رسواست و سنگی که ایشان برداشته اند عاقبت بروی پای خودشان خواهد افتاد.

تکلف آور اینکه اینها نام این انحرافات و مواضع تسلیم طلبانه خود را در پوشش "دفاع از مبارزات چریکی" جا- میزنند. در حالیکه سازمانهای چریکی و سایر رزندگان خلق با امپریالیسم و طبقات حاکمه ایران- که در رأس آن محمد رضا شاه قرار دارد- بمبارزه مرگ و زندگی مشغولند، این آقایان بدنبال سازش با حقایق از امپریالیسم و دو- لت خدا خلقی شوروی و جناحهای "خداستبداد" طبقات حاکمه روانند. همیشه این که این حضرات تمام این انحرافات خود را در پوشش "ریزنده"، "کفدراسیون" و... دنبال میکنند.

ما لازم میدانیم بار دیگر باینان هشدار دهیم، از کجراهی که میروند بازگردند! ضایع گروه کوچک خود را تابع منافع خلق نمائند، پیش از این سه راه مبارزات خدا رژیم و خدا امپریالیستی خلق ایران نشده و فاعله خود را با این مبارزات بیشتر نکند. چه ادا راهی که ایشان در پیش گرفته اند، سرنوشت دردناکی را برایشان به همراه خواهد آورد.

هیئت اجراییه انجمن مونیخ

سند شماره ۲۷ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (امتناع جبهه ملی ایران در دفاع از حقوق دموکراتیک و تحت پیگردان سیاسی مخالفش بر مبنای ایدئولوژیک)

"انحراف"

انشعاب

کارشکنی در مبارزات ضد رژیمی - ضد امپریالیستی

۱۹ ژوئن ۱۹۷۶

مارش اعتراضی مونیخ - داخائو در تاریخ ۱۱/۶/۷۶ با موفقیت برگزار گردید. در طول ۹ ساعت مارش، شهر مونیخ و داخائو شاهد خروش بی‌امان خلق ایران بود که توسط شرکت‌کنندگان در مارش انعکاس می‌یافت و افکار عمومی را متوجه جنایاتی می‌کرد که محمدرضاشاه در آستانه جشن‌های مسخره‌آمیز پنجاه‌سالگی دودمان ننگین پهلوی انجام می‌دهد. انعکاس موفقیت‌آمیز این مارش اعتراضی می‌توانست بیش از این باشد و بیش از این چهره جنایت‌کارانه محمدرضاشاه را در معرض دید عموم بگذارد. ولی متأسفانه کارشکنی‌هایی که در مورد برگزاری این مارش توسط انشعابیون از کنفدراسیون صورت گرفت بسیاری از کارهای تبلیغاتی و تدارکاتی را که انجام شده بود به هدر داد. زیرا که این کارها به منظور برگزاری مارش در تاریخ ۵ ژوئن انجام شده بود و در این روز نمایندگان مطبوعات نیز در محل آغاز مارش حضور یافته بودند. هرچند که برگزاری مارش در ۵ ژوئن می‌توانست برای بیش‌تری در بین افکار عمومی داشته باشد، لیکن با وجود آن موفقیت مارش برگزارشده در ۱۱ ژوئن خاری بود که در چشم محمدرضاشاه و تمام دشمنان خلق ایران نشست. چنان‌که قبلاً در اعلامیه ۷۶/۶/۳ به اطلاع همگان رساندیم مارش اعتراضی به علت دروغ‌ها و افتراهای که انشعابیون در نزد جوانان سوسیالیست مونیخ (JUSO) به ما نسبت دادند، به تعویق افتاد و آنها که مارش را در نزد پلیس معرفی کرده بودند، معرفی خود را پس گرفتند و عدم وقت کافی (۴۸ ساعت) امکان معرفی مجدد را برای همان روز از ما سلب نمود. بدین ترتیب یک اکسیون ضد رژیمی در نتیجه کارشکنی عده‌ای تنگ‌نظر به تعویق افتاد و مطمئناً کنسولگری شاه در مونیخ نیز از عمل زشت این حضرات بسیار خرسند گردید.

ما بر آنیم که مبارزات ضد رژیمی و ضد امپریالیستی توده دانشجوی هرگز با کارشکنی‌ها و افتراهای این حضرات متوقف نخواهد شد، بلکه هر روز اعتلاء بیش‌تری خواهد یافت و رژیم شاه را افزون‌تر از گذشته افشاء خواهد کرد. مراد ما از نشان دادن چهره واقعی این حضرات نیز قاطع‌تر کردن مبارزات ضد رژیمی - ضد امپریالیستی و جلوگیری از کارشکنی‌هایی است که این آقایان در مبارزات ما می‌کنند و سعی خواهند کرد در آینده بدان ادامه دهند.

این حضرات بعد از کارشکنی در فعالیت‌های ضد رژیمی و از جمله در برگزاری مارش مونیخ - داخائو در نزد توده دانشجوی رسوا شدند. ولی به منظور توجیه عمل ننگین خود دست به انتشار افتراهای تحت عنوان "جواب به اتهامات خط راست" زدند. ما مطالعه این "افترا نامه" را به همه طرفداران جنبش دانشجویی توصیه می‌نماییم. چه این "سند" خود دال بر ورشکستگی سیاسی آنهاست و با دردست داشتن آن ساده‌تر از گذشته می‌توان نقش انحرافی آنان را به قضاوت عموم گذارد.

آنها در افترا نامه ۹ ژوئن خود به این سؤال مشخص جواب نداده‌اند که چرا در یک اکسیون ضد رژیمی که خود نیز به ضد رژیمی بودن آن معترفند کارشکنی کرده‌اند؟ (مراجعه شود به "اعلامیه" ۹ ژوئن این حضرات) در عوض به عبث کوشیده‌اند با تهمت‌هایی مثل اینها "خط راست" اند، اینها از "فاشیست‌های آنگولا" پشتیبانی می‌کنند، اینها "برای جنایات رژیم شاه خوب و بد می‌تراشند"، اینها "چریک‌های رزمنده ایران را تقویت کننده پنجه‌های رژیم اعلام می‌دارند"، اینها "مبارزات واقعی ضد رژیم را به پیش نمی‌برند و ... اذهان را معشوش کنند. در صورتی که هر انسان عاقلی با خواندن همین افترا نامه به این حضرات خواهد گفت: مگر همین مارش بر علیه کشتار میهن‌پرستانی که اکثرشان از رفقای سازمان مجاهدین خلق بودند نبود؟ مگر این مارش یک اکسیون قاطع ضد رژیمی - ضد امپریالیستی نبود؟

برای ما غیر قابل تصویری نبوده و نیست که این منحرفین به خرابکاری و کارشکنی خود در مبارزه ضد رژیمی ادامه دهند. لیکن اینان و مردمانی از این قماش هرگز موفق نخواهند شد که جنبش دانشجویی را تابع منافع محدود گروهی خود سازند و از راه خدمت به خلق ایران به انحراف بکشانند.

مواضع، دستاوردها و مصوبات کنفدراسیون جهانی در طول مبارزات خود حقانیت خویش را به اثبات رسانده‌اند. ما با تکیه به این سنن و دستاوردهای پر افتخار راه کنفدراسیون را ادامه خواهیم داد و وسیع‌ترین نیروها را به پشتیبانی از جنبش دانشجویی و مبارزات به حق خلق ایران بازهم بیش‌تر از گذشته بر خواهیم انگيخت. کنفدراسیون همواره به منظور افشار رژیم ارتجاعی شاه و دفاع از مبارزات خلق ایران سعی کرده تا

پشتیبانی همه نیروهای مترقی، ضدفاشیست، دمکرات و لیبرال را جلب کرده و به نیروی مادی تبدیل نماید و در این راه نیز از موفقیت‌های بسیار برخوردار بوده است.

کنفدراسیون در طی مبارزات خود همواره از پشتیبانان درازمدت و کوتاه‌مدت سخن گفته است. امروز نیز ما همچنان بدان پای بندیم و طیف وسیع این سازمان‌ها را به پشتیبانی از مبارزات خلق ایران جلب خواهیم کرد. لیکن هرگز فراموش نمی‌کنیم که هر یک از این نیروها عناصر و سازمان‌ها بر اساس ماهیت و منافع خود به پشتیبانی از ما اقدام می‌کنند. بدینوسیله برای ما هرگز مرز بین نیروهای ضد امپریالیست و لیبرال مخدوش نمی‌گردد.

این آقایان انشعابی در گذشته همراه با ما این مواضع سیاسی را داشته‌اند و در فعالیت‌های کنفدراسیون نیز به اتفاق ما بدان جامه عمل پوشانده‌اند. ولی امروز چه تغییری به وجود آمده که فهم این حضرات از سازمان‌های مترقی ضدامپریالیست و ... دگرگون شده است؟ مگر نه اینکه ما در گذشته متحداً "کمیته مرکزی حزب توده" و Spartakus نوزاد تنی DKP را به عنوان ضد مبارزات خلق و جنبش دانشجویی ایران و به عنوان پایه گزاران بومی دولت ضدخلق شوروی در کنگره‌های کنفدراسیون محکوم نمودیم؟ مگر نه اینکه در کنگره ۱۶ کنفدراسیون متحداً بر علیه GIM قطعنامه تصویب کردیم؟

پس ناگهان چه شده که GIM.Spartakus، و ... به درون طیف وسیع "...سازمان‌های انقلابی نیروها و عناصر مترقی دمکرات و لیبرال ..." پشتیبان حضرات راه یافتند؟

چه شد که داروسته "کمیته مرکزی حزب توده" به نیروی تبدیل شد که با اینان فقط "هم‌عقیده" سیاسی نیست؟! آنها در افترا نامه ۹ ژوئن خود ما را "متهم" می‌کنند که با سازمان‌های "KPD و KPD/ML و سازمان‌هایی از همین قماش ..." همکاری داریم. مگر نه اینکه کنفدراسیون جهانی در طی سال‌های طولانی مبارزات خود با این سازمان‌ها به عنوان سازمان‌های مترقی همکاری پیگیرداشته است؟

اینان با تمام پشت پاهائی که به مواضع سیاسی کنفدراسیون جهانی زده‌اند، خود را "میراث‌خوار" کنفدراسیون می‌دانند و نام کنفدراسیون را بر خود "زینده" می‌دانند، ولی مدافعین و ادامه‌دهندگان خط‌مشی کنفدراسیون را "طردشده" از کنفدراسیون و "خط راست" وانمود می‌نمایند. آری این حضرات در حالی که با "اتهام"، "خط راست" کارشکنی در امر مبارزه ضدژیمی - صدارتجاعی را مجاز می‌شمرند خود به راست‌ترین نیروها گرایش پیدا می‌کنند و با مهر باطل‌شده "مائوئیسم" به تخطئه مبارزات ضدژیمی و ضدامپریالیستی می‌پردازند. با این سیاست اینان به دنبال دو جریان خطرناک افتاده‌اند: ۱- با کمیته مرکزی "حزب توده" این‌خائنین به خلق ایران و ابر قدرت شوروی هم‌آوا می‌گردند و ۲- به آغوش نیروهای که در حقیقت مدافع منافع بخشی از انحصارات امپریالیستی‌اند می‌روند و آنها را منحصرآ نیروهای "مترقی" قلمداد می‌کنند.

واقعیت این است که این حضرات اینک در صدند مبارزات ضدژیمی - ضدامپریالیستی توده دانشجویی را همپای "کمیته مرکزی حزب توده" فقط تا سطح مبارزه "ضداستبداد محمدرضاشاهی" تنزل دهند. و در همین‌جاست که حساب ویژه‌ای برای ابرقدرت شوروی و سرمایه‌داری انحصاری بعضی از کشورهای امپریالیستی باز می‌کنند و به اصطلاح "حمایت" وابستگی به این انحصارات را در ایران برای خود فراهم می‌کنند (!!!).

پس آقایان شما چگونه معیاری برای پشتیبانی از مبارزین درون کشور و از جمله رفقای چریک دارید، که کسانی که آکسیون پشتیبانی از آنها و برعلیه رژیم محمدرضاشاه می‌گذارند، "ضدچریک"‌اند و ضدژیم نیستند، ولی شما که در این آکسیون کارشکنی می‌کنید، پشتیبان مبارزین درون کشور و مبارز "قاطع" ضدژیم هستید؟

این آقایان چرا در مارش ضدژیم مونیخ - داخائو کارشکنی کرده‌اند؟ این سؤالی است که به سختی در برابر اینان قرار دارد و با هیچ گونه تهمت و افترائی قادر به فرار از زیر بار جواب به آن نیستند. مطمئناً جنبش دانشجویی و طرفداران آن در مورد اعمال این آقایان قضاوت قطعی را خواهند کرد.

رژیم محمدرضاشاه برای ایجاد "جزیره ثبات" غارت امپریالیست‌های گوناگون، به خاطر تأمین سلطه بلامنازع امپریالیسم آمریکا در ایران، برای به غارت دادن منابع و معادن زیرزمینی میهنمان و به منظور تضمین بهره‌کشی خلق توسط آنها و طبقات ارتجاعی ایران ترور فاشیستی خود را توسعه داده و ایران را به زندان آزادیخواهان و میهن‌پرستان تبدیل کرده است. کشتار گروهی کارگران، دهقانان، دانشجویان، روشنفکران، رفقای چریک، روحانیون و ... به زنجیرکشیدن غریب ۱۰۰ هزار نفر از بهترین فرزندان خلق، تا دندان مسلح شدن ارتش، تقویت دیوانه‌وار ساواک، پلیس و ژاندارمری، به عهده گرفتن نقش ژاندارمی منطقه به نیابت امپریالیسم آمریکا و سایر امپریالیست‌های غربی، هجوم به عمان به منظور سرکوب جنبش آزادیبخش آن سرزمین و ... همه و همه بر خیانت‌کاری، جنایت‌پیشگی و نوکرمنشی رژیم شاه گواه می‌دهد.

این حکومت، حکومتی دست‌نشانده و غلام حلقه‌بگوش امپریالیسم، چنین رژیمی هرگز نخواهد توانست کوچک‌ترین قدمی در جهت منافع ملی ایران بردارد. خیال خامی است اگر لحظه‌ای تصور رود که حکومتی چون رژیم پوشالی محمدرضاشاه منافعی جز منافع امپریالیست‌ها و در امر مشخص امپریالیسم آمریکا و طبقات ارتجاعی‌ای که این رژیم حافظ و تأمین کننده منافعشان است، در نظر دارد.

طبقات حاکمه که در راس آن شخص شاه قرار دارد، در تاروپود به امپریالیسم تنیده شده‌اند. مانورهای مهره‌های این طبقات و شخص شاه را فقط از دیدگاه وابستگی آنان به امپریالیسم می‌توان ارزیابی نمود. سقیه‌اند، آنانکه این مانورها و حرکات را به مقطع دیگر برده و سعی می‌کنند برای آن محملی از منافع خلق به وجود آورند.

مبارزه قاطع و آشتی ناپذیر با این رژیم، بدون مبارزه با امپریالیست‌ها و دولت ضدخلق شوروی و قبل از همه امپریالیسم آمریکا غیر ممکن است. این مبارزه امر مقدسی است که با قاطعیت توسط خلق ایران دنبال می‌گردد و پیوسته به سطوح وسیع‌تری گسترش می‌یابد.

توده دانشجویان ایرانی خارج از کشور نیز به مثابه بخشی از خلق ایران از شانزده سال پیش تحت رهبری کنفدراسیون جهانی این مبارزه را دنبال کرده و هر روز به موفقیت‌های چشم‌گیرتری دست یافته است. حیثیت والای کنفدراسیون جهانی در بین نیروها، محافل و سازمان‌های انقلابی، مترقی، دموکراتیک، ضدفاشیست و لیبرال از این مبارزه طولانی سرچشمه گرفته است. این مبارزات موفقیت‌آمیز سنن پرافتخار و دستاوردهای گرانبهائی را برای جنبش دانشجویی ما به ارمغان آورده است.

عده‌ای در یکی دوسال گذشته به دنبال منافع گروهی خویش به گذشته خود در درون کنفدراسیون پشت کردند. دستاوردها و مواضع کنفدراسیون را که در طی سال‌های طولانی فعالیت متحد بدان دست یافته بودیم به فراموشی سپرده و از جنبش متحد دانشجویی خارج کشور به رهبری کنفدراسیون جهانی کناره گرفتند. کودتاگرانه نام کنفدراسیون بر خود گذاشتند و با این نام به تفرقه جوئی و کند نمودن مبارزات دانشجویی خارج کشور مشغول شدند. از آنجا که این آقایان قادر به دفاع از انحرافات سیاسی خود در بین توده دانشجو نبودند، روز به روز بیش‌تر منفرد شدند. ولی دست از کار نکشیده با تهمت و افترا و دروغ پردازی و شایعه‌سازی به معشوش کردن افکار پرداختند تا شاید بتوانند بدین ترتیب انحرافات خود را از انظار مخفی نگاه‌داشته و به امیال گروهی خود جامعه عمل ببوشانند.

لیکن دروغگو رسواست و سنگی که اینان برداشته‌اند عاقبت به روی پای خودشان خواهد افتاد.

شگفت آور اینکه اینها تمام این انحرافات و مواضع تسلیم‌طلبانه خود را در پوشش "دفاع از مبارزات چریکی" جا می‌زنند. در حالی که سازمان‌های چریکی و سایر رزمندگان خلق با امپریالیسم و طبقات حاکمه ایران - که در راس آن محمدرضاشاه قرار دارد - به مبارزه مرگ و زندگی مشغولند، این آقایان به دنبال سازش با جناحی از امپریالیسم و دولت ضدخلق شوروی و جناح‌های "ضداستبداد" طبقات حاکمه روانند. عجیب‌تر این که این حضرات تمام این انحرافات خود را در پوشش "رزمنده"، "کنفدراسیون" و ... دنبال می‌کنند.

ما لازم می‌دانیم بار دیگر به اینان هشدار دهیم، از کجراهی که می‌روند بازگردند! منافع گروه کوچک خود را تابع منافع خلق نمایند، بیش از این سد راه مبارزات ضدژیمی و ضدامپریالیستی خلق ایران نشده و فاصله خود را با این مبارزات بیش‌تر نکنند. چه ادامه راهی که اینان در پیش گرفته‌اند، سرنوشت دردناکی را برایشان به همراه خواهد آورد.

هئیت اجرایی انجمن مونیخ"

سند شماره ۲۸ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (امتناع جبهه ملی ایران در دفاع از حقوق دموکراتیک و تحت پیگردان سیاسی مخالفش بر مبنای ایدئولوژیک)

بخشنامه به کلیه واحدها برای قرائت در جلسه عمومی

د ارشادات ۲۶/۱۱/۱۱

برای قرائت در جلسه عمومی

بخشنامه به کلیه واحدها

رفقا،

پیرو فراخوان هیئت دبیران آلمان علیه اقدامات ارتجاعی امپریالیسم فرانسه ارسال میگردد.

با توجه با اهمیت حوادثی که اتفاق افتاده، با توجه باین مسأله که حمله دولت امپریالیستی فرانسه و سازمان امنیت شاه در حقیقت علیه این یا آن بخش از نیروی آیزوسیون مترقی ایرانی در فرانسه نیست، بلکه توطئه‌ای جهت ضربه زدن به مبارزات بحق دانشجویان در خارج از کشور علیه رژیم منفور شاه و اربابان امپریالیستیش میباشد، از این رو لازم است با تمام قوا برای درهم شکستن این توطئه و نجات جان رفقای زندانی و بازگرداندن رفقای اخراجی از فرانسه مبارزه کنیم.

هیئت دبیران بر این عقیده است که برای پیشبرد مبارزه متحد و عمیقاً ضد امپریالیستی جنبش دانشجویی ایران زمان ازمایش بزرگ فرا رسیده است. زمان آن رسیده است که با وجود اختلافات، متحداً بپا خواسته و با رجحان دادن منافع خلق و جنبش دانشجویی بر منافع گروهی در بسیج هرچه بیشتر برای شرکت در اکسیونهای اعتراضی کوشید. هیئت دبیران فدراسیون با در نظر گرفتن عمق این تهاجم میگوید تا زمینه همکاری و یا لااقل هماهنگی کردن اکسیونهای مربوطه فراهم آورد. روشن است که در این میان آن بیش از ارتجاعی که بریدن نهایی از جنبش را در سمینار ماینس قطری داد، مورد نظر نیست. متأسفانه از همان گام نخست، انشعابگرانی که بنام کفدراسیون دل خوش کرده و از این راه سودا میکنند، بمناسبت دید تنگ خود و عدم درک عمیق حمله ارتجاع از هرگونه اقدامی که بتواند زمینه اکسیونهای وسیع و دامنه دار را فراهم سازد خودداری کردند. آنها که خود را وارث نام کفدراسیون میدانند و بمسائل از این زاویه مینگرند بجای اقدام در جهت بسط مبارزات در این مورد مشخص کوشش کردند تا با مشروط ساختن قبول مرکزیت خود، کوششهای در این مورد را عقیم گذارده بجای پاسخ به حمله ارتجاع و امپریالیسم انرا ابزاری برای ارضیه طلبی خود قرار دهند. اما کفدراسیون نام نیست، تابلی نیست و متعلق بگروه خاصی نمیشد. کفدراسیون شره مبارزات توده دانشجویی است، محتوی و بیانگر مبارزه علیه امپریالیسم و رژیم دست نشانده آن شاه است.

شئیت دبیران کوشش خواهند کرد تا مبارزه علیه این توطئه مشترک امپریالیسم فرانسه و رژیم شاه را هرچه گسترده تر و با حمایت کلیه دانشجویان مبارزی که تنها دفاع از منافع والای خلق را وجه همت خود قرار داده اند به پیش ببرند. در این رابطه واحد ها موظفند:

- ۱- تلگرافی اعتراضی به وزیر داخله فرانسه ارسال دارند و رونوشتی از انرا برای وزارت دادگستری و فدراسیون آلمان بفرستند. خواستهای ما در این تلگراف اعتراضیه دستگیری رفقای ماست. ما خواست آزادی فوری رفقا و لغو احکام اخراج سایر رفقای اخراجی خواهیم شد و می خواهیم تا دولت فرانسه از دانشجویان ایرانی رفع تضییق بعمل آورد.
- ۲- برگزاری میتینگ و یا تظاهرات اعتراضی در مقابل نمایندگیهای دولتی فرهنگی... فرانسه و اعزام هیئت های نمایندگی... به نمایندگی های دولتی و فرهنگی... فرانسه و اعلام خواسته های ما همراه با اعتراض.
- ۳- پخش وسیع اعلامیه های فارسی در بین ایرانیان و بسیج آنها برای شرکت در تظاهرات مرکزی که زمان آن بعد اعلام خواهد شد و همچنین دیگر اکسیونهای اعتراضی.
- ۴- پخش اعلامیه در بین آلمانیها و بسیج افکار عمومی در این زمینه.
- ۵- با ایست امضاء ضمیمه بجمع آوری امضاء در شهر و نماز و ارسال نسخه های آنها برای وزارت داخله فرانسه، دادگستری فرانسه و دبیران فدراسیون آلمان.
- ۶- گزارش فوری اقدامات انجام شده توسط تلفن و تماس مرتب با دبیران فدراسیون آلمان شماره تلفن ۰۶۱۰۱-۱۱۲ ۵۱۷.

خواسته های ما عبارتند از:

- ۱- آزادی فوری رفقای زندانی در فرانسه (نادر اسکویی، محمد رضا تکبیری)
- ۲- لغو احکام اخراج رفقا کاظم کردوانی، پروانه پور طهماسبی، بهروز عارفی و فیروز صدارت و اجازه اقامت مجدد آنها در فرانسه
- ۳- پایان دادن به پیگردان های پلیس فرانسه و رفع تضییق از دانشجویان ضد فاشیست ایرانی.

هیئت دبیران فدراسیون

سند شماره ۲۸ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (امتناع جبهه ملی ایران در دفاع از حقوق دموکراتیک و تحت پیگردان سیاسی مخالفش بر مبنای ایدئولوژیک)

دارمشتات ۷۶/۱۱/۱۱

برای قرائت در جلسه عمومی

بخشنامه به کلیه واحدها

رققا،

پیرو فراخوان هئیت دبیران آلمان علیه اقدامات ارتجاعی امپریالیسم فرانسه ارسال می‌گردد.

با توجه به اهمیت حوادثی که اتفاق افتاده، با توجه به این مسئله که حمله دولت امپریالیستی فرانسه و سازمان "امنیت" شاه در حقیقت علیه این یا آن بخش از نیروی اپوزیسیون مترقی ایرانی در فرانسه نیست، بلکه توطئه‌ای جهت ضربه زدن به مبارزات به حق دانشجویان در خارج از کشور علیه رژیم منقر شاه و اربابان امپریالیستش می‌باشد، از این رو لازم است با تمام قوا برای درهم شکستن این توطئه و نجات جان رفقای زندانی و بازگرداندن رفقای اخراجی از فرانسه مبارزه کنیم.

هئیت دبیران بر این عقیده است که برای پیشبرد مبارزه متحد و عمیقاً ضدامپریالیستی جنبش دانشجویی ایران زمان آزمایش بزرگ فرا رسیده است. زمان آن رسیده است که با وجود اختلافات، متحداً به پا خاسته و با رجحان دادن منافع خلق و جنبش دانشجویی بر منافع گروهی در بسیج هر چه بیش‌تر برای شرکت در آکسیون‌های اعتراضی کوشید. هئیت دبیران فدراسیون با در نظر گرفتن عمق این تهاجم می‌کوشد تا زمینه همکاری و با لاقل هماهنگ کردن آکسیون‌های مربوطه را فراهم آورد.

روشن است که در این میان آن بینش ارتجاعی که بریدن نهانی از جنبش را در سمینار ماینس قطعیت داد، مورد نظر نیست. متأسفانه از همان گام نخست، انشعاب‌گرانی که به نام کنفدراسیون دل خوش کرده و از این راه سودا می‌کنند، به مناسبت دید تنگ خود و عدم درک عمق حمله ارتجاع از هر گونه اقدامی که بتواند زمینه آکسیون‌های وسیع و دامنه دار را فراهم سازد خودداری کردند. آنها که خود را وارث نام کنفدراسیون می‌دانند و به مسائل از این زاویه می‌نگرند به جای اقدام در جهت بسط مبارزات در این مورد مشخص کوشش کردند تا با مشروط ساختن قبول مرکزیت خود، کوشش‌های در این مورد را عقیم گذارده به جای پاسخ به حمله ارتجاع و امپریالیسم آنرا ابزاری برای ارضیه‌طلبی خود قرار دهند. اما کنفدراسیون نام نیست، تابلو نیست و متعلق به گروه خاصی نمی‌باشد. کنفدراسیون ثمره مبارزات توده دانشجویان است، محتوی و بیانگر مبارزه علیه امپریالیسم و رژیم دست‌نشانده آن شاه است.

هئیت دبیران کوشش خواهند کرد تا مبارزه علیه این توطئه مشترک امپریالیسم فرانسه و رژیم شاه را هرچه گسترده‌تر و با حمایت کلیه دانشجویان مبارزی که تنها دفاع از منافع والای خلق را وجه همت خود قرار داده‌اند به پیش ببرند. در این رابطه واحدها موفقند:

۱- تلگرافی اعتراضی به وزیر داخله فرانسه ارسال دارند و رونوشت‌هایی از آنرا برای وزارت دادگستری و فدراسیون آلمان بفرستند. خواست‌های ما در این تلگراف اعتراض به دستگیری رفقای ماست. ما خواستار آزادی فوری رفقا و لغو احکام اخراج سایر رفقای اخراجی خواهیم شد و می‌خواهیم تا دولت فرانسه از دانشجویان ایرانی رفع تضییق به عمل آورد.

۲- برگزاری میتینگ و یا تظاهرات اعتراضی در مقابل نمایندگی‌های دولتی، فرهنگی ... فرانسه و اعزام هیئت‌های نمایندگی ... به نمایندگی‌های دولتی و فرهنگی ... فرانسه و اعلام خواسته‌های ما همراه با اعتراض.

۳- پخش وسیع اعلامیه‌های فارسی در بین ایرانیان و بسیج آنها برای شرکت در تظاهرات مرکزی که زمان آن بعداً اعلام خواهد شد و همچنین دیگر آکسیون‌های اعتراضی.

۴- پخش اعلامیه در بین آلمانی‌ها و بسیج افکار عمومی در این زمینه.

۵- با لیست امضاء ضمیمه به جمع‌آوری امضاء در شهر و منزا و ارسال نسخه‌های آنها برای وزارت داخله فرانسه، دادگستری فرانسه و دبیران فدراسیون آلمان.

۶- گزارش فوری اقدامات انجام شده توسط تلفن و تماس مرتب با دبیران فدراسیون آلمان شماره تلفن ۰۶۱۵۱-۱۶۲۵۱۷ خواست‌های ما عبارتند از :

۱- آزادی فوری رفقای زندانی در فرانسه (نادر اسکویی، محمدرضا تکبیری).

۲- لغو احکام اخراج رفقا کاظم کردوانی، پروانه پورطهماسبی، بهروز عارفی و فیروز صدارت و اجازه اقامت مجدد آنها در فرانسه.

۳- پایان دادن به پیگردهای پلیس فرانسه و رفع تضییق از دانشجویان ضدفاشیست ایرانی.

هئیت دبیران فدراسیون

سند شماره ۲۹ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (امتناع جبهه ملی ایران در دفاع از حقوق دموکراتیک و تحت پیگردان سیاسی مخالفش بر مبنای ایدئولوژیک)

عقد اخوت شاه - رئیسکار دستن قربانی می طلبد

عقد اخوت شاه - رئیسکار دستن قربانی می طلبد

"فراخوان"

به همه ایرانیان میهن پرست،

رفقا،

در روز ۲ نوامبر رئیس شبکه سازمان جنایت پیشه "امنیت" در پاریس بنام همایون کیکاووسی بر اثر اصابت گلوله در پاریس کشته شد و باین ترتیب دفتر زندگی سیاه یک جنایتکار دیگر محمد رضا شاه بسته شد. علیرغم اینکه یک گروه فرانسوی بنام "بریکاد بین المللی" با ذکر دلائل و شواهد کافی مسئولیت این اقدام را بعهده گرفت و آنرا رسماً اعلام کرد، امپریالیسم فرانسه لازم دید که مسئولیت اقدام گروه اخیر را به پای دانشجویان مترقی ایرانی در فرانسه بنویسد تا از رشد نهضت دانشجویی ایرانی در فرانسه که پیوسته اخیراً در تشکیک توده های دانشجویی نقش ارزنده ای ایفا کرده است، جلوگیری کند.

متعاقب این اقدام حساب شده امپریالیسم کهنه کار فرانسه که با همکاری سازمان "امنیت" ایران صورت میگیرد، برخی از دانشجویان مترقی ایرانی دیتنگیر و بزند آن افکنده شده و تحت فشارهای غیر انسانی قرار میگیرند. رفقا نادر اسکویی و محمد رضا تکبیری اعضاء کنفدراسیون جهانی به این اتهام واهی و مضحک گرفتار آمدند که "عامل مستقیم شرکت در سوء قصد به کیکاووسی بوده و باین ترتیب کیوتین مموکراسی" فرانسه باید با قربانی دو دانشجوی پشور، پیوند جنایت و خیانت امپریالیسم فرانسه و رژیم فاشیستی و دست نشانده شاه را تحکیم بخشد. برای تدارک کامل توطئه و محو صحنه از وجود شهیدی که قادر به خنثی کردن اتهام پلیس بودند، رفقا کاظم کردوانی، فیروز صدارت و پروانه پور طهماسبی را از فرانسه اخراج میکنند که هم اکنون در بازداشتگاه فرودگاه استکلم در انتظار اخذ اجازه ورود به سوئد بسر میبرند.

تمام تبلیغات سرسام آور مبارزه علیه "تروریسم" در فرانسه پیوسته بعد از عقد قراردادهای چند میلیارد دلاری شاه با رئیسکار دستن، تمام اقدامات پلیس فرانسه که با پرونده سازی، تعقیب و پیگرد فاشیستی ایرانیان ضد فاشیست و ضد امپریالیست در فرانسه دنبال میشود و بدون کوچکترین دلیل و مجوز قانونی آنها را بازداشت و اخراج می نماید، حاکی از نقشه ایست که از مدتها قبل برای سرکوب جنبش مقتدر دمکراتیک دانشجویان ایرانی در فرانسه آماده شده است. این اقدامات عکس العمل عقد مودت شاه - رئیسکار دستن و بر ملا گشتن همکاری پلیسی اینگونه کشورها با ساواک ایران میباشد. در این موقعیت امپریالیسم فرانسه فرصت را مغتنم شمرده تا ضرباتی را که با و وارد شده به نحوی جبران گرداند. کماندوی ضد "تروریسم" فرانسه که اخیراً امکان حیات یافته اولین طعمه خود را با خیال آسوده پیماید تا هم از قدر قدرتی و ابهت پلیسی اذهان را پر کند و هم زمینه ترور و خفقان را در شرایط بحرانی عمومی جهان سرمایه داری و موج عظیم نارضایتی مردم برای سرکوب و نابودی نیروهای مترقی و ضد فاشیستی فراهم گرداند.

دانشجویان مترقی ایرانی باین مبارزین پیگیر ضد رژیم جزا اولین قربانیان این دسیسه محسوب شده اند. بنیانوفسکی، وزیر داخله فرانسه در تلویزیون بخود میباید که بر "تروریسم" فائق آمده و از زمان آغاز کار کماندوهای کدائی خود توانسته ضربت های مهیجی بفرقه ظهور برساند. او میخواهد قدرت پلیس و اسلحه، قدرت توطئه گری و گستاخی خود را برخ طبقه کارگر فرانسه، همه ضد فاشیست ها، ضد امپریالیست ها و انقلابیون فرانسه بکشد. امپریالیسم فرانسه، این قاتل میلیون ها الجزایری و هندوچینی، خود در صف بزرگترین تروریست های تاریخ معاصر جهان و از همکاران تروریست های معظمی چون شاه و فرانکو است. مبارزه آنها علیه "تروریسم" وسیله ای برای توجیه ترور وحشیانه امپریالیستی است. اسلحه زنگ زده فاشیسم فرانسوی، برای سرکوب نهضت مترقی خلق در فرانسه که با یورش به خارجیان آغاز میگردد و مسلماً تنها به آنها ختم نخواهد شد در تاریخ مبارزات جنبش کارگری بی نظیر نیست. امپریالیسم فروتن و خونخوار امریکا با پرونده سازی، دسیسه و توطئه، شهید خریده شده، اربابو تطمیع، فرزندان انقلابی طبقه کارگر "ساکو" و "واتسنی" را بپای میز محاکمه کشید و آنها را بجرم اقدامات "تروریستی" ولی در حقیقت بخاطر عقاید سیاسی برای عبرت همه انقلابیون به اعدام محکوم کرد ولی غافل از اینکه نهضت انقلابی طبقه کارگر تاثر خود را به نیرو تبدیل کرد و در رأس نهضت های آزاد بیخش ضربات خود را بر پیکر محتضر امپریالیسم وارد آورد.

انگیزه دیگر این اقدام ارنجایی دولت امپریالیستی فرانسه، ضربه زدن به جنبش دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلق ایران و سریش

گذشتن به جنایات رژیم فاشیستی شاه است .
 رشد مبارزات خلق ایران هرروز اوج بیشتری میگیرد و میروند تا با سرنگونی رژیم فاشیستی شاه و قطع نفوذ امپریالیسم در ایران ،
 جامعه های آزاد و شکوفان بنا کند ، همچنین تشدید ترور فاشیستی ، حامیان امپریالیستی رژیم منقر شاه را بران داشته
 گشت که بخاطر حفظ منافع خود در ایران و منطقه ، منافعی که توسط این رژیم خائن شاه حفظ و نگهبانی میشود ، تهاجم جدیدی
 جهت سرکوب جنبش دانشجویی در خارج از کشور آغاز نمایند . جنبش دانشجویان ایرانی در خارج از کشور در این موقعیت
 که جنبش خلق هرروز اوج میگیرد و ترور فاشیستی در ایران بیداد میکند ، میتواند به بهترین وجهی با تبلیغ مبارزات خلق جبهه
 وسیع همبستگی جهانی با مبارزات رهایی بخش خلق ایران بوجود آورد و با افشای ترور فاشیستی شاه جنبش اعتراضی وسیعی
 علیه رژیم شاه در سطح جهانی وجود آورد . بنابراین اقدام دولت فرانسه - ساواک برای جلوگیری از ایجاد جبهه وسیع همبستگی
 جهانی با خلق ایران و بازگاردن دست شاه جلاد در ترور و خفقان فاشیستی هرچه بیشتر علیه خلق دلیر ایران است .
 حملات اخیر رخصتخانه پلیس فاشیستی فرانسه ماهیتا علیه افراد معینی نیست ، گروه خاصی را منظور ندارد ، بلکه این
 حمله متوجه همه نیروهای مترقی ایرانی است . رفقای ما در فرانسه قربانیان فعلی این برنامه دقیق اند . زمینه سازی تبلیغاتی
 برای معرفی کنفدراسیون بعنوان سازمانی " تروریستی " تدارک زمینه مساعد برای حمله به کل جنبش دانشجویی است .
 تجربه المپیک مونپیه و سرکوب سازمانهای کارگری و دانشجویی فلسطینی در زیر تبلیغات گوش خراش مبارزه علیه " تروریسم " از
 طرف امپریالیسم آلمان با تمام حدت امروز در مقابل چشمان ما خود نمائی میکند . ما این تجربه را بخاطر داریم و واقعیم که برای
 مبارزه با چنین تهاجمی ، برای مقابله با حمله فاشیستها مانند امروز ، هیچ راه دیگری جز همبستگی و یکپارچگی ، جز علیه بر
 حسابهای کاسیکاران موجود نیست . هیچ اقدام منفرد نمیتواند سد شکست و افکار عمومی را برای دفاع از رفقای زندانی
 ما و درهم شکستن توطئه بسیج کند . ما در این مبارزه تنها نیستیم و پیروز میشویم ، زیرا از خلق الهام میگیریم ، بر توده
 دانشجویانیکه داریم و افکار عمومی جهان را حامی خود میدانیم و رشته های مشترک پلیس فرانسه - ایران را پنبه خواهیم کرد
 هیئت دبیران فدراسیون آلمان با توجه به اهمیت مسئله و ابعاد توطئه در شرف تکوین معتقد است که باید کلیه میهن پرست ،
 ایرانی را بسیج کرده و متقابلا به تعرض همه جانبه دست زد و کلیه موانع را در این پیکار از سر راه زد و .
 لذا ما از همه ایرانیان میهن پرست ، توده های دانشجویی دعوت میکنیم از اکسیونهای کنفدراسیون جهانی دفاع برخیزند ، با
 تمام نیرو از آن دفاع کرده و کمکهای مادی و معنوی خود بیا یاری رسانند .
 در پشتیبانی از جنبش دانشجویی و مبارزه علیه رژیم و امپریالیسم در راه درهم شکستن توطئه شاه و امپریالیسم فرانسه بیا خیزید
 و برای تحقق خواسته های زیر مبارزه کنید :

- آزادی فوری رفقای زندانی در فرانسه نادر اسکوتی ، محمد رضا تکییری
 - لغو احکام اخراج رفقا کاظم کردوانی ، پروانه پورطهماسبی ، بهروز عارفی و فیروز صدارت و اجازه اقامت مجدد آنها در فرانسه
 - پایان دادن به پیکر های پلیس فرانسه و رفع تضییق از دانشجویان ضد فاشیست ایرانی

سرنگون باد رژیم فاشیستی و دست نشانده شاه
 - مرگ بر امپریالیسم ، فاشیسم و ارتجاع
 - مرگ بر امپریالیسم فرانسه
 پیروز باد مبارزان پیکرانیك و ضد امپریالیستی خلق ایران
 زنده باد جنبش دانشجویی ایران
 اتحاد مبارزه پیروزی

هیئت دبیران فدراسیون آلمان

۱۹۷۶/۱۱/۱۱

سند شماره ۲۹ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (امتناع جبهه ملی ایران در دفاع از حقوق دموکراتیک و تحت پیگردان سیاسی مخالفش بر مبنای ایدئولوژیک)

"عقد اخوت شاه- ژیسکار دیستن قربانی میطلبد"

"فراخوان"

به همه ایرانیان میهن دوست

رفقا،

در روز ۲ نوامبر رئیس شبکه سازمان جنایت پیشه "امنیت" در پاریس به نام همایون کیکاوسی در اثر اصابت گلوله در پاریس کشته شد و به این ترتیب دفتر زندگی سیاه یک جنایت کار دیگر محمدرضا شاه بسته شد.

علی رغم اینکه یک گروه فرانسوی به نام "بریگاد بین المللی" با ذکر دلائل و شواهد کافی مسئولیت این اقدام را به عهده گرفت و آنرا رسماً اعلام کرد، امپریالیسم فرانسه لازم دید که مسئولیت اقدام گروه اخیر را به پای دانشجویان مترقی ایرانی در فرانسه بنویسد تا از رشد نهضت دانشجویی ایرانی در فرانسه که به ویژه اخیراً در شکل توده های دانشجویی نقش ارزنده ای ایفاء کرده است، جلوگیری.

متعاقب این اقدام حساب شده امپریالیسم کهنه کار فرانسه که با همکاری سازمان "امنیت" ایران صورت می گیرد، برخی از دانشجویان مترقی ایرانی دستگیر و به زندان افکنده شده و تحت فشارهای غیر انسانی قرار می گیرند.

رفقا نادر اسکوئی و محمدرضا تکبیری اعضاء کنفدراسیون جهانی به این اتهام واهی و مضحک گرفتار آمده اند که "عامل مستقیم شرکت در سوء قصد به کیکاوسی" بوده و به این ترتیب گیوتین "دموکراسی" فرانسه باید با قربانی دو دانشجوی پرشور، پیوند جنایت و خیانت امپریالیسم فرانسه و رژیم فاشیستی و دست نشانده شاه را تحکیم بخشد.

برای تدارک کامل توطئه و محو صحنه از وجود شهودی که قادر به خنثی کردن اتهام پلیس بودند، رفقا کاظم کردوانی، فیروز صدارت و پروانه پورطهماسبی را از فرانسه اخراج می کنند که هم اکنون در بازداشتگاه فرودگاه استکهلم در انتظار اخذ اجازه ورود به سوئد به سر می برند.

تمام تبلیغات سرسام آور مبارزه علیه "تروریسم" در فرانسه به ویژه بعد از عقد قراردادهای چند میلیارد دلاری شاه با ژیسکار دیستن، تمام اقدامات پلیس فرانسه که با پرونده سازی، تعقیب و پیگرد فاشیستی ایرانیان ضد فاشیست و ضد امپریالیست در فرانسه دنبال می شود و بدون کوچک ترین دلیل و مجوز قانونی آنها را بازداشت و اخراج می نماید. حاکی از نقشه ایست که از مدت ها قبل برای سرکوب جنبش مقتدر دموکراتیک دانشجویان ایرانی در فرانسه آماده شده است. این اقدامات عکس العمل عقد مودت شاه- ژیسکار دیستن و بر ملا گشتن همکاری پلیسی اینگونه کشورها با ساواک ایران می باشد. در این موقعیت امپریالیسم فرانسه فرصت را مغتنم شمرده تا ضرباتی را که به او وارد شده به نحوی جبران گرداند. کماندوی ضد "تروریسم" فرانسه که اخیراً امکان حیات یافته اولین طعمه خود را با خیال آسوده می یابد تا هم از قدر قدرتی و ابهت پلیسی آذهان پر کند و هم زمینه ترور و خفقان را در شرایط بحران عمومی جهان سرمایه داری و موج عظیم نارضایتی مردم برای سرکوب و نابودی نیروهای مترقی و ضد فاشیستی فراهم گرداند.

دانشجویان مترقی ایرانی این مبارزین پیگیر ضد رژیم جزء اولین قربانیان این دسیسه محسوب شده اند.

بنیاتوفسکی، وزیر داخله فرانسه در تلویزیون به خود می بالد که بر "تروریسم" فائق آمده و از زمان آغاز کار کماندوهای کذائی خود توانسته ضرب شست های مهمی به منصفه ظهور برساند. او می خواهد قدرت پلیس و اسلحه، قدرت توطئه گری و گستاخی خود را به رخ طبقه کارگر فرانسه، همه ضد فاشیست ها، ضد امپریالیست ها و انقلابیون فرانسه بکشد. امپریالیسم فرانسه، این قاتل میلیون ها الجزایری و هندوچینی، خود در صف بزرگ ترین تروریست های تاریخ معاصر جهان و از همکاران تروریست های معظمی چون شاه و فرانکو است. مبارزه آنها علیه "تروریسم" وسیله ای برای توجیه ترور وحشیانه امپریالیستی است.

اسلحه زنگ زده فاشیسم فرانسوی، برای سرکوب نهضت مترقی خلق در فرانسه که با یورش به خارجیان آغاز می گردد و مسلمانان تنها به آنها ختم نخواهد شد در تاریخ مبارزات جنبش کارگری بی نظیر نیست. امپریالیسم فرتوت و خونخوار آمریکا با پرونده سازی، دسیسه و توطئه، شهود خرید شده، ارباب و تطمیع، فرزندان انقلابی طبقه کارگر "ساکو" و "وانستی" را به پای میز محاکمه کشید و آنها را به جرم اقدامات "تروریستی" ولی در حقیقت به خاطر عقاید سیاسی برای عبرت همه انقلابیون به اعدام محکوم کرد ولی غافل از اینکه نهضت انقلابی طبقه کارگر تاجر خود را به نیرو تبدیل کرد و در راس نهضت های آزادی بخش ضربات خود را بر پیکر محتضرا امپریالیسم وارد آورد.

انگیزه دیگر این اقدام ارتجاعی دولت امپریالیستی فرانسه، ضربه زدن به جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلق ایران و سرپوش گذاشتن به جنایات رژیم فاشیستی شاه است.

رشد مبارزات خلق ایران هر روز اوج بیش‌تری می‌گیرد و می‌رود تا با سرنگونی رژیم فاشیستی شاه و قطع نفوذ امپریالیسم در ایران، جامعه‌ای آزاد و شکوفان بنا کند، همچنین تشدید ترور فاشیستی، حامیان امپریالیستی رژیم منفور شاه را بر آن داشته است که به خاطر حفظ منافع خود در ایران و منطقه، منافی که توسط این رژیم خائن شاه حفظ و نگهداری می‌شود، تهاجم جدیدی جهت سرکوب جنبش دانشجویی در خارج از کشور آغاز نمایند. جنبش دانشجویان ایرانی در خارج از کشور در این موقعیت که جنبش خلق هر روز اوج می‌گیرد و ترور فاشیستی در ایران بیداد می‌کند، می‌تواند به بهترین وجهی با تبلیغ مبارزات خلق جبهه وسیع همبستگی جهانی با مبارزات رهایی بخش خلق ایران به وجود آورد و با افشای ترور فاشیستی شاه جنبش اعتراضی وسیعی علیه رژیم شاه در سطح جهانی به وجود آورد. بنابراین اقدام دولت فرانسه - ساواک برای جلوگیری از ایجاد جبهه وسیع همبستگی جهانی با خلق ایران و باز گزاردن دست شاه جلاد در ترور و خفقان فاشیستی هر چه بیش‌تر علیه خلق دلیر ایران است.

حملات اخیر وحشیانه پلیس فاشیستی فرانسه ماهیتا علیه افراد معینی نیست، گروه خاصی را منظور ندارد، لیه این حمله متوجه همه نیروهای مترقی ایرانی است. رفقای ما در فرانسه قربانیان فعلی این برنامه دقیق‌اند. زمینه‌سازی تبلیغاتی برای معرفی کنفدراسیون به عنوان سازمانی "تروریستی" تدارک زمینه مساعد برای حمله به کل جنبش دانشجویی است.

تجربه المپیک مونیخ و سرکوب سازمان‌های کارگری و دانشجویی فلسطینی در زیر تبلیغات گوش‌خراش مبارزه علیه "تروریسم" از طرف امپریالیسم آلمان با تمام حدت امروز در مقابل چشمان ما خودنمایی می‌کند. ما این تجربه را به خاطر داریم و واقفیم که برای مبارزه با چنین تهاجمی، برای مقابله با حمله فاشیست‌ها مانند آنروز، هیچ راه دیگری جز همبستگی و یک‌پارچگی، جز غلبه بر حساب‌های کاسب‌کارانه موجود نیست. هیچ اقدام منفرد نمی‌تواند سد سکوت را بشکند و افکار عمومی را برای دفاع از رفقای زندانی ما و درهم شکستن توطئه بسیج کند. ما در این مبارزه تنها نیستیم و پیروز می‌شویم، زیرا از خلق الهام می‌گیریم، بر توده دانشجوی تکیه داریم و افکار عمومی جهان را حامی خود می‌دانیم و رشته‌های مشترک پلیس فرانسه - ایران را پنبه خواهیم کرد.

هئیت دبیران فدراسیون آلمان با توجه به اهمیت مسئله و ابعاد توطئه در شرف تشکیل معتقد است که باید کلیه میهن‌پرستان ایرانی را بسیج کرده و متقابلاً به تعرض همه جانبه دست زد و کلیه موانع را در این پیکار از سر راه زدود. لذا ما از همه ایرانیان میهن‌پرست، توده‌های دانشجویی دعوت می‌کنیم از آکسیون‌های کنفدراسیون جهانی به دفاع برخیزند، با تمام نیرو از آن دفاع کرده و کمک‌های مادی و معنوی خود به ما یاری رسانند.

در پشتیبانی از جنبش دانشجویی و مبارزه علیه رژیم و امپریالیسم در راه درهم شکستن توطئه شاه و امپریالیسم فرانسه به پا خیزید و برای تحقق خواست‌های زیر مبارزه کنید:

- آزادی فوری رفقای زندانی در فرانسه نادر اسکوئی؛ محمدرضا تکبیری.
- لغو احکام اخراج رفقا کاظم کردوانی، پروانه طهماسبی، بهروز عارفی و فیروز صدارت و اجازه اقامت مجدد آنها در فرانسه.
- پایان دادن به پیگردهای پلیس فرانسه و رفع تضییق از دانشجویان ضدفاشیست ایرانی.

سرنگون باد رژیم فاشیستی و دست‌نشانده شاه

مرگ بر امپریالیسم، فاشیسم و ارتجاع

مرگ بر امپریالیسم فرانسه

پیروز باد مبارزات دمکراتیک و ضدامپریالیستی خلق ایران

زنده باد جنبش دانشجویی ایران

اتحاد مبارزه پیروزی

هئیت دبیران فدراسیون آلمان

"۱۹۷۶/۱۱/۱۱"

سند شماره ۳۰ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (امتناع جبهه ملی ایران در دفاع از حقوق دموکراتیک و تحت پیگردان سیاسی مخالفش بر مبنای ایدئولوژیک)

بخشنامه به کلیه واحدها برای قرائت در جلسه عمومی دارمشتات ۷۶/۱۱/۱۱

بخشنامه به کلیه واحدها برای قرائت در جلسه عمومی دارمشتات ۷۶/۱۱/۱۱

رفقا،

پیرو فراخوان هیئت دبیران آلمان علیه اقدامات ارتجاعی امپریالیسم فرانسه ارسال میگردد.

با توجه با اهمیت حوادثی که اتفاق افتاده، با توجه باین مسأله که حمله دولت امپریالیستی فرانسه و سازمان امنیت شاه در حقیقت علیه این یا آن بخش از نیروی اپوزیسیون مترقی ایرانی در فرانسه نیست، بلکه توطئه‌ای جهت ضربه زدن به مبارزات بحق دانشجویان در خارج از کشور علیه رژیم منفور شاه و اربابان امپریالیستیش میباشد، از این رو لازم است با تمام قوا برای درهم شکستن این توطئه و نجات جان رفقای زندانی و بازگرداندن رفقای اخراجی از فرانسه مبارزه کنیم.

هیئت دبیران بر این عقیده است که برای پیشبرد مبارزه متحد و عمیقاً ضد امپریالیستی جنبش دانشجویی ایران زمان ازما بیش بزرگ فرا رسیده است. زمان آن رسیده است که با وجود اختلافات، متحداً بپا خواسته و با رجحان دادن منافع خلق و جنبش دانشجویی بر منافع گروهی در بسیج هرچه بیشتر برای شرکت در اکسیونهای اعتراضی کوشید. هیئت دبیران فدراسیون با در نظر گرفتن عمق این تهاجم میگوید تا زمینه همکاری و یا لااقل هماهنگی کردن اکسیونهای مربوطه را فراهم آورد.

روشن است که در این میان آن بینش ارتجاعی که بریدن نهائی از جنبش را در سمینار ماینس قطریّت داد، مورد نظر نیست. متأسفانه از همان گام نخست، انشعابگرانی که بنام کفدراسیون دل خوش کرده و از این راه سودا میکنند، بمناسبت دید تنگ خود و عدم درک عمق حمله ارتجاع از هرگونه اقدامی که بتواند زمینه اکسیونهای وسیع و دامنه دار را فراهم سازد خودداری کردند. آنها که خود را وارث نام کفدراسیون میدانند و بساطت از این زاویه میگردند بجای اقدام در جهت بسط مبارزات در این مورد مشخص کوشش کردند تا با مشروط ساختن قبول مرکزیت خود، کوششهای در این مورد را عقیم گذارده بجای پاسخ به حمله ارتجاع و امپریالیسم آنرا ابزاری برای ارشیه طلبی خود قرار دهند. اما کفدراسیون نام نیست، نابالو نیست و متعلق بگروه خاصی نمیتواند. کفدراسیون شمره مبارزات توده دانشجوی است، محتوی و بیانگر مبارزه علیه امپریالیسم و رژیم دست نشانده آن شاه است.

هیئت دبیران کوشش خواهند کرد تا مبارزه علیه این توطئه مشترک امپریالیسم فرانسه و رژیم شاه را هرچه گسترده تر و با حمایت کلیه دانشجویان مبارزی که تنها دفاع از منافع والای خلق را وجه همت خود قرار داده‌اند به پیش ببرند. در این رابطه واحد ها موظفند:

- ۱- تلگرافی اعتراضی به وزیر داخله فرانسه ارسال دارند و رونوشتی از آنرا برای وزارت دادگستری و فدراسیون آلمان بفرستند. خواستهای ما در این تلگراف اعتراضی به دستگیری رفقای ماست. ما خواست آزادی فوری رفقا و لغو احکام اخراج سایر رفقای اخراجی خواهیم شد و میخواهیم تا دولت فرانسه از دانشجویان ایرانی رفع تضییق بعمل آورد.
- ۲- برگزاری میتینگ و یا تظاهرات اعتراضی در مقابل نمایندگیهای دولتی فرهنگی... فرانسه و اعزام هیئت های نمایندگی... به نمایندگی های دولتی و فرهنگی... فرانسه و اعلام خواسته های ما همراه با اعتراض.
- ۳- پخش وسیع اعلامیه های فارسی در بین ایرانیان و بسیج آنها برای شرکت در تظاهرات مرکزی که زمان آن بعد اعلام خواهد شد و همچنین دیگر اکسیونهای اعتراضی.
- ۴- پخش اعلامیه در بین آلمانیها و بسیج افکار عمومی در این زمینه.
- ۵- با ایست اعضاء ضمیمه بجمع آوری اعضاء در شهر و مزار و ارسال نسخه های آنها برای وزارت داخله فرانسه، دادگستری فرانسه و دبیران فدراسیون آلمان.
- ۶- گزارش فوری اقدامات انجام شده توسط تلفن و تماس مرتب با دبیران فدراسیون آلمان شماره تلفن ۰۶۱۵۱-۱۶۲ ۵۱۷.

خواسته های ما عبارتند از:

- ۱- آزادی فوری رفقای زندانی در فرانسه (نادر اسکوتی، محمد رضا تکیبوری)
- ۲- لغو احکام اخراج رفقا کاظم کردوانی، پروانه پور طهماسبی، بهروز عارفی و فیروز صدارت و اجازه اقامت مجدد آنها در فرانسه
- ۳- پایان دادن به پیگردان های پلیس فرانسه و رفع تضییق از دانشجویان ضد فاشیست ایرانی.

هیئت دبیران فدراسیون

سند شماره ۳۰ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (امتناع جبهه ملی ایران در دفاع از حقوق دموکراتیک و تحت پیگردان سیاسی مخالفش بر مبنای ایدئولوژیک)

"بخشنامه به کلیه واحدها

برای قرائت در جلسه عمومی

دارمشتات ۷۶/۱۱/۱۱

رفقا،

پیرو فراخوان هیئت دبیران آلمان علیه اقدامات ارتجاعی امپریالیسم فرانسه ارسال می‌گردد.

با توجه به اهمیت حوادثی که اتفاق افتاده، با توجه به این مسئله که حمله دولت امپریالیستی فرانسه و سازمان "امنیت" شاه در حقیقت علیه این یا آن بخش از نیروی اپوزیسیون مترقی ایرانی در فرانسه نیست، بلکه توطئه‌ای جهت ضربه زدن به مبارزات به حق دانشجویان در خارج از کشور علیه رژیم منقر شاه و اربابان امپریالیستش می‌باشد، از این رو لازم است با تمام قوا برای درهم شکستن این توطئه و نجات جان رفقای زندانی و بازگرداندن رفقای اخراجی از فرانسه مبارزه کنیم.

هیئت دبیران بر این عقیده است که برای پیشبرد مبارزه متحد و عمیقاً ضدامپریالیستی جنبش دانشجویی ایران زمان آزمایش بزرگ فرا رسیده است. زمان آن رسیده است که با وجود اختلافات، متحداً به پا خاسته و با رجحان دادن منافع خلق و جنبش دانشجویی بر منافع گروهی در بسیج هر چه بیش‌تر برای شرکت در آکسیون‌های اعتراضی کوشید. هیئت دبیران فدراسیون با در نظر گرفتن عمق این تهاجم می‌کوشد تا زمینه همکاری و یا لاقلاً هماهنگ کردن آکسیون‌های مربوطه را فراهم آورد.

روشن است که در این میان آن بینش ارتجاعی که بریدن نهایی از جنبش را در سمینار ماینس قطعیت داد، مورد نظر نیست. متأسفانه از همان گام نخست، انشعاب‌گرانی که به نام کنفدراسیون دل خوش کرده و از این راه سودا می‌کنند، به مناسبت دید تنگ خود و عدم درک عمق حمله ارتجاع از هر گونه اقدامی که بتواند زمینه آکسیون‌های وسیع و دامنه دار را فراهم سازد خودداری کردند. آنها که خود را وارث نام کنفدراسیون می‌دانند و به مسائل از این زاویه می‌نگرند به جای اقدام در جهت بسط مبارزات در این مورد مشخص کوشش کردند تا با مشروط ساختن قبول مرکزیت خود، کوشش‌های در این مورد را عقیم گذارده به جای پاسخ به حمله ارتجاع و امپریالیسم آنرا ابزاری برای ارثیه‌طلبی خود قرار دهند. اما کنفدراسیون نام نیست، تابلو نیست و متعلق به گروه خاصی نمی‌باشد. کنفدراسیون ثمره مبارزات توده دانشجویی است، محتوی و بیانگر مبارزه علیه امپریالیسم و رژیم دست‌نشانده آن شاه است.

هیئت دبیران کوشش خواهند کرد تا مبارزه علیه این توطئه مشترک امپریالیسم فرانسه و رژیم شاه را هرچه گسترده‌تر و با حمایت کلیه دانشجویان مبارزی که تنها دفاع از منافع والای خلق را وجه همت خود قرار داده‌اند به پیش ببرند. در این رابطه واحدها موظفند:

۱- تلگرافی اعتراضی به وزیر داخله فرانسه ارسال دارند و رونوشت‌هایی از آنرا برای وزارت دادگستری و فدراسیون آلمان بفرستند. خواست‌های ما در این تلگراف اعتراض به دستگیری رفقای ماست. ما خواست[ار] آزادی فوری رفقا و لغو احکام اخراج سایر رفقای اخراجی خواهیم شد و می‌خواهیم تا دولت فرانسه از دانشجویان ایرانی رفع تضییق به عمل آورد.

۲- برگزاری میتینگ و یا تظاهرات اعتراضی در مقابل نمایندگی‌های دولتی، فرهنگی ... فرانسه و اعزام هیئت‌های نمایندگی ... به نمایندگی‌های دولتی و فرهنگی ... فرانسه و اعلام خواسته‌های ما همراه با اعتراض.

۳- پخش وسیع اعلامیه‌های فارسی در بین ایرانیان و بسیج آنها برای شرکت در تظاهرات مرکزی که زمان آن بعداً اعلام خواهد شد و همچنین دیگر آکسیون‌های اعتراضی.

۴- پخش اعلامیه در بین آلمانی‌ها و بسیج افکار عمومی در این زمینه.

۵- با لیست امضاء ضمیمه به جمع‌آوری امضاء در شهر و منزا و ارسال نسخه‌های آنها برای وزارت داخله فرانسه، دادگستری فرانسه و دبیران فدراسیون آلمان.

۶- گزارش فوری اقدامات انجام شده توسط تلفن و تماس مرتب با دبیران فدراسیون آلمان شماره تلفن ۱۶۲۵۱۷-۰۶۱۵۱-خواست‌های ما عبارتند از :

۱- آزادی فوری رفقای زندانی در فرانسه (نادر اسکوتی، محمدرضا تکبیری).

۲- لغو احکام اخراج رفقا کاظم کردوانی، پروانه پورطهماسبی، بهروز عارفی و فیروز صدارت و اجازه اقامت مجدد آنها در فرانسه.

۳- پایان دادن به پیگردهای پلیس فرانسه و رفع تضییق از دانشجویان ضدفاشیست ایرانی.

هیئت دبیران فدراسیون"

سند شماره ۳۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (امتناع جبهه ملی ایران در دفاع از حقوق دموکراتیک و تحت پیگردان سیاسی مخالفش بر مبنای ایدئولوژیک)

اضهاریه هیات دبیران فدراسیون آلمان

اظہاریمہ هیات دبیران فدراسیون آلمان

ایمپراتور آلمان، مینن پرست

وختشای دانشجو

شماره با توطئه امپریالیسم - شاه ضربه رفتی ما در فرانسه و ادعای واهی آنها مبنی بر شرکت رفقا اسکوتی و تکپری در سوئد علیه یکی از فعال سازمان امنیت کارزار تبلیغاتی محمد رضا شاه در روزنامه های جبهه خوارش با ابعاد بسیار وسیعی آغاز گشته است. بهمانطور که انتظار میرفت و میباید صحت اصلی تبلیغات رژیم خورده شاه علیه کفد راسیون جهانی بهمانه تنها سازمان متشکل دانشجویان در خارج از کشور است. کارگزاران رژیم سعی وافر دارند در سلسله مقالات خود کفد راسیون را بهمانه سازمانی "تروریستی" در انتظار جهانیان وانمود کرده و به تبلیغات امپریالیستیهای اروپایی و آمریکایی شباهتی چاشنی لازم را بدهند. در مطبوعات رژیم سخن از "هنگاری و ایرانی با شبکه کارلوس" میروند. رژیم تروریستی محمد رضا شاه بد تشبیح اقدامات پلیس کشورهای امپریالیستی پرداخته و تفسیفات آنها را مورد تأیید قرار میدهد و متذکر میشود که این اعمال کاملاً مورد رضایت دولت ایران است. شاه میخواهد ترور فاشیستی خویش را از طریق مناسبات دیپلماتیک به سطح خارج نیز بسط دهد. اقدامات پلیس فرانسه عدم پذیرش رفتن اخراجی از فرانسه توسط پلیس آلمان عدم تصدیق اجازه اقامت برخی از اعضای کفد راسیون در آلمان، دستگیری ۹ نفر از رفقا در امریکا و اتهام "کشتن برای قتل پلیس" به چهار نفر از آنان و درخواست حدود ۲۰۰ هزار دلار ضمانت برای آزادی آنها، حاکی از حمله همه جانبه ای علیه کل جنبش دانشجویی است. فدراسیون آلمان با توجه به ابعاد وسیع این حمله و با توجه به واقعیت که تهاجم ارتجاع علیه بخش معینی تدارک نیافته بلکه مجریه واحدی را بزرگترین میگرد بر آن شد تا بخواست توده دانشجوی برای مقابله با هماغه در مقابل این حمله مزورانه پاسخ مثبت دهد. هیچ قدر وند، تشکیلاتی و حسابگرهای کوتاه نظرانه نمیتوانست از این حرکت صحیح و مبارزه جوانان فدراسیون آلمان جلو گیرد. میبایست در تحت لوای کفد راسیون جهانی که تنها نام نیست بلکه توره مبارزه همه توده های دانشجویی ایران عرضه کرد. فدراسیون آلمان موافق و به مقاومت هماغه دست زد و نمایش عظیمی از قدرت توده های متشکل دانشجویی ایران عرضه کرد. فدراسیون آلمان موافق بود که با ایجاد یک کمیته اجرایی مشترک با شرکت همه نیروهای که خواست مبارزه موثر علیه این توطئه را دارند، کمیته فعالیتهای در این زمینه شادانگ شده و در مجرای واحدی قرار داده شوند. این دوربینی سیاسی که بهترین انقلابی محتاج بود و از تحلیل ارتجاع تشکیلاتی، نشانگر حرکت با مدعی از گروه تا لایح سیاسی و ناپذیرانی گریزی مواجبه شد. انشعابگران پهنای کشتن برای ایجاد هماغه تشکیلاتی لازم در مقابل تهاجم فاشیستی ارتجاع اقدامات مشترک را مشروط به قبول مرکزیت خود با ذکر شماره صندوق پستی فرانکفورت نمیدند. تا در بین نیروهای خارجی توهین برای "سرکردگی" پلانزار آنها بوجود نیاید. آنها باین تصورند که کسب رهبری در مبارزه سیاسی با قرارهای قبلی تعیین شده میسر است و فاقد این هوشتیاری اند که رهبری سیاسی ناشی از تحلیل دقیق اوضاع، طرح شمارهای موعود در دست گرفتن ابتکار عمل است. باید اهمیت سیاسی استراتژیک این اقدام را متجید و نه در حیطه ضایع لحظاتی غرق شد.

ارتجاع ایران و فرانسه رفتن دستگیر و اخراج شده در فرانسه را بخاطر مبارزه علیه رژیم شاه و عضویت در کفد راسیون مورد حمله و هجوم قرار میدهند و بخشی از اختلافات درون کفد راسیون آگاهی دارند. مرکزیت فرانکفورت بجای مقابله با توطئه شاه - امپریالیسم از اطلاعاتی که "اعضای کفد راسیون" باین شش رقیب خود ابروی کرده و خود را بنحوی از آنها جدا میکنند. تنها کاسیکاران سیاسی فاقد این درکند که در لحظه کنونی باید اتفاقاً از این رفقا بنام اعضای کفد راسیون بدفاع برخاست و بدام توطئه های رژیم محمد رضا شاه درختقتید. رژیم میخواهد با این مانور خود دعوا را بر سر ارت و میراث کفد راسیون کشاید و بخشهای مختلف را بر سر تصمیم ارت بیان یکدیگر بیاندازد و بدین ترتیب از شدت مبارزه آنها بکاسته و توطئه خود را بدین مدغمه پیش ببرد. از آنجا که این توطئه علیه کفد راسیون جهانی در مجبوع خود است و بخش معینی را منظورند ارد کشیدن هرگونه خط فاعل در لحظه کنونی تضعیف جنبش همیشگی برای دفاع از کفد راسیون و همه اعضای آن در مجروح از جمله شش رقیب نامبرده است. این کوتاه بینی "مرکزیت فرانکفورت" اولین شره خود را نیز ببار آورد. مثلاً در هیدلبرگ چند نیروی بی تجربه و با چهره نظیر MSB-Spartakus و غیره در جلسه مجمع عمومی دانشجویان که با شرکت حدود ۲۰۰ نفر تشکیل شد از طرح قطعنامه فدراسیون آلمان در دفاع از شش تن از اعضای کفد راسیون جلو گیری کردند. استدلال این ده که انگیزه سیاسی شان معلوم است چنین بود که این شش تن عضو کفد راسیون جهانی نبوده و حمله امپریالیسم فرانسه علیه کفد راسیون جهانی نیست. آنها برای قزت بخشیدن به "استدلال" خود بیانییه مطلوباتی "کفد راسیون فرانکفورت" را بهیاری میطلبیدند که در آن از این شش رقیب بعنوان اعضای کفد راسیون نامبرده نشده است. آنها فدراسیون را متهم میکردند

که قصد دارد شش "ماتویست" را به کنفدراسیون بچسباند و زمانیکه پیشنهاد شد تا جلسه بعنوان ضد فاشیست از شش رفیق دفاع کند پیردها را انداختند و اظهار داشتند که "از کجا معلوم که آنها تروریست نباشند چون در غیر اینصورت کنفدراسیون خود را از آنها جدا نمیکرد". این اقدامات انشعابگران بار دیگر نشان میدهند که چگونه میتوان اقدامات همبستگی را تضعیف کرد و راه را برای دسیسه‌های دشمن هموار ساخت.

ایرانیان میهن پرست رفقای دانشجوی

در اینجای روی سخن ما با "رهبرانی" نیست که صندوق پستی، تیر اعلامیه‌ها، سحر و دفترخانه خود را وسیله تشخیص خود قرار داده و آنچه‌شان بدان دل خوش کرده و بر سر آن آسوده خفته‌اند که تنها شهیخون پلیس فاشیست برایشان نوبت ادوین بعد از مرگ سهراب خواهد بود. روی سخن ما با تمام مبارزین صادق است که میرا از تمام قید و بند های گروهی ضرورت زمان کنونی را حس کرده و بهیازده ای متحد برای مقابله با تهاجم فاشیستی ایران دارند. در چنین شرایطی با الهام از این ایمان راستین و انقلابی باید به اقدامی هماهنگ دست زد.

کنفدراسیون آلمان از همه دعوت میکند تنها با این اعتقاد در تظاهرات مرکزی برای دفاع از جان رفقای دستگیر شده، برای مبارزه علیه دسیسه ضد کنفدراسیون، بخاطر بازگشت مجدد رفقای ما به فرانسه و رفع تبعیضات دولت فرانسه از رفقای ما در زیر پرچم روزنه کنفدراسیون جهانی برای دفاع قاطع از موجودیت کنفدراسیونی که ضافع والای خلق را در سرلوحه مبارزات خود علیه رژیم فاشیستی و دست نشانده شاه و امپریالیستها قرار داده گرد آورده و بار دیگر با ثبات برسانند که کنفدراسیون نام نیست، دفتر و قلم و کاغذ نیست بلکه محصول مبارزات آتشی ناپدید شده های دانشجویی است و از جانب آنان چون مردی که چشم حفظ و حراست خواهد شد.

مرگ پر رژیم فاشیستی محمد رضا شاه و دسیسه های
امپریالیستها

روزنه یاد کنفدراسیون روزنه دانشجویان

متحد! توپک های شاه - امپریالیسم علیه جنبش
دانشجویی را در هم شکستیم

روزنه یاد مبارزات خلق ایران علیه رژیم دست نشانده
شاه این سگ زنجیری امپریالیسم آمریکا

استعداد مبارزه پیروزی

هیئت دبیران کنفدراسیون آلمان

۱۹۷۶/۱۱/۱۷

سند شماره ۳۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (امتناع جبهه ملی ایران در دفاع از حقوق دموکراتیک و تحت پیگردان سیاسی مخالفش بر مبنای ایدئولوژیک)

"اظهاریه هیات دبیران فدراسیون آلمان

ایرانیان میهن پرست

رفقای دانشجو

همراه با توطئه امپریالیسم- شاه علیه رفقای ما در فرانسه و ادعای واهی آنها مبنی بر شرکت رفقا اسکوتی و تکبیری در سوءقصد علیه یکی از عمال سازمان امنیت کارزار تبلیغاتی محمدرضاشاه در روزنامه‌های جیره‌خوارش با ابعاد بسیار وسیعی آغاز گشته است. همان‌طور که انتظار میرفت و می‌رود سمت اصلی تبلیغات رژیم زخم‌خورده شاه علیه کنفدراسیون جهانی به مثابه تنها سازمان متشکل دانشجویان در خارج از کشور است. کارگزاران رژیم سعی وافر دارند در سلسله مقالات خود کنفدراسیون را به مثابه سازمانی "تروریستی" در انظار جهانیان وانمود کرده و به تبلیغات امپریالیتهای اروپائی و آمریکائی شمالی چاشنی لازم را بدهند. در مطبوعات رژیم سخن از "همکاری ۹ ایرانی با شبکه کارلوس" می‌رود. رژیم تروریستی محمدرضاشاه به تشجیع اقدامات پلیس کشورهای امپریالیستی پرداخته و تزیینات آنها را مورد تأیید قرار می‌دهد و متذکر می‌شود که این اعمال کاملاً مورد رضایت دولت ایران است. شاه می‌خواهد ترور فاشیستی خویش را از طریق مناسبات دیپلماتیک به سطح خارج نیز بسط دهد.

اقدامات پلیس فرانسه عدم پذیرش رفقای اخراجی از فرانسه توسط پلیس آلمان عدم تمدید اجازه اقامت برخی از اعضای کنفدراسیون در آلمان، دستگیری ۹۹ نفر از رفقا در آمریکا و اتهام "کوشش برای قتل پلیس" به چهار نفر از آنان و درخواست حدود ۲۰۰ هزار دلار ضمانت برای آزادی آنها، حاکی از حمله همه جانبه‌ای علیه کل جنبش دانشجویی است. فدراسیون آلمان با توجه به ابعاد وسیع این حمله و با توجه به این واقعیت که تهاجم ارتجاع علیه بخش معینی تدارک نیافته، بلکه مجموعه واحدی را به زیر ضربه می‌گیرد، بر آن شد تا به خواست توده دانشجو برای مقابله‌ی هماهنگ در مقابل این حمله مزورانه پاسخ مثبت دهد. هیچ قید و بند تشکیلاتی و حساب‌گری‌های کوتاه‌نظرانه نمی‌توانست از این حرکت صحیح و مبارزه‌جویانه فدراسیون آلمان جلوگیری کند.

می‌بایست در تحت لوای کنفدراسیون جهانی که تنها نام نیست، بلکه ثمره مبارزه همه توده‌های دانشجویی است به پا خاست و به مقاومت هماهنگ دست زد و نمایش عظیمی از قدرت توده‌های متشکل دانشجویی ایرانی عرضه کرد. فدراسیون آلمان موافق بود که با ایجاد یک کمیته اجرایی مشترک با شرکت همه نیروهای که خواست مبارزه موثر علیه این توطئه را دارند کلیه فعالیت‌ها در این زمینه هماهنگ شده و در مجرای واحدی قرار داده شوند. این دوربینی سیاسی که به نرمش انقلابی محتاج بود و از تحلیل اوضاع مشخص کنونی منشاء می‌گرفت با سدی از کوتاه‌نظری سیاسی و ناپینائی گروهی مواجه شد. انشعاب‌گران به جای کوشش برای ایجاد هماهنگی لازم در قبال تهاجم فاشیستی ارتجاع اقدامات مشترک را مشروط به قبول مرکزیت خود یا ذکر شماره صندوق پستی فرانکفورت نمودند. تا در بین نیروهای خارجی تهمی برای "سرکردگی" بلامنازع آنها به وجود نیاید. آنها به این تصورند که کسب رهبری در مبارزه سیاسی با قرارهای قبلی تعیین‌شده میسر است و فاقد این هوشیاری‌اند که رهبری سیاسی ناشی از تحلیل دقیق اوضاع، طرح شعارهای به موقع در دست‌گرفتن ابتکار عمل است. باید اهمیت سیاسی استراتژیک این اقدام را سنجید و نه در حیطه منافع لحظه‌ای غرق شد.

ارتجاع ایران و فرانسه رفقای دستگیر و اخراج شده در فرانسه را به خاطر مبارزه علیه رژیم شاه و عضویت در کنفدراسیون مورد حمله و هجوم قرار می‌دهند و به خوبی از اختلافات درون کنفدراسیون آگاهی دارند. مرکزیت فرانکفورت به جای مقابله با توطئه شاه- امپریالیسم از اطلاق کلمه "اعضای کنفدراسیون" به این شش رفیق خودداری کرده و خود را به نحوی از آنها جدا می‌نماید. تنها کاسب‌کاران سیاسی فاقد این درکند که در لحظه کنونی باید اتفاقاً از این رفقا به نام اعضای کنفدراسیون به دفاع برخاست و به دام توطئه‌های رژیم محمدرضاشاه در نعلتید. رژیم می‌خواهد با این مانور خود دعوا را بر سر ارث و میراث کنفدراسیون کشانیده و بخش‌های مختلف را بر سر تقسیم ارث به جان یک‌دیگر بیاندازد و بدین ترتیب از شدت مبارزه آنها کاسته و توطئه خود را بدون دغدغه به پیش ببرد. از آنجا که این توطئه علیه کنفدراسیون جهانی در مجموع خود است و بخش معینی را منظور ندارد، کشیدن هر گونه خط فاصل در لحظه کنونی تضعیف جنبش همبستگی برای دفاع از کنفدراسیون و همه اعضای آن در مجموع از جمله شش رفیق نامبرده است. این کوتاه بینی "مرکزیت فرانکفورت" اولین ثمره خود را نیز به بار آورد. مثلاً در هیدلبرگ چند نیروی بی‌چهره و با چهره نظیر MSB-Spartakus و غیره در جلسه مجمع عمومی دانشجویان که با شرکت حدود ۲۰۰۰ نفر تشکیل شد از طرح قطعنامه فدراسیون آلمان در دفاع از شش تن از اعضای کنفدراسیون جلوگیری کردند. استدلال این عده که انگیزه سیاسی‌شان معلوم است چنین بود که این شش تن عضو کنفدراسیون جهانی نبوده و حمله امپریالیسم فرانسه علیه کنفدراسیون جهانی نیست. آنها برای قوت‌بخشیدن به "استدلال" خود بیانیه مطبوعاتی "کنفدراسیون فرانکفورت" را به یاری می‌طلبیدند که در آن از این شش رفیق به عنوان اعضای کنفدراسیون نامبرده نشده است. آنها فدراسیون را متهم می‌کردند که قصد دارد شش "مائوئیست" را به کنفدراسیون بچسباند و زمانی که پیشنهاد شد تا جلسه به عنوان ضدفاشیست از شش رفیق دفاع کند پرده‌ها را انداختند و اظهار داشتند که "از کجا معلوم که آنها تروریست نباشند چون در غیر اینصورت کنفدراسیون خود را از آنها جدا نمی‌نمود". این اقدامات انشعاب‌گران بار دیگر نشان می‌دهد که چگونه می‌توان اقدامات همبستگی را تضعیف کرد و راه را برای دسیسه‌های دشمن هموار ساخت.

ایرانیان میهن پرست رفقای دانشجو

در اینجا روی سخن ما با "رهبرانی" نیست که صندوق پستی تیترا اعلامیه‌ها، مهر و دفترخانه خود را وسیله تشخیص خود قرار داده و آنچنان بدان دل خوش کرده و بر سر آن آسوده خفته‌اند که تنها شیخون پلیس فاشیستی، برایشان نوش دارویی بعد از مرگ سهراب خواهد بود. روی سخن ما با تمام مبارزین صادقی است که میرا از تمام قید و بندهای گروهی ضرورت زمان کنونی را حس کرده و به مبارزه‌ای متحد برای مقابله با تهاجم فاشیستی ایمان دارند. در چنین شرایطی با الهام از این ایمان راستین و انقلابی باید به اقدامی هماهنگ دست زد.

فدراسیون آلمان از همه دعوت می‌کند تنها با این اعتقاد در تظاهرات مرکزی برای دفاع از جان رفقای دستگیرشده، برای مبارزه علیه دسیسه ضدکنفدراسیون، به خاطر بازگشت مجدد رفقای ما به فرانسه و رفع تضییقات دولت فرانسه از رفقای ما در زیر پرچم رزمندگان کنفدراسیون جهانی برای دفاع قاطع از موجودیت کنفدراسیونی که منافع والای خلق را در سرلوحه مبارزات خود علیه رژیم فاشیستی و دست‌نشانده شاه و امپریالیست‌ها قرار داده گرد آیند و بار دیگر به اثبات برسانند که کنفدراسیون نام نیست، دفتر و قلم و کاغذ نیست، بلکه محصول مبارزات آشتی ناپذیر همه توده‌های دانشجویی است و از جانب آنان چون مردمک چشم حفظ و حراست خواهد شد.

مرگ بر رژیم فاشیستی محمدرضاشاه و دسیسه‌های امپریالیست‌ها

زنده باد کنفدراسیون رزمندگان دانشجویان

متحدا توطئه‌های شاه - امپریالیسم علیه جنبش دانشجویی رادرم شکنیم

زنده باد مبارزات خلق ایران علیه رژیم دست‌نشانده شاه این سگ

زنجیری

امپریالیسم آمریکا

اتحاد

مبارزه

پیروزی

هئیت دبیران فدراسیون آلمان

"۱۹۷۶/۱۱/۱۷"

سند شماره ۳۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (اعدام محکومان در حال فرار و سوءاستفاده مسئولان موقت از خون شهیدان)

اطلاعیه

اطلاعیه

اخیراً در یکی از روزنامه‌های سیاسی خارج از کشور مطالبی علیه مبارزات کنفدراسیون جهانی بچاپ رسیده است که ما لازم می‌دانیم مواضع خود را در قبال این مطلب و شیوه‌هایی از این قبیل ابراز داریم. لازم بتذکر است که کنفدراسیون جهانی مرکز در مورد سازمانهای خارج از کشور - مگر زمانی که از طرف آنها مورد حمله و تخطئه مستقیم قرار گرفته است - اعلام موضع نکرده است و به ارزیابی از کار و فعالیت سیاسی این سازمانها نیپردارد. این اصلی است که ما همواره از آن پاسداری کردیم. اما زمانی که سازمانی سیاسی در خارج از کنفدراسیون نسبت به فعالیتهای کنفدراسیون اظهار نظری نه منقدانه بلکه خصمانه میکند - حمله به سازمان رزنده ما را آغاز مینماید و تهمت و شایعه و دروغ در مورد کنفدراسیون جهانی منتشر میسازد - نمیتوانیم در مقابل این حملات و تهمتها ساکت بمانیم. برخورد صریح - روشن و درست کنفدراسیون جهانی به حملات و لجن پراکشیهای کمیته مرکزی حزب توده - به ورق پاره‌های رذیانه و ارتجاعی نظایر "ما و کنفدراسیون" میبایست درس عبرتی برای همه کسانی که حمله به کنفدراسیون جهانی و مبارزات بحق آنها پیشه خود ساخته‌اند قرار گیرد. عذرم برخورد به موضوع گریها و فعالیتهای سازمانهای سیاسی خارج از کشور زمانی صحیح و اصولی است که این سازمانها نیز مورد کنفدراسیون جهانی به پخش دروغ و شایعه دست‌نزد و به تخطئه مبارزات ما تیردازند.

روزنامه "توفان" در شماره ۹۳ - دوره سوم در مقاله "درد به فرزندان که جان تسلیم کردند و تسلیم نشدند" در مورد سازمان ما اطلاعاتی قلم‌زده است که اصل حاکم فوق را خدشه دار و مبارزه روشن علیه کنفدراسیون جهانی را اعلام داشته است. این نشریه مینویسد: "... از اینرو دفاع از زندانیان سیاسی از هر طریقی که ممکن باشد وظیفه بزرگ جنبش دانشجویی در خارج از کشور بویژه کنفدراسیون است. تاسفانده رویزیونیستها با فعالیت خرابکارانه ایدی خود در غرب آنچنان وضع کنفدراسیون را در هم ریخته‌اند که امکان هرگونه عمل جدی از آن سلب شده است."

پمپارت دیگر این نشریه در ارتباط با شهادت و تن انقلابی و فعالیتهای دفاعی درخشان کنفدراسیون جهانی معتقد است که کنفدراسیون جهانی امکان عملی جدی ندارد و در نتیجه عملی جدی انجام نداده است.

با این بیان همه مبارزات کنفدراسیون جهانی در ماضیهای اخیر نفی و سازمان ما به بی‌عملی صرف متهم شده است. این نشریه در لافها و بدون ذکر فاکتها "رویزیونیستها و ایدی خرابکار آنها را" گردانندگان کنفدراسیون و نوح کنفدراسیون را "در هم ریخته" اعلام داشته است. این درست آن چیزی است که کمیته مرکزی حزب توده و دشمنان سازمان رزنده ما کنفدراسیون جهانی در تبلیغ آن میکوشند و بارها در نشریات و ابرازات خود آنها بیان داشته‌اند. اینگونه دروغ پردازی و شایعه پراکی روش همه کسانیست که بعنوان مختلف میکوشند از اعتبار جهانی سازمان ما در افکار عمومی بکاهند و در توده‌های دانشجویی بدبینی نسبت به کنفدراسیون جهانی بوجود آورند و آگاهانه آنها را دامن زنند. این شایعه پراکی و دروغ پردازی و زدن اتهام به سازمان رزنده ما بنفع کیست؟ آیا بنفع ارتجاع و دشمنان مبارزات قاطع ضد امپریالیستی و ضد رویزیونیستی کنفدراسیون جهانی نیست؟ آیا کسانی که این چنین به سازمان ما حمله میکنند میتوانند خود را دلسوز جنبش دانشجویی جا بزنند؟ واقعیات مبارزات کنفدراسیون جهانی - مبارزات دفاعی و بالاخص در رابطه با کشتار و انقلابی - این شایعه سازان - دروغ پردازان و دشمنان سازمان رزنده ما را افشا میکند. آکسیون پیروزمنند اشغال سفارت شاه در لندن - مارش بی نظیر میلی رفقای ما در آمریکا - تظاهرات در شهر گن - متینگ پس - تظاهرات لندن - برلن - مونیخ - اعتصابات غذای لندن - وین - هامبورگ و ... بخشی از فعالیتهای درخشان کنفدراسیون جهانی در ارتباط با مبارزات دفاعی است که حتی مطبوعات کشورهای امپریالیستی غرب نتوانستند بر آن سروش بگذارند و مجبور به انعکاس اخبار آن بطور وسیع شدند. ولی طبق نظریه نشریه "توفان" گویا "رویزیونیستها با فعالیت خرابکارانه ایدی خود در غرب آنچنان وضع کنفدراسیون را در هم ریخته‌اند که امکان هرگونه عمل جدی از آن سلب شده است". تهمت بی‌عملی به کنفدراسیون جهانی - فعالیت رویزیونیستها در آن و "رهبری جریانها" تا "در هم ریختن وضع کنفدراسیون" تهمت دشمنان جنبش دانشجویی به کنفدراسیون جهانی است و ما در مقابل این توطئه‌ها و اتهامات و لجن پراکی‌ها سالت نخواهیم ماند.

ما به نشریه "توفان" صریحاً اعلام می‌داریم که حد خود را بشناسد و از حمله به کنفدراسیون جهانی و تخطئه مبارزات آن دست بردارد و سرنوشت کمیته مرکزی حزب توده را از یاد نبرد.

پیروز باد مبارزات بحق کنفدراسیون جهانی
علیه امپریالیسم جهانی و رژیم محمد رضا شاه
مسؤلین موقت کنفدراسیون جهانی

سند شماره ۳۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل بیست و یکم

مندرج در بخش: (اعدام محکومان در حال فرار و سوءاستفاده مسئولان موقت از خون شهیدان)

"فرانکفورت ۱۹۷۵/۷/۳"

جلسات عمومی

اعلامیه

اخیرا در یکی از روزنامه‌های سیاسی خارج از کشور مطالبی علیه مبارزات کنفدراسیون جهانی به چاپ رسیده است که ما لازم می‌دانیم مواضع خود را در قبال این مطلب و شیوه‌هایی از این قبیل ابراز داریم. لازم به ذکر است که کنفدراسیون جهانی هرگز در مورد سازمان‌های سیاسی خارج از کشور، مگر زمانیکه از طرف آنها مورد حمله و تخطئه مستقیم قرار گرفته است، اعلام موضع نکرده است و به ارزیابی از کار و فعالیت سیاسی این سازمان‌ها نمی‌پردازد. این اصلی است که ما همواره از آن پاسداری کرده‌ایم. اما زمانیکه سازمانی سیاسی در خارج از کنفدراسیون نسبت به فعالیت‌های کنفدراسیون اظهار نظری نه منتقدانه، بلکه خصمانه می‌کند و حمله به سازمان رزمنده ما را آغاز می‌نماید و تهمت و شایعه و دروغ در مورد کنفدراسیون جهانی منتشر می‌سازد، نمی‌توانیم در مقابل این حملات و تهمتها ساکت بمانیم. برخورد صریح، روشن و درست کنفدراسیون جهانی به حملات و لجن پراکنی‌های کمیته مرکزی حزب توده، شبیه ورقه پاره‌هایی رذیلانه و ارتجاعی نظیر "ما و کنفدراسیون" می‌بایست درس عبرتی برای همه کسانی که حمله به کنفدراسیون جهانی و مبارزات به حق آنرا پیشه خود ساخته‌اند قرار گیرد. عدم برخورد به موضع‌گیری‌ها و فعالیت‌های سازمان‌های سیاسی خارج از کشور زمانی صحیح و اصولی است که این سازمان‌ها نیز در مورد کنفدراسیون جهانی به پخش دروغ و شایعه دست نزده و به تخطئه مبارزات ما نپردازند.

روزنامه "توفان" در شماره ۹۳- دوره سوم در مقاله "دروغ به فرزندی که جان تسلیم کردند و تسلیم نشدند" در مورد سازمان ما اطلاعاتی قلم زده است که اصل حاکم فوق را خدشه‌دار و مبارزه روشن علیه کنفدراسیون جهانی را اعلام داشته است. این نشریه می‌نویسد: "... از اینرو دفاع از زندانیان سیاسی از هر طریقی که ممکن باشد، وظیفه بزرگ جنبش دانشجویی در خارج از کشور به ویژه کنفدراسیون است. متأسفانه رویزونیست‌ها با فعالیت خرابکارانه ایادی خود در غرب آنچنان وضع کنفدراسیون را درهم ریخته‌اند که امکان هرگونه عمل جدی از آن سلب شده است."

به عبارت دیگر این نشریه در ارتباط با شهادت ۹ انقلابی و فعالیت‌های دفاعی درخشان کنفدراسیون جهانی معتقد است که کنفدراسیون جهانی امکان عملی جدی ندارد و در نتیجه عملی جدی انجام نداده است.

با این بیان همه مبارزات کنفدراسیون جهانی در ماه‌های اخیر نفی و سازمان ما به بی‌عملی صرف متهم شده است. این نشریه در لاف و بدون ذکر فاکت‌ها "رویزونیست‌ها و ایادی خرابکار آنها را" گرداننده کنفدراسیون و موضع کنفدراسیون را "درهم ریخته" اعلام داشته است. این درست آن چیزی است که کمیته مرکزی حزب توده و دشمنان سازمان رزمنده ما کنفدراسیون جهانی در تبلیغ آن می‌کوشند، و بارها در نشریات و ابرازات خود آنرا بیان داشته‌اند. اینگونه دروغ‌پردازی و شایعه‌پراکنی روش همه کسانیست که به عناوین مختلف می‌کوشند از اعتبار جهانی سازمان ما در افکار عمومی بکاهند و در توده‌های دانشجویی بدبینی نسبت به کنفدراسیون جهانی بوجود آورند و آگاهانه آنرا دامن زنند.

این شایعه‌پراکنی و دروغ‌پردازی و زدن اتهام به سازمان رزمنده ما به نفع کیست؟ آیا به نفع ارتجاع و دشمنان مبارزات قاطع ضدامپریالیستی و ضدژیمینی کنفدراسیون جهانی نیست؟ آیا کسانی که این چنین به سازمان ما حمله می‌کنند می‌توانند خود را دلسوز جنبش دانشجویی جا بزنند؟

واقعیات مبارزات کنفدراسیون جهانی، مبارزات دفاعی بالخصوص در رابطه با کشتار ۹ انقلابی، این شایعه‌سازان، دروغ‌پردازان و دشمنان سازمان رزمنده ما را افشا می‌کند. اکسیون پیروزمند اشغال سفارتخانه شاه در لندن، مارش بی‌نظیر ۴۰۰ مایلی رفقای ما در آمریکا، تظاهرات کلن، میتینگ بن، تظاهرات لندن، برلن، مونیخ، اعتصابات غذای لندن، وین، هامبورگ و... بخشی از فعالیت‌های درخشان کنفدراسیون جهانی در ارتباط با مبارزات دفاعی است که حتی مطبوعات کشورهای امپریالیستی غرب نتوانستند بر آن سربوش بگذارند و مجبور به انعکاس اخبار آن بطور وسیع شدند ولی طبق نظر نشریه "توفان" گویا "رویزونیست‌ها با فعالیت خرابکارانه ایادی خود در غرب آنچنان وضع کنفدراسیون را درهم ریخته‌اند که امکان هرگونه عمل جدی از آن سلب شده است". تهمت بی‌عملی به کنفدراسیون جهانی، "فعالیت رویزونیست‌ها در آن" و "رهبری جریان‌ها" تا "درهم ریختن وضع کنفدراسیون"، تهمت دشمنان جنبش دانشجویی به کنفدراسیون جهانی است و ما در مقابل این توطئه‌ها، اتهامات و لجن پراکنی‌ها ساکت نخواهیم ماند.

ما به نشریه "توفان" صریحا اعلام می‌داریم که حد خود را بشناسد و از حمله به کنفدراسیون جهانی و تخطئه مبارزات آن دست بردارد و سرنوشت کمیته مرکزی حزب توده را از یاد نبرد.

پیروزمند با د مبارزات به حق کنفدراسیون جهانی علیه امپریالیسم جهانی و رژیم محمدرضا شاه

مسئولین موقت کنفدراسیون جهانی"

